

تایخ طهران



تألیف عبدالعزیز جواهر کلام
باتقریظ مرحوم علامہ محمد قزوینی
وبا ضمیمہ جدید



۷۱۵۰۰۴

تایخ طهران

تألیف عبدالعزیز جواهر کلام

باتقریظ مرحوم علامه محمد قزوینی

و باضمیمه جدید



کتابخانه تخصصی ایران

نخستین تاریخی که از اوضاع
جغرافی و سیاسی و دینی و
فرهنگی و چگونگی سرگذشت
طبقات رجال نامی طهران از
قرن سوم هجری و پیدایش
نام آن تا عصر حاضر گفتگو
مینماید



✱ تاریخ طهران

✱ عبدالعزیز جواهر کلام

✱ چاپ اول ۱۳۲۵ شمسی چاپ دوم مرداد ۱۳۵۷

✱ انتشارات کتابخانه منوچهری

✱ تعداد ۲۰۰۰

✱ حق چاپ محفوظ

✱ شرکت چاپ افست گلشن

نامه استاد گرامی جناب آقای محمد قزوینی راجع به تاریخ ری و طهران
(دانشمند محترم آقای عبدالعزیز جواهرکلام دامت افاضاته)

۲۲ آبان ۱۳۲۶

دو مجلد از تالیفات سرکار عالی یکی تاریخ ری و دیگری تاریخ طهران تا
اوایل دوره ناصرالدین شاه را که مرحمت فرموده و برای مطالعه اینجانب فرستاده
بودید بدو آنهارا مرور و مطالعه کردم - همان روش و اسلوبی که در سایر تالیفات
سابقه سرکار عالی در صحت و اتقان عمل و احاله بمدارک و تتبع و استقراء تام سراغ
داشتم در این دو مجلد نفیس نیز مشاهده نمودم - الحق تالیفی بسیار مفید و جالب
و دلکش است . اگر اسباب آن میسر شود و انشاء الله جلد سومی برای تکمیل تاریخ طهران
از انتهای مجلد ثانی الی یومنا هذا و بانقشه ها و گراورها بر آن بیفزائید خدمتی شایان
بتاریخ معاصر ایران کرده خواهید بود - بخصوص اگر وسیله طبع هر سه مجلد فراهم گردد
نور علی نور خواهد بود - از صمیم قلب آرزو میکنم که خداوند اسباب طبع این تالیف
بدیع را بامتمم آن که اشاره بدان کرده شد بزودی فراهم سازد

ارادتمند محمد قزوینی

شایان تاریخ معاصر ایران کرده و امید بود که
اگر اسباب طبع بر سر مجلدات دستخطی از آنکس بزرگوار
معتبر یا بدست دیگران فراهم گردد که در علم نور
فدایه بود از صمیم قلب آرزو میکنم که خداوند اسباب
طبع این تالیف بدیع را بامتمم آن که اشاره بدان
کرده شد بزودی فراهم سازد
ارادتمند
محمد قزوینی

نمونه‌ای از دستخط مرحوم علامه قزوینی

آغاز گردآوری مواد علمی و یادداشتهای این کتاب در سال ۱۳۱۱ شمسی است
چنانکه در پشت جلد چاپی رساله تاریخ کتابخانههای ایران در آن وقت ذکر شده است

عبدالعزیز جواهر کلام

مؤلف دائرةالمعارف اسلامیة و دو رساله تاریخ کتابخانههای

ایران و بازدید کتابخانههای هندوستان

و مترجم مثنوی بنظم عربی و مقدمه

ابن خلدون و غیرهاست

بنام ایزد بخشنده دهر بان

مقدمه

در مقدمه مجلد اول تاریخ ری نگاشته‌ایم که تاریخ ری اسلامی در گمنامی تقریباً مانند تاریخ ری باستانی است و بجز ابومنصور آبی از علمای میانه قرن چهارم و پنجم هجری احدی تدوین نه نموده است و اصل نسخه نیز خطی و نایاب است و تنها یاقوت در برخی از موارد در معجم البلدان از آن نقل مینماید تاریخ طهران قدیم یا جدید که فرع و منشعب از تاریخ ری اسلامی میباشد و از میانه قرن سوم هجری و زمان وفات ابن حماد طهرانی محدث متوفی بسال ۲۶۱ آغاز میشود نیز تا کنون در کتاب جداگانه مختصر یا مفصل مانند تواریخ مدونه برای شهرهای مهم و پایتخت های جهان دیروز و امروز گردآوری و تدوین نشده است. متفرقانی که در خصوص تاریخ طهران در کتب قدیمه و جدیده عربی و فارسی مانند معجم البلدان یا قوت و انساب سمعانی و انوار البلاد قزوینی و نزهة القلوب مستوفی و هفت اقلیم احمد رازی یا مرآة البلدان صنیع الدوله و جغرافی کیهان و غیرها تا هر اندازه که سودمند باشد و بتاریخ طهران ارتباط دارد باز هم هدف اساسی را از تاریخ جامع طهران قدیم و جدید تامین نمیکند و در نمایشات فرهنگی و فهرست نویسی برای کتب تاریخی پایتخت ها و مراکز علمی و سیاسی شهرهای معاصر و متمدنه جهان نمیتوان نگاشت که طهران هم تاریخ مجمل یا مفصل جداگانه دارد. برای همین نکته تاریخ مهم جغرافی و سیاسی و ادبی و دینی طهران مجهول مانده است و متفرقانی هم که در کتابهای غربی و اروپائی از آن یافت میشود مانند انسکلوپدیی بریتانی و یادداشت های لورد گرزن و دری افندی و پرودلاوال و دیگران که بایران آمده اند و از طهران سخنی رانده اند یا مطلبی نگاشته اند نوعاً کم سود یا پیوسته بتحقیق و کنجکاوی نمیباشد مسامحه کاری در تدوین تاریخ طهران و نیازمندی مؤلفین دوردست بآن سبب شده است که انجمن علمی فرانسه در سال گذشته (۱۳۲۷) نامه برای وزارت خارجه فرستاده و درخواست ارسال تاریخ طهران نموده که در مجله خود در پاریس منتشر سازد وزارت خارجه عین نامه را برای وزارت فرهنگ ارسال داشته و تاریخ طهران را خواسته که در پاسخ انجمن بفرستد وزارت فرهنگ ناگزیر هر دو نامه را برای نگارنده ارسال داشته تا اینکه مقاله شیوائی در تاریخ طهران بنگارد

و بوسیله وزارت خارجه بانجمن مزبور ارسال شود.

گردآوری تاریخ طهران براین روش که از نظر خوانندگان میگذرد از شاهکارهای فرهنگی بی سابقه و پربزحمت میباشد و کمتر از تدوین دو کتاب تاریخ کتابخانه های ایران یا مجلد نخست از دائرة المعارف اسلامی ایران که در سال ۱۳۱۱ و ۱۳۲۲ بچاپ رسیده اند بشمار نمیرود. در سال ۱۳۲۵ دو مجلد تاریخ ری و طهران از نظر فقید علامه قزوینی گذرانیده که پیش از چاپ بیشتر مورد آزمایش و کنجکاوی واقع شوند فقید نامی پس از مطالعه هر دو مجلد شرحی مبسوط از تقریظ و تمجید که ابداً مطلوب اینجانب نبود بر آنها نگاشتند و بسا برای چاپ و انتشار آنها تحریض مینمودند تا اینکه پیش از وفات او باندک زمانی چند صفحه از هر دو مجلد باین نامه که در این خصوص مرقوم داشتند بچاپ رسیده و ملاحظه نمودند و بسا جای تأسف است که اکنون هزار صفحه تاریخ طهران بتدریج منتشر میگردد و از استقراء و تنقیدان مرحوم محروم و بی بهره مانده است.

تاریخ مزبور در پنج مجلد گردآوری شده و شامل همگی اوضاع جغرافی و سیاسی و دینی و فرهنگی و سرگذشت طبقات رجال نامی آن میباشد. اعم از اینکه رجال نامی مزبور در نژاد و مولد و موطن طهرانی باشند یا اینکه در يك نسبت باد و نسبت از آنها طهرانی بشمار روند و در بقیه به شهرهای دیگر کشور ایران یا بیگانه نسبت داده شوند. مجلد (۱) از پیدایش نام تاریخی طهران سال (۲۶۱ - ۱۳۱۳) هجری و پایان عصر ناصرین الدین شاه قاجار باضافه مقدمات تحقیقی در تاریخ اجمالی ری اسلامی و دهات نامی آن.

۲ - از این تاریخ تا سال (۱۳۴۴) هجری موافق (۱۳۰۴) شمسی و انقراض قاجاریه.

۳ - از این تاریخ تا عصر حاضر.

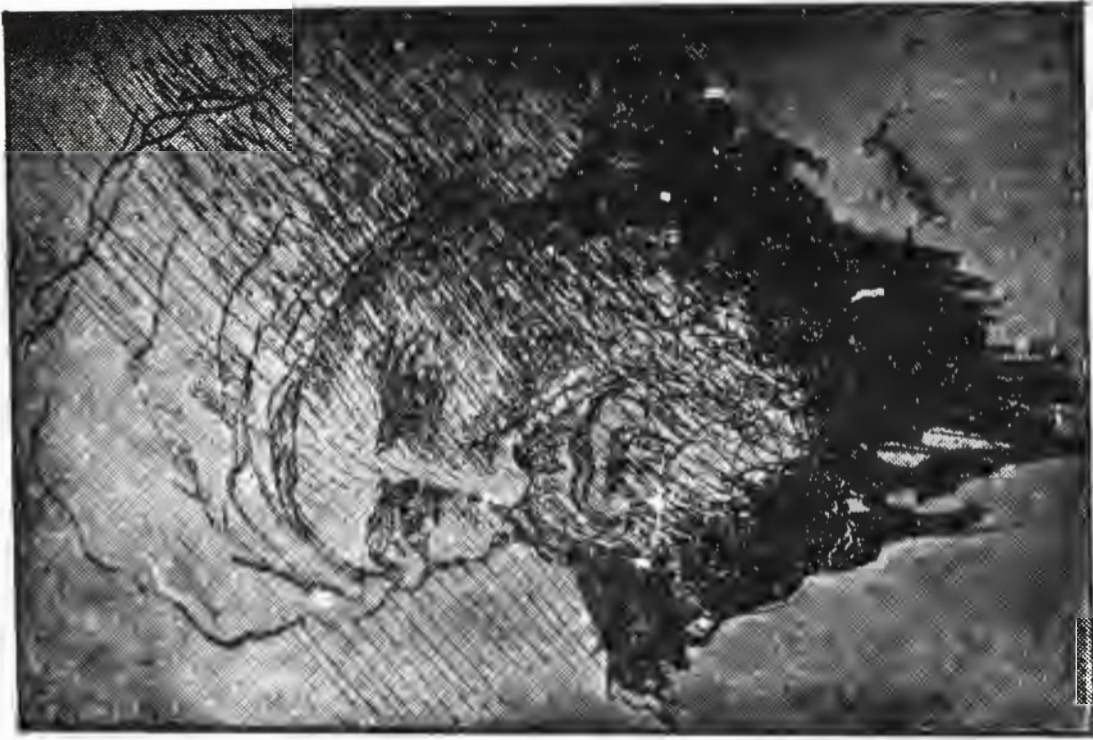
۴ - از آغاز سیاستهای متنوعه بیگانه در طهران تا پایان جنگ بین المللی دوم سال (۱۳۲۳)

۵ - ملحقات و مستدرکات بر مطالب مجلدات چهار گانه است.

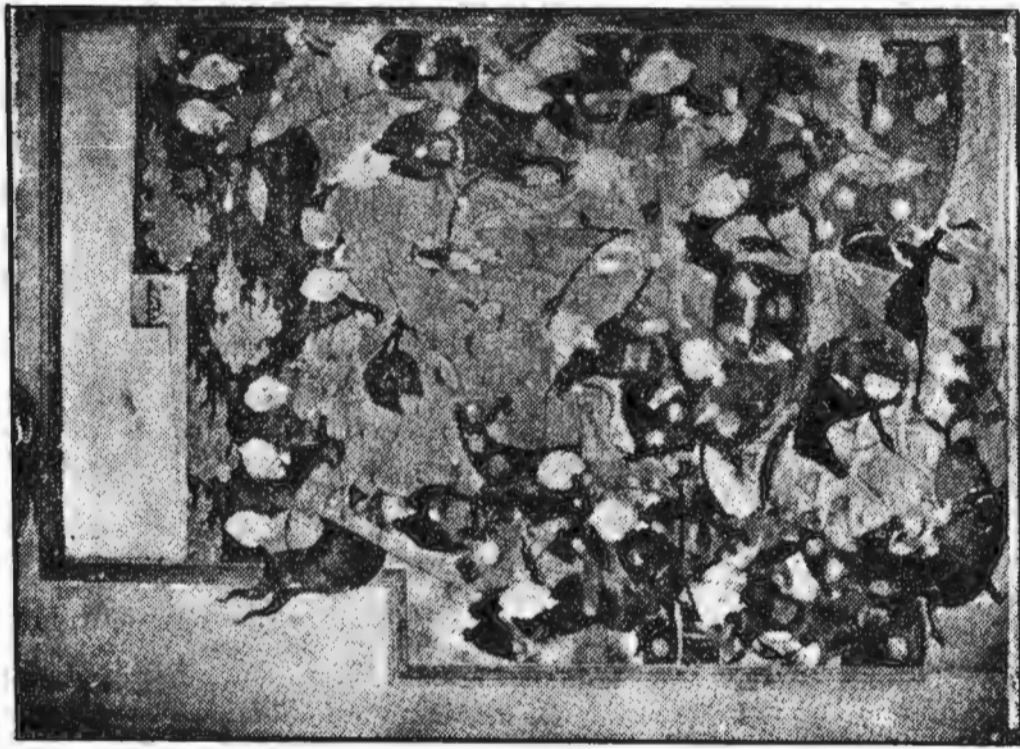
گفتگو در این پنج مجلد و چهار بخش جغرافی و سیاسی و دینی و ادبی آنها بطور تحقیق و اختصار و مانند فلسفه تاریخ شده است.

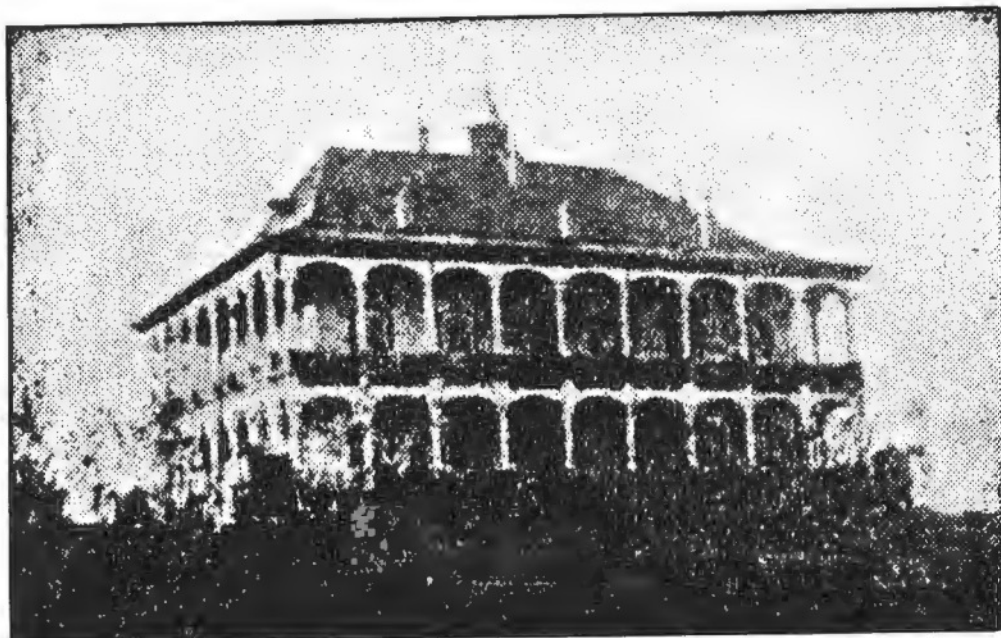
انتقادات و نگارشات متفرقه نویسندگانی که با دلیل و مدرک و بروفق موضوع و روش تاریخ طهران مینگارند و برای مؤلف آن میفرستند پذیرفته میشود و در شماره های آینده یا در مجلد پنجم بنام فرستندگان منتشر خواهد شد.

ابن حماد محمد رشظهرانی متوفی، بسال ۴۶۱ هجری صنفه (۱۱)

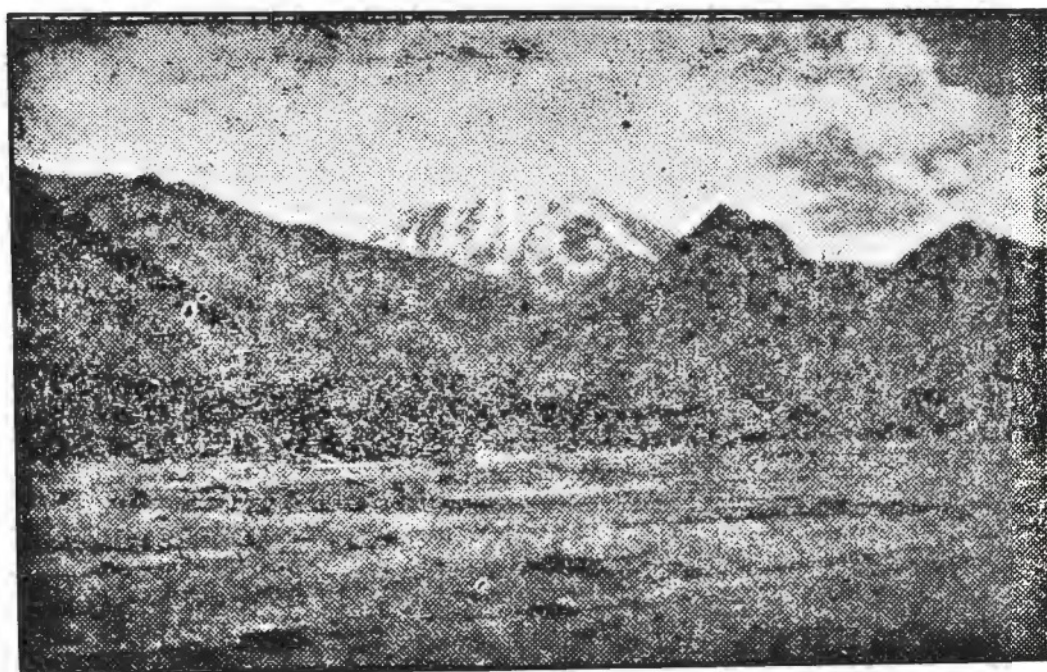


جنگ مردمان ری با مغل صنفه (۲۲)





سر خه حصار صفحه (۲۹)



منظره قله دماوند از لار صفحه (۳۴)

تاریخ طهران

طهران ری و طهران اصفهان

در قرن سوم هجری دو قریه بنام طهران (باطاء مؤلف) معروف بودند (۱) طهران اصفهان (۲) طهران ری است طهران ری اگر چه بروفق گفتار سمعانی در صفحه ۳۷۴ از کتاب الانساب خود مشهور تر از طهران ^(۳) میباشد ولی منسویین نامی بطهران اصفهان از لحاظ تعداد و تاریخ وفات پیشتر و زیادت تر بوده است زیرا که سمعانی و یاقوت و دیگران از علمای قرن ششم و هفتم هجری تنها ابو عبدالله محمد بن حماد طهرانی رازی را متوفی بسال ۲۶۱ از نامیان قدیمی طهران ری معرفی کردند ولی از رجال مشهور طهران اصفهان ده نفر ذکر نمودند که يك نفر از آنها بنام ابو صالح عقیل بن یحیی الطهرانی محدث متوفی بسال ۲۴۸ میباشد و تاریخ وفات او بر تاریخ وفات ابن حماد طهرانی رازی سیزده سال جلوتر بوده است برای روشن کردن مقصود مختصر تاریخچه طهران اصفهان رانیز بنقل از یاقوت و سمعانی و دیگران مانند مقدمه در این کتاب مینگاریم -

طهران اصفهان و منسویین بآن

یاقوت در صفحه ۷۴ ج ۶ معجم البلدان مینگارد طهران نیز از قرای اصفهان است و جمعی از محدثین منسوب باین قریه هستند -

حمدالله بن ابی بکرین احمد مستوفی قزوینی مورخ اوایل قرن هشتم هجری در کتاب نزهة القلوب (طبع اوقاف کیپ) صفحه ۵۰ در باب ولایت عراق عجم که در ضمن توابع اصفهان از ناحیت جی است از طهران اصفهان اسم میبرد سمعانی متوفی بسال (۵۶۲) در صفحه ۳۷۳ از کتاب الانساب خود از طهران اصفهان و منسویین بآن بتفصیل مینویسد و چنین میگوید طهران دیهی بزرگی است نزدیک دروازه اصفهان است و از جمله کسانی که بآن از قدیم الایام منسوب شده اند (۱) ابو العباس احمد بن محمد بن احمد بن القاسم بن سهلویه الطهرانی الجواد که از ابی عبدالله محمد بن اسحاق بن مندة الحافظ چند مجلس از امالی او روایت نموده این مطلب را برایم عده باصفهان نقل نمودند مانند ابو نصر احمد بن عمر قاضی و ابوسعید احمد بن محمد بغدادی ابو العباس در ماه رمضان سال

۶۹۴ وفات کرده - خودم شخصاً باین ده رفته و در آن از شیخی که باو ابو عبدالله محمد بن حماد طهرانی میگفتند روایت کرده ام - (۱)
 (۲) ابو صالح عقیل بن یحیی الطهرانی از ثقات بوده و از سفیان بن عیینه و یحیی بن سعید قطان روایت نموده و در سال ۲۴۸ وفات کرده -
 (۳) ابوبکر ابراهیم بن سلیمان طهرانی که از ابراهیم بن نصر و غیره روایت کرده -

(۴) سعید بن مهران بن محمد الطهرانی از عبدالله بن عبدوهاب خوارزمی روایت نموده
 (۵) علی بن رستم طیار طهرانی عموی ابوعلی احمد بن محمد بن رستم که بابو الحسن کنیه میکردند از محمد بن سلیمان بن حبیب روایت کرده -
 (۶) علی بن یحیی طهرانی از صخر بن مهران اصفهانی روایت کرده -
 (۷) محمد بن محمد بن محمود بن سدوس طهرانی تمیمی از ابو جعفر که از موثقین و پرهیزکاران بوده و از ابو عبد الرحمن مفرین و ابو عاصم بن النبیل و خالد بن یحیی و دیگران روایت کرده

(۸) ناجیه بن سدوس ابو القاسم طهرانی - یاد ندارم که از او احدی روایت کرده بجز محمد بن احمد بن تمیم از مردمان این شهر است چنانکه تمام آن را ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه حافظ در تاریخ اصفهان ذکر کرده -
 (۹) ابو صالح عقیل بن یحیی بن الاسود طهرانی از مردمان اصفهان و از موثقین بوده که از ابن عیینه و یحیی بن سعید قطان و عبد الرحمن بن مهدی و ابو داود روایت نموده و در ماه رمضان سال ۲۴۸ وفات نموده -

(۱۰) ابو نصر محمود بن عمران ابراهیم بن احمد طهرانی از متأخرین که از ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه حافظ روایت کرده و از ابو الفضل محمد بن طاهر مقدسی و ابو الحسن علی بن رستم طیار طهرانی روایت کرده اند و از موثقین درست بوده در سال ۳۰۳ وفات کرده (بکلمه الطهرانی از انساب سمعانی رجوع شود)

طهران ری

نام قریه طهران ری تا پیش از سال ۲۶۱ که تاریخ وفات ابو عبدالله محمد بن حماد طهرانی رازی محدث باشد در کتب مورخین معروف نبوده است

(۱) مقصود سمعانی روایت بالواسطه است زیرا که بن حماد مزبور از طهران ری است و در سال ۳۶۱ وفات کرده است -

ویش از يك قریه كوچك گمنام برای يك استان مهم كه بنام ام البلاد و شیخ البلاد و دار الضرب و ری اسلامی مینامیدند ارزش تاریخی نداشته ولی تحولات و انقلابات سیاسی و مذهبی محیط ری آن را نگاهبانی نموده و بر آبادانی آن افزوده بطوریکه پس از اندك مدتی از حمله پرشور و شر چنگیز و سپاهیان زورمند مغل همگی مفاخر تاریخی (ری اسلامی) كه ییگانگان بتاراج ربودند از نو بارث برای آن رسیده و دوباره مرکز برانراشتن پرچم شاهی و استوار بودن تحت سلطنتی گردیده و در حقیقت قریه گمنام طهران با چندین دسته از دهات و قصبات تاریخی و نامی ری مانند محمدیه خوار - ورامین - قصران - کرج - طبرك دماوند - دولاب و غیرها نبردهای سختی در کارزار اجتماع نموده ولی بر وفق جریان نوامیس تنازع البقاء و بقاء اصلح در عمران و آبادانی در نتیجه بردباری و توانائی كه داشته گوی سبقت را ر بوده و از طوفان انقلابات جنگی سیاسی و دینی كه در ری مدت ۶ قرن متوالی برپا بوده است رهائی یافته تا اینكه در قرن دهم هجری لباس شهریت و آبادانی در بر کرده - و مورد عنايت شاه طهماسب صفوی گردیده است

و برایش باروی محكمی ساخت كه آن را ^{كهیدرو} ^{بک} چهارده برج بشماره سوره های کریمه قرآن مصون داشت وزیر هر برجی سوره از سور شریفه دفن فرمود - شهر تاریخی طهران تنها بتوقف شاه طهماسب و شاه عباس كیبر و بقیه شهریاران صفویه و زندیه و افشاریه در آن قناعت ننموده بلكه در تاریخ (۱۲۰۰) پایتخت سلطنت پر عظمت سران قاجاریه گردید و پرچم شاهی را بر محیط خود بر افراشت و از نو شیخ البلاد و دار الضرب دوم گردید و نام نامی ری و مادر قدیمی پرافتخارش را زنده نمود (بصفحات بعد رجوع شود)

تهران یا طهران

صنیع الدوله در صفحه ۵۰۹ و ۵۱۰ ج ۲ مرآت البلدان را جمع به تلفظ تهران با تاء منقوط یا طهران با طاء مؤلف و دیگران در مجله كاوه و غیرها تحقیقاتی کرده اند و رأی بیشترین مخصوصاً صنیع الدوله و اعتضاد السلطنه و معتمد الدوله بر آن است كه درست با تاء منقوط خوانده شود زیرا كه ضبط آن با تاء منقوط در كتاب آثار البلاد زكریا بن محمود قزوینی آمد و اینكه آنرا بعد از بیهق كه در ردیف باه است تبریز را نوشته و بعد از تبریز طهران را با تاء منقوط

نگاشته بازهم معتمدالدوله نگاشته در معجم البلدان نیز بقاء منقوط متوجه شده و وجه تسمیه آنرا باین نحو معین کرده است که چون اهل آنجا در وقتی که دشمن برای آنها بهم میرسید زیر زمین پنهان میشدند از اینجهت باین اسم موسوم شده است که تهران یعنی زیر زمین میرفتند چون کتابی از معجم البلدان و آثار البلاد معتبرتر نمیباشد دیگر لازم نیست بخود (صنیع الدوله) زحمت بدهید و بسایر کتب رجوع کنید بخصوص کتاب شما فارسی است و تاء منقوط هم در فارسی استعمال شده است

تلفظ درست طهران با طاء مؤلف

نه با تاء منقوط است

بنظر نگارنده تحقیقات دانشمندان نامی مذکور نسبت به تلفظ طهران با تاء منقوط با دلائلی که بیان نموده اند درست نمیباشد

(۱) ضبط کلمه با طاء یا تاء یا ذال و مانند آنها بزبان عربی که در زبان فارسی آنرا بات یا س یا ز خوانده میشود و از مخرج اصلی عربی ادا نمیشود بنابر قواعدی که لغت شناسان عرب برای ضبط لغات مینگارند دلیل بر درستی آن در زبان ادبی فارسی نخواهد شد زیرا که قواعد معنوی ضبط کلمات ولو اینکه اعجمی باشند اجازه در تصرف بضبط اصلی آنها در نگارشات فازی و لغت بیگانه نمیدهد و تنها در تلفظ و امیداند که موافق مخرج حروف آن لغت تلفظ شود بنا بر این کلمه طهران که ضبط قدیمی آن در عربی با طاء مؤلف است باید در نگارشات علمی و ادبی زبان فارسی و غیره همانطور با طاء مؤلف و صحیح ضبط شود اگر چه در تلفظ ناگزیر با تاء منقوط تأدیه میگردد با این وصف پاسخ مزبور مرحوم فرهاد میرزا معتمدالدوله بصنیع الدوله در خصوص نگاشتن کلمه طهران با تاء منقوط یا طهران با طاء مؤلف (دیگر لازم نیست بخود زحمت بدهید الخ) کاملاً بی مورد خواهد بود و دلیل علمی بر مقصود نمیتوان شمرد

(۲) ضبط صحیح و قدیمی این کلمه اعم است از اینکه طهران اصفهان یا طهران ری باشد و کلیه منسوبان بآن با طاء مؤلف آمده است نه با قاء منقوطه زیرا که سمعی در کتاب الانساب که در حدود سال ۵۵۵ با تمام رسیده

مینویسد (طهرانی نسبت به طهران است) (طهران قرية فی الری) و آن معروفتر از طهران اصفهان است و از آنجا ابو عبد محمد بن حماد طهرانی رازی بیرون آمده است و مرک او در زمین شام بسال ۲۶۱ بوده است و همچنین ابوزید احمد بن سهل بلخی در فارسنامه خود که در اواخر قرن ۵ یا اوایل ۶ هجری با تمام رسیده در فصل کورتهای فارس مینگارد (همه حبوبهای آنجا بغایت نیکوست خاصه انار کی مانند انار طهرانی - و نیز ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان راوندی در ص ۲۹۲ را حقه الصدور نام طهران را با طاء مؤلف آورده است - محمد بن حسن بن اسفندیار در تاریخ طبرستان که در حدود سال ۶۱۳ تألیف شده است در ضمن جنگهای افراسیاب و منوچهر مینویسد افراسیاب در آنجا که طهران و دولاب است رخت افکند - یا قوت نیز طهران را با طاء مؤلف ضبط کرده است ولی گفتار وی (لفظ اعجمی است و عجم آن را بقاء منقوطة تلفظ مینمایند) باشتباه انداخته و گمان برده اند که ضبط ادبی آن هم رواست که با تاء منقوطة باشد -

(۳) ضبط زکریا بن محمود قزوینی مؤلف آثار البلاد طهران را با تاء منقوطة دلیل بر سخن ایشان نمیشود زیرا که قزوینی کتاب خود را در سال ۶۶۴ یا ۶۷۴ تألیف کرده و مؤلفین مذکور بسیاری بر او سبقت دارند و گفتار آنان بیشتر سندیت دارد -

(۴) گذشته از ضبط کلمه طهران ری با طاء مؤلف در کتابهای مزبور طهران اصفهان و همگی منسوبین بطهران ری و اصفهان با طاء مؤلف نیز آمده است و از نسبت صحیح محمد بن حماد طهرانی متوفی بسال ۲۶۱ در عسقلان شام بطور یقین میدانیم که تلفظ و ضبط درست کلمه طهران از قرن سوم هجری تا اواخر قرن هفتم هجری که پایه و اساس شناسائی ضبط و تلفظ این کلمه در قرون بعد خواهد شد با طاء مؤلف است نه با طاء منقوطة است -

(۵) در تألیفات علمای متأخرین و بعد از قرن ششم هجری هم تا قرن ۱۳ هجری کلمه طهران با طاء مؤلف نه با تاء منقوطة آمده است - چنانکه در تاریخ رشید الدین فضل الله (جامع التواریخ) در ضمن حوادث سال ۶۸۳ طهران را با طاء مؤلف ذکر کرده است و نیز مجد الدین محمد حسین اصفهانی در کتاب زینت المجالس و حاج زین العابدین تمکین شیروانی در کتاب بستان

السیاحه نام طهران را باطای مؤلف ثبت نموده اند با این وصف ضبط کلمه طهران با طاء منقوطه در کتاب آثار البلاد قزوینی و نزهة القلوب مستوفی و تذکره هفت اقلیم را زی با مدارك قدیمه سمعانی و بلخی و راوندی و ابن اسفندیار و یاقوت و ضبط علمای متاخرین که با طاء مؤلف نگاشته اند برابری نخواهد نمود و درست آن است که با طاء مؤلف تلفظ و تحریر گردد

تحقیقات لازمه

(۱) گفتگو در آغاز تاریخ طهران و پیدایش آن فرع آگاهی از تاریخ ری باستانی و اسلامی میباشد برای همین نکته میباید نخست به چاپ تاریخ مبسوط ری پرداخت ولی متأسفانه چون برخی از مصادر سودمند کتاب مزبور آماده نبوده است ناگزیر چاپ تاریخ طهران سبقت جست و فرع بر اصل مقدم گردید -

(ب) مطالب زیر بتفصیل در تاریخ ری نگاشته شده و از تکرار آنها در تاریخ طهران خود داری شده است -

(۱) گمنامی تاریخ ری باستانی و اسلامی -

(۲) نام ری در اوستا و سفر التکوین و کتیبه های داریوش کبیر و نزد مورخین اسلامی

(۳) ری از بلاد جبل و منظم بدیلم یا جدا گانه است -

(۴) تاریخ و جغرافی ری باستانی -

(۵) تاریخ و جغرافی ری اسلامی -

(۶) مدت آبادانی و ویرانی ری اسلامی -

(۷) راه از ری بدهات ری و شهرهای دیگر -

(۸) فهرست اسامی دهات و قصبات ری و منسوبین بآنها بترتیب حروف تهجی

(ج) چگونگی اجمالی اوضاع سیاسی ری و طهران از سال ۲۰ و فتح ری

تا سال ۴۶۱ و پیدایش نام قریه طهران

ری در زمان عمر بن الخطاب پس از فتح نهاوند و فرماندگی عمر بن زید الخیل طائی با لشکر هشت هزار عده و جنگ سختی میان تازیان و اهالی ری در سال ۲۰ یا ۱۹ بموفقیت اعراب فتح گردید و شاعر عرب در آن وقت ابو عبیده نامی که در جنگ حاضر بوده اشعاری در این خصوص گفته (ص ۸۹ ج ۲ معجم البلدان چاپ اروپا) سر زمین ری از این تاریخ تا سال (۱۳۰) که

آغاز دعوت برای عباسیان بیاری ابومسلم خراسانی میباشد همیشه فرمانبردار سرداران و سپاهان خلفای سه گانه در مدینه و کوفه (عمر - عثمان - علی ع - و شهریاران بنی امیه در شام بوده است چنانکه حوادث تاریخی آنرا در مورد خود از کتاب تاریخ ری نگاشتیم ولی از سال ۱۳۰ تا سال ۲۶۱ و پیدایش نام طهران تا حمله مغول بسال ۶۱۶ مرکز انقلابات سیاسی و مذهبی و آبادانی و ویرانی بسیاری واقع گردید و تاریخ نشان میدهد که پیش از اینکه بتاخت و تاز سپاهان مغل نابود و ریشه کن شود ویران و مخروبه بوده است -

(د) اوضاع اجمالی سیاسی ری و طهران

از سال ۱۳۰ تا سال ۲۶۱ و پیدایش نام طهران

ابومسلم خراسانی که دعوت خویش را در سال ۱۳۰ برای ابراهیم امام در سمرقند و طخارستان و شهرهای دیگر فاش نموده بود (صفحه هجده کامل ابن الاثیر) در ری و طبرستان چون زمینه برای آن ندیده خود داری نموده برای همین نکته هم ری در زمان بنی امیه و ظهور دعوت برای عباسیان پناهگاه فرمانداران بنی امیه بوده است و نصربن سیار در این سال بخوار ری فرار کرده (ص ۱۴۸ ج ۵ کامل ابن الاثیر) و پس از کارزار با حسن بن قحطبه بن شیب سردار ابومسلم و ابراهیم امام بسوی ری حرکت کرد ولی داخل ری نه گشت و بیابانی که میان ری و همدان فاصله داشت بتصرف خود در آورد (ص ۴۸ ج ۵ کامل ابن الاثیر) در سال ۱۳۶ و زمان خلافت منصور ابومسلم خراسانی از بیم منصور خزینهای خود را در ری پنهان نمود و در همین سال پس از کشتن ابومسلم بدستور منصور سنباد گبر نیشابور که نام خود را فیروز اصمبید نهاده بود و با ابومسلم دوستی تامی داشته بمطالبه خون ابومسلم قیام کرد و بر قزوین و نیشابور و ری غلبه یافت و خزینهای ابومسلم را بتصرف خود در آورد و زنان را سبی کرد و اموال را بغارت ربود و چنین اظهار میداشت که سوی کعبه میروم و آن را ویران میسازم ولی مدتی نکشید و جمهور بن مروان عجلای بفرمان منصور بر او در مفاذهای میان ری و همدان غلبه نمود و نیروی او را با سارت در آورد و زنان

و کودکان اوراسبی نمود و خود سنباد هم میان طبرستان و قومس بقتل رسید (ص ۱۸۰ ج ۸ کامل ابن الاثیر) -

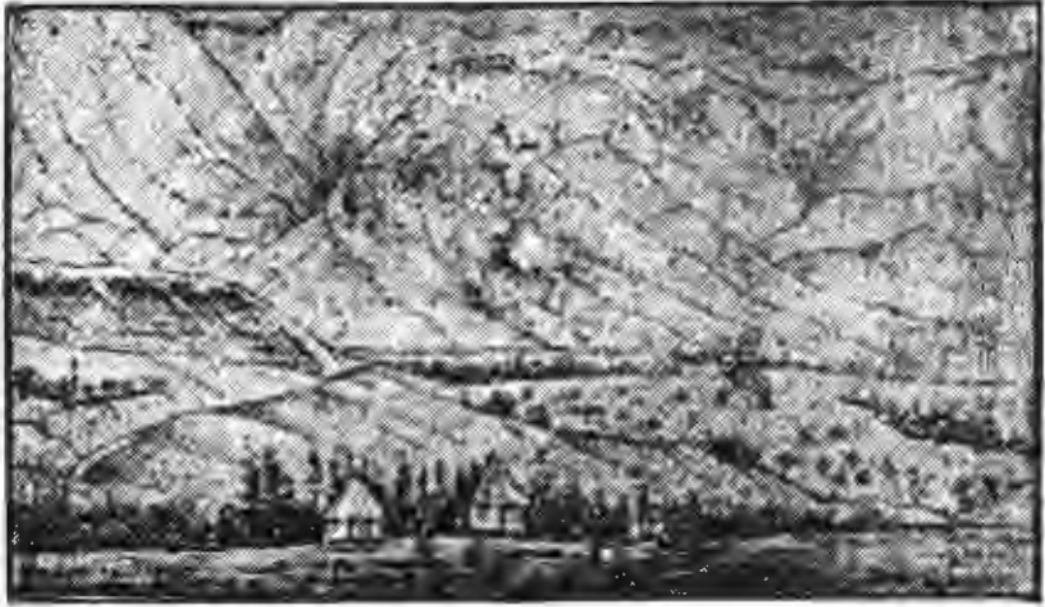
قحطبه بن شیب فرماندار ابومسلم درری برای اینکه مردمان ری پروان بنی امیه و سفیانی مذهب هستند از دسیسه آنها پرهیزکاری مینمود و معاير را دستور نگاهبانی داد بطوریکه احدی بدون جواز شبانه عبور نمیکرد (ص ۴۸ ه کامل)

المهدی بالله خلیفه عباسی در ری

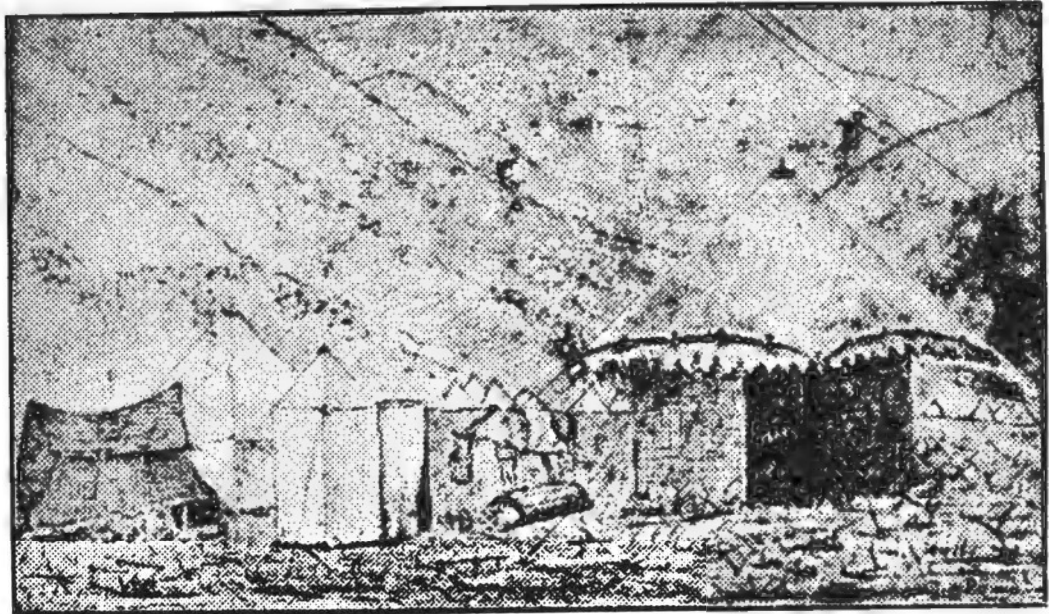
در سال ۱۴۲ چون عبدالجبار بن عبدالرحمن فرماندار منصور بر خراسان بیعت منصور را خلع نمود بتفصیلی که ابن الاثیر در ص ۱۸۸ ج ۵ کامل نگاشته منصور المهدی بالله را مأمور بتوقف در ری فرمود المهدی بالله بری آمد و در آن توقف کرد سپس بنیشایور رفت و عبدالجبار را اسیر نمود و بسوی منصور فرستاد (بصفحه ۱۸۸ ج ۵ کامل و تاریخ ری رجوع شود) منصور مجدداً المهدی بالله را فرمان داد که درری توقف کند و بفتح طبرستان همت گمارد المهدی بالله در سال ۱۴۳ به پیروزی و فتح طبرستان موفق گشت و بعداً بخراسان رفت و در سال ۱۴۴ از خراسان بعراق باز گشت نمود (ص ۱۹۰ ج ۵ کامل) -

مدت توقف المهدی بالله و بنای شهر محمدیه درری

بطور مسلم مجموع مدت توقف المهدی بالله در ری از سال ۱۴۲ - ۱۴۴ بوده است و در اثناء این مدت بخراسان و طبرستان هم رهسپار شده و بری مجدداً باز گشته است شالوده آبادانی و پیشرفت عمران ری جدید اسلامی بطور تحقیق در ایام همین ولی عهد و خلیفه زاده عباسی بوده است زیرا که بساختن شهر ری جدید فرمان داد و عمر بن الخصیب را که از سرداران نامی او بوده بر بنای آن مأمور کرد ابن ابی الخصیب چنانکه بعداً بتفصیل مینگاریم بساختن شهر مزبور آغاز نمود و نام آن را المحمدیه بنام محمد المهدی خلیفه زاده مذکور در آن وقت نهاده و بر وفق دستور مهدی گگرد این شهر خندقی بساخت و مسجد جامعی در آن برپا نمود که نام خویش را نیز در دیوار جامع نگاشته (ص ۳۶۸ ج ۷ معجم البلدان) (بکلمه المحمدیه از این کتاب رجوع شود) -



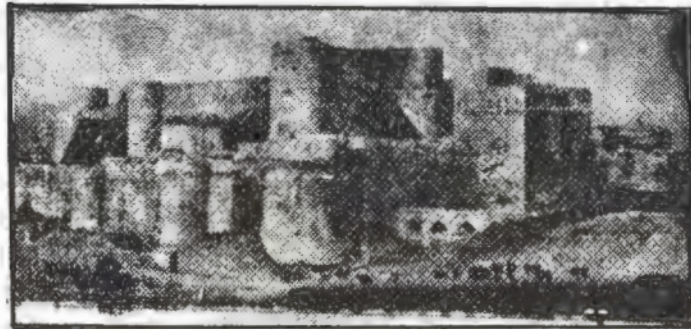
كلندوك صفحه (۵۴)



منظر، چادر فوريه فرانسوي طبيب مخصوص ناصر الدين شاه
ومؤلف كتاب سه سال در دربار ايران در كلندوك صفحه (۵۴)



دورنمایی طهران در قرن دهم و عصر شاه طهماسب صفوی صفحه (٧٠)



قلعه تبرك صفحه (٣٠)



شهرستانك صفحه (٥٣)

هارون الرشید و دو فرزندش قاسم و مأمون در ری

در سال ۱۸۹ هارون الرشید برای اینکه فرماندار او بر خراسان علی بن عیسی بن ماهان متهم به خلاف نمودند بری آمد و دو فرزندش عبدالله مأمون و قاسم در رکاب او بودند و قاسم را ولی عهد خود پس از مأمون قرار داد و اختیار خلع قاسم بمأمون واگذار کرد و همگی قضاة و شهود را احضار نمود و گواهی دادند بر اینکه کلیه اسلحه و معدات جنگی و خزاین و ذخایر هارون بمأمون تعلق دارد هارون چهار ماه در ری اقامت گزید و در آخر ماه ذی حجه از ری بیغداد بازگشت و موقعیکه از پل بغداد گذر مینمود بسوزانیدن جثه جعفر برمکی فرمان داد (بصفحه ۶۳ ج ۶ کامل و تاریخ ری رجوع شود)

طاهر بن حسین در ری

در سال ۱۹۴ یا ۱۹۵ آتش مخالفت امین بامأمون روشن گردید و امین پیمان خلافت مأمون را بشکست و علم سلطنت برای خود برافراشت (ص ۷۵-۷۸ ج ۶ کامل) مأمون طاهر بن الحسین را بانیروی مهمی و معدات جنگی بسیاری گسیل داد و ری را مرکز کارزار با نیروی امین معین کرد امین نیز در سال ۱۹۵ قشون بسیاری بفرماندگی علی بن عیسی بن ماهان برای جنك با طاهر بهمدان فرستاد (ص ۸ ج ۶ کامل) طاهر در پنج فرسخی ری اردوی خود را قرار داد و بانیروی علی بن عیسی مصاف بست تا اینکه پس از کارزار های بسیاری میان ارتش طرفین بتفصیلی که ابن الاثیر درس ۸۰ - ۸۱ ج ۶ نگاشته طاهر پیروزی یافت و قشون علی بن عیسی را متلاشی نمود و خود علی بن عیسی را نیز بقتل رسانید و سر او را برای مأمون بخراسان حمل کرد

آمدن مأمون بری

مأمون در سال ۲۰۴ از خراسان بری آمد چند روزی در آن توقف فرمود و نسبت بمردمان آذربایجان علاقه داشت و دستور تخفیف خراج داد سپس بیغداد رفت (صفحه ۱۳۱ ج ۶ کامل)

حسن بن زید علوی و دعوت برای عنویان در ری

در سال ۲۵۰ حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل بن زید بن حسن بن حسین بن علی بن ابیطالب (۴) که در ری اقامت داشت در طبرستان ادعای خلافت نمود و از دیلمیان و مردمان کلار و شالوس و رویان برای خود بیعت گرفت اهالی

آن نواحی نیز باو پیوست شدند و پس از اینکه طبرستان را تماماً بتصرف خود درآورد نیروئی به سرکردگی مردی از خاندان خویش که نامش حسن بن زید نیز بود برای تسخیر ری فرستاد حسن بن زید مزبور وی را تسخیر نمود و فرماندار طاهریه (بنو طاهر) از آن یرون کرد و محمد بن جعفر علوی بجای او گزید و از ری یرون آمد (ص ۴۲ ج ۷ کامل) خبر به المستعین بالله خلیفه عباسی در بغداد رسید المستعین اسماعیل بن فرات را برای همدان گسیل داد که در آنجا توقف کند و بقیه امور دفاعی را بمحمد بن عبدالله بن طاهر موکول نمود محمد بن طاهر برای سرکوبی نماینده حسن بن زید در ری که محمد بن جعفر طالبی بوده است محمد بن میکال فرستاد و میان طرفین کارزار سختی در گرفت و در نتیجه محمد بن جعفر اسیر گشت و محمد بن میکال داخل ری گردید حسن بن زید علوی داعیه طبرستان بسرکردگی واجن نامی نیروئی برای ابن میکال مجهز نمود و در نزدیکی ری با ابن میکال مصافه بست ابن میکال فرار نمود و درری متحصن گشت واجن و سپاهش بری آمدند و ابن میکال را کشتند و ری را از نو متصرف شدند و در روز عرفه همین سال احمد بن عیسی بن حسین الصغیر بن علی بن الحسین بن علی بن ایطالب (ع) و ادریس بن عبدالله بن موسی بن عبدالله بن الحسن بن علی بن ایطالب (ع) در ری ظاهر شدند و احمد بن عیسی برای مردمان ری نماز عید بخواند و برای حضرت رضا (ع) از آل محمد دعوت نمود محمد بن علی بن طاهر با او جنگ کرد محمد بن علی را مغلوب نمود و بقزوین فراری گشت در سال ۲۵۲ جستان صاحب دیلم با عیسی بن احمد علوی و حسن بن احمد کوکبی برری هجوم آوردند و آسیب کشتن و سبی کردند بمردمان آن رسانیدند (بصفحه ۴۲-۵۷ کامل رجوع شود) این بود خلاصه چگونگی اوضاع سیاسی ری و قرای آن پیش از پیدایش نام قریه طهران در سال ۲۶۱ -

(د) (پیدایش نام قریه طهران در سال ۲۶۱ و آغاز عمر تاریخی آن بطور تخمین)

نخستین شخصی که نام طهران را در کتب مورخین و جغرافی شناسان اسلام معرفی نموده است ابو عبدالله محمد بن حماد طهرانی رازی محدث معروف متوفی بسال ۲۶۱ هجری در عسقلان و سرزمین شام بوده است از کلمات

علمای مزبور بر میآید که طهران در قرن سوم هجری تا آغاز قرن هفتم هجری و پایان حمله مغول آباد بوده است ولی بطور تحقیق نمیتوان آغاز عمر تاریخی واقعی طهران همان سال ۲۶۱ قرار داد بلکه میتوان یقین حاصل کرد که پیش از سال مذکور و بروز ابن حماد مزبور وجود داشته و آنهم مانند قریه‌های بیست و دستی و دولاب و محمدیه و کلین و ورامین از قرای ری مذکور در بخش اول آباد و دایر بوده است ولی نامی از آن در تاریخ نگاشته نشده است - بهر حال از جمله علمائی که در کتب خویش نام طهران و ابن حماد منسوب بآن معرفی نمودند -

(۱) یاقوت حموی در کتاب معجم الادبا ست و نیز در معجم البلدان از طهران نامی برده و از کلمات ایشان در این کتاب معلوم میشود که طهران تا پایان قرن هفتم هجری آباد بوده است و انقلابات مغول آن را نابود ننموده است چنانکه بعداً مینگاریم -

(۲) سمعانی در کتاب الانساب چنین گفته است (طهرانی نسبت به طهران است و طهران قریه ایست در ری و آن مشهورتر از طهران اصفهان است و از آنجا ابو عبدالله محمد بن حماد طهرانی رازی بیرون آمده است و مرک او در عسقلان در زمین شام بسال ۲۶۱ بوده است

ابن حماد طهرانی

ابو عبدالله محمد بن حماد طهرانی از علمای نامی میانه قرن سوم هجری است علمای رجال نام او را باجمال و برخی بتفصیل در کتب خویش ذکر کردند یاقوت در معجم الادباء نسبت او را بطهران اجمالاً ذکر کرده است و سمعانی در کتاب الانساب صفحه ۳۷۴ شرح حال او را چنین مینگارد -

سمعانی گوید اما جماعتی که بطهران ری منسوب شده اند در حالتیکه طهران ری مشهورتر از طهران اصفهان میباشد از این قرار است (۱) ابو عبدالله محمد بن حماد طهرانی رازی است از عبدالرزاق بن حمام و غیره روایت کرده و از او ائمه علمای حدیث روایت کرده اند و از موثقین اسلام بوده و همچنان از عبید بن موسی و ابو عاصم نبیل و حفص بن عمر عدنی

شنیده و برای تحصیل حدیث به شهرهای دوردست رفته و در شهر ری و بغداد و شام نقل حدیث کرده و از او ابوبکر بن ابی الدنیا و احمد بن عبدالله بن نصر بن بحیر قاضی روایت کرده‌اند. عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی گفته از او من بایدرم در ری و بغداد و اسکندریه شنیده‌ایم و از راستگویان و موثقین بوده‌است. از منصور بن الفقیه نقل نمودند که گفته‌ام ندیدم از اساتید احدی که آرزوی برابری با او در فضل داشتم بجز سه نفر و از ایشان اول محمد بن حماد طهرانی را ذکر نموده‌است محمد بن حماد بمصر رفته و در آن حدیث خوانده و در عسقلان از شام اقامت مینموده تا اینکه در شب جمعه ۲۷ ربيع الاول سال ۲۶۱ در آن هم وفات کرده. نگارنده این کتاب گوید تعجب این است با اینکه سمعانی خود اقرار نمود که طهران ری مشهور تر و آبادتر از طهران اصفهان است تنها يك نفر توانسته از منسویین به طهران ری بدست بیاورد و ذکر کند ولی از منسویین به طهران اصفهان ده نفر ذکر نموده‌است از صفحه ۳۷۴ انساب سمعانی نقل شده است.

(ه) (تاریخ دهات نامی ری میتوان در سه بخش محصور کرد)

(بخش اول) - دهات ری که پیش از پیدایش نام قریه طهران در سال ۲۶۱ بر پا و آبادان بوده است)

(۱- قریه بیست) که بآن ابو عبدالله احمد بن مدرک بیستی محدث نامی منسوب شده است وی از فضل بن شاذان و محمد بن عبدالله روایت کرده است (بصفحه ۳۳۳ ج ۲ معجم البلدان چاپ مصر و قرای قدیمه و جدیده ری و طهران از این کتاب رجوع شود)

(۲- قریه خوار) معروف که امروز نیز از قرای نامدار طهران بشمار میرود از منسویین باین قریه در آن تاریخ ابو الحسن احمد خواری است متوفی بسال ۲۳۰ (بصفحه ۴۷۳ ج ۳ معجم البلدان چاپ مصر و قرای قدیمه و جدیده ری و طهران از این کتاب رجوع شود)

(۳- قریه دستی) - نام این قریه در صفحه ۱۴۸ ج ۵ کامل ابن الاثیر آمده است و اینکه در سال ۱۳۱ هنگامیکه قحطیه از طرف ابومسلم خراسانی بر ری استیلاء یافت و برای عباسیان دعوت می نمود گروهی از یاغی گران در دستی پرچم یاغی گری را برافراشتند و قحطیه ابو عون را برای سر کوبی ایشان

بانیروی مهمی گسیل داد ابوعون با آنان کارزار نمود و برای پیروی از قرآن و سنت و حضرت رضا (ع) از آل محمد دعوت کرد ایشان سر فرود نیاوردند تا اینکه ابوعون بر آنها پیروزی یافت و متفرق ساخت سپس بآنها امان داد از کامل بن الاثیر و صفحه ۸۹ معجم البلدان ج ۲ معلوم میشود که دستیابی هنگام فتح ری اهمیت شایانی داشته و آن را در اهمیت نمره دوم شهر ری بشمار میرفت زیرا که عمر بن الخطاب عمر بن زید طائی را برای تسخیر ری و دستیابی فرمان داده است (بتاریخ فتح ری و کلمه دستیابی رجوع شود)

(۴) دماوند یا دماوند - کوهی است مشهور واقع در طرف شرقی ری و در دامنه آن قریه ایست معروف بقریه دماوند میباشد (تاریخچه قدیم و جدیده آن در فصل قرا و اماکن ری قدیم و طهران از این کتاب نگاشته شده است بدینجا مراجعه شود) ابو محمد سلیمان بن مهران دنیا وندی معروف باعش محدث بآن منسوب شده و در سال ۱۳۸ در سن ۸۷ سالگی وفات نموده است -

(۵) دولاب - این قریه از قرای نامی ری اسلامی بوده و جمعی از علمای حدیث بآن منسوب شده اند از آنجمله قاسم رازی دولابی است که چهل سال در مکه اقامت گزیده و پیش از حمله قرمطی برمکه به يك سال وفات کرده است - و نیز ابوبکر محمد بن اسماعیل بن زیاد دولابی محدث متوفی بسال ۲۷۵ باین قریه منسوب شده است (بفصل قرای قدیمه ری و طهران امروز از این کتاب رجوع شود)

(۶) رنبویه - مسعودی در مروج الذهب و دیگران نوشتند در سال ۱۸۹ هنگامیکه هارون الرشید از ری بسوی خراسان میرفت علی بن حمزه کسائی نحوی معروف که در رکاب هارون بوده است وفات میکند و در این قریه دفن میشود چنانکه در همین روز هم محمد بن حسن شیبانی قاضی وفات میکند و در این قریه نیز دفن میشود هارون از این اتفاق آگاهی یافت و گفت (دفن الفقه و النحو فی رنبویه) (یکلمه رنبویه از دهات ری در تاریخ ری رجوع شود)

(۷) زویق - این قریه در نواحی ری بوده است و بنا بگفته مسعودی در صفحه ۲۲۸ مروج الذهب در حاشیه ج ۲ کامل ابن الاثیر علی بن احمد صاحب الزنج

معروف که در سال ۲۵۵ و زمان خلافت المهدی بالله عباسی در بصره خروج نموده و مذهب ازارقه را منتشر ساخته از اهالی این قریه میباشد (بکلمه زویق از تاریخ دهات ری رجوع شود)

(۸ قار یا غار) - ابوبکر بن صالح بن شعیب رازی بآن منسوب شده است (بصفحه ۱۰ ج ۷ معجم البلدان و بخش دهات ری قدیم و طهران رجوع شود)
(۹ قسطانه یا کستانه) قریه ایست که فاصله آن از ری یک مرحله بوده است ابوبکر محمد بن الفضل بن موسی رازی قسطنطینی بآن منسوب شده است ابوبکر شافعی و ابن ابی حاتم رازی محدث در قرن سوم از او روایت کرده اند (۸۶ و ص ۲۰۰ ج ۷ معجم البلدان)

(۱۰ کلین) - بضم کاف و تخفیف یا تشدید لام و گاهی کلین بفتح لام گویند و در آن قبر شیخ یعقوب والد شیخ ابی جعفر معروف بکلینی مؤلف کتاب الکافی در حدیث از کتب چهار گانه حدیث شیعه است (بکلمه کلین و کلینی از اسامی دهات و رجال در تاریخ ری مراجعه شود)

(۱۱ محمدیه) - نام شهر جدید ری است که مهدی عباسی در خلافت منصور بری آمده و آن را ساخته و بنام خود (محمد المهدی) نامیده (به فصل اسامی دهات و اماکن قدیمه ری و طهران مراجعه شود)

(۱۲ مشکاوین) - از دهات ری است که در آن کارزاری میان یاران حسن بن زید علوی و عبدالله بن عزیز صاحب الطاهریه در سال ۲۵۱ رخ داد و علویان فراری گشتند (بصفحه ۶۶ ج ۸ معجم البلدان رجوع شود)

(۱۳ مهرقان) - ابو عمر حفص مهرقانی رازی بآن منسوب شده است ابو حاتم رازی از او روایت کرده است (ص ۲۲۱ ج ۸ معجم البلدان)

(۱۴ ورامین) - از دهات نامی بلکه از شهرهای کوچک و مهم ری قدیم بوده و امروز نیز از دهات نامی طهران بشمار میرود و تاریخچه مبسوطی در تاریخ ری و طهران دارد (بدیهات قدیمی ری و طهران امروز از این کتاب رجوع شود -
(۱۵ وسقند) - ابو حاتم محمد بن سعید وسقندی رازی متوفی بعد از ۲۴۱ بآن منسوب شده است (بصفحه ۲۴۱ ج ۸ معجم البلدان و دهات قدیمه ری اسلامی رجوع شود -

(۱۶ وهین) از نواحی قرج که از قصبات ری بوده است (بصفحه ۴۳۵ ج ۸ معجم البلدان رجوع شود -)

این بود مختصری از نام و تاریخ دهات ری اسلامی قدیم که بطور تحقیق میتوان گفت آبادانی آنها پیش از پیدایش نام قریه طهران در تاریخ ری بوده است و برخی از آنها تا زمان ممتدی هم بعد از پیدایش آن نیز برقرار بودند و متلاشی نگردیدند تا اینکه بواسطه انقلابات سیاسی که در سرزمین ری رخ میداده بتدریج ویران میشدند سپس بمرور زمان از نو آبادان میگردیدند چنانکه در تاریخ ورامین و دولاب و دماوند و کرج و غیرها از قرای قدیمه ری یا ری و طهران ذکر خواهیم نمود -)

(بخش دوم) دهات ناهای ری که هنگام پیدایش نام قریه طهران آبادان و دایر بوده است

(۱ اذون) - قصران داخل و قصران خارج از نواحی بزرگ ری بودند (بکلمه قصران در تاریخ ری و طهران رجوع شود) واذون از دهات قصران بوده است ابوالعباس احمد بن حسین بن ابی قاسم بن علی بن بابا قصرانی اذونی متولد بسال ۴۹۵ در اذون از مردمان نامی آن بوده است (بصفحه ۹۶ ج ۸ معجم البلدان چاپ مصر و تاریخ ری از این کتاب رجوع شود -)

(۲ اسفندون) - ابوالعباس احمد بن علی اسفندونی متوفی بسال (۲۹۸) در بغداد بآن منسوب شده است (بصفحه ۲۲۸ ج ۱ معجم البلدان و تاریخ ری رجوع شود) (۳ اشنان) - بضم الف ابوالحسین اشنانی قاضی بغداد در سال ۳۱۶ بعد از قضاوت احمد بن اسحاق بن بهلول در آن منسوب باین قریه میباشد (بصفحه ۹۲ ج ۱ معجم الادباء چاپ مصر و تاریخ ری رجوع شود)

(۴ بهزان) - ابواسحاق اصطخری فارسی در کتاب خود که در حدود سال ۳۰۴ تألیف نمود در صفحه ۳۹ چاپ لیدن مینگارد که بهزان از رساتیک ری بوده است (بکلمه بهزان و طهران از این کتاب (تاریخ طهران) رجوع شود) (۵ جراذین) - باجیم و برخی با خاه خواندند - علی بن عباس جراذینی متکلم و فقیه بآن منسوب شده (صفحه ۲۲۳ فهرست طوسی) محتمل است که تاریخ پیدایش این قریه بر پیدایش قریه طهران مقدم باشد - بتاریخ ری رجوع شود - (۶ خرما باد) - (چنین ضبط شده است) ابو حفص عمر بن الحسین خرما بادی

محدث متولد بسال ۴۴۳ تقریباً بآن منسوب شده است (ص ۴۲۳) ج ۴ معجم البلدان (و تاریخ ری رجوع شود)

(۷ خومین) - بضم خاء - ابوالطیب عبدالباقی بن احمد بن عبدالله خومینی رازی محدث متوفی بعد از سال ۴۲۰ بآن منسوب شده است (ص ۴۹۱ ج ۳ معجم البلدان) (۸ دزاه) - و گاهی آن را بدیزای علیا یا دیزای سفلی مینامند ابن حوقل که کتاب خود را در حدود سال ۳۶۶ تألیف نموده مینویسد که دو قصبه مهم بودند وهریکی دوهزار سکنه داشتند بتاریخ ری و کلمه دز آشوب از این کتاب رجوع شود)

(۹ دهک) بافتح دال یا کسر دال سعدی بن عبدالله دهکی و علی بن ابراهیم بن محمد دهکی که در سال ۳۵۹ حیات داشته بآن منسوب شده است (بصفحه ۷۸ - ۷۹ ج ۵ معجم الادباء و تاریخ ری رجوع شود)
(۱۰ - دوربست - یا درشت - یا طرشت)

این قریه از قرای قدیمه ری است و در این زمان آن را درشت یا طرشت میخوانند ابو عبدالله بن جعفر بن محمد بن محمد بن موسی بن جعفر دوربستی فقیه محدث متوفی بعد از سال ۶۰۰ منسوب باین قریه بوده است بکلمه مزبور در معجم البلدان و ص ۵۲۴ جنة النعیم و دهات قدیمه ری و طهران رجوع شود)
(۱۱ سن) - بکسر سین هشام بن عبدالله سنی رازی محدث که از مالک و ابن ابی یوسف روایت نموده منسوب باین قریه میباشد (ص ۴۴ ج ۴ معجم البلدان و تاریخ ری)

(۱۱ طبرک) - یا فخر آباد در سال ۵۰۰ الملك الرحیم خاتمه پادشاهان بویهی در این قلعه وفات نموده قلعه مزبور تاریخچه مبسوطی در تاریخ ری دارد (ص ۲۲۹ ج ۱۰ کامل)

(۱۴ قصران) - قصران داخل و قصران خارج دو ناحیه بزرگی است در ری که جمعی از علما بآن منسوب شده اند ابن الاثیر در حوادث سال ۳۰۶ و صفحه ۲۷ ج ۸ کامل از آن نامی برده است (بدهات ری قدیم و طهران رجوع شود)
(۱۴ کرج) - در حوادث دولت آل بویه در ری و تاریخ کامل ابن الاثیر راجع بمسعود بن محمود بن سبکتین سال ۴۲۵ صفحه ۱۵۰ ج ۹ و کتابهای دیگر که در در قرن سوم هجری تقریباً تألیف شده نامی از کرج آمده است (بدهات ری قدیم و طهران مراجعه شود)

(۱۴) نرملق - و مردمان این محل آنرا نرمه گویند - احمد بن ابراهیم نرملقی رازی بآن منسوب شده است و ابوالقاسم طهرانی از او روایت کرده (۲۵۰ ج ۸ معجم البلدان) محتمل است که پیدایش نام این قریه پیش از تاریخ بروز نام طهران باشد -

(۱۵) هسنجان - ابواسحاق ابراعیم بن یوسف بن خالد هسنجانی رازی متوفی (۳۰۱) از این قریه است (بصفحه ۴۶۵ ج ۸ معجم البلدان رجوع شود) (۱۶) یزد آباد - ابوالعباس یزدی آبادی از معاصرین ناصرالدوله دیلمی از مردمان این قریه است (ص ۱۵۸ ج ۴ مرآت البلدان - بخش سوم دهات نامی ری را در صفحات بعد بخوانید)

(و) طهران در نگارشات مورخین از سال ۲۶۱ تا سال ۶۱۷

از پیدایش نام آن تا آغاز حمله مغل ۶۱۷

از نگارشات مورخین استنباط میشود که قریه طهران مانند قریه‌های دولاب و خوار و ورامین و غیرها در این مدت آباد و معمور بوده است بلکه آبادانی آن بسا محکم و قوی است که انقلابات ریشه کن مغل هم نتوانسته آنرا نابود سازد - از جمله مورخین که نام طهران را در این تاریخ نگاشتند (۱) ابوزید احمد بن سهل بلخی مع وف بابن بلخی است که تاریخ تألیف آن معلوم نیست ولی تا اوایل قرن هفتم با تمام رسیده است - در فصل کورتهای فارس چنین مینویسد - همه میوه های آنجا بغایت نیکو است خاصه انار کی مانند انار طهران است -

(۲) ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان راوندی مینویسد که والده سلطان و امیر سپاه سالار کبیر مظفرالدوله والدين قزل ارسلان از لشکرگاه حرکت فرمودند عزیمت به نخجوان و بیالای طهران فرود آمدند و پیش از این ذکر کرده که لشکرگاه سلطان درری بوده -

(۳) محمد بن حسن بن اسفندیار در تاریخ طبرستان که در حدود سال ۶۱۳ تألیف شده است در ضمن جنگهای افراسیاب و منوچهر مینگارد - افراسیاب در آنجا که طهران و دولاب است رخت افکند (بتاریخ طبرستان باب دوم از کتاب اول در فصل بنای رویان رجوع شود)

(۴) یاقوت مینویسد طهران لفظ عجمی است و عجم آن را بتاء منقوطة تلفظ

نمایند برای اینکه طاء در لغت عجم نیامده است طهران از قرای ری است و میان این قریه و ری دوفرسخ است از مرد راستگوئی از مردان ری شنیدم که میگفت طهران قریه بزرگست که بیوتات آن را زیر زمین ساخته اند و احدی را راهی برای این قریه نه میباشد بجز اینکه خود اهل این قریه بخواهند او را راه دهند و بارها بر سلطان وقت یاغی شدند و سلطان جز مدارات با ایشان چاره نداشته و این آبادی منقسم بدوازده محله میشود اهل هر محله بامحله دیگر منازعه مینمایند و مردم این محله به محله دیگر نمیروند و باغات و بساتین زیاد دارد و همین نکته اسباب حراست اهالی و دفع دشمن از ایشان است و باوجود محروس بودند با گاو زراعت نمیکند و زراعت ایشان دستی و بمروور است زیرا که میترسند بعضی از آنها دواب بعض دیگر بغارت بر بایند جماعتی از اهل علم منسوب بتهران میباشد - نیز طهران از قراء اصفهان است و بعضی از محدثین منسوب باین قریه است.

(ز) چگونگی اجمالی اوضاع سیاسی ری و طهران از سال ۲۶۱-۲۶۶

از آغاز پیدایش قریه طهران تا آغاز حمله مغل

اوضاع سیاسی ری در این سه قرن بسا منقلب و توأم با تبلیغات دینی و تغییرات در باری و تعصبات نژادی بوده است گاهی بسود و گاهی بزیان توده و جامعه ری میگردید باین معنی ری همانطوریکه از تشکیلات المهدی بالله خلیفه عباسی و ساختن شهر جدید آن المحمدیه به آبادانی و پایتختی آن در زمان رکن الدوله بویه و فرزندان او بهره مند شده و رو بتعالی و فزونی رفته بوده است بهمان نسبت نیز دوره آبادانی و آسایش آن سپری گشته و در زمان سلطنت سامانیه و حملات غزها و حکومت ابن سبکتکین و سلجوقیان و خوارزمشاهیان و اختلافات مذهبی و نژادی که با مردمان ری ابراز می نمودند آسیب های گوناگون متحمل شده و رو بقهقری کرده است و بطوری که بعداً بیان میکنیم و در کتاب تاریخ ری بتفصیل نگاشتیم سر زمین ری پیش از حمله مغل دچار خرابی و ویرانی بوده است ولی مغل آن را ریشه کن و نابود ساختند بهر حال فهرست اجمالی وقایع تاریخی ری در این دوره از این قرار است

در سال ۲۶۲ فرماندار ری صلائی برک رسید و کیغلمغ بر آن استیلاء یافت و در سال ۲۷۲ از کوتکین پس از کارزاری که میان او و محمد بن زید علوی صاحب طبرستان در گرفته بود ری آمد و از این سال تا سال ۲۸۹ جنگهای متوالی در ری میان احمد بن عبدالعزیز و احمد بن رافع فرمانداران المعتضد بالله عباسی و میان محمد بن هارون و محمد بن زید علوی رخ داد (ص ۱۷۰ ج ۷ کامل) در سال ۳۰۴ ابن ابی الساج والی آذربایجان بری آمد و تا سال ۳۰۷ پس از جنگهای متمادی بیرون رفت (ص ۲۲ ج ۸ کامل) و در سال ۳۱۱ باز هم بری آمد (ص ۴۵ ج ۸ کامل) و در سال ۳۱۴ سامانیه بری استیلاء یافتند (ص ۵۲ ج ۸ کامل) و در سال ۳۱۶ اسفار بن شیروم بر ری و کرج غلبه نموده (ص ۶۰ ج ۸) و پس از او مرداویج تا سال ۳۱۸ در آن اقامت داشت و جنگهای متوالی بر پا نمود -

در سال ۳۲۱ دولت بنی بویه در ری بروز نمود و با علی بن محتاج و خراسانی ها و دیگران تا سال ۳۶۹ جنگهای مختلف داشتند (بتاریخ ری و ج ۸ کامل رجوع شود)

سلطنت بنی بویه در ری

مؤلف احسن التقاسیم مینگارد اعظم بلاد جبل دیلم و ری است و اول کسی که بر ری و دیلم غالب شد و این دو ولایت را از چنگ خلفای آل سامان بیرون آورد حسن بن بویه بود که خود را ملقب بر کن الدوله کرد و پدرش مؤید الدوله و برادرش علی فخر الدوله و سپهسالار ایشان در دامغان بود - این سلسله برای سلطنت با صلاحیت تراند و سیاستهای عجیب و غریب و رسوم بد دارند اما متعرض متروکات و میراث نمیشوند و جایزه و انعامی که دارند تا حال حیات مجری میدادند الخ (ص ۱۶۴ ج ۴ مرآت البلدان بنقل از احسن التقاسیم)

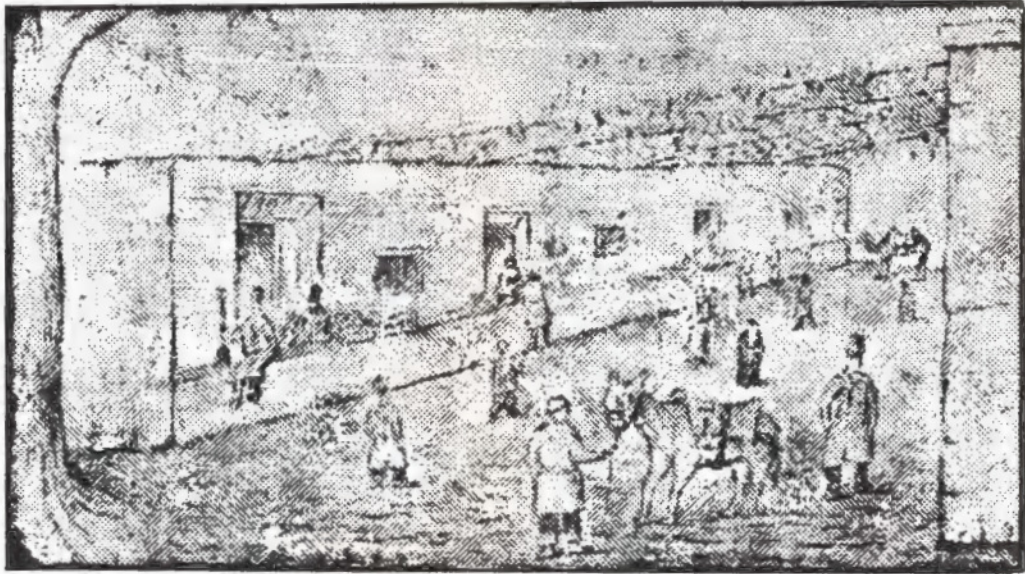
پایتختی ری در زمان بنی بویه

(ان حوقل) در کتاب مسالك الممالك مینویسد - امادیوان و صقر حکمرانی همدان در زمان مادر ری است و بجهت اینکه سلطان ابن اقلیم ابوعلی الحسن بن بویه است که در ری توطن و اقامت نمود و جبال بتمام در تصرف اوست و باج و خراج این مملکت باو مرتفع میشود از جبال

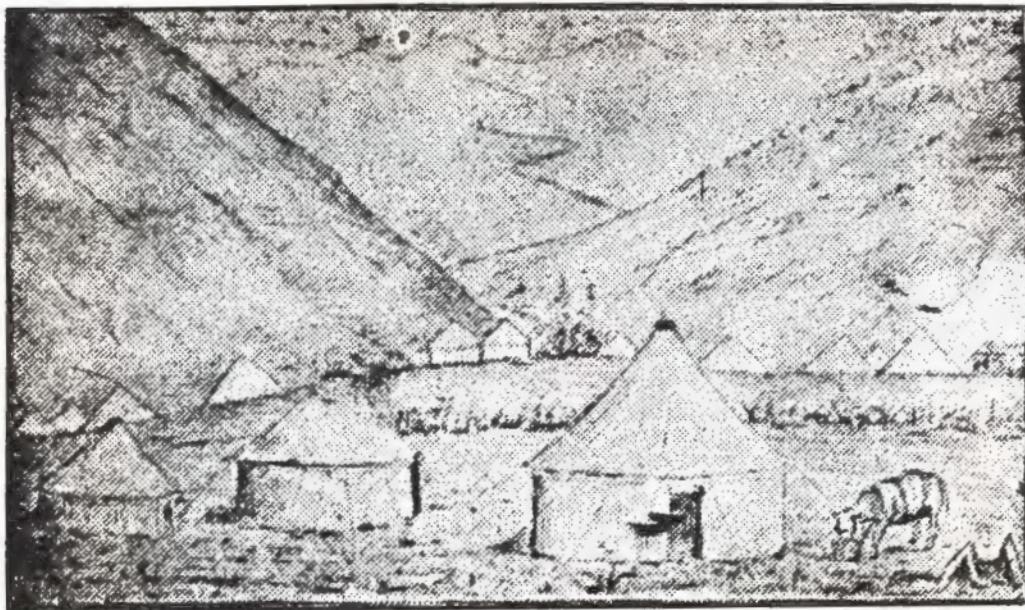
تا اصفهان تا زمین فارس دو هزار دینار مرتفع میشود (از ص ۱۵۱ ج ۲ مرآت البلدان منقل از مسالك الممالك) -

تردیدی نیست باینکه ری در زمان پادشاهان مهم بنی بویه آبادان و معمور بوده و اوضاع سیاسی و دینی و فرهنگی آن بسیاری رضایت بخش و سودمند گردیده است و در زمان وزارت ابن العمید و صاحب بن عباد مورد ستایش شعرا و نویسندگان دور دست مانند ابوالطیب متنبی و ابن مسکویه و دیگران شده است و شالوده و اساس کتابخانه مهم ری که فهرست آن تنهادر ده مجلد تدوین گردیده و تا آمدن مغل بری هم دایر بوده است در زمان شهریاران سترک آل بویه و دو وزیر مزبور ریخته شده است (بتاریخ کتابخانه های ایران چاپ ۱۳۱۱ نگارش مؤلف این کتاب و معجم البلدان یا قوت رجوع شود)

(ح) تنمۀ فهرست اجمالی اوضاع دولت بنی بویه و سلجوقیان و خوارزمشاهیان در ری در سال ۳۶۹ عضدالدوله بر همگی مستملکات فخرالدوله مستولی گشت و در سال ۳۸۷ در قلعه طبرک وفات نمود و در آن وقت کلید خزینهای او در ری و نزد مادر فرزندش مجدالدوله بوده بطوریکه کفن برای او خواستند نه یافتند چون دیلمیان شورش کرده بودند نتوانستند بری بروند ناگزیر پیراهن برای او خریدند و در آن کفن کردند و فرزندش مجدالدوله که چهار سال عمرش بوده برای سلطنت برگزیدند (ص ۴۵ ج ۱ کامل) چون اوضاع سلطنت بنی بویه از این تاریخ تا سال (۴۲۰) رو بفقری میرفت و سپری میگردد محمود بن سبکتکین در این سال بر مجدالدوله بن فخرالدوله غلبه نمود و او را دستگیر کرد و سلطنت بنی بویه را منقرض ساخت (ص ۱۰۸ ج ۹ کامل) و در این سال ۴۲۰ غزها برری حمله بردند و تا سال ۴۳۰ حملات آنها برری ادامه داشته و همواره با نیروی بن سبکتکین کارزار می نمودند - در سال ۴۳۱ پس از مرگ محمود بن سبکتکین قناخسرو بن مجدالدوله بویهی در گرفتن ری طمع کرد و بقصران که بسیاری محکم بوده آمد و بر ری حمله نمود ولی شکست خورد و بقصران باز گشت (ص ۱۴ ج ۹ کامل) در سال ۴۳۲ دولت سلجوقیان ظهور یافت و در سال ۴۳۴ طغرل بیك بری آمد و حوادث بسیاری در زمان او در ری رخ داد تا اینکه در سال ۴۵۵ در ری وفات نمود (صفحه ۹ ج ۱۰ کامل) در سال ۴۹۲ سلطان محمد



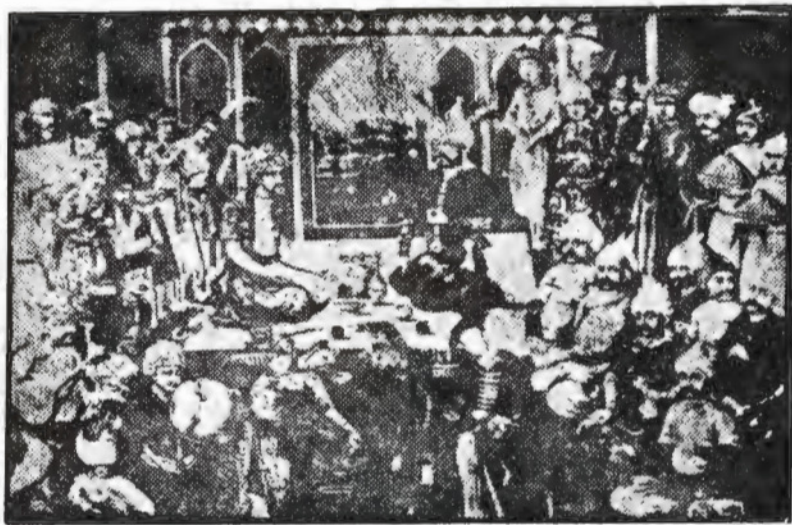
بازار افچه صفحه (۵۴)



لواسان وجاده لار صفحه (۵۴ و ۵۳)



دوتن از در اویش فرآه لور بخشید دور بست یا طرشت صفحه (۴۰)



شاه طهماسب اول باملازمین رکابش در طهران صفحه (۷۱)

بن ملک‌شاه سلجوقی در ری توقف نمود و حوادی برای او بابرادرش اتفاق داد در سال ۴۹۳ بر کیاروق نیروی برادر خود محمد در ری شکست داد و مؤید الملك وزیر را بکشت سلطان بر کیاروق در حدود یکصد هزار سوار در ری گرد آوری نمود ولی در نتیجه نداشتن آذوقه متفرق گردیدند در سال ۴۹۶ ینال بن انوشکین بر ری استیلاء یافت و در این سال ابوالمظفر خجندی واعظ نامی بدست يك نفر علوی بقتل رسید در سال ۵۲۲ سلطان سنجر بانروی مهمی از خراسان بری آمد در سال ۵۱۳ جنگ سختی میان سنجر و سلطان محمود در ری در گرفت در سال ۵۴۱ عباس والی ری بدستور سلطان مسعود بقتل رسید (بصفحه ۴۴ ج ۱۱ کامل رجوع شود) در سال ۵۵۵ ایناخ که از بندگان سلطان سنجر بوده بر ری استیلاء یافت و در سال ۵۶۴ ایلدگز بر ری و مستملکات ینال مستولی گردید ابن الاثیر در صفحه ۷۹ ج ۱۱ کامل این اسم را با تاء ثبت نموده ولی در صفحه ۷۹ ج ۱۱ و چندین موضع دیگر (ایناخ را با حرف نون ثبت کرده است) در سال ۵۸۸ خوارزمشاه بری آمد و بر آن مستولی گشت و قلعه طبرک را دو روز محاصره نمود و فتح کرد در سال ۵۹۰ طغرل بری آمد و یاران خوارزمشاه را متفرق نمود در سال ۵۹۰ خوارزمشاه تکش بری و بقیه بلاد جبل استیلاء یافت در سال ۶۰۸ منکلی بری و بلاد جبل غلبه نمود و در سال ۶۱۲ کشته گردید و اغلامش بر ری لستیلاء یافت (صفحه ۱۱۸ ج ۱۲ کامل)

(ط) مختصر دورنمایی قریه طهران میان دو بخش مذکور از قریه های

ری هنگام حمله مغل بسال ۶۱۸

تاریخ سیاسی ری نشان میدهد که دوره های آبادانی و ویرانی آن مد و جز یا فزونی و کمی داشته است و اینکه پیش از تاخت و تاز سپاهان مغل بواسطه انقلابات داخلی و تعصبات مذهبی و اختلافات نژادی که در ری و حومه اش متوالیاً رخ میداده بسیاری مخروبه و ویران بوده است و هنگام حمله مغل نیز استعداد خرابی داشته است ولی پس از حمله ناهنجار چنگیز و یارانش ریشه کن و نابود گردیده است - یاقوت در معجم البلدان راجع بویرانی ری در سال ۶۱۸ زمانیکه از باز دید کتاب خانه های مرو

از بیم مغل فرار نموده و برری عبور نموده شرحی نگاشته است که در مورد خود نقل میشود . (بفهرست اجمالی چگونگی اوضاع ری که در صفحات پیش نگاشته شده است و تاریخ مبسوطی رجوع شود)

پهر حال مختصر تابلو تمام نمائی اوضاع سیاسی ری و طهران و دو بخش مذکور از قرا و قصبات ری هنگام حمله مغل چنانکه ابن الاثیر در ص ۱۴۴ ۱۴۷ ج ۱۲ کامل مینگارد از این قرار است در سال ۶۱۷ قمر مغربه (۱) بری رسیدند برای اینکه خوارزمشاه بسوی ری فرار کرده بوده است و تاتار مردمان آنرا چنان غافلگیر کرده بودند که هیچگونه تاب مقاومتی نداشتند در این اثناء سپاهان چنگیز بآنها پیوست شدند و در اندک زمانی برری استیلا یافتند و اهالی آن را نابود ساختند و زنان و کودکان و اموالشان را بنارت بردند ابن الاثیر مینویسد تا تر در ری آسیبهای بکار آوردند که مانند آنها گوشزد احدی نشده است زیرا که بمحض اینکه ری را ویران ساختند مکث در آن نکردند و دنباله خوارزمشاه شتاب نمودند و بر هر شهری که استیلا می یافتند مخروبه میکردند و مردان و زنان و کودکان آن را میکشتند همینکه بهمدان رسیدند خوارزمشاه آن را ترك نمود - تاتار حملات خود را در سال ۶۲۱ و ۶۲۴ بر ری تکرار کردند و بر ویرانی آن افزودند چنانکه در تاریخ سیاسی ری از کتاب تاریخ ری ذکر شده است - از حوادث سیاسی و کارزارهای خونین که در سرزمین ری در زمان خلفای بنی امیه و بنی عباس و دعوت های متوالی که برای آنان در آنجا میشد و وقایع تاریخی سامانی و آل بویه و غزها و سلجوقیان و خوارزمشاهیان تا آمدن تاتار رخ میداد ملم میدانیم که صفحات تاریخ سیاسی ری پیش از حمله سخت مغل نیز بخون فرزندان نیاکان خود رنگین و آلوده بوده است و طهران باهمگی قرا و قصبات نامدار بخش اول و دوم مزبور آن نیز بموجب قانون پیروی جزء از کل و فرع از اصل هم طبعاً در حالت انقلابات و تزلزل و گذرگاه سوق الجیشی و سپاهیان دولتهای

(۱) قمر مغربه بیست هزار سوار که در غرب خراسان میرفتند و مأموریت دستگیری خوارزمشاه را داشتند ایشان را مغربه نامیدند تا اینکه فرق میان آنها و نیروهای دیگر چنگیز معلوم گردد -

انقلابی بوده است (برای آگاهی از تفصیل این حوادث بتاریخ سیاسی ری از تاریخ ری مراجعه شود) با این وصف میتوان گفت که برای پیشرفت شهرت نام طهران از آغاز قرن سوم تا پایان قرن هفتم یا آغاز حمله منیل مواعی از ویرانی و آشوب داخلی رخ داده بوده که مورخین و جغرافی شناسان این عصر مانند اصطخری متوفی بسال ۳۰۴ تقریباً و مقدسی که

در حدود سال ۳۷۵ تألیف خود را پایان رسانیده و ابن حوقل که کتاب خود را در سال ۳۶۶ گرد آوری نموده نتوانستند بطور مرغوب از چگونگی و سرگذشت علمای نامی آن آگاه شوند مؤید این مطلب آن است که سمعانی متوفی بسال ۵۶۲ با اینکه در کتاب الانساب خود در وصف طهران ری مینگارد طهران ری معروفتر از طهران اصفهان است و تنها یک نفر از علمای منسوب بآن معرفی نموده است چنانکه قبلا هم باین مطلب اشاره شده است - یاقوت نیز در معجم البلدان از طهران ری و منسوبین بآن بیش از سمعانی ذکر نکرده است

بهر حال شهرت نام طهران ری میان دو بخش از قرا و قصبات مذکوره در این چهار قرن (۳ - ۷) پیش از این مقدار نبوده است ولی میتوان باور کرد که آبادانی و عمران آن بسا قوی و محکم و پایدار بوده است که انقلابات داخلی دولتهای کشور خود یا دولتهای کشورهای همسایه و بیگانگان حتی مغل و سپاهیان تاتار نتوانستند آن را مانند بسیاری از قریه های نامی دیگر از بخش اول و دوم ریشه کن سازد بلکه چنانکه بعداً مینگاریم پس از پایان حملات مغل و در قرن هشتم هجری از نو دو مرتبه رو بآبادانی رفتند

(ی) طرز ساختن خانه های طهران در قرن هفتم هجری راجع بطرز ساختمان خانه های طهران جغرافی دانها و سیاحان عرب که بایران آمده اند و ری را باز دید نمودند مانند اصطخری و ابن حوقل و مسعودی چیزی نه نگاشتند و تنها یاقوت در معجم البلدان و ابن زکریای قزوینی در آثار البلاد و قاضی عمادالدین ابویحی زکریا بن محمد بن محمود انصاری متوفی بسال ۶۸۲ هجری در کتاب عجائب البلدان نسبت بروش ساختن خانه های طهران چنانکه مشاهده کرده اند نوشتند -

از معجم البلدان یاقوت راجع بطرز ساختن خانه های طهران و مشاهده او در صفحه (۱۸) از این کتاب نقل شده است بصفحه مذکور رجوع شود (در آثار البلاد) قزوینی - وجه تسمیه طهران باتاء منقوطة برای همین جهت بوده است که خانه های آن را از ترس دشمن زیر زمین می ساختند و (تهران) می گفتند (بصفحه پیش رجوع شود) -

(در عجائب البلدان) قاضی عمادالدین - طهران قریه ایست معظم جزو ایالت دی دارای باغات زیاد و در آن باغات اشجار میوه دار غرس شده و سکنه در خانه های سرداب مانند متوطن اند همینکه دشمنی بایشان حمله آورد بآن خانه های تحتانی پناه بسته و هر قدر محصور بودن آنها امتداد یابد و بسبب کثرت آذوقه که از فرط احتیاط ذخیره کرده اند آسوده اند و بیرون آوردن ایشان از آن اماکن غیر مقدور است و چون دشمن مأیوس شد و معاودت کرد از زیر زمین بیرون آمده اطراف و جوانب شهر بلکه طرق عامه و شوارع را که محل عبور و مرور قوافل و مترددین است فرا گرفته و براه زنی و قتل و غارت مشغول میشوند و دائماً بر سلطان عصر یاغی و باعسا کر او در کارزار زد و خورد داشتند از منقولات فوق چنین نتیجه میگیریم که این طرز از ساختن خانه ها تنها بآبادی طهران اختصاص داشته و ساختمانهای ری و بقیه آبادیهای آن باین طرز نبوده است چنانکه یاقوت در کلمه ری روشن ساختن خاچه های آن را بنحو دیگر ذکر کرده که ممکن است بازیاترین عمارتهای شهر های متمدنه جهان آن روز برابری نماید اگر چه در آن وقت هم ویران و مخروبه گردیده است و نیز از گفتار های مزبور یقین میابیم که آبادی طهران بطوریکه شامل دوازده محله شده است پس از خرابی ری در قرن ششم هجری بوده است و در هنگام آبادانی ری در قرن سوم و چهارم و پنجم هجری و زمان اصطخری و ابن حوقل طهران نیز خود هم آباد بوده و جمعیت بسیاری داشته چنانکه مستوفی در نزهة القلوب گفته (طهران قصبه ایست معتبر و آب و هوایش خوشتر از ری و در حاصل مانند آن و در مقابل اهل آنجا کثرت عظیم داشته اند) و پس از ویرانی ری چونکه در فزونی حاصل و خوبی آب و هوا و نزدیکی بری معروف بوده است طبعاً و بآبادانی آورد (بتاریخ آبادانی طهران از قرن سوم هجری تا زمان



پذیرانی شاه طهماسب اول از مر دم در مشهد عبد العظیم صفحه (۷۰)



پذیرفتن شاه حسین صفوی سیزدهم از چهار باغ طهران صفحه (۸۰)



شاه حسین صفوی در طهران صفحه (۸۰)



نیروی که یمخان زند حوالی طهران صفحه (۸۳)

مغل رجوع شود. (نص عبارت قزوینی در آثار البلاد راجع بروش اخلاق مردمان طهران و طرز ساختن خانههای آن)

(تهران قرية كبرى من قرى الري كثيرة البساتين و الاشجار مونة الانمار ولهم بيوت تحت الارض كانها اليربوع (يعنى سرداب مانند) فاذا جائهم عدو اختفوا فيها فالعدو يحاصرهم يوماً او اياماً و عشياً فاذا خرجوا من تحت الارض اكثر والفساد و القتل والنهب و قطع الطرق و اكثر الاوقات اهلها عصاة على السلاطين ولا حيلة الى ضبطهم الا بالمدارات و فيها اثنتا عشرة محلة كل محلة تحارب الا اخرى فاذا دخلوا فى طاعة السلطان يجمع عاملهم مشايخ القرية و يطالبهم بالخراج فاذا توافقوا على اداء الخراج المعهود للسلطان ياتى احدهم بديك (خروس) و يقول هذا بدينار و الاخر ياتى بدجاجة (مرغ) و يقول هذى بدينار و يودون الخراج على هذا الوجه وهم يترصدون الخلف و يرضى الوالى منهم بان يقال انهم فى طاعة السلطان و ادوا الخراج هم لا يزرعون على البقر خوفاً من انهم اذا خالفوا توخذ عواملهم و انما يزرعون بالمساحى (بيلها) ولا يقتون الدواب و المواشى لما ذكرنا فان اعدائهم كثيرون و يأخذون مواشيهم - و فواكههم كثيرة حسنة سيما دمانهم (انار ايشان) فان مثله غير موجود فى شتى من البلاد) از نسخه خطى آثار البلاد در کتابخانه مدرسه سپهسالار در طهران زیر شماره (۱۴۹۵ نقل شده است) از نگارشات ياقوت و قزوینی و ديگران راجع بطرز ساختن خانههای مردمان طهران و روش اخلاق ايشان بزرگترین سند تاريخى مييابيم بر اينکه ريشه فساد اخلاق آنها از قديم بوده است و استعداد حالت روحيه تأسف آور امروزه داشته است چنانکه بعداً در تاريخ ادبى طهران خواهيم نوشت -

(۱ ی) — بهزان و تهران

برخی از نویسندگان رتبه دوم معاصر احتمال میدهند که تهران تحریف شده بهزان است و برای اثبات این احتمال مقالات خیالی و بی منطق ذکر میکنند که نگاشتن آنها سودی ندارد پایه این اشتباه آنست که کلمه بهزان در کتب جغرافی شناسان قرن چهارم و ششم آمده است و از دهات نامی ری آنرا نیز شمردند (۱) ابواسحاق اصطخری فارسی که کتاب خود را در حدود سال ۳۰۴ هجری گرد

آوری کرده و در سال ۱۸۷۰م در لیدن چاپ شده در صفحه ۳۰۹ در خصوص ری چنین مینویسد (ومن وساتيقها المشهورة قصران الداخل والخارج وبهزان) پرفسور دخویه معروف زیر همان صفحه احتمال برده که این کلمه را ممکن است تهران خواند نه بهزان و دنبال همین احتمال پرفسور مزبور مطارحات بسیاری میان گروهی از نویسندگان معاصر بکار آمده که در مجله آینده و غیرها ذکر شده است که اساساً بی موضوع میتوان شمرد -

(۲) المقدسی که در حدود سال ۸۷۵ تألیف خود را پایان رسانیده و همچنان ابن حوقل که کتاب خود را در حدود سال ۳۶۶ تألیف نموده کلمه بهزان را ذکر کرده اند و از توابع ری دانستند - بدو نسخه المقدسی چاپ لیدن بسال ۱۹۶۰ و ابن حوقل چاپ لیدن بسال ۱۹۷۳ رجوع شود -

(۳) یاقوت در معجم البلدان مینگارد بهزان محلی است نزدیک ری گویند آنجا شهری بوده و مردمان آن به محل امروزی آمدند و آنجا خراب شده و تا امروز آثار آن برجاست و میان آن و ری شش فرسنگ است - بهرحال ممکن است که شهر بهزان مذکور در جنوب طهران وری بوده است چونکه از سمت شمال بکوه البرز نزدیک است و چنین فاصله شش فرسنگی ندارد و از سمت مشرق نیز در فاصله کمی به تپه‌ها و ارتفاعات شرقی تصادف میکند (ب ی) بخش سوم دهات نامی ری از بعد از حمله مغول تا آغاز شهریت طهران - از سال - ۶۱۷ - تا سال (۹۰۰)

مقدمه - پس از حمله مغول و ویران شدن ری بسیاری از دهات نامی ری مذکور در بخش اول و دوم آبادانی آنها نیز قهراً نابود و ریشه کن شده است و بجز نام تاریخی آن هم از برخی از آنها در کتب مورخین قرن ۷-۱۰ نمانده است مانند قریه های مهم - بیست و دستی و رنبویه و زویق و کلین و قسطانه و محمدیه و مشکاوین و مهرقان و وسقند و وهین از بخش اول و مانند قریه های نامی - اذن و اسفندون و بهزان و جراذین و خرما باد و دزاه و دهک و سن و طبرک و قصران و نرمق و هسنجان و یزد آباد و بقیه السیف دهات نامی دیگر از بخش دوم که در تاریخ ری ثبت کرده ایم و در حقیقت کلیه دهات و قرای مهمه ری که پس از حمله مغول تا آغاز شهریت طهران باقی مانده از این قرار است

از بخش اول که در آغاز سال ۲۶۱ و پیدایش نام طهران دایر بودند -
 خوار - دماوند - دولاب - غار - ورامین -
 و از بخش دوم که هنگام پیدایش نام قریه طهران آباد بودند - خومین - دوربست
 کرج - قریه ورامین از این قریه ها باالخصوص پس از پایان حمله مغل و در
 قرن هفتم و آغاز قرن هشتم هجری چنانچه در تاریخچه آن مینگاریم در آبادانی
 برهمگی قریه های دو بخش مزبور حتی قریه طهران برتری داشته است ولی
 بعداً ویران شده و از ملحقات طهران گردیده و آبادانی آن بطهران آمد
 بهر حال در این مدت سه قرن مزبور علاوه بر آبادانی و باقی بودن این قریه ها
 از بخش اول و دوم قریه های نامی دیگری در محیطی پس از حمله مغل
 از نو ایجاد شده است مانند قریه های مهم جائج و جاجرود و جلودرد و شکرابست
 و ساوجبلاغ و طالقان و فیروز کوه و سولقان و کن و لورا
 و شهرستانک و لار و لواسان و ونک قریه های مزبور پس از شهریت
 طهران باضافه دهات نامی دیگری که در مورد خود ذکر میشوند جزو دهات
 و قلمرو شهر طهران گشت از این لحاظ بخش سوم دهات نامی شامل کلیه
 قریه های نامی و تاریخی طهران دیروز و امروز میشود - و برای روشن کردن
 مقصود این بخش از دهات نامی ری و طهران جداگانه و برترتیب حروف تهجی
 مینگاریم و بقیه قریه های طهران که پس از پایتختی آن تا امروز احداث
 گردید در موارد مناسب و بطور فهرست ذکر میشوند

تاریخچه و اسامی قریه های تاریخی ری قدیم و طهران

جائج و امامزاده عبدالله قریه ایست از قرای لواسان در این زمان در این قریه زیاده از سه چهار
 خانواده دیده نمیشود لکن از خرابه و آثار چنین معلوم و مستفاد میگردد که جائج محل آباد
 و معتبری بوده امامزاده در جائج مدفونست موسوم بامامزاده عبدالله از اولاد حضرت امام
 موسی کاظم (ع) رود جاجرود منسوب باین آبادی و اصلاً جائجه رود بوده از کثرت
 استعمال جاجرود شده (۱) صنیع الدوله در دنباله همین سطور پاسخ مسیودرن اکادمی
 پرفسور روسی که در سال ۱۲۹۰ هجری در رکاب ناصر الدین شاه هنگام مسافرت او
 بجائج و اطراف آن بوده نسبت بسؤال ایشان از وضعیت تاریخی و جغرافی جائج بتفصیل
 نگاشته ولی خلاصه آن را در کلمه جائج و قصران و لواسانات و قصر علی کامه متفرقاً

مناسبت مقام ذکر میکنیم مسیودرن نگاشته (از قریه گلندوک که خارج شدیم تقریباً وصل بقریه مزبوره مختصر آبادی که مقبره امامزاده با گنبد سفید از گنج داشت معروف بامامزاده عبدالله از اولاد امام موسی الکاظم (ع) میباشد امانه بالای قبر امامزاده و نه بر روی قبور قبرستان اطراف امامزاده سنک تاریخ دیده میشود بلکه بواسطه تواریخ مرتسمه در سنگهای بالای قبور تقریباً قدمت آبادی قریه مکشوف و معلوم گردد اما از قریه که گذشتیم تا انتهای اراضی و مزارع که وصل برودخانه جاجرود میشود با آنکه زمین را مزروع کرد ند آثار خرابه و آبادی قدیم از قریه جائج الی کنار رودخانه جاجرود تا نقطه که کنار رودخانه بالای تلی واقع است که بحصارک موسوم میباشد هویدا است در این نقطه آثار خرابه های زیاد و آبادی شهر قدیم آشکار و مشهور میباشد علی الخصوص تپه مخروطی الشكل که طبیعی است نه مصنوعی و در کنار رودخانه واقع شده و معروف است به تپه گنجی و انتهای آبادی قدیم بساحل رودخانه آنجا بوده که جمعی از قدیم بتصور گنج چند موضع آن تپه را شکافته ولی بجز مار زیاد هیچ نیافتند -

حصارک - بالجمله باتفاق دکتر طولوزان حکیمباشی رسیدیم بآثار خرابه زیاد که انتهای آبادی قدیم جائج بوده و حالا آن را حصارک مینامند محتمل است این نقطه که حالا بحصارک موسوم است قلعه محکم آبادی شهر جائج بوده که اعراب بعد از استیلاء و غلبه بر ایران یا خودشان در این محل مساعد بنای این قلعه را نمودند یا ایرانیان از قدیم بجهت حفظ یکی از راههای مازندران که از افجه و لار بشهر نور و رویان و از آنجا بمازندران میرفته است بنای قلعه را کرده - و برای اینکه بنای آن چندان محکم نبوده حصارک نامیده و بصیغه تصغیر خواندند - علی ای حال از تل حصارک که متمم منتهای آبادی جائج است نام وضعی که سابق ذکر کردیم و موسوم بشاهانی و محل قصر علی کامه بوده چندان مسافت ندارد و تنها رودخانه کند که مابین این دو تل طبیعی که سمت مغرب تل حصارک و طرف مشرق تل شاهانی که موضع قصر علی کامه است فاصله میباشد و از آثار خرابه چنین معلوم میشود که در تل شاهانی فقط قصر و عمارتی برای شخص معتبر بعد از آباد شدن حصارک ساخته شده و محل سکنای رعیت بنا بر این طرف حصارک بوده و قصر و عمارت پادشاهی سمت تل شاهانی (۱)

جاجرود - دره ایست در چهار فرسخی طهران براه مازندران و شکارگاه معروف سلاطین قاجار بوده فتحعلیشاه در سال ۱۲۱۳ هجری بنای عمارت کاروانسرا در جاجرود

دستور داد و چون برای توقف او موقع شکار محلی نداشتند در کنار آبادی معروف بشکر بیک بنائی در جنب سنگی برای او ساختند در هر سال دو سه مرتبه برای شکار كبك و تیهو بجاجرود میرفت و بطهران بازگشت میکرد محمد شاه قاجار نیز سالی يك دوبار باین شکارگاه می آمد و در سمت غربی دره به ساختن قصرعالی مشتمل بر حرمخانه و دیوانخانه و حمام و باغ هم دستور داد در کوههای نزدیک این قصر گله گله قوچ و میش وحشی که بادغالی موسوم است و بز کوهی و تکه یافت میشود و از خوزستان و اماکن گرمسیر بفرمان محمد شاه دراج آوردند و در جاجرود رها کردند و این دراجها بومی شده زاد و ولد زیاد نمودند و بعداً نیز از مازندران موال و از سمت خراسان و یزد چند تن گور خر آوردند در جنگل جاجرود سردادند رود جاجرود از مغرب بمشرق جاری است و در کلمه جائج شرحی از آن نگاشته شده در دومعبر این رودخانه پل محکمی بسته شده یکی در معبر کلندوك و لواسانات و یکی دیگر حاجی میرزا بیک از فراشهای خلوتخانه های ناصر الدین شاه در معبر بزرگ مازندران از راه سرخ حصار بیومهند ماوند ساخته است و خاصیت این دو پل اینست که در ایام بهار و طغیان آب از مازندران بطهران و از آن بطبرستان و لواسانات و نور و کجور جلو گیری مینمایند و پلهای دیگری نیز بر روی این رودخانه بسته شده است در اغلب کوههای جاجرود حیوانات درنده مانند پلنگ و خرس و غیرهاست - از طهران بواسطه دو راه بجاجرود میرفتند یکی از راه سرخ حصار دیگر راه مخصوص شکارگاه (۱)

(چشمه علی ری) - آب این چشمه از زیر سنگ صلب خارا ئی که در طرف شمال شهر قدیم ری واقع بوده خارج شده بجانب جنوب جاری میگردد بنا بر تحقیقات و اطلاعات نگارنده قلعه ری بندی که مهدی خلیفه عباسی بنا نمود بالای همین چشمه و روی تخته سنگ بوده چنانکه حالا آثار آن باقی و نمودار است نیز احتمال میرود که قلعه طبرک همین قلعه ری بندی بوده باشد و سایرین آنرا باین اسم موسوم ساخته باشند و چون در لغت فرس طبر بمعنی کوه است چنانکه

طبرستان بمعنی کوهستان است و طبرک با کاف که در فارسی علامت تصغیر است بمعنی کوه کوچک است و این قلعه بر روی کوه کوچک واقع شده ممکن است بعضی از مورخین از این جهت این قلعه را طبرک نامیده باشند بعضی گویند منوچهر این قلعه را بنا کرده و برخی بانی قلعه طبرک را زبیدیه نوشتند - بهر حال چشمه علی ری در سابق آب زیادی داشته چنانکه داغی که در سنک باقی و نمودار است گواهی میدهد لکن قنواتیکه در بالای آن حفر کرده اند آب آنرا بقدری کم کرده که در فصل پائیز یک سنک یا نهایت یک سنک و نیم آب دارد و این آب از موقوفات حضرت عبد العظیم است از شهر طهران بدو راه بزاویه مقدسه و قصبه شاهزاده عبد العظیم میروند یکی راهی است بخط مستقیم و بیشتر معمول راه دیگر از راه چشمه علی است که قدری از جاده منحرف و بالنسبه دورتر است چشمه علی فیما بین قصبه شاهزاده عبد العظیم و آبادی و باغ دولت آباد که از باغات دولتی میباشد واقع است فتحعلیشاه که اغلب بچشمه علی بتفرج میرفت در سال ۱۲۴۸ حکم کرد در بالای چشمه علی صفحه ای را استوار کرده بر روی سنک صورت خود با بعضی از شاهزادگان منقور سازند و بعضی اشعار در دور آن صفحه کتیبه کرده که تاریخ این عمل خبر میدهد چون تمام صور و اشعار در یک صفحه مشهود و معلوم نمودن خالی از اشکال نبود محض تعیین و تسهیل عمل ما در یک صفحه را آشکار ساخته و در صفحه دیگر اسامی صاحبان صور و کتیبه و اشعار و آنچه باقی مانده مینگاریم - (بمرآت البلدان رجوع شود)

در کتاب ابن حوقل اسم چشمه علی را سودینی نوشته - بقمه ابن بابویه در نزدیکی چشمه علی میباشد همچنین مقبره صفائیه که سال قبل بجهت مضجع مرحوم میرزا صفا که از مشایخ عرفا و ارباب دانش بوده و در طهران وفات نموده ساختند - (۱)
 (حبلورد) - از دهات قدیم و نامی ری در قرن نهم و دهم هجری بوده است و تا امروز هم آبادان و از دهات رتبه دوم طهران امروز بشمار میرود - از رجال نامی حبلورد در میان قرن نهم هجری نجم الدین خضر بن شمس الدین بن محمد بن علی رازی حبلوردی از علمای رتبه اول در کلام و فقه از تألیفات نفیس و خطی ایشان که نگارنده در سال ۱۳۰۱ شمسی تقریباً در کرمانشاه و کتابخانه مرحوم ابوعلی امام جمعه در آنجا ملاحظه نموده - کتاب التوضیح الانور بالحجج الواردة لدفع شبهة الاعور الواسطی است (مراد از اعور واسطی یوسف بن مخزوم منصوری است که از علمای

پر تعصب اهل تسنن بوده و ردی بر علیه رافضیه و علمای شیعه نگاشته است (آغاز دیباچه کتاب التوضیح الانور) اما بعد فیقول العبد الضعیف المفتقر الی الله الغنی خضر بن محمد بن علی الرازی الحبلوردی الملازم لخزانة المشهد الشریف الغروی انی لما عزمت علی زیارة الاربعین فی سنة ثمانمائة من الهجرة من تسع و ثلاثین الخ . و آغاز خود کتاب قال الاغور الشانی و الاثر الجانی یوسف بن مخزوم المنصوری حتی ظهرت هذه الفرقة - المعارضة المسماة بالرافضة علی رأس المائة الرابعة الخ . نسخه مزبور در حدود ۳۵۰ صفحه بقالب متوسط و بر آن حواشی و تعالیقی از علمای شیعه است شیخ سلیمان بن عبد الله البحرانی از این کتاب در کتاب خود (الاربعین) در شرح حدیث هفدهمین نقل کرده و برای مؤلف مذکور کتاب شرح الباب الحاد عشر نیز نسبت داده تاریخ تحریر نسخه التوضیح سال ۱۱۲۰ هجری است - و از تألیفات ایشان کتاب شرح نهج المسترشدين علامه حلی در اصول دین اولش نحمدك اللهم یا رافع العلوم باحسن الکلام الخ نسخه این کتاب در کتابخانه مدرسه سپهسالار در طهران ملاحظه نمودم - و کتاب مفتاح الغرر فی منتخب جامع الدار فی شرح الباب الحاد عشر هر دو کتاب از تألیفات ایشان است چنانکه شیخ سلیمان بحرانی یکی از آنها باو نسبت داده نسخه این کتاب در کتابخانه مرحوم شیخ علی کاشف القطاء در سال ۱۳۳۵ هجری تقریباً در نجف ملاحظه کردم و بر آن تعالیق بسیاری است بامضای س ح ن اولش الحمد لله الواحد القدیم اللذی خلق الخلائق الخ (از مجلدات خطی دائرة معارف الاسلامیه تألیف نگارنده این کتاب باختصار نقل شده است) -

(خوار) - شهری است تاریخی و بزرگ از نواحی ری که گروهی از علما بآن منسوب شده اند میان آن و سمنان از راه خراسان در حدود ۲۰ فرسنگ است یا قوت در سال ۶۱۶ بآن وارد شده و در آنوقت خرابی بر آن غلبه نموده است (۱) و خوار نیز دهی است در نواحی نيسابور که گروهی از علما بآن منسوب شده اند سمعانی گوید (خواری) بضم خاء معجمه نسبت بخوار ری است و آن شهری است بدوری هیجده فرسخ از ری میباشد من هنگامی

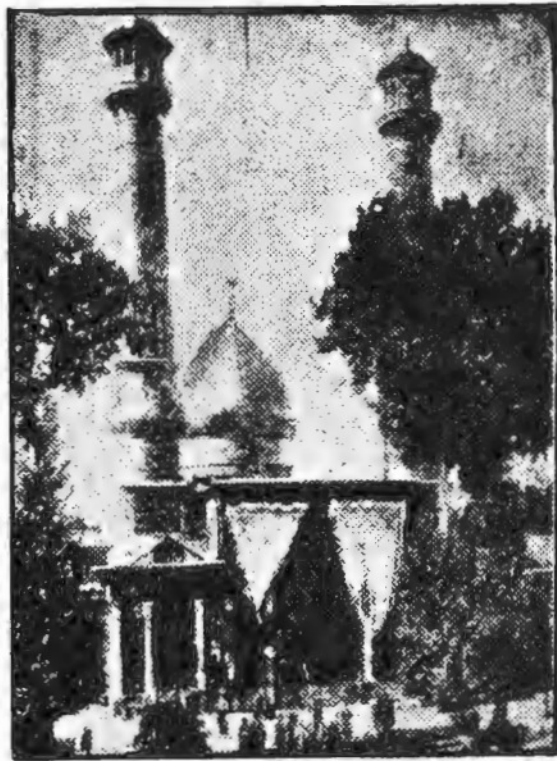
که باصفهان میرفتم دو روز در آن توقف کرده ام منسویین باین شهر گروهی از متقدمین هستند - سمعانی پس از ذکر خوار ری و منسویین بآن خوار دیگری که از قراء بیهق و منسویین بآن ذکر نموده است ابویحیی ذکریابن مسعود اشقو خواری از علی بن حرب موصلی روایت کرده (۱) ابو الحسن احمد خواری متوفی سال ۲۳۰ زمان الواثق بالله خلیفه عباسی (از سخنان اوست) هر که عاقلتر بخدا عارفتر و زودتر بمنزل رسد - دنیا چون مزبله ایست هر که زیاد از مایحتاج طلبد کمتر از سگان است که سگ از مزبله بقدر مایحتاج میخورد و میگذرد - هر که بدنیا نگردد بنظر ارادت و محبت خدا نور یقین و زهد از دلش ببرد - هیچ بلا صعب تر از غفلت نیست (۲)

ابو اسماعیل ابراهیم تیمی خواری از مردمان خوار ری از ابی اسحق و شعبه و نوری و ابن جریج و محمد بن اسحاق بن بشار و غنبة روایت کرده و از او محمد بن حمید رازی و هشام بن عبدالله رازی و عمرو بن رافع روایت نمودند

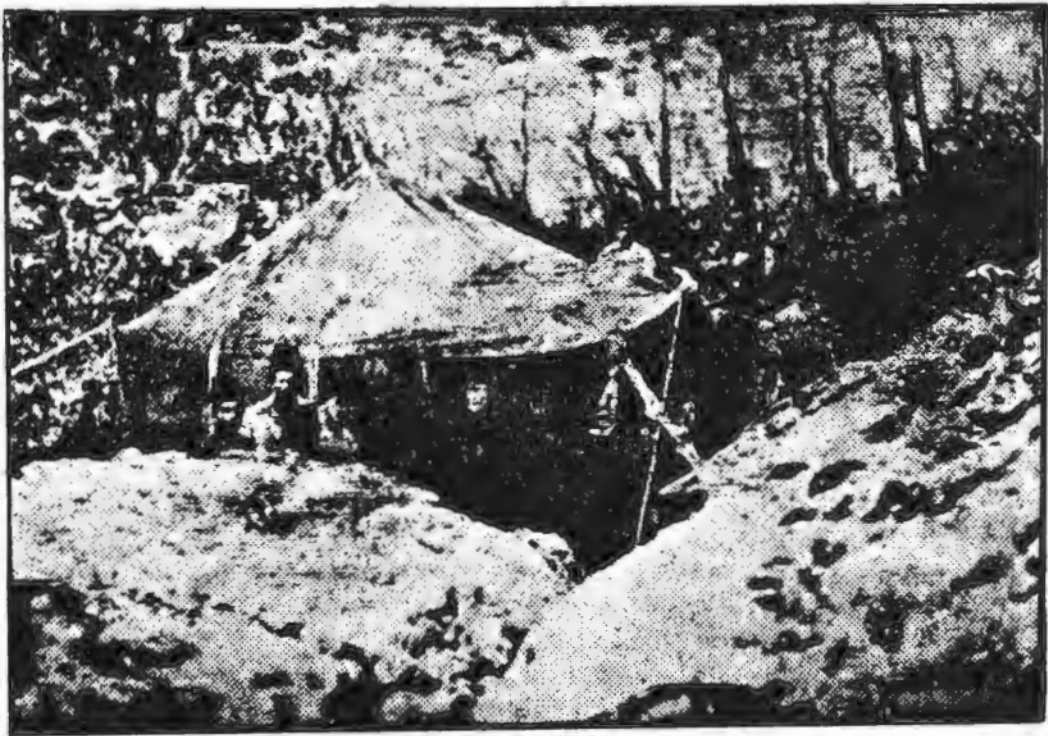
ابو محمد عبدالله بن محمد بن عبدالله بن زر خواری - حاکم ابو عبدالله حافظ گفته وی از مردمان خوار ری بوده از احمد بن جعفر بن نصر حمال و محمد بن صالح صیمری و ابراهیم بن محمد بن عبدالله بن یونس سمنانی حدیث نقل کرده و ابوبکر احمد بن علی بن داود انصاری و ابو عبدالله محمد بن عبدالله حافظ و احمد بن علی بن فتحویه یزدی و ابو العباس جعفر بن محمد معتبر مستغفری و دیگران از او روایت کردند در سال ۳۷۰ در بخارا وفات کرده ابو حاتم رازی وی را پرهیزکار و محدث دانسته است -

طاهر بن داود خواری از مشایخ صوفیه از مردم خوار ری در سال ۳۶۴ در خوار ری وفات کرده ابو القوارس طبری در آمل برایم از او نقل کرده (۳)

ابو محمد آدم بن محمد بن آدم خواری از خوار ری - از علی بن حسن بن



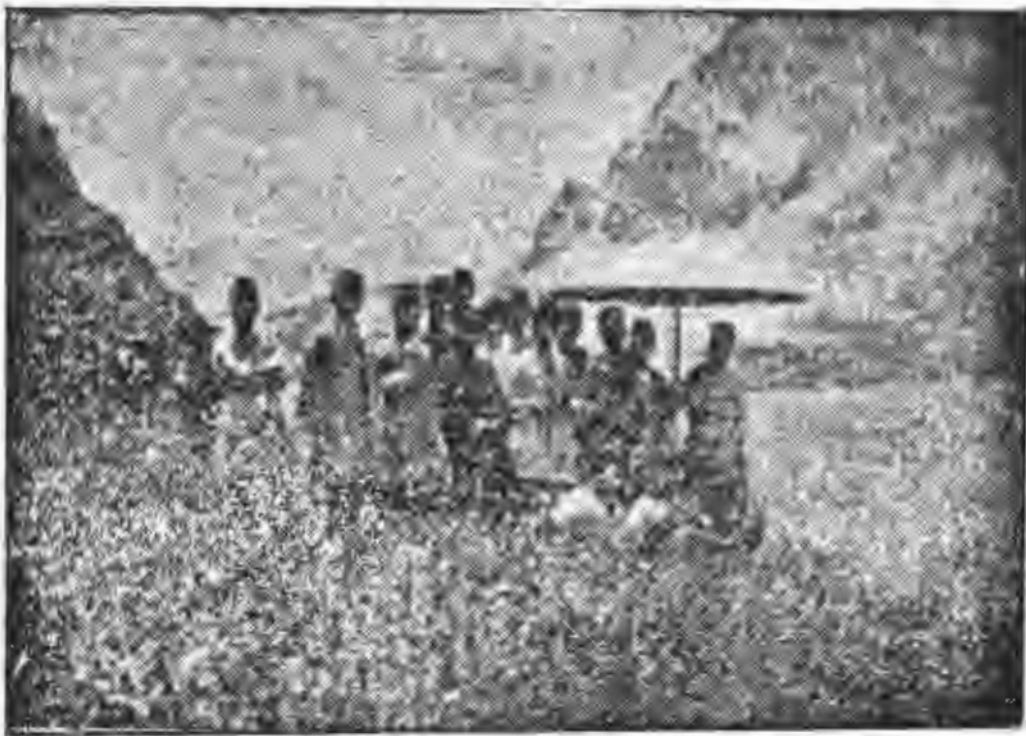
مشهد حضرت عبدالعظیم صفحه (۷۲)



ناصرالدین شاه زیرچادرشکاری درکنار جاجرود صفحه (۲۹)



بازدار سواره شاه در کنار جاجرود صفحه (۴۹)



ناصرالدین شاه در کنار جاجرود صفحه (۴۹)

علی بن همان مقری در بغداد حدیث نقل کرده و ابواحمد عبدالله بن محمد بن عبدالله بن زر خواری از او روایت نموده در بلاد ماوراءالنهر اقامت گزیده حاکم ابوعبدالله در تاریخ خود برای نيسابور گفته است وی از اهالی خواری بوده و او شیخی ادیب و دانشا بهمراهی ابوبکر بن منصور وارد نيسابور شد سپس با ابواحمد بن ابی بکر بن منصور به بخارا رفت و بعد به نيسابور آمد و نردما زمانی بماند و بسوی ری رفت و داخل بخارا گشت و در آن وفات نمود در جرجان و طبرستان و شهرهای آن نواحی نگاشت و بسیاری از ابی حاتم نقل حدیث نمود حاکم گوید از او در ری و خواری و نيسابور و بخارا حدیث را از احمد بن جعفر نگاشتم (۱) مستوفی در دو مورد خوار را ذکر میکند (۱) در صفحه ۱۶۱ گفته خوار از اقلیم چهارم است شهر کوچکی است غله و پنبه دارد (۲) در صفحه ۱۷۳ در ضمن ذکر مساحت طرق - از ورامین تا رباط خمار تکین شش فرسنگ از او تا خواری معروف بمحله باغ شش فرسنگ و آب خوار در قلعه و دیه میگردد - امین احمد رازی در تذکره هفت اقلیم از علمای نامی خوار (۱) علاءالدین خواری میدانند که بالامام الاجل او را توصیف کرده و گفته است (اگرچه نظم از وی روایت کرده اند اما هر نکته نشر او عالمی بوده و دویست شعر باو نسبت داده اند - (۲) ملك الکلام فضل اله خواری است که از فضلا و شعرا نیز شمرده و گفته است - در زمان حکومت سلطان کش بر عراق مستولی گشت بوسیله صدرالدین نزدش رفت و اشعاری برای او بخواند - مطلع آنها راعی که پیش تخت بفرمان نشسته است آنجا بایستاده که دربان نشسته است پروانه زشمع سلاطین بدر رسید گفتا که اندر آئی که سلطان نشسته است (از نسخه خطی تذکره که در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران موجود است) خوار امروز - (۲) از شمال محدود است بفیروز کوه و دماوند و از مشرق بسمنان و از جنوب به کویر و از مغرب بورامین در شمال آن بند کوه واقع شده که از مغرب متصل بقره آقاج یا سیاه کوه میشود و بعضی قسمتهای این کوه

(۱) بکلمه الخواری در انساب سمعانی رجوع شود. سمعانی پس از ذکر منسوبین بخواری تماماً و برخی از منسوبین بخوار بییهق وی را از منسوبین خوار ری شمرده است. (۲) به مجلد دوم جغرافی کیهان صفحه ۵۵۳-۳۵۶ رجوع شود

در مغرب بطرف کویر پیش میرود مانند کوه نمک در جنوب شرقی ایوان کی و کوه گچ در جنوب غربی آن رودهایی که آن را مشروب میکند عبارتند از حبله رود که سر چشمه آن از فیروز کوه و شعب آن موسوم به نم رود و دنی چای میباشد و از قریه عمارت گذشته بشعب زیاد تقسیم و یکی از آنها از قشلاق میگردد دیگر رود ایوان کی که سرچشمه آن زرین کوه مشرق دماوند است و از این دو از آن و مشرق سیاه کوه گذشته به ایوان کی میرسد و بطرف جنوب شرقی منحرف شده از سردن بار ارتفاع ۸۸۵ متر میگردد خوار جلگه حاصلخیز است که از رسوبات دورود فوق تشکیل یافته و از جنوب به باطلاقهایی متصل میشود و در شمال غربی آن سیاه کوه واقع شده که محل نشو و نمای سن میباشد و غالباً این حشره از این کوه برخواسته و بزراعت و رامین و خوار و نقاطی که در امتداد آنها واقع است خسارت وارد میآورد - خوار و ایوان کی دارای ۷۱ قریه و ۱۵۲۰۰۰ جمعیت و مرکز آن قریه قشلاق است قرای معتبر دیگر آن ارادان و دیکان و ایوان کی در شمال غربی سردن خوار است

خومین - بضم خاء ابوالطیب عبدالباقی بن احمد بن عبدالله خومینی رازی از ابی بکر الخطیب بن ثابت روایت کرده و از ثقات بوده - (۱) سمعانی گوید گمان میبرم که خومین از قراء ری باشد و ابوالطیب مزبور را ذکر کرده و گفته ابوبکر احمد بن علی بن ثابت خطیب حافظ او را در تاریخ بغداد ذکر نموده و گفته که او در ایام جوانی بر ما وارد شد و از خودمان و اساتیدی که داشتیم میشنید و می نگاشت و از عبدالله بن محمد بن احمد بن سماء رازی و دیگران نقل حدیث نمود در منقولات خود راست گو بوده و برایم نقل نمودند که پس از سال ۴۲ وفات کرده (۲)

دماوند - دنیاوند - دماوند شهری است قدیمی و اسم اصلی آن (پشیان) بوده است (۳) کوه دماوند کوهی است مشهور واقع در دو منزلی ری در طرف شرقی ری و اصل آن دنیاوند است یعنی ظرف دنیا زیرا که در پارسی آوند بمعنی ظرف است گویند ارتفاع آن کوه از زمین چهار فرسنگ است

(۱) ۴۹۱ ج ۳ معجم البلدان - (۲) بکلمه الخومینی در انساب سمعانی رجوع شود
(۳) نزهة القلوب ص ۱۶۲ -

و بلندترین کوه‌های عراق میباشد و از مسافت بعیده مسافرین آنرا مشاهده مینمایند در قله آن سی جریب زمین هموار است از آن روشنی تابد گویند چاهی است که آن روشنی از آن برآید و شبها آن روشنی از خیلی راه نمایان است و روز دود از آن متصاعد شود مشهور است که حضرت سلیمان صخره جنی را در آن حبس فرموده و گویند فریدون ضحاک را در آن بند کرده و بعضی گویند آنچه معدن گوگرد است و شب آتش نماید و روز دود از آن برآید آنچه از قراین خارجی معلوم میشود کوه آتش فشان است که آتش آنرا شکافته متصاعد شده است و چاه بنظر میآید و چنین کوه در فرنگستان و آمریکا بسیار است و جمعی دبدباند صاحب تاریخ طبرستان گوید سی سوراخ چاه مانند بر سر این کوه است که از آن آتش کبریت برآید و هیچ حیوان بر آن قرار نتواند گرفت از سختی بادها که وزد و بر جوانب او برف باشد و ظاهر است در حوالی آن کوه قریه ایست آباد و خرم و بنام آن کوه معروف و سیب آن قریه بصفی موصوف (۱) . صاحب مسالك الممالك در وصف این کوه گوید از مزخرفات فرس اینست که ضحاک تا کنون در کوه دماوند است - در سال ۱۳۱ هنگامیکه قحطیه بن شیب از طرف ابو مسلم خراسانی بر ری استیلاء یافت و مردمان آن ناحیه را برای اطاعت عباسیان و پیروی از قرآن و سنت و رضا از آل محمد دعوت کرد ابو مسلم با سپهبد طبرستان نیز همان دعوت را نگاشت اسپهبد فرمان ابو مسلم را اطاعت کرد ابو مسلم نیز همان دعوت نامه را برای صفغان فرماندار دنهاوند فرستاد صفغان از قبول دعوت ابو مسلم امتناع نمود و در پاسخ او نوشت که شما خارجی هستی و نزدیک است که فرمانداریت پایان برسد ابو مسلم خشمگین گشت و فوراً برای موسی بن کعب که در ری بوده دستور داد که بسوی صفغان برود و او را سر کوب نماید تا اینکه دست از تمرّد خود بکشد موسی بن کعب بسوی او حرکت کرد و نامه برای او فرستاد صفغان زیر بار اطاعت نرفت و از پرداخت خراج هم خودداری نمود موسی بن کعب بواسطه دشواری راه برای شهر صفغان نتوانست که او را بدست بیاورد صفغان هم مرتباً شبانه عده برای او با گروه بسیاری از دیلمیان

ارسال میداشت و با او در اردوگاه خود کارزار مینمودند و راه هارا مسدود میکردند و از رسیدن آذوقه باو جلوگیری مینمودند تا اینکه دریاران موسی صدمات بسیاری آوردند موسی ناگزیر بری باز گشت کرد و صمغان تا ایام خلافت منصور تهر و یاغی گری خود را ادامه داد منصور در آن وقت برای سر کوبی او نیروی مهمی بسر کردگی معاذبن عمر حرکت داد و دنباوند را فتح نمود (۱) سمعانی در کلمه الدنباوندی گوید دنباوندی بضم دال و سکون نون و برخی از مردم گویند دماوند با میم ولی صحیح دنباوند است عده از علمایان منسوب شده اند از آنجمله -

ابو محمد سلیمان بن مهران دنباوندی کاهلی معروف باعمش مولی بنو کاهل در دنباوند چنانکه جریر بن عبدالله ذکر کرده تولد یافت و گویند از اهل طبرستان بوده و در کوفه اقامت گزیده و انس بن مالک را دیده ولی از او چیزی باسند نشنیده عبدالله بن ادنی و سالار از او روایت کرده اند - ابو محمد مذکور از ابو وایل شفیق بن مسامه و زید بن وهب و عماد بن عمیر و جریر بن عبد الحمید و بسیاری از علمای دیگر که سمعانی نام آنها را برده روایت کرده سمعانی گوید اعمش بهترین قراء در خواندن قرآن و نامی ترین آنها در نگاهداری دین و شناختن فرایض بوده اعمش در سال ۱۴۸ در سن ۸۷ سالگی وفات نمود (۲) مستوفی در ص ۱۶۱ و ۱۶۲ گفته - فیروز کوه قلعه ئیست که کوه دماوند بر او مشرف است هوایش سرد درخت نمیشد و غلات بسیار زراعت میکند و حاصل ثیکو دارد دماوند قلعه ئیست که او را پشیمان خوانند از اقلیم چهارم است کیومرث ساخت و هوای سرد دارد و از میوه هایش عباسی نیکوست چنانکه از عباسی دوشاب گیرند و در ص ۱۹۴ گفته کوه دماوند مشهور است و سخت بلند از صد فرسنگ باز توان دید و بر شرقی ملک ری افتاده است قله اش هرگز از برف خالی نبود دورش بیست فرسنگ است و بلندی پنج فرسنگ زیاد بود و بر قله آن هامونی است مقدار صد جریب و ریگی است که پای فرو میرود و در ص ۲۰۳ ذکر کرده که در آن معدن زاج یافت میشود و در ص ۲۰۶ - گفته معدن دماوند و بر قله آن کوه چاهها کنده اند

و آن هفتاد چاه است که گوگرد میدهد یکی که بزرگتر است از کثرت بخار نمیتوان رفت که بیهوشی آورد عوام گویند که هاروت و ماروت در آن چاه محبوسند و این گوگرد اثر نفس ایشان است این روایت اصل ندارد و در ص ۲۲۰ گفته آب جایجرود از کوه دماوند بر میخیزد و بولایت ری میریزد و در حدود قوهده علیا و لواسان مقاسمه میکند و قریب چهل جوی از آن بر دارند و اکثر ولایت ری را آب از آن است و در ص ۲۷۹ در ضمن عجائب گفته - در عجائب المخلوقات آمده که در کوه دماوند چاهییست عمیق کسی قعر آن را ندانسته است و دودی از آنجا بر آید و به شب اگر چیزی دور افکند قوت بخار آنرا بالا افکند

امین احمد رازی در تذکره هفت اقلیم راجع بدماوند چنین مینویسد جای نزه و باطراوتست و اول شهری که در عالم بنا شده دماوند بوده و کیومرث در ایام حیات خود سه شهر بنا نهاده اول دماوند و دویم اصطخر و سوم بلخ - دماوند کوهستانیست و هیچ چیزش بی آب روان و سرابستان نیست از فوا که امرود و سیب نیک میشود جبل دماوند کوهی است در غایت بلندی که هرگز برف از سر آن خالی نشود از صد فرسنگ پدیدار بود - گویند بر ذروه وی معدن کبریت احمر است نویسنده تذکره راجع بدماوند افسانه های مختصری نقل کرده که از ذکر آنها در این کتاب خود داری شده

از علمای نامی دماوند - (۱) امیر غیاث الدین محمد بن امیر یوسف شکر ابستی دماوندی شکر آب موضعی است از مضافات دماوند - امیر غیاث الدین نزد عم خود میر عزالدین و سیف الدین تفتازانی شاگردی نموده و در زمان سلطان حسین میرزا تدریس یک صفه مدرسه با و مفوض شد و در زمان شاه اسماعیل صفوی منصب قضاوت ممالک خراسان داشت و لقب صدر الممالک و صاحب طبیل و علم و خیل و شمش گردانید تا اینکه امیرخان امیر الامرای خراسان نخست در قلعه زندانی نموده و اموالش را مصادره کرد سپس شخصی را بقلعه فرستاد و او را بقتل رسانید مدت عمرش پنجاه و شش سال بود - خواجه ضیاء الدین محمد در تاریخ وفات میر غیاث الدین مذکور گفته است -

چون میر محمد خلف آل عبا از دار فزارفت سوی دار بقا
 تاریخ شهادتش رقم کرد ضیا واللہ شهید هو محی الموتی
 (بسال ۹۰۹ هجری) (۱) از تألیفاتش کتاب اثبات الواجب که نامش المشارق است
 نسخه از آن در کتابخانه راغب پاشا در اسلامبول بوده است
 (۲) سید ابراهیم دماوندی متوفی بسال ۱۲۹۱ فقیه است شاگرد میرزا حسن
 شیرازی از تألیفاتش کتاب البیع مبسوط از تقریر میرزای شیرازی نامبرده
 (۳) عبدالرحیم بن محمد یونس دماوندی کربلائی از تألیفاتش - شرح سخن
 علی بن ایطالب (ع) در بیان عالم آسمانی که در پاسخ پرسش سید امین
 موسوی حائری تألیف نموده اولش الحمد لله مبدی العقول و هادی النفوس
 الخ نسخه از آن در کتابخانه خونساری در نجف بوده
 (۴) آقا تقی فرزند ملا یدالله دماوندی قمی اصفهانی متخلص بصهباشاگرد
 علی میرمشتاق بشیراز رفته و در آنجا وفات کرد و از اشعارش
 نشین بخلوتی که خوری باده بارقیب چون از تو بی خبری وز خدارقیب
 دماوند امروز - از شمال محدود است بلاریجان - از مشرق بفیروزکوه
 از جنوب به خوار و از مغرب بلواسان مرکز آن قصبه قدیمی دماوند است
 که بخط مستقیم در بیست و پنج کیلومتری قلعه معروف دماوند واقع شده ارتفاع
 آن از سطح دریا ۲۱۳۰۰ متر و بتوسط دو رودخانه مشروب میشود که یکی
 از مشرق و از دریاچه های مولج (۸۷۳ ر ۲ متر سرچشمه میگیرد و دیگری
 از شمال غربی جاری شده از قریه مشا میگذرد و اتصال این دو رود تشکیل
 رود دماوند را میدهد که ابتدا بجنوب جاری و در حوالی شوسه مازندران
 بجنوب غربی منحرف شده در سرد شاه بجاجرود متصل میگردد مجاورت این
 شهر باکوه دماوند سبب زلزله های متعدد میشود که مکرر قصبه را خراب
 کرده زلزله ۱۳۰۹ قسمتی از دماوند و قرای آن مخصوصاً (منشأ) و (اه را)
 خراب کرده گردشگاه جمعی از مردمان تهران است و دارای مهمانخانه
 و باغهای عمومی میباشد در شمال دماوند چشمه معروفی است بچشمه علی که
 آب آن گواراست و قسمتی از اراضی مشروب میکند جمعیت آن با ۸۴ قریه
 اطراف در سال ۱۳۱۱ شمسی ۲۲۲۰۰۰ نفر و جمعیت خود شهر قریب

۴۱۰۰۰ نفر است - (بصفحه ۵۳۱ ج ۲ جغرافی کیهان رجوع شود)

(۱) دوربست یا طرشت یا درشت - این قریه در این زمان درشت میخوانند و از دهات نامی و آباد طهران امروز هم می شمارند يك فرسنگ از طهران دور میباشد و از آن بقریه کن نیز يك فرسنگ است از مردمان معروف دوربست (۱) عبدالله بن جعفر بن محمد بن احمد بن موسی بن جعفر ابو محمد دوربستی - قبر وی تا کنون در آنجا معروف نیست ولی مسلم است که در درشت وفات کرده است یا قوت در معجم گوید عبدالله مذکور نسب خویش را بحذیفه بن الیمان صاحب رسالت پناهی میرساند و یکی از پیشوایان فقهای شیعه امامیه است در سال ۵۶۶ به بغداد آمده و مدتی در آن توقف کرده و از جد خود محمد بن موسی مقداری از اخبار ائمه از اولاد علی روایت کرده سپس بشهر خود بازگشت نموده و در سال ۶۰۰ وفات کرده است - از تألیفاتش کتاب الحسینی در فضیلة احيای ليلة القدر ابن طاوس در کتاب الاقبال باو نسبت داد ولی حرعاملی در کتاب امل الامل این کتاب را در ضمن مؤلفات ایشان ذکر نکرده است پدر عبدالله جعفر بن محمد نامبرده از مشاهیر علماء و تلامذه شیخ مفید و سید مرتضی و معاصرین شیخ طوسی بوده است از تألیفاتش کتاب الرد علی الزیدیه و کتاب الکفایه در عبادات و کتاب یوم وليله و کتاب الاعتقاد - میرزا بابای شیرازی در کتاب نهج المقال گوید جعفر بن محمد ابو عبدالله ثقة - و خواجه نظام الملک وزیر در هفته دوروز با اقتداری که داشت از ری نهضت میکرد و خدمت خواجه جعفر بن محمد در درشت شرفیاب میشد و بعض مطالب و مسائلی که داشت سؤال میکرد و جواب میشنید با کمال وقار و ادب مراجعت میکرد و جعفر بن محمد مذکور همان است که احتجاجات صدوق را با علمای سنت در محضر رکن الدوله دیلمی در رساله جداگانه گردآوری نموده (۲) برادر عبدالله دوربستی خواجه حسن بن جعفر - از فضلاء عصر خود بوده است گاهی هم شعر میگفت و این شعر از اوست

بغض الوصی علامة معروفة کتبت علی جبهات اولاد الزنا
من لم یوال من الانام وصیه سیان عند الله صلی ام زنی (۱)

(۱) بصفحه ۱۰۲ ج ۴ معجم البلدان و ص ۵۱۴ جنة النعیم و کتاب نهج المقال و کلمه دوربست در انساب سمعانی رجوع شود

نوربخشیه در دور بست

فرقه نوربخشیه از فرقه های نامی متصوفیه است و به سید محمد نوربخش که سر سلسله و پیشوای صوفیان در عصر خویش بوده منسوب است - سید محمد نوربخش مزبور در طرشت یا دوربست تولد یافته و خلاصه شرح حال او از ایقرار است - در نظر افندی مؤلف ریاض العلماء تشیع او معلوم نبوده است ولی مؤلف تذکره هفت اقلیم گفته که سید محمد نوربخش در ایام جوانی بری آمده و در قریه سلقان اقامت کرده و گروه بسیاری از مردمان آن محال باو ارادت داشتند و از نسل ایشان در آن دیار بازماندگان بسیاری مانده است (۱) سید محمد فرزند سید محمد نوربخش امین احمد رازی در تذکره هفت اقلیم گفته است - در عصر سلطان حسین میرزا بهرات آمده سپس بعراق رفته و در آنجا وفات کرده و ذوق شعری داشته است

(۲) شاه قاسم فرزند سید محمد فرزند سید محمد نوربخش - نزد شاه طهماسب صفوی مقام ارجمندی داشته و ریاست قطبیه سلسله نوربخشیه با او بوده است و در ری املاک و مستغلات بسیاری داشته افندی در ریاض العلماء گوید پدر بزرگوار و عالی مقام او از اقرباء شاه عبدالعلی حسینی یزدی که از نامیان علمای یزد است بوده و تشیع و امامی بودن نوربخش جد بزرگ سلسله نوربخشیه نزد من محقق نیست ولی شاه قاسم مذکور از شیعیان امامی بوده است (۳) شاه قوام الدین بن شمس الدین بن شاه قاسم رازی بعد از وفات پدر خود رتبه سامی داشته امیدی شاعر او را مدح کرده است

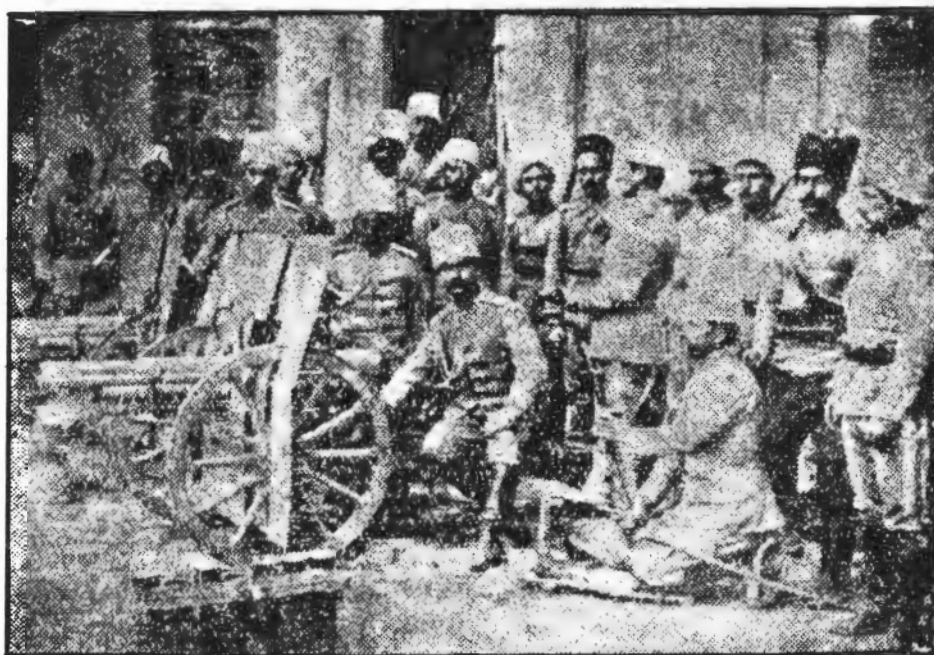
(۴) شاه صفی الدین محمد برادر شاه قوام الدین از شعرا و فضلا بوده و دیوانی شامل فنون اشعار داشته در اثناء راه خراسان وفات نموده است از اشعار او که در تذکره هفت اقلیم ذکر شده است -

صاحب کرمی که صد خطا میبخشد ✱ خوش باش صفی که جرم ما میبخشد
هر کس که خوی مهر علی در دل بوده است ✱ هر چند گنه کند خدا می بخشد
(۵) شاه قاسم بن شاه قوام الدین رازی از شعرا و نویسندگان بوده است در هفت اقلیم اشعاری برای او ذکر کرده از آنجمله
در خیر محض جز نگوئی ناید خوش باش که عاقبت نکو خواهد شد

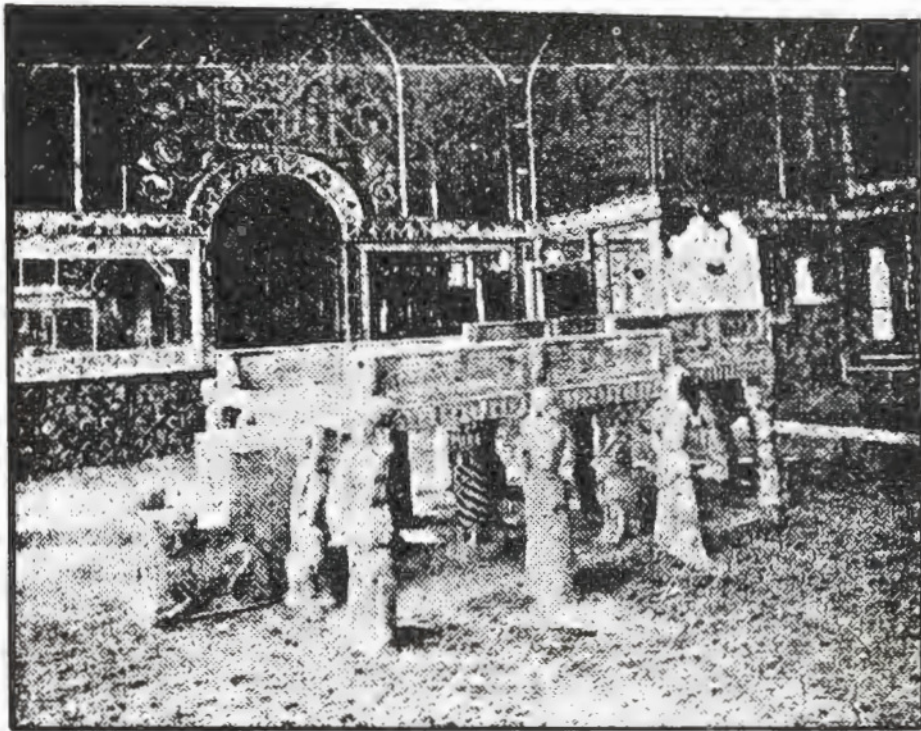
(۱) از ریاض العلماء افندی و تذکره هفت اقلیم که هر دو خطی است نقل شده است



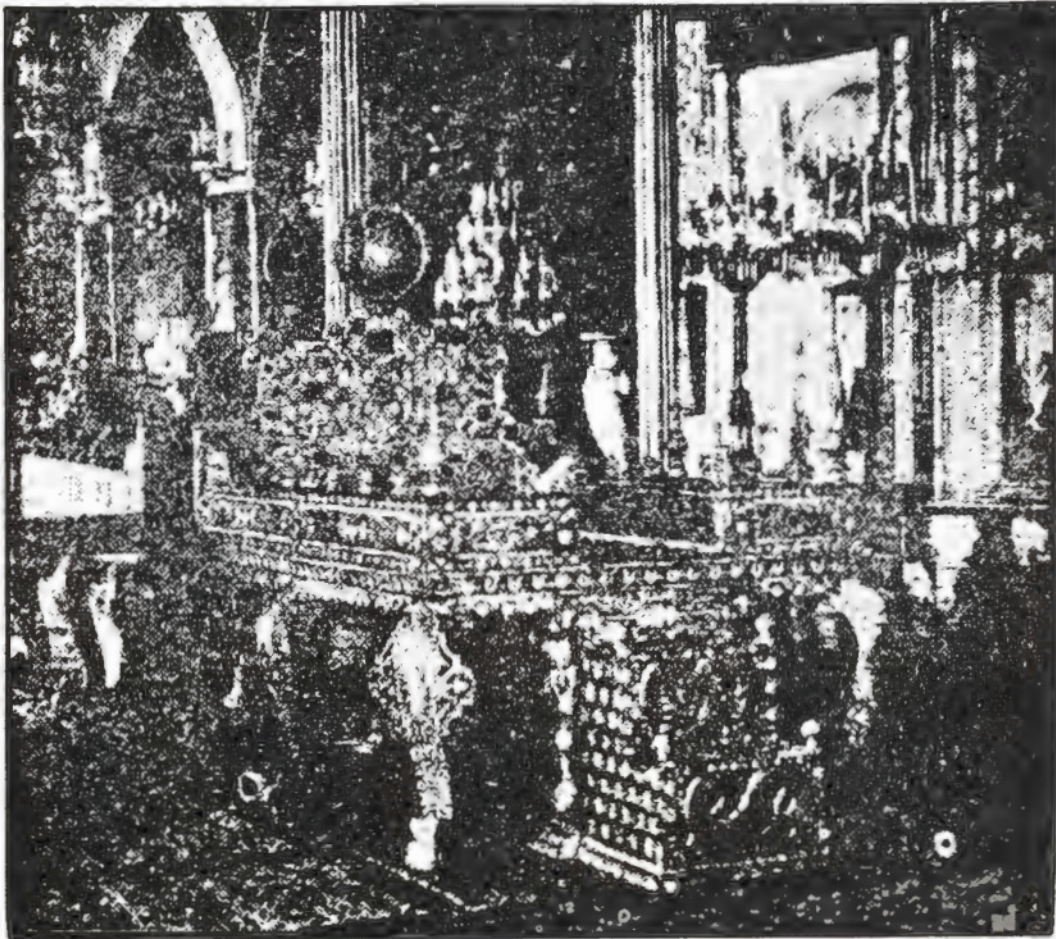
تصویر خیالی مادر ارسلان ساجوقی در دولا ب طهران صفحه (۴۱)



مقداری از توپخانه نیروی آغامحمد خان برای جلوگیری
از قشون جعفر خان زند نزدیک طهران صفحه (۸۴)



تخت مرمر صفحه (۸۵)



تخت طاوس صفحه (۹۴)

(۶) سید محمد فرزند شاه قاسم رازی از جوانان باذوق و شاعر بوده است در نیکوئی خط هم برتری داشته برخی از اشعار او در تذکره هفت اقلیم ذکر شده است (۱)
 سلیم طهرانی - درشتی - محمد قلی متخلص بسلیم در صفحه ۲۰۱ شمع انجمن بنام طرشتی طهرانی آمده نصر آبادی معاصر او در تذکره اش و همچنین خوشگو او را طهرانی ضبط کردند وفات وی را بعضی بسال ۱۰۵۷ ثبت نمودند ولی خوشگو گفته است در کشمیر وفات کرده و پهلوی قدسی و کلیم و ملا غنی آسوده است سلیم هم در مدح کشمیر مثنوی گفته است و مثنویهای دیگر دارد دیوان او عبارت از هشت هزار بیت در غزلیات و قصائد و مقطعات و رباعیات و مثنوی است یکی از ممدوحین سلیم عبدالسلام مشهدی مخاطب به اسلام خان می باشد و تقریباً وزیر شاه جهان بوده سلیم نزد او تقرب جسته و هر دو در يك سال وفات کردند - (۲) دیوان سلیم در کتابخانه مجلس ملی در طهران موجود است

دولاب (بضم دال) - یا دولاب (بفتح دال) - از دهات ری و اسم چندین موضع دیگری در بغداد و مرو و نزدیک اهواز است - در سنه ۶۱ هجری مادر ارسلان سلجوقی در موقع حرکت از ری به نخجوان در دولاب که نزدیک تهران است توقف کرده است سمعانی گوید - الدولابی به ضم دال مهمله گویند نسبت به دولاب ولی صحیح در این نسبت آنست که با فتح دال خوانند اگر چه مردم آن را مضموم مینمایند این نسبت به دولاب گفته میشود برای کسانی که دولاب را میسازند یا اینکه داشته باشند و نیز گروهی بقریه در ری که آنرا دولاب میگفتند منسوب شدند اما - دولاب بمعنی اول عدّه از مردمان بغداد بآن منسوب شدند از آنجمله - اسماعیل بن زیاد دولابی - و ابو جعفر محمد بن صباح بزاد دولابی و فرزند وی احمد بن محمد بن صباح دولابی - الخ اما - دولاب بمعنی دوم که دولاب ری باشد - عدّه از مشاهیر از آن بیرون آمده اند و بآن نسبت شده اند (۱) قاسم الرازی الدولابی - از قدماء مشایخ و استادان ری بوده بمکه آمده و در آنجا وفات کرده - یاقوت از تاریخ خطیب نقل نموده که محمد بن منصور

(۱) تذکره هفت اقلیم خطی (۲) به شمار ۹۹۵ فهرست کتب کتابخانه مجلس ملی رجوع شود

طوسی حدیثی نقل کرده که يك مرتبه بسوی معروف کرخی آمدم او سبابه خود را گزیده و گفته ای کاشکی با ابواسحاق دولابی رسیده بودی - الساعه در اینجا بوده آمد بر من سلام کرد محمد بن منصور گفته است خواستم برخیزم معروف گفت بنشین شاید ابواسحاق بمنزل خود در ری برسد محمد بن منصور طوسی گفته ابواسحاق رازی از جمله ابدال بوده است سمعانی گوید از عبدالرحمن سلمی نقل کرده اند که گفته است قاسم دولابی رازی از مشایخ قدیمی ری بوده و او را قاسم دولابی مینامیدند بمکه رفت و در آنجا وفات نمود از کسائی نقل کرده اند که قاسم دولابی چهل سال در مکه اقامت نموده و پیش از اینکه قرمطی به مکه داخل شود به یکسال وفات نموده - و نیز از کسائی نقل شده که کوتاه قدی مانند قاسم دولابی در زیر کی و آزمایش داخل مکه نشده است (۱)

(۲) ابوبشر محمد بن احمد بن حماد بن سعد رازی دولابی - وراق انصاری (بنده انصار) سمعانی گوید گمان میبرم که برخی از اجداد او بساختن دولاب منسوب شده اند ولسی اصل او از ری است از اینرو ممکن است که از قریه دولاب باشد - ابوسعید بن یونس صدفی او را در تاریخ مصر ذکر نموده و گفته است ابوبشر دولابی در حدود سال ۲۶۰ بمصر آمده و برای استادان مصر در آن عصر وراقی میکرد (۲) و از مشایخ بغداد و مصر و شام نقل حدیث میکرد و خود هم در صنعت حدیث و تصنیف حدیث دست داشت در ری تولد یافت و در راه مکه و مدینه هنگامیکه بقصد حج میرفتند در ذیقعد سال ۳۲۰ از محمد بن بشار بنلاو بصری و احمد بن ابی شریح رازی و ابواسامه عبدالله بن محمد بن ابی اسامه حلبی و احمد بن عبد الجبار العطار و ابوالاشعث احمد بن المقدام العجلی و یونس بن عبدالاعلی الصدفی و محمد بن عبدالله بن یزید المقری

(۱) بصفحه ۱۰۲ ج ۴ معجم البلدان و کلمه دولاب در انساب سمعانی و کتاب راحة الصدور راوندی رجوع شود (۲) وراق به شخصی گویند که پیشه صحافی و ورق شماری کتاب میکرد است و بسیاری از محدثین باین حرفه معروف شدند و کتابهایی هم بنام (الورلقون) در این خصوص نوشته شده است .

و محمد بن حمید الرازی و ابوبکر احمد بن عبدالله بن عبدالرحیم البرقی و ابراهیم بن سعید الجوهری و ابراهیم بن یعقوب الجور جانی و عثمان بن عبدالله بن خرزاد دابا ابوجعفر احمد بن یحیی ازدی و ابوجعفر محمد بن عوف بن سفین طائی و ابراهیم بن یعقوب بصری متوطن مصر و گروه بسیاری از مردمان عراق و حجاز و شام و مصر روایت کرده است. و ابوبکر محمد بن ابراهیم مقری و ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب طهرانی و دیگران از او روایت کرده اند و وفات ابوبشر دولابی در سال (۳۱۰) بوده است و از او تألیفاتش - کتاب الکنی والاسماء در دو مجلد و ۴۸۰ صفحه در چاپخانه دائرة المعارف عثمانی در حیدر آباد به چاپ رسیده (۲)

(۳) ابوبکر محمد بن اسماعیل بن زیاد دولابی - از منصور بن سلم خزاعی و ابونصر هاشم بن القاسم و ابومسهر دمشقی و ابویمان حمصی روایت نموده و محمد بن مخلد و ابوالحسین بن (المنازی) و ابوبکر محمد بن عبدالملک و ابوعمر بن السماک از او روایت کرده اند از موثقین بوده و در سال ۲۷۵ وفات کرده (۱)

(۴) - ابوبکر دولابی از محدثین بوده یا قوت در صفحه ۲۵ ج ۱ معجم الادباء در مقدمه فضل ادب که در آغاز آن نگاشته حدیثی از ابوبکر مذکور در لحن حدیث نقل مینماید که لحن حدیث را فاسد میکند (بصفحه مذکور رجوع شود)

دولاب امروز - از دهات معتبر و آباد طهران بشمار میرود و اخیراً بواسطه بسیاری جمعیت طهران مسکن گروهی از طبقات مختلف مردم شده است (به ملحقات تاریخ طهران امروز رجوع شود)

بلوک ساوجبلاغ - مستوفی در ص ۶۴۰-۶۳ نزهة القلوب گوید - ساوجبلاغ ولایتی است که در زمان سلاجقه مالیات بفرمانداران بری میداده و در عهد مغول مجزا شده است هوائی بنای - خراب دارد اکثرش از قنوات است میره و غله بسیار میباشد و نانش در غایت نیکو و حقوق دیوانی او دوازده هزار دینار مقرر است و مردم آنجا

(۱) بکلمه دولاب از انساب سمعانی رجوع شود (۲) فهرست مطبوعات دائرة المعارف العثمانیه

چون اکثر صحرا نشینند مقید مذهب نیستند و از اعظم قرای آنجا خراو و نجم آباد و سنقر آباد و در سنقر آباد سادات عالی نسب و حسباند و الحال خراب است - (۱)

ساوجبلاغ امروز - از شمال محدود است بطالقان و کوههای فشنند و از مشرق به ارنگه و غار و از جنوب به شهریار و از مغرب بقزوین ساوجبلاغ را میتوان به سه قسمت تقسیم کرد قسمت شمالی عبارتست از دامنه کوههای طالقان و فشنند و قسمت میانه آن دامنه و جلگه است و از آبهای کوههای فوق مشروب میشود قسمت سوم کوههای القادر و رود القادر است که در جنوب واقع است آب و هوای قسمت شمالی سرد و دو قسمت دیگر نسبتاً معتدلتر میباشد رودهای مهم در قسمت شمال رود کردان است که از طالقان سر چشمه گرفته بطرف جنوب غربی جاری میشود و شعب متعدد این رودخانه از قریه کردان گذشته جاده تهران بقزوین را در مشرق ینکی امام قطع میکند و به خر رود قزوین میرسد و رود القادر که از شمال غربی به جنوب شرقی جاری است و از شهریار میگردد در پشاپویه بکرج ملحق میشود و در ساوجبلاغ از آن استفاده نمیشود محصولات قسمت شمالی سردسیری و انواع میوهجات و در قسمت وسطی غلات و انگور و در قسمت جنوب غلات عده قرای آن ۱۵۶ قریه است و اغلب قدیمی و جمعیت آنها در حدود ۳۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۱۱ شمسی مرکز آن قریه است کرج است که در ساحل غربی رود کرج واقع شده (به کلمه کرج از این کتاب و تاریخ ری رجوع شود) - جعفر آباد اسم دو قریه از این بلوک است - قرای مهم دیگر آن دو قسمت کوهستانی - برغان کردان - ولیان و فشنند - که سیبزمینی آن معروف است در قسمت جلگه وسطی حصارک ینگی امام قاسم آباد - سرخاب در قسمت جنوبی اشتهارد و نجم آباد است (۲) جعفر آباد اسم دو قریه از این بلوک است (۳)

شکراست - قریه ایست تاریخی از قراء دماوند بکلمه دماوند در این کتاب رجوع شود

شمیران - ابن الاثیر در صفحه ۶۰ و ۸۶۱ در ضمن وقایع سال ۳۱۶ و خبر قتل اسفار صاحب ری و قزوین و قم و غیرها در بار شمیران چنین مینویسد اسفار سر لشکر مهمی بوده که مرداویج بن زیاد دیلمی او را به سالار صاحب شمیران طرم فرستاد که در اطاعت خود در آورد و این اسفار همان است که بعد فرزندش صاحب آذربایجان و غیره ها گشت - ولی همینکه

مرداویج به سالار رسید باهم پیمان اتحاد بر جنگ با اسفار بستند در آن موقع اسفار بقزوین رسید و منتظر آمدن مرداویج بود مرداویج نیز بهمگی سران لشکر خویش که از آنها مطمئن بود نامه دعوت و اتحاد بر علیه اسفار نوشت مرداویج و سالار بعد از این بسوی اسفار رفتند اسفار اول یـری رفت که اموال خود را از عاملی که داشت در ری بگیرد عامل بجز پنج هزار دینار باو نداد و بعد بناحیه بیهق و بست رفت سپس بسوی ری آمد و دستگیر شد و کشته گشت چنانکه در صفحات پیش از این کتاب ذکر کرده ایم -

امین احمد رازی در تذکره هفت اقلیم راجع بشمیران طهران چنین مینویسد طهران بواسطه انهار جاریه و کثرت اشجار مشمره و باغات متنزهه نظیر بهشت است خاصه بلوک شمیران که در شمال این قریه واقع است و از کمال خضرت و صفا و نضرت و بها از حیز توصیف بیرون است بلوک شمیران که بشمع ایران معروف بوده بهترین ییلاقات دنیا است - (۱) در تابستان ۱۱۷۲ کریمخان زند برای ییلاق بشمیران رفت (۲) و حکم کرد که در غیاب او عمارت سلطنتی و دیوانخانه بزرگ و حرمخانه و غیرها چنانکه در این کتاب ذکر میشود بنا کنند - در سال ۱۱۹۷ که آقا محمد شاه از مازندران بقصد تسخیر طهران و تدمیر غفور طهرانی حرکت کرده اردوی او در سمت شمیران استقرار یافت (۳) و با حضور موکب او غفورخان شهر را بتصرف تمیداد -

شمیران امروز - از شمال محدود است به لواسانات و رودبار و از مشرق به لواسانات و از جنوب بغار و حومه طهران و از مغرب به کن طول آن از مشرق بمغرب (از گردنه جاجرود تا فرح زاد) ۲۵ کیلومتر و عرض آن از شمال بجنوب (از قلعه توجال تا قصر) ۱۲ کیلومتر است در شمال آن کوه شمیران تشکیل قوسی داده و دره‌هایی از آن متفرع شده که دهات مختلف شمیران در آنها واقع شده و دره مرکزی آن پر جمعیت و دهات آن بهم متصل است دره‌های شمیران از مشرق بمغرب عبارتست از - دره فرح زاد که قریه مهم آن فرح زاد و دره در که است و قرای آن در که و اوین و در جنوب آنها ونک است - و دره پس قلعه و دربند که مهمترین قرای آن تجریش است مرکز حکومت شمیرانات است و قصر ییلاقی سعد آباد هم در آن واقع است

(۱) تذکره هفت اقلیم (۲) ص ۵۲۲ ج ۱ مرآت البلدان (۳) ص ۵۲۴

ج ۱ مرآت البلدان

و قرای دیگر آن زرگنده و قلہک میباشد و دره امام زاده قاسم که درسرپل تجریش بدره در بند متصل میشود و قریه مهم آن امامزاده قاسم است و دره جاد آباد که آبهای سیلاب آن از مشرق طهران میگردد و قریه مهم آن دارا آباد است - بین دره امامزاده قاسم و دارا آباد قرای دزاشیب و چیزو رستم آباد و نیاوران و دروس و ضرابخانه واقع است و آب قناتهای این قسمت مخصوصاً در قسمت سفلی چندان خوب نیست

جاده های تهران بشمیران - جاده هائی که از طهران بشمیران متصل میشود عبارتند از خیابان قدیمی شمیران که اطراف آن مشجر است و از قصر و قلہک گذشته و به تجریش میرسد در حوالی ضرابخانه شعبه از آن جدا شده بسلطنت آباد پیوسته و در آنجا نیز دو قسمت شده یکی بطرف نیاوران دیگری بطرف اقدسیه میرود - دیگری جاده پهلوی که از یوسف آباد گذشته بقصر سعد آباد متصل میشود در تجریش خیابان شرقی و غربی آنرا بجاده شمیران متصل میکند - جاده های فرعی دیگر اغلب این خیابانها را بهم وصل میکند - بمناسبت کثرت جمعیت تابستانی وسائل حمل و نقل جاده های شمیران در سنوات اخیر مرتب و موجب سهولت شده است

باغهای بزرگ شمیرانات - باغهای بزرگ شمیرانات غالباً دارای قنوات جداگانه و هریک عمارتی بسبك مخصوص و درختهای کهن دارند مثل باغ فردوس و صاحبقرانیه و سلطنت آباد در تجریش در امامزاده صالح چنار بزرگ است که محیط تنه آن قریب ۱۵ متر است در مشرق دره دارا آباد دامنه مرتفعی است که بعضی قری در آنها واقع شده مانند ازگل - سوهانک - اراج (که آب آن معرفست) شیان و بوزان مبارک آباد - شمس آباد و رشته تپه هائی در جنوب آنهاست که قرای نارمک و قاسم آباد و مجید آباد در دامنه جنوبی آنها قرار گرفته در مشرق شمیران قریه سرخ حصار و جوادیه در سر راه مازندران و قریه تلو در تپه های هزار دره واقع شده اند - عده قرای شمیران ۸۴ قریه است و چون در تابستان جمعیت کثیری از تهران بدان نقاط میرود جمعیت نقاط آن متغیر است - تمام دره های شمیران در موقع بهار که برفهای تو چال آب میشود آب فراوان و تشکیل سیلابهایی میدهد که از مشرق و مغرب طهران گذشته و قسمتی از آنها بمصرف آبیاری دهات غار میرسد و قناتهای آن متعدد و آب کافی دارند که قسمتی بمصرف آبیاری باغها و قسمتی بمصرف زراعت میرسد و در سنوات اخیر باغهای آن زیاد و بهمین واسطه تغییر فاحشی در آب و هوای طهران داده شده و اگر آبهای دیگری هم بمصرف تاسیس و جنگلهای مصنوعی برسانند هوا بکلی تغییر خواهد کرد (از صفحه ۳۶۴ ج ۲ جغرافی کیهان نقل شده است) -

چیندر - از قرای شیرانست واقع در سمت غربی سلطنت آباد ما بین رستم آباد و دز آشوب در چیندر نزدیک امامزاده علی اکبر بالای يك بلندی آثار يك خرابه ایست ممکن است که در قدیم قلعه بوده در چیندر امامزاده دیگر هست موسوم بامامزاده اسماعیل - (۱)

تهران

شهریار - از قراء تاریخی ری در قرن هشتم هجری و امروز است مؤلف تذکره هفت اقلیم در باب آن چنین مینویسد شهریار بلو کیست از بلوکات ری متضمن قریات معمور و آباد مرغزار و بساتین و رجحان برباقی بلوکات دارد و عمادی شهریار منسوب بآن میباشد و اعتقاد بعضی براینست که عمادی شهریار غیر عمادی غزنوی است محمد عوفی در تذکره عمادی را درسلک شعرای غزنوی انتظام داده و بذکر عمادی شهریار پرداخته اما اشعاری که در تحت اسم او نوشته شده در بعضی نسخ معتبر هم عمادی شهریار یافته شده و فقیر برنسبت شهریار ری مینویسد و دیوان اصل عمادی اگرچه موجود نیست اما قریب دو هزار بیت از وی متداول است و از اشعارش چنین مفهوم میشود که در زمان طغرل سلجوقی بوده چنانچه از ابن بیت که در مدح وی گفته مستفاد میگردد (۲)

(کار خرد ساخته اند کام هنر حاصل است)

(هیچ بهانه نماند شاه جهان طغرل است)

شهریار امروز - از شمال محدود است بساوجبلاغ - از مشرق بفار از جنوب به پشاپویه - از مغرب بساوه در مغرب آن ارتفاعات کمی که در دنباله کوههای نمک ساوه واقع شده است تمام این جلگه مسطح و بواسطه رود کرج و القادر که در شهریار بسیاه آب موسوم است مشروب میشود و رود شور از جنوب آن میگذرد و تمام این رودها بواسطه بدی طرز تقسیم آب تشکیل مردابهای موسوم بسیاه آب میدهند که همه را کد و محل نشوونمای پشه های مالاریائی است و بهمین واسطه آب و هوای آن ناسالم و اهالی آن مبتلا بمالاریا هستند زمین آن حاصلخیز مخصوصاً باغهای وسیع آن دارای میوه جات مختلف و انگور و صیفی آن مشهور است نشیب اراضی آن از شمال بجنوب

یعنی از کرج برباط کریم قریب ۳۰۰ متر است چون قسمتی از قرای شهریار از آب کرج استفاده میکردند و اکنون که مقداری از آب مزبور برای مصرف شهر طهران آوردند بعضی از قرای آن طبعاً کم آب شده و محصولات آنها رو بتقلیل گذارده است عده قرای شهریار ۱۴۴ قریه و جمعیت آن در سال ۱۳۱۱ ۱۷۰۰۰ نفر و مرکز آن کرشته - علی شاه عوض در کنار رود کرج و رباط کریم در کنار سیاه آب است قرای معتبر آن حصار بزرگ - ستیک - مهر - آزین - شهر آباد - حصار مهتر - قلعه نو است (۱)

جعفر آباد و جوقین - از قرای بلوک شهریار طهران است (۲)

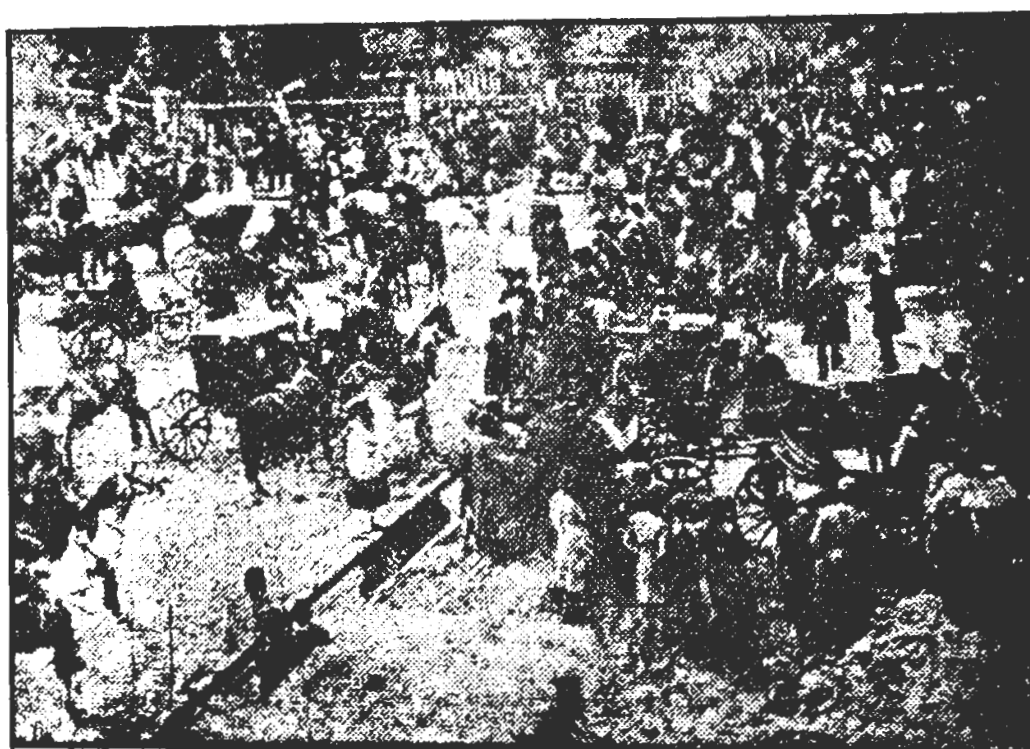
طالقان - مستوفی در نزهة القلوب ص ۶۵ - ۶۶ مینویسد طالقان ولایت سرد سیر است در شرقی قزوین طولش از جزایر خالدا ت قدمه (و عرض از خط استواء الوی) در کوهستان افتاده و کلاتها بوده و دیهها معتبر کمتر باشد حاصل آنجا غله و اندکی جوز و میوه بود و مردم آنجا دعوی مذهب سنت کنند ولی امامیه هستند و بواقعه مایلتر باشند ولایت سرانزود و جرود و فهدیه و کن و کرج از توابع آنجا است و در این ولایت دیهها معتبر بود . و حقوق دیوانی طالقان با این ولایت یک تومان است

طالقان امروز - از شمال و مشرق محدود است بمازندران از جنوب بساوجبلاغ و از مغرب بقزوین طالقان ناحیه ایست کوهستانی و قسمت مهم آن در دره شاهرود واقع شده و اینرود از مغرب گردنه کندوان سر چشمه گرفته بطرف مشرق جاری است و اغلب قرای طالقان در کنار شعب آن واقعند قرای متعدد طالقان که همه بخوشی آب و هوا معروفند عبارتند از شهرک - نسا - محمود آباد - عده قرای آن ۷۸ قریه است و جمعیت آن در سال ۱۳۱۱ شمسی قریب ۲۴۳۰۰ نفر و اغلب قریه های آن قدیمی و اشخاص بزرگی منسوب بآن قرا میباشند مواد لبنی طالقان فوق العاده ممتاز ولی بواسطه قلت آن قابل تجارت نیست طبرک (بکلمه طبرک در تاریخ ری و قرای قدیمه آن رجوع شود) مستوفی در توصیف تبرک ص ۵۳ در ضمن جغرافی ری گفته قلعه طبرک به جانب شمال در پای کوه افتاده است ^{صفحه} ۲۰۲ در اثناء ذکر معادن نقره چنین گوید

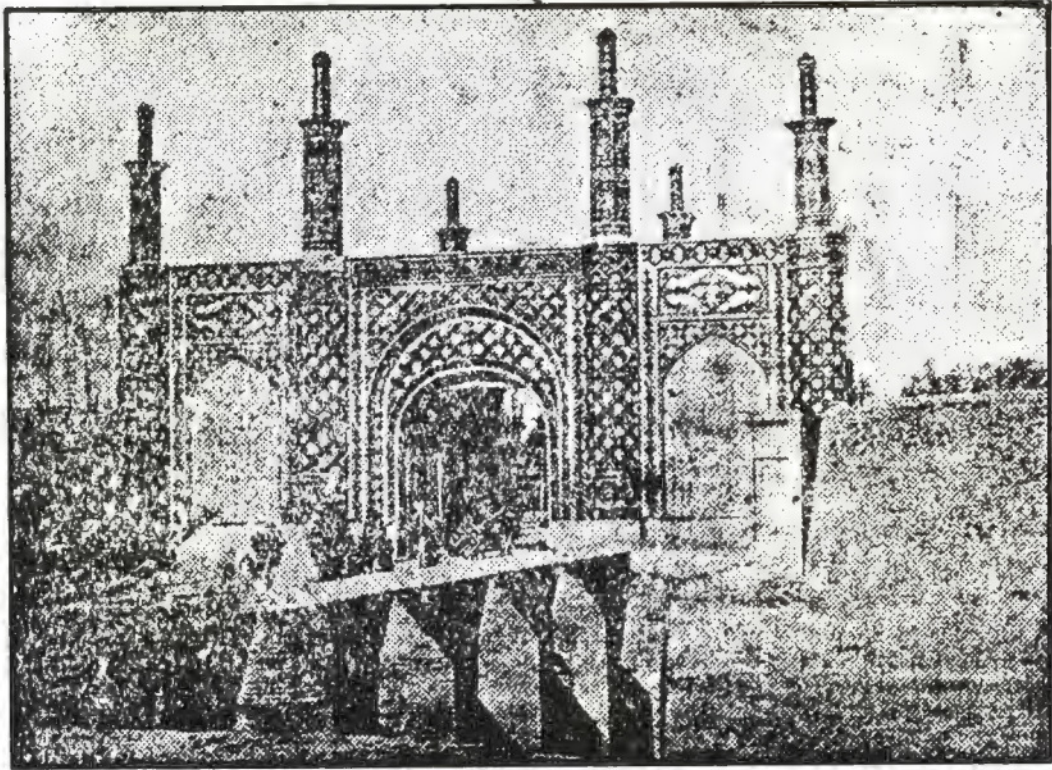
(۱) صفحه ۳۶۶ ج ۲ جغرافی کیهان (۲) ص ۲۴۹ ج ۴ و ص ۲۸۸ ج ۴ مرآت البلدان



شبیه رسم خانم خواهر شاه طهماسب یانیه حمام و آتیه
خانم در طهران صفحه (۷۷)



میدان ارک در روز نوروز و عهد فتح‌الیشاه صفحه (۸۷)



دروازه قزوین قدیم طهران صفحه (۷۴)



دو نفر دربان دربار عهد فتحعلیشاه صفحه (۸۷)

معدن طبرك ری هر چند در آنجا خرج کنند همانقدر پس باز ندهد بدین سبب اکثر اوقات معطل است اما در عهد سلاجقه پیوسته در آنجا بکار بودندی و گفتندی اگرچه توفیر ظاهری ندارد.

غار یا قار و پشاپویه - ازدهات تاریخی ری در قرن هشتم هجری و طهران امروز است (بکلمه غار ازدهات ری رجوع شود) ابوبکر بن صالح بن شعیب قاری رازی - از مشاهیر استادان علوم عربی بوده است و در زمان ابی العباس ثعلب وارد بغداد شد و از وی نقل کرده اند گفته اگر در لغت عربی با ابوالعباس مسابقه کرده ام او را مغلوب نمودم و اگر در نحو مسابقه نمودم او مرا مغلوب کرد - (۱) - مستوفی در وصف غار ص ۵۳ و ۵۴ (گفته و قوه و شندر و طهران و فیروزان از معظم ناحیه غار است) چهارم (یعنی از قرای ری) ناحیت غار است، سبب تسمیت غار آنست که امام زاده از فرزندان امام موسی کاظم (ع) در ری قصد کشتن او را کردند و او از آن ظالمان فرار نموده در نواحی جال کولی غاری پدید آمد امامزاده پناه بدان غار برده غایب شد و الحال آن ناحیت را جهت غایب شدن آن بزرگوار بناحیت غار نامیده شد و در او چهل پاره دیه است طهران و مشهد امامزاده حسن بن الحسن (ع) که به جیان مشهور است و فیروز بهرام و دولت آباد از معظم قرای آن ناحیت است و غله و پنبه آنجا سخت نیکو آید و اکثر اوقات آنجا فراخی و ارزانی باشد و قحط و غلا از روی ندرت اتفاق افتد -

غار امروز از شمال محدود است بکوه سه پایه و حومه طهران و کن و از مغرب به شهریار و از جنوب بدریاچه قم و کویر و از مشرق بورامین قسمت شمالی آن موسوم بغار و قسمت جنوبی پشاپویه است کوههای حسن آباد و کنار گرد از شمال غربی بجنوب شرقی در آن امتداد یافته رود کن و رود کرج و رود شور از شمال غربی وارد این بلوک گردیده از جنوب شرقی خارج شده و در هنگام پر آبی بمسیله میرود ولی قسمت عمده اراضی آن به واسطه قنوات متعدد که سرچشمه آنها در جنوب تهران است مشروب میشود و طول این قنوات گاهی بسیار و آب آنها فراوان است مانند فیروز آباد و

امین آباد و غیره محصولات آن غلات و صیفی و پنبه و تریاک و میوه است گله داری آن مهم و قسمت عمده لبنیات آن به طهران حمل میشود - جاده شوسه طهران بقم از غار میگذرد و شعبی از آن جدا شده بقرای مختلف متصل میگردد و جاده ورامین نیز از آن منشعب میشود و همچنین راه آهن حضرت عبدالعظیم بطول ۸۰۳۶۵ متر آنرا بحضرت عبدالعظیم وصل میکند و شعبه از آن بشمال کوه بی بی شهربانو رفته سنک حمل میکند مرکز آن قصبه حضرت عبدالعظیم است (بجغرافی کیهان ج ۲ رجوع شود)

فیروز رام - حمداله مستوفی ص ۵۳ نزهة القلوب نام آنرا ضمن دهات ری برده و گفته (و تمام ولایت ری سیمند و شصت پاره دیه است و دیه دولاب و قوسین و قصران و ورزین و فیروز رام که فیروز ساسانی ساخت و اکنون فیروزویران میخوانند)

فیروز کوه - مستوفی در نزهة القلوب ص ۱۶۱-۱۶۲ مینویسد فیروز کوه در معجم البلدان آمده قلعه ایست که کوه دماوند بر آن مشرف است هوایش سرد درخت نمیباشد و غلات بسیار زراعت میکند و حاصل نیکو دارد و آب خوار از دو قلعه و دیه میگذرد -

فیروز کوه امروز - از شمال محدود است بسواد کوه و از مشرق بسمنان و از جنوب به خوار و از مغرب بمازندران فاصله آن از طهران قریب ۱۴۰ کیلومتر دارای کاروانسراها و بار اندازها و امامزاده های متعدد است

در فیروز کوه سه رودخانه جریان دارد - رودی که از تنگه واشی خارج میشود و از چمن فیروز کوه گذشته دو قسمت میشود قسمتی از وسط آبادی و قسمتی از کنار آن میگذرد و پس از استفاده از آب آنها به دورود دیگر متصل میشود یکی رود گودسفید که از چمن گود سفید و دیگری از چمن شورستان و کنگرخانه میآید و از اتصال این سه رود رودی تشکیل شده بدغرب جاری و برود دلیجای می پیوندد دریاچه تشکیل میدهد و وارد خاک خوار میشود - در نزدیکی فیروز کوه آثار قلعه های قدیمی فراوان دیده میشود و در قله کوهی مشرف بر شهر قلعه قدیمی است که بعضی از برجها و دیوارهای آن باقی است و عده این برجها یازده است - فیروز محلی است کوهستانی و دارای راه های محدود که از تنگه های سخت میگذرد دارای شصت قریه است - بصفحه ۳۵۰ - ۳۵۱ جغرافی کیهان رجوع شود -

کرج - از دهات تاریخی ری است و در اوایل قرن پنجم هجری مرکزیت و آبادانی مهمی داشته ابن الاثیر مینگارد - در سال ۴۲۵ مسعود بن محمود بن سبکتکین با نیروئی بسر کردگی ابوسهل حمدونی برای جنگ با علاءالدوله بن کاکویه و فرهاد بن مرداویج فرستاد پس از نبرد سختی میان طرفین علاءالدوله بکوههای میان اصفهان و جریاد قن فرار نمود و قشون مسعود در کرج تمرکز کرد (۱) (بتاریخ ری و دهات تاریخی آن رجوع شود)

مستوفی در نزهة القلوب گوید کرج و گرمرو از اقلیم چهارم است طولش از جزایر خالدهات (فدمه) و عرض از خط استواء (له) ابودلف عجلی بعهد هارون الرشید در آن توقف نموده کوهی دارد بر طرف شمال آنجاست و در پای آن کوه چشمه بس بزرگ است آنرا چشمه کیخسرو خوانند مرغزاری طویل و عریض دارد شش فرسنگ در سه فرسنگ آنرا مرغزار کیتو خوانند و در آن حدود قلعه محکم بوده آنرا فرزین خوانند حقوق دیوانی آن یک تومان و یک هزار دینار است (۲)

اختر کرجی - احمد بیک اصفهانی کرجی است از نوادهای شهریاران صفویه که نزد کریمخان زند مقرب بوده و آموزگاری یکی از فرزندان او داشته تذکره در حالات شعراء تألیف کرده و ناتمام گذاشته نشاطی برادر او در تکمیل آن پرداخته ولی باز هم باتمام نرسانیده تا اینکه بدست - ورتجعلیشاه فاضلخان تألیف آن را بانجام رسانید و بانجمن خاقان نامیده - اختر دیوان جامعی داشته است -

کرج امروز - در ساحل غربی رود کرج (کلمه ساوجبلاغ از این کتاب و ملحقات تاریخ طهران رجوع شود) واقع شده و بواسطه حاصلخیزی زمین و موقعیت در سر راه طهران و قزوین مدرسه فلاحت در آن بنا شده و مزارع نمونه برای محصولات مختلف در آن ایجاد گردیده آب رود کرج بواسطه بی مبالاتی دهات بالا دست آلوده بکثافات و بطوری است که اهالی دهات زیر دست مانند کرج و غیره مبتلا بامراض مختلفه خصوصاً درد چشم و ذوسنطاریا میشوند (۳)

کن - سولقان - ارنگه - از شمال محدود است بلورا و شهرستانک و از مشرق بشمیران و حومه طهران از جنوب بغار و از مغرب بشهریار و ساوجبلاغ این قسمت دارای دو دره است یکی دره کن که از کوه دندان و سنگان شروع شده و آنها را تقسیم میکند قسمتی بطرف جنوب و قسمتی بشمال میرود - دیگر

دره ارنگه که عبارتست از قسمت وسطای رود کرج از دو آب در شمال تا حصار در جنوب - دره کن نسبتاً خشکتر ولی در موقع بهار سیلان زیاد دارد که گاهی ضمیمه کرج شده و بمسیره میرود و در تابستان آب آن کم است و قریه مهم آن که مرکز حکومت آن است قریه قدیمی کن میباشد - در شمال کن سولقان و سنگان و کشاد و کبگا و امامزاده داود قرار گرفته محصولات آن غلات و انار و انجیر است - دره ارنگه دارای آب فراوان است ولی بواسطه باریکی دره قرای آن زمین زراعتی کم دارد و در عوض دارای اشجار فراوان و مناظر طبیعی بسیار با صفاست - قرای کن و سولقان و ارنگه و جمعیت آن در سال ۱۳۱۱ شمسی ۱۶۲۰۰۰ نفر است - امین احمد رازی در تذکره هفت اقلیم در ضمن توصیف طهران مینویسد - در دوفرسخی طهران قریه ایست معروف بکند و سولقان که از زیادتى آبهای جاری و نوا که لطیفه و لطافت هوا به بستان پریان بیشتر شبیه است بهترین میوه جات کن و سولقان گلابی و هلوست امین احمد رازی مبالغه در توصیف این دو میوه نموده بلکه میگوید بقدری که زبان برای دهان لازم است برای خوردن گلابی و هلو کن و سولقان هم بهمان اندازه لزوم دارد - (۱) صنیع الدوله در وصف قریه کن یا کند چنین مینگارد کند از قرای ییلاقی بسیار سردخوش هوایی است که در او اسط فصل بهار سکنه آن باز در لباس زمستانی هستند - و رودخانه کند از کلندوک بفاصله نیم فرسنگ از دره صعب المسلك بسیار سختی بطرف شمال که شخص عبور میکند از دامنه شرقی کوه ورجین بنقطه میرسد که دره مختصری عرض پیدا کرده در وسط گود کوچکی است از سمت راست که طرف مشرق باشد آب زیادی جاری است که از قریه کند جریان دارد و از سمت چپ که طرف مغرب باشد قلیل آبی جاری است که از ناصر آباد و مزرعه و سایر دهات جریان مییابد (۲) میرزا احمد کندی طهرانی - متوفی بسال ۱۳۰۱ از علمای نامی در طب و موسیقی شاگرد عبدالجواد خراسانی و احمد تنکابنی و پزشک خاص مظفر - الدین شاه قاجار است و در زمان ولایت عهدی او بوده که از شاه مزبور لقب حکیم باشی و فخرالاطباء هم داشته است -

(۱) نقل از مرآت البلدان ص ۱۱ ج ۲ و ص ۳۶۴ ج ۲ جغرافی کیهان (۲) ص ۱۱ ج ۴ مرآت البلدان



مأمورین کشیک قدیم شاه در طهران و در بار صفحه (۸۵)



ظل السلطان شاه قلائی نود روزه صفحه (۸۷)



بهمن میرزا فرزند فتحعلیشاه صفحه (۸۶)



مهد علیا مادر ناصرالدین شاه و دخترش عزةالدوله زن
میرزا تقی خان امیرکبیر صفحه (۸۶)

ملاعلی کنی . از فقهای نامی طهران در اواخر قرن ۱۳ هجری است و شرح حال او در جزو دوم این کتاب ذکر شده است.

لار- در شمال شرقی واقع شده بواسطه ارتفاع زیاد و بسیاری برف دارای آبادی نیست ولی بسیار خرم و چراگاه طبیعی چادر نشینهای اطراف طهران است در لار دره وسیعی که عرض در بعضی نقاط شش تا هفت کیلو متر و طول آن قریب ۶۰ کیلو متر است رود لار که دارای چشمه های متعدد مانند سفید آب و ملک چشم و چهل چشمه است در آن جاری میباشد عرض آن در دودره لار زیاد تر از رود هزار است و هیچ درخت در این دره یافت نمیشود و در کره های آن حیوانات وحشی و شکار قراوان بعضی جاده های کاروانی برای حمل زغال و برنج و چوب از این دره میگذرد و در بر این راهها بعضی کاروانسراهای سنگی قدیمی وجود دارد مانند بستک و گل کج در اغلب دره های آن رگه های زغال سنگ سطحی بخوبی نمایان است و در بالای خط الرأسهای کوه ها بعضی آثار خرابه های قدیمی دیده میشود.

لورا و شهرستانك- مرکب است از دودره یکی شهرستانك دیگری لورا سرچشمه دره شهرستانك در شمال قله توچال واقع شده و آبشارهای متعدد تشکیل میدهد که نزدیک آنها عمارتی بنا شده است قریه معروف شهرستانك که از همه طرف محصور و بتوسط کردنه های سخت بسایر نقاط مربوط میشود این دره بسیار باصفا و امتداد آن از جنوب شرقی شمال غربی است دره لورا که سرچشمه اصلی آن کلون بسته و از مشرق به مرب جاری است و در جنوب گردنه کبدوان به جنوب منحرف شده پس از پیچ های متعدد برود شهرستانك اتصال یافته رودخانه کرج را تشکیل میدهد قریه مهم آن ازادبر است که گوسفند های آن مشهور است

رود بار- دارای چشمه های متعدد و بهمین واسطه موسوم برود بار شده است مرکز آن قریه پشم و دارای سه دره میباشد دره پشم که در آن قرای آب نیک و لالان و زایکان واقعند - دره میگون که قرای آن دوسند سر و شمشک و میگون - دره آهار - که قریه آهار و اوشان است - پس از اتصال این شعب جاجرود از دره باریکی گذشته در قریه لشکرك وارد لواسان کوچک میشود و قریه لشکرك چون آخرین نقطه رود بار و عرض دره در شمال غربی آن از همه جا کمتر است و آنجا میتوان سدی در مقابل آب بسته از آن استفاده نمود - قرای رود بار اغلب دارای مناظر طبیعی و برای عمل آوردن درخت مناسب و مراتع متعدده مانند گاه و جو و غیره دارد وای مهمترین منابع ثروتی آنها مادن زغال سنگ و آهن است که در طرف شمشک و لاتون و روت و کاجر واقعند در شمشک برای استفاده و استخراج زغال سنگ بطوو جدید دالانی حفر شده که از طبقات زغال

عبور میکنند و در آنها معادن سنگهای کچ فراوان میباشد (صفحه ۲۳۵ و ۲۵۴ ج ۲ جغرافی کیهان)

لواسان — لواسان ورود بارو و لوراوشهرستانك از مشرق محدود است بدماوند ولاریجات و از شمال به نور و از مغرب به کن - از جنوب به شمیران و در طرف مشرق دنبال جاجرود و تا حدود ورامین پیش میرود عده قرای آن ۶۱ قریه است میان لار و لواسان گردنه افجه و ش و میان رودبار و لار گردنه خدسنگ - میان رودبار و شهرستانك گردنه هار — میان شهرستانك و تهران گردنه توچال - میان لواسان و تهران گردنه قوچك این گردنه هادرزمستان مسدود است در شمال این ناحیه کوه مرتفع کلون بسته واقع شده که از سه طرف آن سه رودخانه جاری میشود یکی رود لار که از دره لار گذشته بماند ران میرود دیگر دره رودبار که سرچشمه های جاجرود را تشکیل میدهد و از جنوب لوار - ان میگردد سوم دره شهرستانك و لورا که رود کرج را تشکیل میدهد و هر يك از این قسمتها بواسطه گردنه های مذکور در زمستان مسدود و مربوط میشود لواسان در شمال جاجرود واقع شده و از شعب این رود و چشمه های متعدد مشروب میشود آبادی های آن در دره های مختلف کوه لواسان قرار گرفته و هوای آن معتدلتر از دره لار و باغ و درختان فراوان دارد و زمین آن حاصلخیز و محصول آن غله و میوجات و بواسطه دره های مختلف مناظر مصفای طبیعی گوناگون دارد لواسان بدو قسم تقسیم میکنند لواسان كوچك که قصبه افجه مرکز لواسان در آن واقع شده و قریه های دیگر ان سنك و جمارك و ملك جرن و امامیه و گلندوك و كندرا هم واقع است و لواسان بزرگ که مرکز آن و قصبه قدیمی لواسان و قرای متعدد چهارباغ و شمس آباد و كمره و جاجرود که همه دارای مزارع وسیع است (بکلمه جائج - قصران علی کامه - و صفحه ۳۵۲ و ۳۵۳ ج ۲ جغرافی کیهان رجوع شود)

از علمای نامی لواسان

(۱) محمد جعفر یا میرزا جعفر حکیم الهی تهرانی لواسانی قرزند میرزا حسنعلی متوفی سال (۱۲۶۱) در تهران - از علمای نامی در حکمت و ادب و تاریخ از تالیفاتش تعلیقاتی بر دعاء صباح منسوب بعلى بن ابی طالب (ع) - فرزند او معروف بصکیم الهی نیز از فضلا بوده است .

(۲) صفای لهرانی لواسانی برادر محمد جعفر حکیم الهی سابق از شعرای و خطاطین نامی گاهی بکرمان میرفت و گاهی در توقف مینمود از اوست . ای دل نفسی با خود همره و همدم باش بر راز نهان خویش آگاه شو و محرم باش

بارایت چرمینه بر خیزو فریدون شو ضحاک طبیعت شو افراشته پرچم باش
این دیو هیولائی گر لاشه بجنباند با حکم سلیمانی با نیروی رستم باش
این داد فنا بگذار بر چرخ بقا بگذر زین سامریان بگریزی عیسی مریم باش (۱)

(۳) شیخ محمود تهرانی لواسانی از تألیفاتش - رساله در تسامح در ادله سنن در کتابخانه نجف آبادی در نجف بود و دو کتاب در تعادل و تراجیح که نزد مؤسس این کتابخانه مرحوم نجف آبادی بوده است

(۴) سید ابراهیم لواسانی تهرانی از فضلا و معمرین بود در حدود سال ۲۸۵ عراق عرب آمد سپس بتهران بازگشت نمود و در آنجا متوفی شد - از اولاد بافضل او سید محمد باقر لواسانی

(۵) سید ابراهیم دامغانی لواسانی نجفی متوفی بسال ۱۲۹۱ در نجف فقیهی است نامی شاگرد میرزا حسن شیرازی در سامراء از تألیفاتش تقریرات اصولی و فقهی استاد نامبرده اش در دو مجلد

(۶) سید ابراهیم بن صادق لواسانی تهرانی متوفی بسال ۱۳۰۹ هجری فقیهی است اجازه اجتهادی بتاریخ ۱۲۶۵ از شیخ محمد حسن صاحب الجواهر داشته است .

(۷) اسدالله فرزند لطف الله لواسانی متوفی در تهران سال ۱۳۰۰ فقیه محدث شاگرد شیخ انصاری از تألیفاتش کتاب فضایل السادات در اخبار و منتخب الخقوم در ادعیه است .

ورامین از دهات قدیمی ری که بسیاری آبادان بوده است مستوفی در صفحه ۵۲ و ۵۵ نزهة القلوب گوید - ورامین در ماقبل دیهی بوده است و اکنون قصبه شده و دارالملک آن تومان گشته - طولش از جزایر خالدات (عز کد) و عرضش از خط اسنواء (لد کسط) در آب و هوا خوشتر از ری است و در محصول پنبه و میوه ها و غله مانند آن - اهل آنجا اثنی عشریند و تکبر بر طبعشان غالب بوده و ورامین قدیمی دهات متعددی داشته و آثار خرابی آنها امروز دیده میشود از جمله بناهایی که در خود ورامین دیده میشود مرقد امام زاده یحیی و مسجد

ورامین و برج سلطان علاء الدین و قلعه ابرح و غیرهاست - در داخل مسجد ورامین کاشی هائی بکار رفته که دارای جلای فلزی است از قرار تخمین بنای اصلی مسجد از دوره سلجوقیان و قرن ششم هجری بوده و قسمتی که دارای گنبد مخروطی است مربوط بدوره غزنویان میباشد ورامین چنانکه بتفصیل ذکر میکنیم پس از خرابی ری و استیلای مغل آباد و معمور شده - سیاحان فرنگی ورامین قدیمی را در سیاحت نامه های خود ذکر نموده اند و پاره از آنها در کتاب تاریخ ممالك خلفاء الشرق بعربی ترجمه شده است در سال ۱۲۴۱ در کوهستان سمنان و دامغان و بلوک ورامین چند گنج سیم و زر پیدا شد که اغلب سکه های شاپور ذوالا کتاف بوده است

ورامین - پس از اسلام - ورامین بعد از خرابی ری بدست مغل آباد شده است مردمان ری بسوی آن می آمدند و در آن سکنی میکردند و در کتاب تاریخ ممالك خلفاء الشرق ذکر شده که پس از خرابی ری بحملات مغل غازان خان مغلی بر حسب دستور سلطان عصر برای تعمیر ری آمده بوده ولی مردمان آن بسوی ورامین و طهران فرار کرده بودند آب و هوای ورامین را بهتر از هوای ری برای مزاج خود مناسب دیدند دیگر بری باز نه گشتند برای همین نکته ری بحالت خرابی باقی مانده است در قرن هشتم هجری بازار تجارت ورامین و کشاورزی آن بسادائر شده است و قابل فرمانداری و ادارات دولتی گردیده است (۱) خرابهای ورامین در سمت جنوبی شهر واقع شده است و در آنها تپه معروف بتپه تبرک که در سمت شمال شهر واقع است و در آن معدنی از نقره یافت میشود در تاریخ ظهیرالدین آمده که قصر تبر در آغاز قرن پنجم بدست منوچهر ساخته شده است (۲) یاقوب مینگارد قصر مزبور در سال ۵۵۸ بدست طغرل دوم سلجوقی بسیار مخروبه گردید (بنگارشات یاقوت و تاریخ ری رجوع شود).

بهر حال - تپه تبرک در سمت راست راه خراسان و تپه ری در سمت چپ آن افتاده است - شهر ورامین در آغاز قرن نهم هجری رو بخرانى آورد ر

مردمانش بسوی طهران میرفتند و در آن اقامت میکردند .

جعفر آباد نام دوفریه از قرای ورامین طهرانست

جلتو و تندیز و جیر و جیر ۱۵ از قرای ورامین طهرانست (۱)

مسجد ورامین -- در داخل مسجد ورامین کاشیهائی بکار برده اند که دارای جلای فلزی است و قسمتی از آنها را سابقاً کنده بوده اند بنای مسجد متعلق به سه دوره مختلف است بنای اصلی از دوره سلجوقیان و قرن ششم هجری ولی قسمتی که دارای گنبد مخروطی است مربوط بدوره غزنویان میباشد و قسمتهائی که این دوره را بهم مربوط مینماید جدیدتر است و برای ساختن آنها مجبور شده اند که قدیمی را خراب کرده و دوتارا بهم وصل کنند و از این سه نوع بنا مطلبی که بخوبی معلوم میشود دوره ساختن کاشیهائی است که دارای جلای فلزی میباشد شاید در هیچ یک از بناهای قدیمی ایران نتوان بظرافت کاشیهای امامزاده یحیی کاشی یافت کاشیهای این بنا میتوان به سه نوع تقسیم کرد اول کاشیهائی که زرد رنگ است دوم کاشیهائی که برنگ برنج میباشد سوم کاشیهائی تیره و قرمز رنگ مانند مس ترکیب این کاشیهای مختلف برای تزیینات داخل محراب و سقف و غیره بقدری جالب توجه و صنعتی است که بعقیده متخصصین از تمام کاشیهای مساجد اندلس و بناهای ایتالیا بهتر میباشد و چون در اطراف این ابنیه در دوره مغول هم بناهایی دیده میشود میتوان از روی این ابنیه تاریخ معماری ایران را از ابتدای سلجوقیان تا آخر مغول بخوبی مشخص نمود يك برج خرابه در این محل دیده میشود که کتیبه های کاشی در زمینه آجری دارد و این بنا واسطه بین معماری مغول و دوره آق قویونلو و قراقویونلوست

ورامین - و طهران در تاریخ طهران ذکر کردیم که طهران در پایان قرن دویم و قرن سوم هجری بسیار معروف بوده است و با ادله تاریخی میتوان ثابت کرد که معروفیت آن چنانکه سمعانی در انساب تصریح کرده بیش از طهران اصفهان و ورامین بوده است زیرا که محمد بن حماد طهرانی از رجال رتبه اول در حدیث بوده که ائمه حدیث از او نقل مینمودند و در سال ۲۶۱ وفات کرده (بتاریخ طهران رجوع شود) و ورامین اگر چه در زمان سمعانی و پیش از او هم قریه مهمی بوده و جماعتی از اهل علم بان منسوب شده اند ولی در پایان قرن دوم و سوم شهرت طهران نداشته و مانند آن معروف نه بوده است برای اینکه اشخاصی که سمعانی بآن نسبت میدهد و معرفی مینماید اولاً شهرت محمد بن حماد را ندارند و ثانیاً زمان ایشان پس از زمان ابن حماد بوده است چنانکه در ذیل ذکر میشود دیگر اینکه اشخاص دیگری بآن منسوب شده اند که تاریخ زمان آنها قبل از زمان ابن حماد بوده است .

گفتار سمعانی راجع بورامین - الورامینی - این نسبت به قریه بزرگی است دروی که مانند شهر میباشد از این قریه. گروهی از مردمان دانشمند بیرون آمدند و در عصر خودمان يك رئیس ثروتمند در ورامین بوده که اموال بسیاری بر حرمین مکه و مدینه بذل مینمود و خرج آنها میکرد فرزند او حسن ورامینی نیز از کسانی بوده که همواره به حج مکه میرفت و در خیرات و مبرات علاقه مفرطی داشت بجز اینکه شیعه مذهب بوده و در سلك تشیع از غلات پیروی میکرد از مردمان نامی و مشهور این قریه

(۱) عتاب بن محمد بن احمد بن عتاب ورامینی حافظ از اهالی این قریه حدیث را می فهمید و میدانست و در آموختن آن میکوشید و بسیاری از آن شنیدند از ابو محمد الرحمن بن ابی حاتم رازی و علی بن مسلم و ابوبکر احمد بن عبدالرحمن بن عبدان شیرازی و دیگران شنیده و از ابوبکر محمد بن ابراهیم بن خقری حافظ روایت کرده بعد از سال ۳۱۰ وفات نموده.

(۲) احمد بن یوسف ورامینی از سلیمان بن احمد روایت کرده و ابوبکر محمد بن ابن ابراهیم بن خقری اصفهانی از او روایت نمودند. ۵۱ (۱)

و از جمله کسانی که بورامین منسوب شده اند

(۱) حسین بن ابی الحسین هوسه ورامینی - خلیف منتخب الدین در فهرست وی را از علما و ادبای عصر خویش دانستند

(۲) حسن ابن ابی الحسن بن ابی محمد ورامینی - منتخب الدین در فهرست در وصف او چنین گفته (مناظر صالح) یعنی (مناظر کننده و پرهیز کار)

(۳) حسن بن حسین علویه ورامینی - منتخب الدین وی را (بالسید ضیاء الدین المعالم المواعظ الصالح) توصیف کرده

(۵) محمد ورامینی - هدایت در مجمع المفصحاء در توصیف وی چنین نگاشته - از قضاة عهد صفویه بوده است

قطب الدین محمد بن محمد رازی یا محمود بن محمد رازی ورامینی بویی که سیوطی وی را به قطب تحتانی برای تمییز از قطب دیگری که همنشین او در در مدرسه ظاهریه بوده - در دمشق وفات نموده و در صالحیه دفن شده قاضی نورالله در مجالس المؤمنین نسب وی را بسلاطین بویی رسانیده و گفته که مولد و

منشأ وی درورامین از عمال ری بوده و پس از اینکه شاگردی بر بسیاری از علما نموده بحل گرفته و بر علامه حلی جمال الدین بن مطهر تلمذ نموده و بخط خود قواعد علامه را نگاشته و براو خوانده و بر پشت نسخه که اکنون در شهرهای شام وجود دارد صورة اجازه علامه بخط خود برای قطب مذکور نوشته شده است قاضی نورالله صورت اجازه را در مجالس نقل نموده قطب الدین پس از مرگ سلطان ابوسعید و شهادة عیث الدین و وزرای دیگر در سال ۷۶۳ بشام آمده و چنانکه نگاونده طبقات النجاة گفته (تقی الدین سبکی) از فقهای شافعیه است و با قطب در تبریز به علوم برابر می نمود و شهید بخط خود بر پشت قواعد نوشته که قطب را در دمشق زیارت کرده و قطب برای او اجازه نگاشته از تالیفاتش - تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الرسالة الشمسیه که به رساله قطبیه معروفست شرحی است متداول بر شمسیه که برای وزیر عیث الدین محمد بن خواجه رشید از وزرای سلطان محمد خدا بنده تالیف نمود چندین مرتبه در مصر و کلکته و غیرها چاپ شده است .

(۲) تحقیق معنی التصتود والتصدیق یا رساله تصورات و تصدیقات در کتابخانه خدیومی است .

(۳) لوامع الاسرار شرح مطالع الانوار ارموی در منطق در سال ۱۳۱۴ در طهران چاپ شده .

(۴) المحاکمات - میان فخرالدین رازی و نصیرالدین طوسی در دو شرح ایشان بر اشارات در اسلامبول در ۱۲۹۰ و در حاشیه میرزا جانی بر محاکمات چاپ شده است (۱)

ورامین امروز - از شمال محدود است به لواسان و از مشرق بخوار و از جنوب بکویر و از مغرب بغار و پشاپویه در شمال آن سیاه کوه و دنباله های سه پایه قرار گرفته که جاجرود از وسط آنها میگذرد اراضی ورامین همه بواسطه رسوبات جاجرود تشکیل شده قرای آن ۹۶ قریه و جمعیت آن در سال ۱۳۱۱ در حدود ۳۰۰۰ و ۲۰ نفر و یکی از مهمترین و حاصلخیزترین بلوکات طهران و مرکز آن شهر ورامین و قریه معتبرش امامزاده جعفر است رود جاجرود پس از گذشتن از پارچین در کوه سفید بچند شعبه مجزی از یکدیگر تقسیم شده و هر يك از آنها بمصرف آبیاری قستی از ورامین میرسد تقسیم آب جاجرود بین دهات و بلوک ورامین متساوی نیست بلکه

(۱) فهرست منتخب البدن خطی و صفحه ۳۱۶ تنقیح المقال - و ص ۴۱۲ ج ۷ معجم البلدان و صفحه ۲۹۳ تنقیح المقال

دهاتی میتواند از این آب استفاده کنند که حق آب داشته باشند و داشتن این حق از قدیم معین شده است دهاتی که حق آب دارند نه مخصوصی برای خود حفر نموده از مقسم اصلی آب جدا میکنند یا از نهرهای بزرگی از قبیل خار و علی خورط و فیلستان و جنستو و غیره که باز از مقسم جدا میشود نهری جدا نموده و استفاده میکنند دهات بهنام و سوخته و بهنام بازکی که در مقسم آب واقع است و بهنام و سطمه کی دارای حق آب اند و حتی در دهات ردیف اول و دوم و سوم بهنام سوخته جمیع قنات نیست و کلیه آبیاری بواسطه جاجرود است و در دهات ردیف سوم و چهارم که بواسطه آب خورود شدن اراضی بالا دست قنات شروع شد و بمصرف اراضی میرسد اهالی که حق آب قنات ندارد بواسطه خریداری آب باز میتوانند اراضی خود را مشروب کنند بخشی که نمیتوان در ورامین قریه ها یافت که آب جاجرود بدان ننشیند یا بواسطه طول مجرای آب بآب برسد بطوریکه زارع ورامینی اگر بقدر کاشت خود موقع پائیز آب باران یا آبهای دیگر داشته باشد برای پرورش آن در بهار گرفتار تنگی آب نیست زیرا که آب جاجرود در موقع بهار عموماً سه یا چهار برابر فصول دیگر و قسمت مهمی از آن در بستر رود وارد مسیله میشود.

طول بلوک ورامین از شمال بجنوب قریب ۶۰ و عرض آن از مشرق بمغرب در حدود ۳۶۰ کیلو متر است محصولات ورامین غله و پنبه و تریاک و صیفی و میوه جات از قبیل انجیر و فیزی و غیره میباشد ورامین قشلاق ایلات و در زمستان گله های آنها بآنجا میرود دهات آن اغلب قدیمی و آثار خرابه های متعدد در آنها دیده میشود قبلاً در خود ورامین امام زاده یحیی و مسجد ورامین و برج سلطان علاء الدین و قلعه ابرج و غیره قرای معتبر ورامین و نیک - فیلستان - و باغ خاص امامزاده جعفر - پارچین در کنار جاجرود (که مؤسسات جدید شیمیائی و باروت سازی در آن دائر است و از آب استفاده میشود) شوران اسفند جبار و اقبایه میباشد (بصفحه ۳۵۶ و ۳۵۸ و ۸۴ و ۳۵ ج ۲ جغرافی کیهان رجوع شود)

و نك از دهات تاریخی طهران امروز است و امامزاده دارد که بنام ابوالقاسم و امام زاده و نك معروف است .

و او قاضی صابر و نکی بن علی بن محمد بن نصر بن مهدی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عیسی بن علی بن حسین اصغر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) مؤلف کتاین روح و ریحان رساله جدا گانه در حالات قاضی نکاشته و از کتاب نهایه الاعقاب معلوم میشود که تولد قاضی صابر نیر در و نك بوده است و در علم نسب برتری تامی داشته و نسابه ری بوده است و اینکه مؤلف کتاب نهایه الاعقاب



ژنرال گویبایدف اولین سفیر روسیه در ایران که در سال (۱۳۴۴) بدست زوده طهران در باغ ایلیچی کشته شده صفحه (۸۷)



تصویر فتح‌عاشاه از کلکیون ایری (۸۵)

مزبور شاگرد و همسایه قاضی صابر بوده است بصفحه (۴۹۴) روح وریحان و رساله جداگانه مؤلف آن رجوع شود) و نیز در کتاب نه‌ایه الاعقاب از مجد الدین نسابه درری نقل کرده که قاضی صابر معاصر المقتفی لامرالله خلیفه عباسی در سال ۵۵۵ هجری بوده است (ص ۴۹۵ روح وریحان).

تمه و ملحقیات به تحقیقات پیش -

صفحه ۵ در ضبط کلمه طهران باطاء مؤلف بنقل از جامع التواریخ رشیدالدین . -

(ارغون خان در طهران)

در جامع التواریخ تالیف رشید الدین فضل الله بن عطاء الدولة ابی الخیر بن موفق الدولة علی وزیر معروف غازان خان و پسرش الجانیو محمد خدا بنده است که تالیف آن از سال ۷۰۳ شروع شده و تا ۷۱۰ طول کشیده است در ضمن حکایت از جنک ارغون خان بالتیاق از امرای سلطان تیکودار احمد در طی حوادث سال ۹۸۲ پس از واقعه شکست خوردن سپاه التیاق در آق خواجه از توابع قزوین چنین آمده است - (که ارغون خان از آنجا به صواب دید امراء مراجعت نموده و بطهران ری رسیده) (جامع التواریخ داستان ارغون خان از فصل دوم از باب دوم از مجلد اول)

صفحه ۳۸ دنباله علمای نامی دماوند - بنقل از: تذکره هفت اقلیم مولانا سایل - از موضع است او از مضافات دماوند است و مردمش اکثر بزرگری اشتغال دارند - سایل در جوانی در همدان توطن کرده و در آنجا وفات نموده و همواره میان حیرتی و مولانا سایل و سایل معارضه و مناقشه روی میداد و همدیگر را اهاجی ر کیک مینمودند چنانچه این چند بیت سایل است در حق حیرتی -

شد حیرتی را در روزه داری امساک باعث نه با کی ذیل - الخ

مولانا - بف الماوك دماوندى - دماوندى الاصل بوده و شجاعی تخلص میکرد سخنان مزاح انگیز و نکات فرح آمیز بکار داشته و در مضمار طبابت کوی از همگنان ر بوده وقتی که به معالجه میرسید (محمد جام باف مینموده) در تذکره اشعاری برای او نقل کرده .

مولانا قربانی دماوندی - نویسنده تذکره وی را از شعرای دماوند دانسته و چند بیت برای او نقل نموده
 محمد حسین دماوندی - سید علی دماوندی - از شعرای دماوند نیز بودند .

صفحه ۴۸ دنباله کلمه طالقان - به طالقان علمای نامی منسوب شدند از آنجمله سید محمد تقی بن احمد حسینی طالقانی تهرانی متوفی در طهران بسال ۱۳۱۵ هجری از تالیفاتش - کتاب الصلوة . کتاب المظاهر العقلية فی الاحکام الدینیة در اصول دین و مسئله اجتهاد و تقلید - کتاب القضاء - رساله الولایه در خراسان کشته شده است و از فضلی عصر خویش بوده است
 علی اکبر طالقانی - از فضلی نامی عصر خویش و بمسلك تصوف تمایل داشته سید محمد جزائری درس او را در آذربایجان حضور یافته در سال ۱۱۶۰ هجری در فتنه خراسان کشته شده است سید جزائری در اجازات خطی خود او را ذکر کرده است .

صفحه ۵۰ دنباله کلمه کرج برای یافتن مفصل جغرافی کرج در این سنوات اخیر به شماره ۱۷ مجله فلاحت رجوع شود .
 و برای یافتن اشعار و حالات (اختر کرجی) (یوسف کرجی) (مکنون کرجی) بمجلد دوم مجمع الفصحاء صفحه ۷۱ و ۴۸۳ و ۴۷۴ رجوع نمائید .
 صفحه ۱۴ - در کلمه المحمدیه اشتباهها بفصل اسامی دهات قدیمه ری و طهران ارجاع شده است و میباید تنها با ما کن و شهرهای ری اسلامی ارجاع شود .
 فهرست اجمالی تحقیقات و مطالب مذکوره پیش از این قرار است .

که طهران ری مشهور تر از طهران اصفهان بوده است اگر چه علمای نامی طهران اصفهان بیشترند و اینکه باطاء مولف نه باتاء منقوط تلفظ میشود و از هنگام فتح ری بسال ۱۹ یا ۲۰ هجری تا سال ۲۶۱ و پیش از ثبت نام ابن حماد طهرانی محدث در تاریخ معروف نه بوده است ولی بابرخی از بخش نخست دهات نامی ری که پیش از پیدایش نام طهران در تاریخ دایر بودند مانند - خوار - گلین - محمدیه - ورامین - و غیرها هم عصر بوده و در انقلابات سیاسی

و دینی آنها چنانکه ذکر شده شرکت داشته است و شهرت و آبادانی آن بر غالب دهات و قرای بخش دومری که هنگام پیدایش نام طهران آباد و دایر بودند مانند اذن - اسفندون - بهزان - سن - قصران - کرج و غیرها غلبه یافته است و از نگارشات مورخین چنین استنباط شده است که طهران تا آغاز حمله مغول ۶۱۷ مانند قریه های دولاب - خوار - ورامین - در این مدت معمور و آباد بوده است و در قرن هفتم هجری مردمان تهران یاغی گر و سلجشور بودند و بر دوات وقت همیشه شورش میکردند و از دادن باج و خراج امتناع میورزیدند و بخانه های سرداب مانند خویش که زیر زمین میساختند پنهان میگشتند و در صورتیکه هم راضی بپرداخت مالیات میشدند زرمسکوک نمی پرداختند بلکه بجای آن وجوه رایجه نقره و مرغ و خروس و مانند آنها میدادند و در صفحه ۲۶-۷۰ تقریباً ثابت شده است که همگی بخش سوم دهات نامی قدیمه و جدیده (ری از بعد از حمله مغول تا آغاز شهریت طهران بسال ۹۰۰ بعد از قلمرو نقشه شهرستان طهران از سال ۱۰۰۰ تا امروز ثبت گردیده است و بری قدیم نسبت داده نمیشود - و برای روشن کردن موضوع و نگاشتن تاریخ طهران و آغاز شهریت آن می باید مقدمه به تاریخ اجمالی انقراض ری اشاره شود -

انقراض نام ری - ری بعد از ویرانی بحمله مغول آباد نگردیده بلکه بواسطه نزاع مذهبی شافعیه و حنفیه و شیعه که میان مردمان دوازده محله ری همواره برپا بوده است چنانکه تا قوت در معجم البلدان و دیگران مینگارند مخروبه تر گردیده است شهریاران مغل که برری و ممالک دیگری فرمانفرمائی کرده اند سیزده تن بودند و مدت حکومت ایشان از سال ۵۹۹ تا سال ۷۳۰ بوده است که جمعا ۱۳۱ سال میشود و در این مدت درری آبادانی برپا نکردند مستوفی در نزهة القلوب مینگارند - ری در فترت مغل بکلی خراب شد و در عهد غازان خان ملک فخرالدین رئی بحکم برلیغ در او اندک عمارتی افزود و جمعی را ساکن گردانید - نام تاریخی ری تا زمان شاه عباس صفوی و پایان قرن یازدهم هجری برپا بوده است و باز هم گروهی از علمای نامی در این زمان بآن منسوب شده اند - از آن جمله

(۱) محمد سلیم رازی شاگرد سلطان العلماء و مؤلف کتاب الملتقطات و شرح لغز القانون و کتاب شرح صحیفه کامله سجادیه

و غیره انگارنده نسخهای مزبور را در کتابخانه مرحوم سید حسن صدرالدین در کاظمین ملاحظه نموده

(۲) امین احمد رازی نویسنده تذکره هفت اقلیم که در سال ۱۰۱۰ تألیف نموده است و نسخه نفیس از این کتاب در کتابخانه سلطنتی و کتابخانه مدرسه سپهسالار در طهران یافت میشود.

(۳) قاضی احمد بن محمد غقاری رازی که در سال ۹۷۲ هجری کتاب نسخ جهان آراء در سه مجلد نگاشته و در مجلد سوم به تاریخ صفویه پرداخته (به مجلد چهارم مجله مهر صفحه ۷۷ شماره (۱) رجوع نمائید.

(۴) نظام الدین محمد بن الحسین قرشی ساوجی ساکن شهر عبدالعظیم شاگرد شیخ بهائی و مدرس در مدرسه عبدالعظیم درری - شاه عباس صفوی تدریس مدرسه مزبور را بوی و اگذار کرده و در سن چهل سالگی وفات نموده در فقه و علوم ریاضی و رجال مهارت داشته از تألیفاتش تنمیه کتاب جامع عباسی از مبحث - تجارت - شرح رساله فخریه در اصول دین تألیف فخر الدین فرزند علامه حلی است - نظام الاقوال فی علم الرجال و کتاب الصحیح العباسی که اخبار صحیحیه کتب چهارگانه را در آن گردآوری نموده و با شرح و تحقیق در سال ۱۰۲۲ از تألیفش فراغت یافته اولش - الحمد لله بجمع المحامد الخ

انقراض نام تاریخی ری بعد از قرن یازدهم هجری شده و بجای آن نام تاریخی طهران آمده است و ظاهراً نخستین شخص نامی از علما و مؤلفین که بطهران بعد از انقراض ری منسوب شده است محمد یوسف بن حسین طهرانی مؤلف کتاب نقد الاصول در علم منطق میباشد که تألیف خود را در سال ۱۱۰۴ انجام داده است چنانچه بعداً مینگاریم. (بنسوبین بطهران در عصر صفویه رجوع نمائید)



شهریت طهران در قرن نهم هجری

شهریت هر آبادی یا قصبه در نتیجه ویرانی آبادیهای مجاور و مرکزیت برای کشاورزی و اوضاع طبیعی یا موقعیت سیاسی و اقتصادی بکار می آید طهران هم بطوری که از گفتار مورخین و شیخان خارجی که بعداً مینگاریم یا قبلاً ذکر کرده ایم پس از خرابی ری در قرن هفتم هجری و ویرانی ورامین و بخشی از دهات قدیمی و نامی ری استعداد شهریت و برتری در آبادانی نسبت بآبادیهای مجاور و همعصر خود داشته بالخصوص در قرن هشتم و نهم و دهم که کشاورزی آن بسیاری مورد توجه جغرافی شناسان شده و آن را بباغ و گلزار و بهشت و چنارستان توصیف مینمودند و میوه هایش را برفوا که جهان بر میگزیدند و شمیران آن را بشمع ابران مینامیدند اختلافات مذهبی و یاغیگریهای مردمان سبلحشور آن که در سابق برپا بوده نیز از میان رفته و ایمنی و آسایش محیط آن را فرا گرفته موقعیت سوق الجیشی طهران در زمان کریمخان زنداقتضاداشته که آن را پایتخت خویش قرار بدهد و احتمال قوی میرود که شاه طهماسب صفوی همین نکته را متوجه شده و قبلاً باروی آن را ساخته که در موقع پایتخت خود را از قزوین بطهران منتقل سازد و هر گاه چنین کرده بود باز ماندگان او تا اندازه بعدها از حملات نزدیک افغان و ازبک ایمن تر بودند مرکزیت طهران در آن وقت برای پایتختی بواسطه دوری مستملکات روسیه و شوروی امروز از مرز ایران و پهنای کشور ایران از سمت شمال بیش از اصفهان بوده است چنانکه مرکزیت اصفهان امروز برای پایتختی بعلل بسیاری بیش از طهران کنونی میباشد - بهر حال شهریت طهران هم در نتیجه خوبی کشاورزی و حسن اوضاع طبیعی و ایمنی زندگانی و آسایش اقتصادی بکار آمده است .

اوضاع طبیعی طهران

طهران از نظر طبیعی بدو بخش تقسیم میکنند - اول قسمت کوهستانی دوم - قسمت جلگه که دنباله آن بزمینهای بیحاصل و کویر محدود میشود .
قسمت کوهستانی - از سرچشمه رودهای جاجرود و جلگه ورود و کرج منشعب

میشود ولی آب بعض بخشهای کوهستانی که تاکنون جزء ایالت طهران است وارد دریای خزر میشود.

جلگه - از رسوبات رودهای مذکور تشکیل یافته و در آن شعبی از جبال شمالی بجنوب پیش رفته مانند کوههای قره گچ و کوه نمک و سه کوه در مشرق سه پایه و بی بی شهر بانو در مرکز کوههای نقادر و کوه نمک نزدیک رباط کریم و کوه حسن آباد که بعضی قسمتهای آنها تا کویر پیش میرود - در بخش غربی این جلگه دره طویلی که از حوالی قزوین آغاز شده و رودهایی مانند - نهر رود - کردان - کرج و غیره از شمال غربی بجنوب شرقی در آن جاری و بواسطه رسوبات خود نواحی زراعتی ساوجبلاغ و شهریار و غار و قسمتی از ورامین تشکیل دادند در ورامین رودهای مذکور ضمیمه جاجرود میگردد آب و هوای ناحیه کوهستانی سرد و دارای بارندگی بیشتر و بهمین واسطه هوای آن در تابستان لطیف است ناحیه جلگه را میتوان بدو قسمت کرد قسمت شمالی آن که در دامنه کوهها واقع است دارای آب و هوای معتدل و تاحدی از بارانهای کوهستانی بهره مند میشود قسمت جنوبی که بکلی خشک و باران کم و فقط از آب رودها استفاده میکنند بنابراین از قسمت کوهستانی شمالی رودها و جویبارهای متعدد تشکیل شده است و بسمت جنوب میرود و مهمترین آنها از مشرق بمغرب عبارتند از جمله رود که از فیروز کوه سرچشمه گرفته خوار را مشروب میکند جاجرود که از کلون بسته سرچشمه گرفته و پس از ضمیمه شدن بارود دماوند جلگه ورامین را مشروب میکند رود کرج سرچشمه آن از کلون بسته است و قسمتی از آب آن بطرف شهر طهران رسیده ولی بستر طبیعی آن بطرف شهریار و پشاپویه متوجه است این رود از جنوب قزوین شروع شده و با سم رودشور وارد مسیله میشود (بصفحه ۲۲۳ ج ۲ جغرافی کیهان رجوع شود).

حدود شهرستان طهران - ایالت طهران از شمال محدود است بمازندران و از مشرق بسمنان و از جنوب بقم و کویر و از مغرب بقزوین و ساوه طول آن از مشرق بمغرب (از غرق آباد تا فیروز کوه) ۲۰۶۰ و عرض آن از شمال بجنوب (از گردنه کندوان تا دریاچه قم) (۱۳۰) کیلومتر و مساحت آن در حدود ۲۱۱۰۰۰ کیلومتر مربع است.

در شمال طهران کوه البرز از مشرق بمغرب امتداد یافته و از شمال غربی شعبه ای از کوههای مرکزی تا شمال دریاچه قم ممتد شده و از شرق از فیروز کوه رشته دیگری تا کویر امتداد یافته و بین این سه رشته جلگه که ولایت طهران را تشکیل داده

و آبادیهای آن در زاویه های شمال غربی و شمال شرقی و دامنه های شمالی واقع شده است .

حدود دهستان طهران از شمال محدود است بشمیران و از مشرق و جنوب بفار و از مغرب به کن - طول آن از شمال بجنوب ۱۲ و عرض آن از مغرب بمشرق ۱۸ کیلو متر و مرکز آن شهر طهران پایتخت ایران است .

هوای قریه طهران در نظر سیاحان و نویسندگان از قرن هفتم هجری تا امروز هوای قریه طهران از لحاظ بهداشت در نظر سیاحان اختلاف دارد برخی به نیکوئی و برخی به بدی توصیف نموده اند برای بدست آوردن سخنان ایشان از کتب تاریخی متفرقه مختصری از آنها در اینجا گردآوری کرده ایم

(۱) حمدالله مستوفی - طهران قصبه یست معتبر و آب و هوایش خوشتر از ری و در حاصل مانند آن و در مقابل اهل آنجا کثرتی عظیم داشتند.

(۲) مؤلف زینت المجالس (آب و هوای طهران از سایر ولایات ری نیکو تر است .

(۳) مؤلف بستان السیاحه (طهران شهری است مشهور بخوبی آب و هوا موصوف میوه هایش ارزان و فو که اش فراوان

(۴) صنیع الدوله (هوای طهران باتفاق جمیع علمای جغرافی سالم تر است از ری و همان میوه جات که در ری یافت میشده در این شهر بعمل میآمده -)

صنیع الدوله در صفحه ۵۲۰ ج ۲ مرآت البلدان عبارت فوق و اتفاق حمیم علمای جغرافی بر خوبی هوای طهران نوشته و در صفحه ۵۳۱ همین کتاب تحت عنوان شرح منقول از سفرنامه ژاک موریه متعلق بطهران) راجع به هوای طهران چنین نقل میکند،

(۵) ژاک موریه در سفرنامه خود مینویسد (هوای طهران بجهت نزدیکی بکوه البرز است مختلف میباشد و در تابستان نهایت ناسازگاری را دارد زمین شهر پست و بارطوبت و شوره زار است فصل گرما جز عجایر و عجزین در شهر نمی ماند آب طهران نیز تعریفی ندارد (الخ)

کشاورزی طهران در قرن دهم و یازدهم و دوازدهم هجری سخنان یافوت و قزوینی و دیگران نسبت بروش ساختن خانه های طهران و

کشاورزی آن در قرن هفتم هجری در صفحه (۲۴) از این کتاب ذکر شده است و اینکه زراعت اهالی این قریه در آن وقت از ترس و بیم دشمن دستی بوده است که مبادا دواب خویش را بغارت ببرند ولی از یادداشت‌های مؤلفین قرن ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ هجری و نگارشات آنان که مینگاریم مسلم میدانیم که کشاورزی طهران از قرن ۹ هجری رو بفرزونی و ترقی رفته است.

(۱) امین احمد رازی در تذکره هفت اقلیم که در سال ۱۰۰۱ هجری تالیف شده کشاورزی طهران را توصیف نموده و گفته (طهران بواسطه آنهار جاریه و کثرت اشجار مشمره و باغات متزه نظیر بهشت است خاصه بلوک شمی-ران که در حد شمال این قریه واقع است الخ)

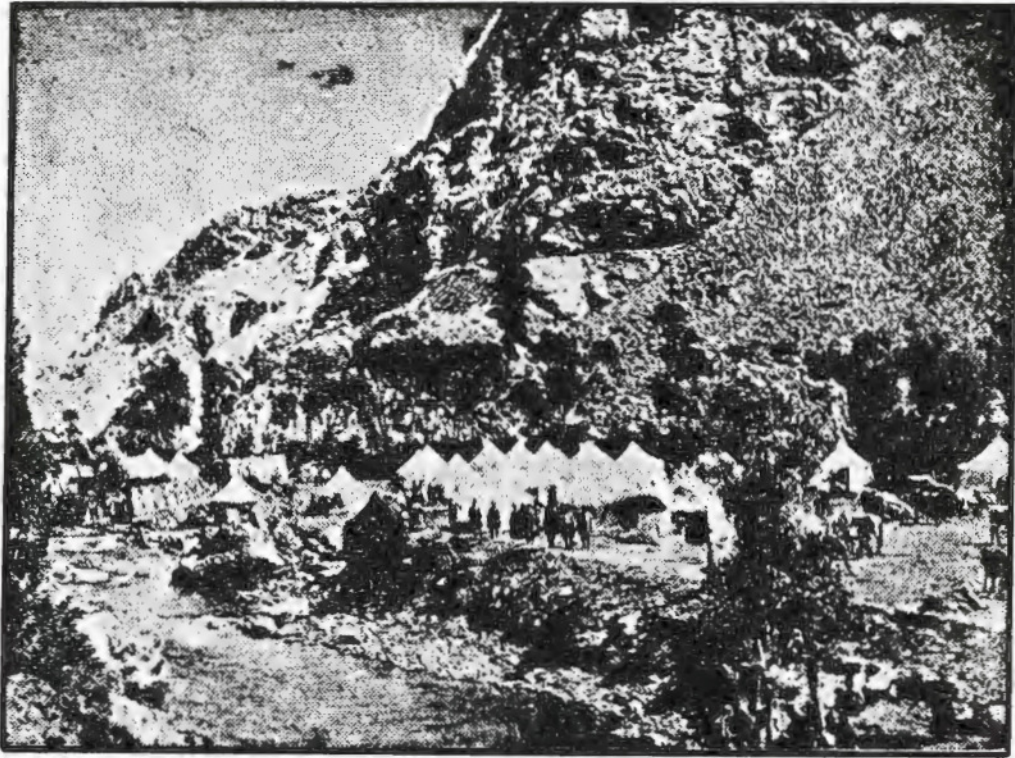
(۲) محمدالدین محمد حسین اصفهانی از علمای قرن ۱۲ هجری در کتاب زینت المجالس مینگارد.

ری از زمان فتنه و قتل عام مغول تا کنون خراب مانده است و الحال طهران و رامین شهر انجاست و هوای طهران از سایر ولایات ری نیکوتر است در قدیم قصبه بود و حضرت پادشاه مغفور در عمارت آن کوشید بارو بر او کشید که تخمیناً دورش یکفرسخ باشد و اکنون معمور و آبادان است از ارتفاعانش غله و میوه نیکو میآید و از آنجمله خربزه و انگور و انجیر او بغایت لطیف میباشد اما خورنده میوه‌های آن از تب لرز خلاص نگردد و در ولایت ری و بسا بسیار افتد الخ.

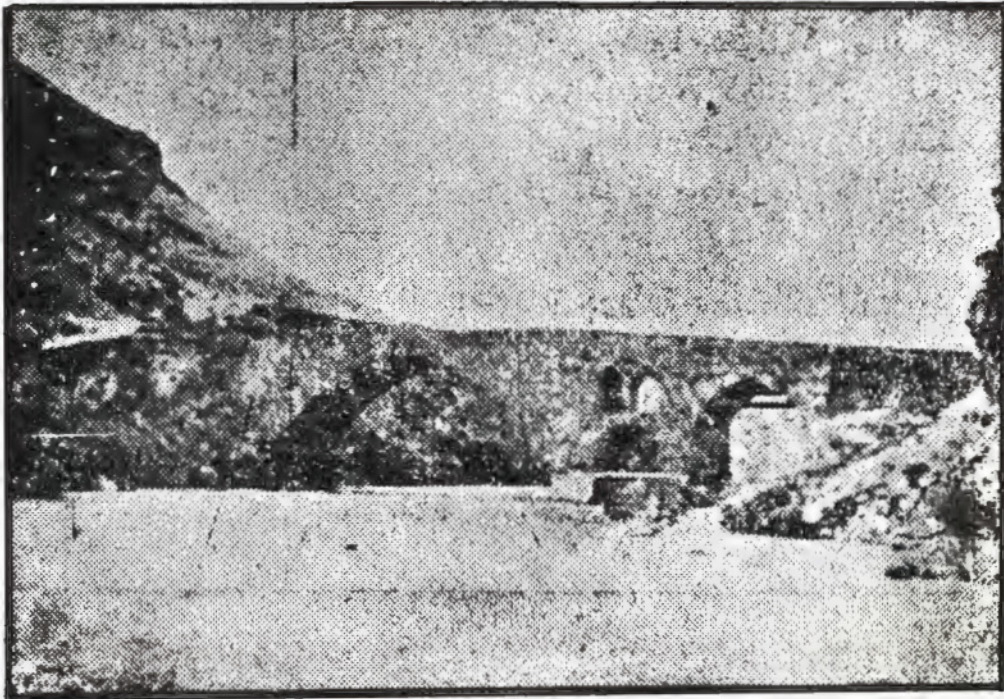
(۳) پرو دلاوال که در سال ۱۶۱۸ م برابر ۱۰۲۸ هجری بایران آمده و نخستین سیاح فرنگی که از طهران گذر مینماید مینویسد طهران از کاشان بزرگتر است ولی شماره نفوس سکنه آن کمتر از کاشان است يك ثلث از زمین داخل حصار بیوتات و دو ثلث دیگر باغات است دو قسمت بیوتات نیز در جمیع کوچه‌ها و خیابان مانند درخت چنار غرس کرده اند و دور دایره تنه چنار بقدریست که چهار نفر که دست بهم بدهند باشکال میتوانند یکدرخت را بغل نمود- همین سیاح مینویسد چنانکه اسلامبول بواسطه زیادتی درختهای سرو نزد بعضی مسافرین بسروستان معروف است طهران نیز باید چنارستان موسوم باشد.



تصویر قدیم شاه عباس کبیر در طهران از کلکسیون ایمری صفحه ۷۸ (۷۸)



چادر سلطانی در کنار جاجرود شکارگاه معروف صفحه (۴۹)



پل کرج صفحه (۵۰)

۴- امین احمد رازی مؤلف تذکره هفت اقلیم در سال (۱۰۱۰) راجع به

کشاوری و آب و هوای طهران چنین مینویسد :

طهران از زمان فرمان فرمائی شاه طهماسب صفوی بزینت باروی اسواق

مجلل گردید و سمت شهریت پذیرفت و بسحب جداول و انهار و غرس اشجار

سایه دار و باغات جنت آثار مستثنی از بلاد و دیار شد در شمال آن کوهستانیست

موسوم بشمیران که قطعه ایست از قطعه های جنان هوا از بوی پر عطر و جهان

از رنگ چون دیبا و سپهر - در خوبی آن زیاد بر آن که در ایام سابق این

کوهستان (شمع ایران) می گفتند و در آن اقسام میوه نیک یافت میشود

بخصوص گیلاسی که با نهایت خوبی و افروبی قیاس می باشد و همچنین کوهستانی

است در دو فرسنگی آن بکند و سولقان معروف است که آن نیز از بسیاری آب

روان و کثرت درختان و میوه های الوان مانند بستان جنان تواند بود و فوا کفش

نوعی خوب میشود که همه کس آرزوی آن میشود و از این قبیل خصوصیات

بسیاری دارد که جهت اطالت از آن در گذشته شروع در حالت مردمان آن دیار

می نماید - نگارنده تذکره مزبور پس از توصیف طهران به سرگذشت

گروهی از علما و عرفا و شعرای قدیم و همعصر خویش پرداخته و از مردمان

طهران نامی نه میبرد و از رجال و منسوبین دهات نامی ری تنها نام میرعمادی

شهریاری منسوب به بلوک شهریار و علاءالدین خواری منسوب بخواری و

چند نفر از علمای منسوب بدور بست ذکر میکند و از این توصیف مسلم

میدانیم که نامی ترین دهات ری در آن زمان دهات مذکوره بوده است و بس

وورامین و بقیه دهات معروفه ری قدیم و بعد از حمله مغل نا بود و ویران گردیده است.

۵- مستوفی مؤلف نزهة القلوب در ضمن توصیف ری در کتاب خود نام

طهران در چند مورد باین ترتیب می آورد .

(و تمامت ولایات ری) سیصد و شصت پاره دیه است و دیه دولاب و قصران

و رزنین و فیروزرام - وقوهد و شندر و طهران و فیروزان از معظم ناحیه غار

است - باز مستوفی مینویسد -

طهران قصبه معتبر است و آب و هوایش خوشتر از ری است و در حاصل مانند آن و در ماقبل اهل آنجا کثرت عظیمی داشتند .
از نگارشات مستوفی که کتاب خود را در نیمه قرن هشتم هجری تالیف نموده یقین می یابیم که طهران در اوایل قرن هشتم استعداد ترقی و شهریت داشته و جمعیت آن در آن تاریخ هم بنا بر گفته مستوفی بیش از جمعیتش در قرن نهم هجری بوده است .

این بود خلاصه نگارشات مورخین قرن ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ راجع بکشاورزی و اوضاع طبیعی و هوای طهران و اینکه در شهریت و آسایش زندگانی نسبت به دهات معاصر برتری داشته است و بدین جهت جالب توجه شهریاران صفویه و بالخصوص شاه طهماسب شده است تا اینکه فرمان ساختن باروی مهمی را بته صیلی که بعداً مینگاریم برای آن صادر فرموده است

طهران در ۲۳۳ سال از سلطنت صفویه

از جلوس شاه طهماسب اول ۹۰۶ تا کشتن شاه طهماسب دوم ۱۱۴۹
۱- شاه طهماسب اول در طهران و اهمیت طهران - شاه طهماسب اول که در سال ۹۰۶ تولد یافت و در سال ۹۸۴ وفات نمود فتوحات مهمه و تاریخچه سیاسی و دینی مبسوطی در تاریخ شهریاران صفویه دارد سرجان ملکم نسبت به پرهیز کاری یا تعصب او در مذهب چنین نگاشته هنگامی که نماینده ملکه اسکاتلند برای بستن پیمان دوستی بدر بار او آمده چونکه عیسوی مذهب بوده شاه طهماسب فرمان داد که برجای پای او خاک پاشیند شود تا اینکه مردم آگاه شوند که ایشان نجس هستند و از آنها پرهیز نمایند .

در مجمل التواریخ نوشته شاه طهماسب دوم مرتبه اول در سال ۹۳۹ و دوم در سال ۹۶۳ از نوشیدن شراب اعلام توبه نموده مورخین علاقه وی را بزیارت جدش عبدالعظیم در ری هم نوعاً نگاشتند و چون طهران گذرگاه مشهد آن بزگوار بوده

ناگزیر هم در آن توقف میفرمود - کارزارهای شاه طهماسب با عبیدالله خان ازبکی در سال ۹۳۳ و ۹۳۵ و ۹۳۹ و ۹۴۳ و ۹۴۴ در خراسان و هرات و نیروهای مهمی که برای او در قزوین تعبیه مینمود و بهمان نواحی گسیل میداشت گواهی میدهد بر اینکه طهران چندین بار در ذهاب و ایاب گذرگاه و اردوگاه سوق الجیشی شهریار مزبور برای سرکوبی عبیدالله خان بوده است و اینکه بمهمات اقتصادی و جنگی سپاه و نیروی او کمک شایانی مینموده چونکه جمعیت طهران در قرن هشتم هجری و هنگامی که قصبه بوده بنا برگفته مستوفی مؤلف نزهة القلوب کثرت عظیمی داشته است پس طبعاً در اوایل قرن دهم هجری که سمت شهریت و برتری در آبادانی یافته چند برابر خواهد شد و برای همین نکته طول باروی آن چنانچه بعداً مینگاریم يك فرسخ قرار گرفته است.

دو روی دی ۳۷۵۰ سفير اسپانيا در دربار امیر تیمور کورکانی اول کسی که از اروپائیاها وارد طهران شده است مینویسد ۲۵ ذی قعدة سال ۸۱۴ هجری در طهران بودم و آن شهری بسیار بزرگ است و حصار و باروی ندارد کلیه اشیاء در طهران وجود داشته است و هواء آن بسیار لطیف و صافی بوده است -

ب - ساختن باروی طهران در سال ۹۶۱ بدستور شاه طهماسب

ساختن باروی هر شهری در نتیجه اهمیت و موقعیت برگزیده سیاسی و کشاورزی و ایمنی آن از دشمن بکار می آید تاریخ ادبی و سیاسی طهران در قرن هفتم هجری گواهی میدهد بر اینکه مردمان سلحشور و یاغی گران آن در آن وقت هم نیازمند بیاروی یا پناهگاه از دشمن بودند و برای همین جهت خانه های خود را سرداب مانند و زیر زمین می ساختند برای اینکه قدرت یا رشد ساختن باروی محکمی نداشتند (بصفحه ۲۳ از این کتاب رجوع شود.)

چون این روش از رفتار وحشیانه مردمان طهران آخرین مورخی که نقل نموده قاضی عمادالدین متوفی بسال ۶۷۲ هجری بوده و مورخین بعد از این قرن تا قرن ۱۱ و ۱۲ مانند مستوفی و امین احمد رازی و مجد الدین اصفهانی و دیگران نگاشتند نمیتوان آن را تنهامدرك و علت اساسی برای صدور فرمان شاه شاه طهماسب بساختن باروی قرارداد ولی میتوان گفت که چون تا اندازه اختلافات مذهبی و یاغی گری و طراری میان ایشان بزور دولت وقت برکنار شده بود و طرز بد سابق کشاورزی آنان بمراتب بروش بهتری تغییر یافت چنانچه سیاحان و جغرافی شناسان آن را توصیف نمودند ناگزیر بدرخواست ساختن باروی برای حراست شهر از شاه طهماسب شدند موقعیت سیاسی طهران هم عهد شاه طهماسب و حملات سخت عبیدالله خان از بخارا بر طوس و استرآباد در سال ۹۳۳ و لشکر کشی سلطان سلیمان عثمانی از بغداد برای آذر بایجان بسال ۹۴۱ یا کارزارها و سوق الجیشی های سنگین دیگر که برای دشمنان خود مجهز مینمود و از طهران عبور میداد خود طبعاً اقتضا میداشت که خاطر شاه طهماسب را به تهیه پناهگاه محکمی یا پایتخت دیگری پس از پیروزی دشمن بر پایتخت و پناهگاه اولی (قزوین) متوجه میساخت موقعیت سیاسی طهران در آن وقت و پس از ساختن باروی بیش از موقعیت سیاسی قزوین اقتضای پایتختی میداشت چنانکه کریمخان زندهمین نکته را متوجه شده و میخواست شیراز را ترك کند و طهران را برای پایتختی خود قرار دهد (بوقایع کریمخان زند در طهران از این کتاب رجوع شود) امری که بیشتر خاطر شاه طهماسب باین نکات و ساختن باروی طهران متوجه میکرد آنست که از طهران برای زیارت جدش عبدالعظیم یا برای هرات و سرکوبی ازبك میگذشت و یا اینکه برای شکار در دامنه شمالی کوه شمیران (بنا بگفته نویسنده کتاب روح و ریحان صفحه ۴۱۹) بیشتر می آمد و از این روی غالباً نقشه جغرافی طهران مد نظر او بوده است -

ج - صدور فرمان شاه طهماسب بساختن باروی طهران

در سال ۹۳۹ عییدالله خان ازبك ازهرات فرار نموده برای اینکه شاه طهماسب بسوی هرات و سرکوبی اوازقزوین و (طهران) آمده بود ولی عییدالله خان بازهم در سال ۹۴۳ هرات را فتح کرده و شاه طهماسب مجدداً بطرف اورفت عییدالله خان هرات را ترك کرده شاه طهماسب در سال ۹۴۴ از هرات مراجعت کرده و بطهران رسید و در طهران حکم بگرفتن شاه قوام الدین نوربخش دوربستی نمود (بصفحه ۴۰ و کلمه دوربست و شاه قوام الدین رجوع شود) و بقزوین رفته چندین دفعه پیش اتفاق افتاده بود که موکب آن بطهران وارد شده و برای زیارت مشهد حضرت عبدالعظیم رفته و در همان وقت راجع به بنای باروی طهران هم صحبت می نمود تا اینکه در سال ۹۶۱ فرمان همایونی به ساختن آن صادر گردید. از جمله مورخین که ساختن باروی طهران را بفرمان شاه طهماسب ذکر کرده اند.

۱- امین احمد رازی در تذکره هفت اقلیم (طهران از زمان فرمان فرمائی شاه طهماسب بزینت بارو و هزاران اسواق مجلل گردید و سمت شهریت پذیرفت و اکمال بسحب جداول و انهار و غرس اشجار سایه دار السخ (بصفحه پیش از این کتاب رجوع شود)

۲- مجدالدین محمد حسین اصفهانی مؤلف کتاب زینة المجالس

حضرت پادشاه مغفور (شاه طهماسب) در عمارت آن کوشیده و باروئی دور آن کشیده که تقریباً يك فرسخ نور آنست این شهر اکنون معمور و آباد و ارتفاعاتش غله و میوه نیکو میباشد.

۳- حاج زین العابدین تمکین شیروانی در کتاب ریاض السیاحه - در قدیم

این شهر (طهران) قصبه بوده بتدریج تبدیل بعمارت نهاده شاه طهماسب بن شاه اسمعیل صفوی در وسعت و عظمت آن کوشیده و بر آن حصاری معین کشید کریم خان زند بر

عمارت آن افزود و در اتساع آن سعی نمود شهر در زمین دور اتفاق افتاده است و سمت شمالش فی الجمله گرفته و سایر اطرافش گشاده است -

۴ - مؤلف کتاب روح وریحان یا جنه النعیم در تاریخ عبدالعظیم -

شاه طهماسب که پایتخت و مرکز سلطنت او قزوین بود گاهی برای زیارت مرقد جدش امامزاده حمزه و همچنین حضرت عبدالعظیم درری می آمد و چون طهران و مهران که دو قریه در دامنه شمالی کوه شمیران شکارگاه خوشی بود برای همین نکته چندین بار در این محل اقامت مینمود و در نتیجه همین توجه شهرسازی بساختن حصار و باروی برای طهران فرمان داد و فی الحقیقه شالوده آبادانی این شهر برحسب دستور شاه طهماسب مذکور ریخته گردید - (۴۹۱ روح وریحان)

اندازه دور باروی و روش ساختن خندق و دروازه ها و محله های پنجگانه که از آنها خاك بر میداشتند

اولین بنائی که در طهران بدستور شاه طهماسب اول صفوی بسال ۹۶۸ دایر کردند یکصد و چهارده برج است مطابق شماره سوره های قران مجید زیر هر برجی سوره از آنها دفن کردند اندازه دور باروی چنانکه مجدالدین دردبستان السیاحه ذکر نموده تقریباً يك فرسخ است و برای شهر چهار دروازه بنامودند

۱ - دروازه حضرت عبدالعظیم

۲ - دروازه شمیرانات -

۳ - دروازه قزوین -

۴ - دروازه دولاب -

و چونکه خاك خندق کفایت نمیکرد برای ساختن باروی و بر چهار برای

اینکه بعضی زمینهای آن شن و سنک بوده از پنج محل برای ساختن بارو و برجها خاک بر میداشتند -

اسامی محلهای پنجگانه از این قرار است

۱- چالمیدان- نام محله امروز از محلات معروفه طهران است و در گودان مرحوم میرزا موسی وزیر طهران انباری ساخته گویند هشتاد پایه داشته چاله میدان و چاله حصار هر دو مخف شده چالمیدان و چاله حصار گردید صنیع الدوله در (صفحه ۷۹ ج ۴) مرآت البلدان مینویسد-

چالمیدان تا پانزده سال قبل از این تقریباً جائی بود بسیار کثیف و همیشه مزبله شهر و محل ریختن کثافات سکنه است پس از آن مرحوم فرخ خان امین الدوله که از وزرای عظام اینعهد بود در آنجا مسجدی بسیار عالی بنامود و آن محل خسیس را چنین بنائی رفیع کرد مسجد مزبور از طرف غرب ایوان و مقصوره بیع و شبستان بسیار وسیعی دارد که دارای چهارده ستون سنک است و دور حیاط مسجد از جهات دیگر حجرات متعدد برای درس و تدریس و سکناى طلاب علوم دینی ساخته شده است و در حیات امین الدوله اگرچه بنای این مسجد بوجه منظور پایان نرسید ملامحمد جعفر مجتهد معروف بچالمیدانی که از اجله علماء بوده و در جوار همین مسجد مسکن داشت باقامت و تولیت این مسجد انتخاب نمود اکنون نیز آقا شیخ موسی فرزند ارشد او بامرامامت ر تولیت قیام دارد .

مشهد امامزاده سید اسماعیل

سید اسماعیل فرزند امامزاده ذکریا از اولاد امام موسی الکاظم (ع) که دارای بنائی عالی و دو مناره بسیار بلند قرب چالمیدان واقع است -

متن درب چوبی در بقعه امامزاده تاریخ اتمام بقعه را بسال ۸۸۶ باهتمام استاد

حسین پسر پیر علی حداد طهرانی نشان میدهد و سازنده آن استاد حسن پسر استاد حسین لواسانی میباشد - بعدها در صحن و صحن و رواق و گنبد را حسین علیخان پسر مصطفی خان قاجار و حاجی عبدالعظیم نامی و پیره زنی متفقا ساختند و در عهد محمد شاه بتوسط حاجی عیسی خان بیگلربیگی طهرانی در سنه ۱۲۶۲ ایوان و حیاط بناشده و در حاشیه درب که از فولاد است کتیبه بخط میرزا اسدالله شیرازی دیده شده در این عهد ابد مهد باشاره علیه ناصرالدین شاه دام ملکه در این بقعه مبارکه مرمتهای عمده شده و مناره هارا کاشی کردند . دیگر از آثار خیریه که در حوالی این محله است آب انباری است که مرحوم میرزا موسی مستوفی تفرشی وزیر در مبادی همین عهد بنا کرده است ولی اگر در مرمت و اتمام این آب انبار و مسجد مزبور توجهی نشود عن قریب هردو منهدم خواهد شد (صفحه ۷۹ ج ۴ مرآت البلدان)

علی بن محمد جعفر طهرانی چاله میدانسی مذکور نیز فقیهی است و از تألیفاتش کتاب کیمیاء آل محمد -

۴ - چالحصار - و جای آن فعلا مدرسه است و تکیه و مسجد است میرزا آقاخان نوری صدراعظم دیوار بخش شمالی آن خرابه کرده و آقاخان نوری ترمیم نمود (از مجله کاوه نقل شده است) به بخش دینی و شرح حال امامزادگان طهران از این کتاب رجوع شود

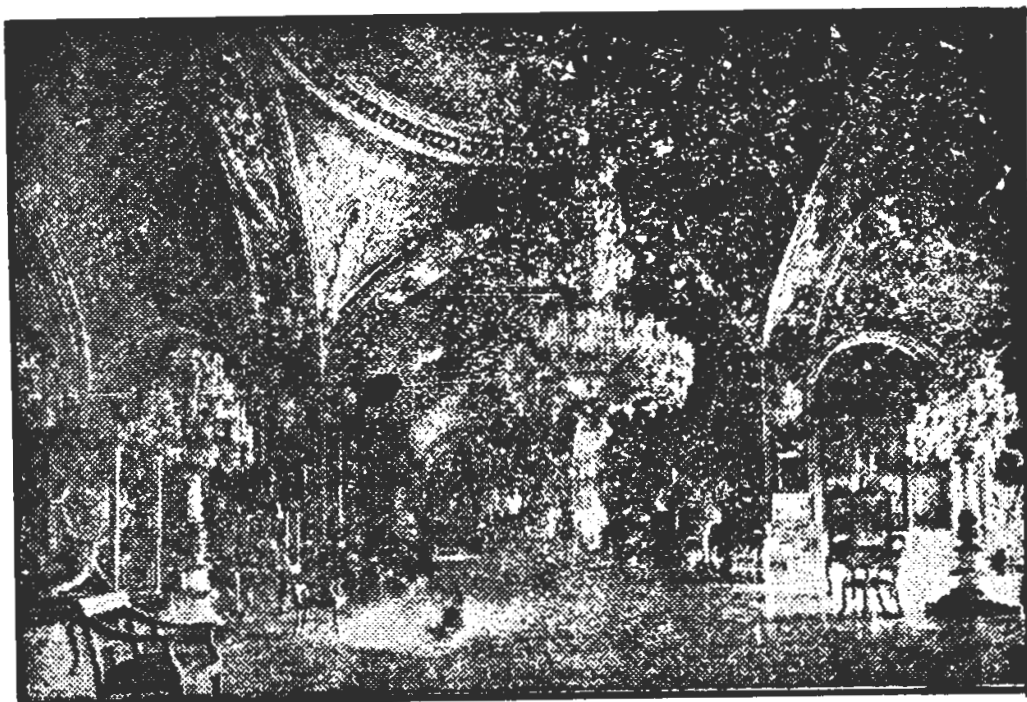
مواف مرآت البلدان مینویسد: چالحصار - در محله سنگماچ تهران در نزدیکی خانه میرزا یوسف مستوفی الممالک معروف باقا بوده است - چالحصار از قدیم الایام گودالی بوده و فضای زیادی موسوم باین اسم که تا شش سال قبل روز عاشورا و دهم محرم هر ساله اجتماع و ازدحام غریبی از اهالی طهران آنجا میشد و در زیر هوا غالباً شبیه مقدمه کربلا و تفصیل حادثه غم انگیز روز عاشورا را در می آوردند و جز آن روز و سایر ایام و اوقات از نقاط بسیار کثیف و جای هر گونه کثافات بود آقای مستوفی الممالک ثواب بزرگ نمود و این محوطه را زده چوبی باستونهای آجری نصب نمود و محوطه صید را باغ عمومی ساخته حالا یکی از نقاط بسیار



ناصرالدین شاه و شکارش در جاجرود صفحه (۲۹)



دامنه کوه البرز و توقف اردوی شاه برای شکار صفحه (۲۶)



کره جغرافیائی جواهرات مخصوص ناصرالدین شاه اصل آن یک
پارچه طلاست که روی آن الماس نشانده اند و قاره های جهان را
، به جواهرات مختلفه مشخص نموده و برخی از نقاط مانند
تهران و پاریس و لندن و غیره را بایاقوت یا زمرد یا الماس یا
فیروزه یا جواهرات گران بهای دیگر نشان داده اند صفحه (۹۴)



شبه خیالی عمر بن زید الخیل طائی تازی فاتح ری در سال ۱۹ یا ۲۰
هجری صفحه (۶)

با صفای شهر میباشد و محل تفرج عامه است و هوای سنگلج که غالباً بواسطه این محل متعفن بود بسیار لطیف و سالم شده است يك كوچه از محله سنگلج طهران هم بچال حصار موسوم است.

۳ گود زنبورك خانه اسم آن باقی است و تا امروز در آنجا بعضی خانه‌های كوچك ساخته شده است.

۴ گود دروازه محمدیه امروز باقیست و بعضی خانه‌ها و تکیه و مسجد و انبار در آنجا ساخته شده است.

۵ گود فی‌الخانه و محل آن در محله دروازه قزوین بوده است (بشماره ۱۵ و ۱۴ سال (۱) مجله کاوه و ج ۴ مرآت البلدان صفحه ۷ رجوع شود).

اولین نثانی که پس از تکمیل نثانی باروی شاه طهماسب ایجاد شده است حمام خانم و تکیه و مدرسه خانم است که در طهران بر حسب امر خواهر شاه طهماسب بنا شده است و از آثار تکیه و حمام کمی باقی بوده است مدرسه خانم بالاخره بدست افغانه خراب شده است و بعد صاحب دیوان در جای آن حسینیه بنا نموده اکنون مدرسه معروفه بفرهنگ در همان محل است (به مجله کاوه شماره ۱۴ و ۱۵ رجوع شود).

بازگشت بتاریخ طهران در ۲۲۳ سال از سلطت صفویه
(کشته شدن سلطان حسین میرزا در سال ۹۸۵ بحکم شاه اسمعیل ثانی در طهران)
شاه طهماسب بعد از انقلابانی که در مازندران روداده بود نیریه خود سلطان حسین میرزای مزبور را بحکومت مازندران فرستاد چون شاه اسمعیل ثانی و پدر سلطان حسین میرزا از يك مادر بودند و شاه اسمعیل را فرزندی نبود سلطان حسین میرزا بداعیه ولی عهدی از مازندران بطهران آمد شاه اسمعیل قصد اعدام او داشت ولی خودداری نمود برخی سعایت کردند و بعرض شاه اسمعیل رسانیدند که بواسطه عدم تعصب شما در مذهب امامیه میخواهند شما را بقتل رسانند و سلطان حسین میرزا را پادشاه کنند شاه اسمعیل ثانی کوسه علیقلی تر کمانرا با چهل هزار نفر قورچی برای قتل سلطان حسین میرزا فرستاد شاهزاده بعد از وصول قورچیان بطهران در برار بسته بنام اینکه به خانه رفته بمداغه پرداخت کوسه علیقلی نزدیک خانه آمده قرآنی بدست گرفته قسم خورد که شاه مارا بطلب شما فرستاده شاهزاده قبول نمود در برار گشود

ایشان بخانه داخل شده اورا کشتند این شاهزاده اوقات اقامت در طهران بخواندن کتب و گفتن شعر مشغول بوده و این رباعی از اوست -

رویت که زیاده لاله میروید ازو از ناب شراب ژاله میروید ازو
دستی که پیاله ز دست تو بگرفت گر خاک شود پیاله میروید ازو

شاه عباس کبیر با پدر خود در طهران

در سال ۹۹۵ شاه عباس کبیر در طهران پدر خود را (شاه محمد خدا بنده) که با اشاره مرشد قلیخان حبس کرده بود احضار نمود و نهایت حرمت گذاشته و در طهران مجلس عیش چیده بعد با پدر خود به قزوین رفت

بیماری شاه عباس کبیر در طهران

در سال ۹۹۶ که عبدالمومن خان اوزبك با خوانین ماوراءالنهر بتسخیر خراسان و محاصره مشهد رضوی آمده بود شاه عباس برای مقاومت با او از قزوین بطهران آمد و در طهران پنجاه و یکروز توقف نمود و ناخوشی سختی گرفت و لشکر او دین سبب متفرق گشت اوز بکیه مشهد را بغلبه گرفتند و جمعی کثیر از قزلباشیه ساخلوی شده و اهل شهر را کشتند حتی در روضه منوره بامر عبدالمومن جماعتی از سادات را بقتل رسانیدند و جام و خاف و باخرز و غیرها بدست اوزبکیه افتاد شاه عباس در طهران بمعالجه میپرداخت و چون از اطباء مایوس شد بحضرت عبد العظیم پناه برد و بهبودی یافت ولی بنا بگفته صنیع الدوله صفحه ۵۱۱ ج امرأت البلدان شاه عباس از طهران نگران بود و لعنت میکرد کسانی که از خارج شهر طهران بیایند و داخل این شهر شوند و شب را در آن بییوته نمایند

آثار مادی و معنوی شاه عباس کبیر در طهران

(۱) چهار باغ یا چنارستان عباسی - این چهار باغ بنا بگفته صنیع الدوله صفحه ۵۱۴ ج امرأت البلدان در محلی بود که حالا ارك سلطنتی (بکلمه ارك در این کتاب رجوع شود) و عمارات دیوانی است و بعضی درختهای چنار کهن که الان در عمارت است دلیل است که سابقا اینجا باغ و آبادی بوده و بنای چهار باغ مسطور را شاه عباس نموده و چنارهای کهن که حالا بچنار عباسی معروف است محتمل است که بحکم شاه عباس غرس شده است چنارستان یا چهار باغ مذکور بعد از زمان شاه حسین

صفوی عمارت سلطنتی گردیده و سفیر عثمانی را در آن پذیرائی نمودند (بصفحات بعد رجوع شود) پس بطور یقین میدانیم که این چنارستان از یادگارهای شاه عباس کبیر بوده است پوترود و لاوال نخستین سیاحی که در سال ۱۰۲۷ هجری و پس از توقف شاه عباس در طهران بچهل و یک سال از طهران میگذشته و وصف چنارهای طهران را نموده و از خوبی مناظر آن سخن رانده و نام این شهر را بواسطه بسیاری ضخامت چنارهای که داشته (چنارستان) نهاده علاقه شاه عباس کبیر بآبادانی و توقف ممتد (۵۱) روز او در طهران خود طبعاً اقتضا دارد که بآبادانی طهران و کاشتن درختان چنار و غیرها دستور بدهد از این گذشته نامیدن چنارهای مذکور بچنار عباسی گواهی مدلی است براینکه چهار باغ سلطنتی که بعداً باریک نامیده اند از یادگارهای مسلم اوست

(۲) طرز حکومت و فرمانداری شهر طهران

صنيع الدولة در صفحه ۵۱۱ ج امرآت البلدان مینویسد نخستین پادشاهی که بیگلربیگی برای طهران و بلوکات او تا فیروز کوه معین کرد شاه عباس بزرگ بوده و ظایف بیگلربیگیها بطوری که در تاریخ سیاسی صفویه مینگارد قسمت اعظم عایدات قلمرو خویش را صرف مخارج حکومتی خود میکنند و جز مبلغ مختصری بعنوان هدیه و پیشکشی برای شاه نمیفرستند ولی در عوض مکلفند که عده ای سپاه مجهز داشته باشند این گونه حکام در حقیقت در مقرر حکومت خویش سلطنت میکنند ولی مطیع فرمان پادشاهند در ایران پانزده یا شانزده بیگلربیگی میتوان شمرد و اهمیت مقام ایشان بحدیست که در مراتب درباری پس از تفنگچی باشی قرار نمیگیرند (بالواسطه از نسخه نفیس قاضی احمد ابراهیمی نقل شده است)

امامقلیخان پادشاه ماوراءالنهر همعصر شاه عباس ثانی در طهران در سال ۱۰۵۱ که سال اول جلوس شاه عباس ثانی بود اما مقلیخان پادشاه ماوراءالنهر به قصد مکه بطهران رسید شاه عباس از قزوین جمعی تاطهران باستقبال او فرستاد و با احترام او را بقزوین بردند.

شاه عباس ثانی در طهران
در سال ۱۰۶۹ شاه عباس ثانی از اصفهان بطهران آمد و از راه فیروز کوه
بمازندران رفته و در آنجا فوت نمود.

توقف شاه سلطان حسین صفوی در طهران و محاکمه صدر اعظم او
اعتماد الدوله فتحعلیخان

صنیع الدوله در صفحه ۵۲۳ ج امرأت البلدان راجع بتوقف صفویه در
طهران چنین نوشته (از سلاطین صفویه کسیکه در طهران توقف نموده شاه سلطان
حسین بوده و او در سال ۱۱۳۵ وقتیکه محمود افغان بر بعض ممالک ایران استیلاء یافتند
بود در طهران اقامت داشته و در آنجا سفیر سلطان احمد سیم را که برای بعض
تحقیقات (مطالبه بعضی ولایات سرحدیه است) بایران آمده بود پذیرفت
ولی در صفحه ۵۱۹ همین مجلد تاریخ توقف شاه سلطان حسین در طهران
در سال ۱۱۳۴ دگر کرده (خلاصه بعد از مقدم اعتماد الدوله و اطاعات والی
گرجستان و نظم داغستان - در سال ۱۱۳۴ هجری آثار خوشوقتی موقتی برای
شاه سلطان حسین و رجال او که متوقف تهران بودند ظاهر شد الخ)

بهر حال از سلاطین صفویه تنها شاه سلطان حسین در ۱۱۳۴ یا ۱۱۳۵
توقف نموده است چنانکه مختصر گزارش آن را ذکر میکنیم شاه سلطان حسین
از اصفهان بطهران آمد و در این مدت محمود افغان کرمان را محاصره کرد
و لطفعلیخان سردار ایران او را تا چندهار هزیمت داد دشمنان لطفعلیخان و برادر
زن او فتحعلیخان اعتماد الدوله صدر اعظم شاه سلطان حسین دو باره آنها نزد
شاه سعایت نموده اند که لطفعلیخان بهمدستی اعتماد الدوله میخواهند شاه را در
طهران غافلگیر کنند و او را محبوس یا مقتول نمایند مقدمات نابود کردن
ایشانرا بطوری ساختند که شاه سلطان حسین از ترس لرزید و دستور فوری
در دستگیری و کشتن آنها را داده (بصفحه ۵۱۴ - ۵۱۹ مرآت البلدان ج ۱ که
از کتاب شورش ایران تالیف مامیک لران از بدو غلبه افغان تاجلوس نادر شاه نقل
کرده مراجعه شود.)

و در نتیجه قورچی باشی نخست اعتماد الدوله را غفلة که در بستر راحت خوابیده
بود گرفت کور کرد و بمنزل خود برد و در زیر شکنجه انداخت و صبح آنشب

هر جا که از قبيله اعتماد الدوله در کشور بود گرفتند و بطهران فرستادند و نیز بکلاشر شیراز فرمانی صادر شد که لطفعلیخان را با شکنجه به طهران روانه نماید لطفعلیخان تسلیم شده او را باصفهان ارسال داشتند چون بعد بر سلطان - حسین عذر دشمنان اعتماد الدوله و لطفعلیخان محقق شد مجلس تحقیقی برای رسیدگی این امر تشکیل و تمام وزراء و اعیان را با اعتماد الدوله نا بینا احضار کردند و محاکمه او در طهران آغاز گردید جواب و سؤال اعتماد الدوله طوری به شاه سلطان حسین اثر کرد که گریست ولی بودن او را در طهران صلاح ندانست ماهانه قابل برای او مقرر نموده او را بشیراز بردند و در زندان شیراز در گذشت .

عمارت چهار باغ سلطنتی در طهران و پذیرفتن شاه سلطان حسین سفیر عثمانی را در آن

صنيع الدوله در صفحه ۶۷ و ۵ ج مرآت البلدان راجع بآثار مادی صفویه در طهران چنین نوشته است (در زمان سلطنت صفویه عمارت سلطنتی اصلا در این شهر ساخته نشده بلکه شاه عباس بزرگ که بخراسان میرفت در طهران پنجاه و يك روز بیمار شد و لعنت کرد کسیرا که از خارج شهر طهران باشد و داخل این شهر شود و شب را در آن شهر بیتوته نماید الخ) بیادداشتهای وحشیگری مردمان طهران از این کتاب رجوع شود) - ولی در صفحه ۱۹۵ از همین مجلد از کتاب شورش ایران تالیف مامیک لوراک که از سفر نامه دری افندی سفیر و کاردان قونسول فرانسه در اصفهان گردآوری شده پس از توصیف سندیت و اعتماد بر این کتاب در صفحه ۱۹۴ از همین مجلد راجع به عمارت چهار باغ سلطنتی طهران که از آثار مسلم صفویه است و آمدن سفیر عثمانی خدمت شاه سلطان حسین در آن عبارت زیر را می نگارد و تناقض دو عبارت مزبور خود را آشکار مینماید .

باین وضع (از احترام) ایلچی را بعمارت چهار باغ که عمارت سلطنتی طهران بود وارد ساختند (این چهار باغ در محلی بود که حالا ارك سلطنتی و عمارات دیوانی است و بعضی درخت های چنار کهن که الان در عمارات مبارکات است دلیل است که سابقا اینجا باغ و آبادی بوده و بنای چهار باغ مسطور را شاه عباس ماضی نموده و چنار های کهن که حالا بچنار عباسی معروف است

محتمل است که بحکم شاه عباس غرس شده باشد سپس ترتیب مراسم شرفیابی سفیر به حضور شاه سلطان حسین و تقدیم نامه سلطان احمد سیم و احتراماتی که از طرفین بعمل آمده و باز گشت شاه سلطان حسین را از طهران در اوایل سرطان این سال باصفهان ذکر نموده است بصفحه ۵۲۰ این مجلد رجوع شود.

شاه طهماسب، ثانی در طهران

در سال ۱۱۳۷ شاه طهماسب ثانی بعد از آنکه در قزوین خبر کشته شدن شاه سلطان حسین داشته جلوس کرده و به آذر بایجان و شیروانات رفته و از راه طارم بطهران آمد و از نواب فتحعلیخان جدپادشاهان قاجار استمداد نموده بسمت لاریجان و مازندران راند

محاصره اشرف افغان طهران و رزم فتحعلی خان قاجار با اشرف زند بعد از حرکت او بلا فاصله اشرف افغان از راه قم بطهران آمده و آن را محاصره کرد نواب فتحعلیخان از راه دامغان و سمنان بقصد الحاق باردوی شاه طهماسب بقریه ابراهیم آباد طهران رسیده آنجا شنید که شاه طهماسب بلاریجان رفته و اشرف طهران را محاصره کرده فتحعلیخان با آنکه لشکر کمی همراه داشت در حوالی طهران یکروز تمام رزمی سخت با اشرف داده از لشکر او بسیاری بکشت و شب بسمت لاریجان راند که بشاه طهماسب ملحق شود.

مدت استیلای افغان بر طهران و آثار مادی ایشان
گزارشات افغانه در طهران درست معلوم نیست ولی بطور مسلم میدانیم که تقریباً بیش از شش سال نبوده است (از استیلای محمود بر اصفهان در سال ۱۱۳۵ و انقراض صفویه تا ظهور نادر افشار و بازگشت شاه طهماسب بیاری نادر باصفهان و فراری شدن اشرف بشیراز بسال ۱۱۴۰) زیرا که مدت سلطنت شاه طهماسب دوم ده سال است شش سال در زمان افغانیها و چهار سال ایام نادر افشار از آثار مادی افغان در طهران چنانکه صنیع الدوله در صفحه ۵۱۱ ج ۴ مرآة البلدان مینویسد دروازه ارك است که امروز دروازه دولت مینامند باین معنی که هر جا در کشور ایران ارك بنا شده افغان بنا کرده اند و يك طرف آنرا بصحرا وصل نموده اند که راه گریز باشد - (بکلمه ارك و بنا های سلطنتی از این کتاب رجوع شود)

طهران در زمان نادرشاه افشار از سال ۱۱۴۸ تا ۱۱۶۰
طهران در مدت دوازده سال سلطنت واقعی نادرشاه از ۱۱۴۸ - ۱۱۶۰ تاریخ
تازه نداشته برای اینکه مرکز سلطنت نادرشاه بظاهر اصفهان بوده ولی در واقع
سیار است و همیشه شهرهای دور دست سرحدات کشور است و تا بلخ و بخارا و قندهار و عراق
و ترکیه و هند و سند و رود جیحون و خوارزم و کلات بشمار میرفته است ولی پس
از کشتن نادر سال ۱۱۶۰ مرکز فرمانفرمائی بازماندگان نادر خراسان بوده است
تا اینکه دولت زندیه برقرار گردید .

تاریخچه طهران در ۴۰ سال سلطنت زندیه از ۱۱۷۱ - ۱۲۰۰
طهران در یازده سال فترت میان پایان سلطنت نادرشاه و آغاز سلطنت کریمخان
زند (۱۱۶۰ - ۱۱۷۱) غالباً مقهور نیروی محمد حسنخان قاجار بوده ولی از
سال ۱۱۷۱ - ۱۱۹۹ و استیلای آغا محمد شاه قاجار بر آن مرکز فرمانفرمائی
کریمخان و علیمرادخان و جعفرخان زند بوده است .

کریمخان زند در طهران از سال ۱۱۷۰ - ۱۱۷۶
در سال ۱۱۷۱ که محمد حسنخان قاجار از فتح شیراز ناامید شد و بطهران
آمد کریمخان زند پراکنندگی قشون او را دانسته بتسخیر طهران و طبرستان و
استرآباد کوشید و از راه یزد عازم طهران شد و از طهران کمک برای شیخ علیخان
میرستاد و جنگهای سختی میان شیخعلیخان سپهسالار کریمخان و قشون محمد حسنخان
قاجار در نواحی استرآباد اتفاق افتاد تا اینکه محمدعلیخان قاجار برادر محمد حسینخان
دولو کشته شد و سرش را رتن جدا کردند و با جواهرات نمینه که داشته نزد شیخعلیخان
برده اند و او آنها را نزد کریمخان در طهران فرستاد کریمخان سر را بمشک و گلاب
شسته بحضرت عبدالعظیم فرستاد که دفن نمایند پس از این واقعه کریمخان در
سلطنت ایران استقلال یافت و در دیوان خانه طهران بتخت شاهی نشست این پیش
آمد در سال ۱۱۷۲ بوده است .

در تابستان ۱۱۷۳ بواسطه بدی هوای تهران کریمخان بشمیران رفته و حکم
کرد که در غیبت او بنای عمارت سلطنتی و دیوانخانه بزرگ و باغ جنب دیوانخانه
و یکدست حرمخانه در طهران بنا کردند و اوایل زمستان که این عمارت تمام
شده کریمخان از شمیران بشهر مراجعت نمود وی در تعمیر و آبادی شهر جدیت
داشت و میخواست طهران را پایتخت خود قرار دهد

در سال ۱۱۷۶ از توقف در تهران منصرف شده قصد شیراز نمود و سایر فرزندان آقا محمد حسنخان را بقزوین فرستاد که در آنجا متوقف باشند
 کریمخان در ۱۳ صفر ۱۱۹۳ در شیراز وفات کرد و سلطنت به قاجاریه منتقل گردید چنانکه در تواریخ بتفصیل ذکر شده است
 طهران در ۶۵ سال از سلطنت قاجاریه از استیلاء آغا محمد شاه ۱۲۰۰ تا وفات محمد شاه ۱۲۶۴

جلوس آغا محمد شاه حوالی طهران

پس از وفات کریمخان در ۱۳ صفر سال ۱۱۹۳ آغا محمد شاه با چهارده تن از خویشاوندان خود در بیستم صفر بحضرت عبدالعظیم رسید و در ۲۲ صفر که روز نوروز سلطانی بود در حوالی طهران جلوس نمود و سن او در آنوقت ۱۶ سال بود در سال ۱۱۹۷ از مازندران بقصد تسخیر طهران و تدمیر غفور خان طهرانی (حاکم تهران) حرکت کرد و اردوی او در سمت شمیران استقرار یافت و غفور خان شهر را بتصرف نمیداد در این اثنا و با در تهران شدت کرد و غفور خان در گذشت و چون و با از شهر باردو سرایت کرد اردو را در چشمه علی دامغان قرار داد

رزم علیمراد خان زند با آغا محمد شاه حوالی طهران

در سال ۱۱۹۸ علیمراد خان زند که در نواحی اصفهان استقلال یافته باچهل هزار سوار بقصد ادعای سلطنت و مقاومت با محمد شاه بطهران رسید اهالی شهر درب قلعه را بروی او باز کرده او را پذیرفتند.

علیمراد خان شیخ ویس خان پسر ارشد خود را بادوازده هزار سوار در اوایل رمضان از طهران بمازندران و لاریجان فرستاد شیخ ویس خان بعد از چند مصاف که در مازندران و ساری با قشون محمد شاه داد در پنجم محرم ۱۱۹۹ با پنجهزار سوار از ساری بجانب طهران فرار کرد در این سال علیمراد خان بواسطه نمود جعفرخان در اصفهان از طهران باصفهان راند و در اواخر ربیع الاول همین سال در گذشت جعفرخان نجف خان زند را بسر داری طهران مامور کرد

محاصره دوم آغا محمد شاه طهران

در همین سال مجدداً آغا محمد شاه طهران را محاصره نمود چون این خبر در طهران باو رسید مجنون خان پاره گی را با تمام کار محاصره گذاشت بسمت قم جلو نجف خان زند راند.



شاه طهماسب اول بانی باروی طهران صفحه (۷۰)



آغامحمدخان قاجار فاتح و بانی پایتختی طهران صفحه (۸۵)



شاه عباس ثانی در طهران صفحه (۸۰)



عباس میرزا نایب السلطنه و فرزند
فتحعلیشاه صفحه (۸۷)



غفورخان فرمانده طهران
در زمان زندیه صفحه (۸۴)

فتح آغا محمد شاه طهران

در سال ۱۱۹۹ آغا محمد شاه طهران را بتصرف خود درآورد و فتحعلیشاه (فتحعلیشاه) که ولی عهد او بود و برادر تنی خود را حسینقلیشاه و والدهاش مهد علیا از مازندران بطهران احضار نمود.

جلوس آغا محمد شاه و پایتختی طهران

در سال ۱۲۰۰ هجری روز (اجا) که روز نوروز بود آغامحمد شاه قاجار در طهران جلوس نمود و بنامش سکه زدند و خطبه خواندند و از آنوقت شهر طهران بپایتخت شهریاران قاجار موسوم گردید - و در اینسال آغا محمدشاه باصفهان رفت و فتحعلیشاه را نایب السلطنه در طهران قرارداد.

در سال ۱۲۰۶ اولاد کریمخان و کیل که علیمراد خان زند ایشان را کور کرده بود باعیال و اطفال لطفعلیشاه زند روانه مازندران نمودند و سنگهای مرمر و پرده های تصاویر و آئینه های عمارت و کیل را از شیراز بطهران آوردند و در تالارتخت مرمر که هم اکنون موجود و دایر است نصب و برقرار کردند و استخوان های رمیمه و کیل را بجهت بی حرمتی و سوء ادب که به قاجاریه از او ظاهر شده بود در کرباس عمارت معروف (بخلوت کریمخانی) مدفون نمودند صفحه ۲۵۵ ج امرءات البلدان آغامحمد شاه پس از فتح کرمان قشون خود را از شهرهای دوردست بیرون طهران گردآوری نمود تا اینکه شماره آن بهفتاد هزار سرباز رسید بدون اینکه احدی از مرام او آگاه شود نیرو را بداعنستان و شیروان و ابروان گسیل داد و خود با گروهی از آن بقلعه شوشی رفت و تفایس را فتح نمود و هراکلیوس فرار کرد و مردمان تفلیس را قتل عام نمود و کلیسهای آن را ویران بساخت سپس بکنجه رفت و بر آن استیلاء یافت.

در پایان ۱۲۰۸ که آغا محمد شاه بانتظام امور آذربایجان و قراباغ رفته حاجی ابراهیم خان فرزند حاجی هاشم شیرازی در طهران بصدارت منصوب و لقب اعتمادالدوله یافت.

در سال ۱۲۰۹ جشن و سلام نوروزی در طهران منعقد شد آغامحمد شاه تاج شاهی مشهور بتاج ماه و بازوبند معروف بدریای نور آرایش نموده و سکه بنام خود زده در سال ۱۲۱۲ بعد از فتح قلعه شوشی شب شنبه ۲۱ ذیحجه آغامحمد شاه بدست سه نفر از خدام خود مقتول گردید.

طهران در زمان فتحعلیشاه

همینکه خبر قتل آغامحمد شاه بشیراز رسید فتحعلیشاه محمدعلی میرزا که سن او نه سال بود نایب الایاله فارس قرارداد و بطهران آمد و جلوس مختصری

نمود و جلوس حقیقی او در طهران در روز عید رمضان سال ۱۲۱۳ بود و در سال گذشته ۱۲۱۲ جسد آغامحمد شاه را از شوشه بزاویه حضرت عبدالعظیم آوردند و بعد بنجف منتقل نمودند در سال ۱۲۱۴ مهدیقلیخان نامی از طرف فرمانفرمای هندوستان حامل تحف و نامه پادشاه انگلستان بطهران آمد و در آنوقت پادشاه انگلستان و هندوستان ولیم چهارم بوده همچنین سفیر از طرف سلطان دکن وارد گردید. در سال ۱۲۱۵ میرزا شفیع مازندرانی صدراعظم شد و در این سال تهیه عروسی عباس میرزا نایب السلطنه و ولیعهدش و باسم دوشیزه میرزا محمدخان دولو پیکلمریگی طهران خطبه خواندند و در سال ۱۲۱۷ عروسی کرده اند در همین سال مهد علیا والده آغامحمد شاه فوت کرد و نعش او را بنجف فرستادند.

در سال ۱۲۱۸ نادر میرزای افشار از نواده های نادرشاه که در مشهد رضوی تردد نموده در نزدیکی روضه منوره بدست خود میرزا مهدی مجتهد را که از سادات صحیح النسب بود بقتل رسانیده بود دست بسته بطهران آورده اند و قصاص کرده اند و سلسله افشاریه بدو مقرض شد.

در سال ۱۲۲۱ منصب مستوفی الممالکی بجای محمد حسین اصفهانی تفویض شد در سال ۱۲۲۲ ژنرال قاردان خان از طرف ناپلیون فرانسه باهفتاد نفر معلم از پیشه‌وران و صنعت گران و مهندسین و غیرهم وارد طهران شدند و عسکرخان افشار ارومی بسفارت فرانسه مأمور شد و در این سال در ایران بوضع نظام قشون ترتیب داده شد و پست هزار پیاده نظام از آذربایجان و شانزده هزار از طبرستان و مازندران و سمنان و دامغان و چهار هزار از عراق گرفتند و این قشون ملقب بسرباز شد و دوپست عراده توپ در قورخانه طهران ریختند.

در این سال ذاک موریه نایب سفارت انگلیس بایران آمد و در سفرنامه خود شرحی از وضع طهران نگاشته صنیع الدوله در صفحه ۵۳۱-۵۳۳ آن را نقل نموده چونکه در نظر نگارند چندان سودی نداشته بصفحات همین کتاب ارجاع مینماید جنك عباس میرزا بدستور فتحعلیشاه با روسیه و قصد سکویج فرمانده روسیه طهران

در سال ۱۲۴۰ بواسطه طمع نیکولا امپراطور روسیه در مرز شمالی ایران و کشتن مسلمانهای قفقاز و فتوای روحانین بجهاد و علل دیگری که مورخین آن عصر به تفصیل نگاشتند فتحعلیشاه ناگزیر شد که بولی عهد و فرزند خرد عباس میرزا فرمان جنك با روسیه و استرجاع شهرهای مهم ایوان و گنجه و قراباغ و شیروان و غیره را بدهد عباس میرزا در ابتدای امر قراباغ را گرفت و قلمه شوش را محاصره نمود و در سال ۱۲۴۲ با سکویج فرمانده روسی برای استرداد گنجه کارزار سختی نمود در سال ۱۲۴۳ برای شدت سرما در آذربایجان عباس میرزا بطهران بازگشت نمود و نیروی

خویش را متفرق ساخت ولی بسکویج حمله خود را بر قلعه محکم سردار ابروان تجدید نمود و ابروان را محاصره کرد و نظم آذر بایجان مختل گردید و پستف فرمانده روسیه داخل تبریز گشت عباس میرزا در آن وقت از ارومیه بتبریز آمد بسکویج نیز بتبریز حمله کرد که از آنجا بطهران بیاید ولی در قریه دهخوار فان در پیراون صلح مذاکره نمودند و پیمان ترکمان چای معروف را بستند

کشتن سفیر روسیه گریبایدوف در طهران

در سال ۱۲۴۴ در دنباله همین مبارزات سیاسی که میان دولت ایران و روسیه رخ داده بود سفیر روسیه گریبایدوف در طهران از دولت ایران رهائی اسرای ارومیه و گرجستان درخواست کرد چون دولت ایران در اجرای درخواست او مسامحه نمود بدرفتاری کرد بطوریکه خاطر توده و جامعه و حمایت را بهیجان آورد و سفارت روسیه را که در آن وقت در محلی بود معروف باغ ایلچی محاصره نمودند و سفیر نامبرده را با همگی ملازمین او در اینسال بقتل رسانیدند.

دولت یگولا از این حادثه بسیاری متاثر گردیده و میخواست است که پیمان مذکور ترکمان چای را نقض کند و اعلام جنگ نماید ولی دولت ایران بفوریت خسرو میرزا فرزند عباس میرزا برای عذر خواهی و جلب رضایت امپراطور روسیه به بطرسبورغ فرستاد و تقصیر را به بدرفتاری خود گریبایدوف با توده و روحانیون متوجه ساخت و از خطر روسیه ایمن گردید.

وفات عباس میرزا و ولایت عهدی فرزند او محمد میرزا

در سال ۱۲۹۹ هجری عباس میرزا در مشهد رضوی وفات نمود در حلیکه محمد میرزا بمحاصره هرات پرداخته بودند ناگزیر از محاصره دست کشید، پیمان صلح را بسته و بطهران باز گشت نمود فتحعلیشاه بیاسز حیات پدرش عباس میرزا و او را ولی عهد خود قرار داد و بتبریز فرستاد.

از این تاریخ تا سال ۱۲۵۰ شمسی و وفات فتحعلیشاه چونکه وقایع مهمه در خصوص طهران نداشتند و حوادث دیگر او بتفصیل در تواریخ قاجاریه و صفحه ۵۲۱ ج امرعات البلدان مسطور است از ذکر آنها در این کتاب خودداری شده است.

طهران در زمان محمد شاه و جلوس ظل السلطان

روز ۹ جمادی الثانیه ۱۲۵۰ هـ منبکه فتحعلیشاه وفات کرد ظل السلطان فرماندار تهران و نگهبان سلطنت و خزانه و قورخانه پیرای سلطنت افنا و روز ۱۴ رجب اینسال او فرمان بانعقاد سلام داده و تاج کیانی بر سر گذاشته بر تخت شاهی نشسته و بارتعینت گفتند خطبه خواندند و سه بنامش زده و زم خود را علی شاه و عادل شاه نهاد و در حدود هفت و هشت روز از خزانه دولت با افراد پامیان بدل نمود و شاهزادگان را فرمان بولایت صادر کرد سپس امام و یردی میرزا سر کشیکچی باشی را با پانزده هزار نفر پیاده و سوار و توپخانه بجنک و لیعهد مامور نمود ولی شاهزاده محمد میرزا از اردوی جدا شده و باشتاب بتبریز آمد و ولی عهد را آگاه نمود ولی عهد امیر نظام را از سرحدات دولت ایران و عثمانی احضار کرد و امیر زاده فریدون میرزا به نیابت آذر بایجان و محمد خان امیر نظام بداره کردن آذر بایجان مامور نمود و قائم مقام را بملازم خود قرار داد و در سال ۷ رجب ۱۲۵۰ جلوس نمود سپس بسوی طهران حرکت کرد و از حسن اتفاق در سپاه دهن اردوی ظل السلطان که برای مقاومت با اردوی محمد شاه آمده بود باردوی محمد شاه ملحق شد و میرزا محمد خان که بیگلربیگی طهران بود محمد جعفر خان گلشانی وزیر ظل السلطان را گرفته زندانی کرده و ظل السلطان را از جلوس بر سریر سلطنت منع نمود و ظل السلطان ناچار بحر مخانه پناه شده پای بدامن کشید

و مدت ملکش نو دروز بود و روز ۲۲ شعبان ۱۲۵۰ در نگارستان طهران جلوس نمود و در دهم رمضان وارد طهران شور و ز چهارم جلوس مفصل نمود و سلام عامه مقدر کرد و عموم شاهزادگان از اطراف مملکت بتدایر قایم مقام در طهران حاضر شدند و فرمانداریهای مختلف بآمداده اند. در سلخ ماه صفر ۱۲۵۱ قیام مقام فرامانی صدراعظم مورد غضب محمد شاه واقع شد و در باغ نگارستان او را احضار کرد و بهلاک رسانید و پیوستگان و مرز نهانش را زندانی نمود و صدارت را بحاجی میرزا آقاسی ابروانی واگذار کرد و وزات لشکر را میرزا آقاخان نوری و وزات ظایف را بمیرزا نصرالله اردبیلی و وزات مود خارجه را بمسعود آذربایجانی تسلیم نمود و برای هر یک از شهرهای مهم کشور مره نادر لایقی معین کرد و صد هزار تومان برای سادات و علما مستمری معین نمود و در همین سال فرزندانارش و افطردالدین میرزا ولایت عهدی فرمان داد و جشن زرگی در طهران و آذربایجان گرفتند. حوادث مهم سلطنتی محمد شاه نوعاً در شهرهای دیگر کشور اتفاق شده است محمد شاه در سال ۱۲۶۴ شب سه شنبه ۶ شوال در عمارت ییلاقی نزدیک اسدآباد و باغ فردوس در گذشت و نعش او را از ییلاق با مراسم سوگواری بشهر آوردند و در باغ لاله زار امانت گذاشتند سپس دفن نموده اند مدت سلطنتش ۱۴ سال و ۳ ماه و سنش چهل و دو سال و کسری بوده است.

کاخهای سلطنتی و ذخایر نفیسه در آنها از سال ۱۱۹۹ و فتح طهران تا سال ۱۲۶۴ و وفات محمد شاه

ارک - کاخهای سلطنتی در این دوره بسیار است و مهمترین و قدیمترین آنها تنها قلعه ارک است که سابقاً بچهار باغ معروف بوده است ولی افغانه ایام حکومت خود نام آن را بارک تبدیل نموده اند و در وازه دولت در طهران نیز همان در وازه ارک است که از بناهای افغانه میباشد چنانکه در صفحه ۵۱۱ ج ۲ مرآت البلدان و صفحه ۸۲ این کتاب ذکر شده است.

در صفحه ۸۱ این کتاب ذکر کرده ایم که عمارت چهار باغ سلطنتی در طهران از آثار صفویه است و اینکه شاه طهماسب سفیر سلطان احمد سیم عثمانی را که نامه سلطان احمد برای شاه آورده بود با احترامات بسیاری در آن عمارت پذیرفت و بطور تحقیق سلاطین زندیه بر آن عمارت افزوده اند چنانکه در صفحه ۵۲۲ ج ۲ مرآت البلدان هم ذکر شده است که کریمخان در سال ۱۱۷۳ برای ییلاق از طهران بشمیران رفت و امر فرمود که در غیبت او تا هنگام مراجعت از شمیران عمارت سلطنتی و دیوانخانه بزرگ و باغ جنب دیوانخانه و یکدست حرمخانه در طهران بنا کنند در اوایل زمستان که کریمخان بطهران مراجعت نمود در تعمیر و آبادی شهر جدیت داشت و میخواست طهران را پایتخت خود قرار دهد سلاطین قاجاریه در این دوره بالخصوص فتحعلیشاه بر بناهای آن افزودند چنانکه از زمان آغا محمد شاه آنها را دربار و بیوتات سلطنتی خویش قرار دادند و هر یکی را نام خاصی نهادند برای بیان اهمیت معنوی بنای ارک نخست بتاریخچه جواهرات و ذخایر سلطنتی که امروز در ارک ذخیره شده میپردازیم سپس ابنیه و کاخهای پر شکوه آن را ذکر میکنیم.

جواهرات و تحف گرانبهای سلطنتی در ارك

سند نگارش تاریخچه تحف و جواهرات سلطنتی که نام و وزن و اندازه آنها مینگاریم سیاحتنامه شاردن فرانسوی سیاح نامی عصر صفوی در ایران و دفتر رسمی اداره بیوتات سلطنتی است که نگارنده در پایان سلطنت مرحوم احمد شاه قاجار با اجازه کتبی خاصی صورت ثانوی آن را یاد داشت کرده و تازمان ممتدی هم نفایس کتابهای کتابخانه سلطنتی را بازدید و مطالعه مینموده چنانکه در رساله تاریخ کتابخانه های ایران چاپ طهران بسال ۱۳۱۱ شرحی از آنها بعنوان (کتابخانه سلطنتی) نگاشته و ناگزیر آن را نیز در این مورد باضافه مطالب تازه تکرار نماید و برای اینکه کتابخانه مزبور نزدیک اطاق معروف باطاق برلیان و موزه سلطنتی واقع شده است گاهی کتابهای برگزیده خود را باطاق مذکور میبرد و در آنجا از آنها استفاده میکرد و نیز از حسن اتفاق ^{چون} چند مرتبه در باطاق موزه را برای برخی از تماشاچیان یادیلوماسی مهم بیگانه باز میکرده اند بیاز دید باقی مانده تخت طاوس و بسیاری از ذخایر ملی و غیر ملی که در آنجا گرد آوری شده موفق گشته -

تاریخچه مزبور جواهرات و کتابهای نفیس کتابخانه سلطنتی تنها تا هنگام انقراض دولت قاجاریه برای مؤلف این کتاب سندیت دارد و مسئولیت تاریخی آن بعهده خود میداند ولی از این تاریخ تا امروز دسترس برسند واقعی نداشته و از باز جوئی یا اعتماد بر نگارشات بی مدرک روزنامه های وقت خودداری نموده و برای اینکه خزانه مزبور تا اندازه بخزانه صفویه و خزانه نادر شاه ارتباط تاریخی دارد تاریخچه اجمالی آنها نیز بطور مقدمه ذکر مینماید

(۱) خزانه صفویه در قلعه طبرك اصفهان - ثروت هنگفت صفویه و اسلحه پر قیمت و تحف و جواهرات ایشان در قلعه طبرك سمت شمالی اصفهان ذخیره میشده است شاردن فرانسوی داخل قلعه مزبوره گردیده و مقداری از اسلحه نفیسه و تحف گرانبهای آن را بازدید نموده و چنین نگاشته - در قلعه طبرك سه عدد خزینه بوده است که آنها را از اسلحه قدیمی و شمشیر ها و سپرها و پیکانهای طلائی مرصع بگوهر های نفیس و نایاب مملو نموده اند و نیز در آنها صندوقهای بسیاری از اسلحه تازه کار و ساعتها و دوربینهای باقیمت

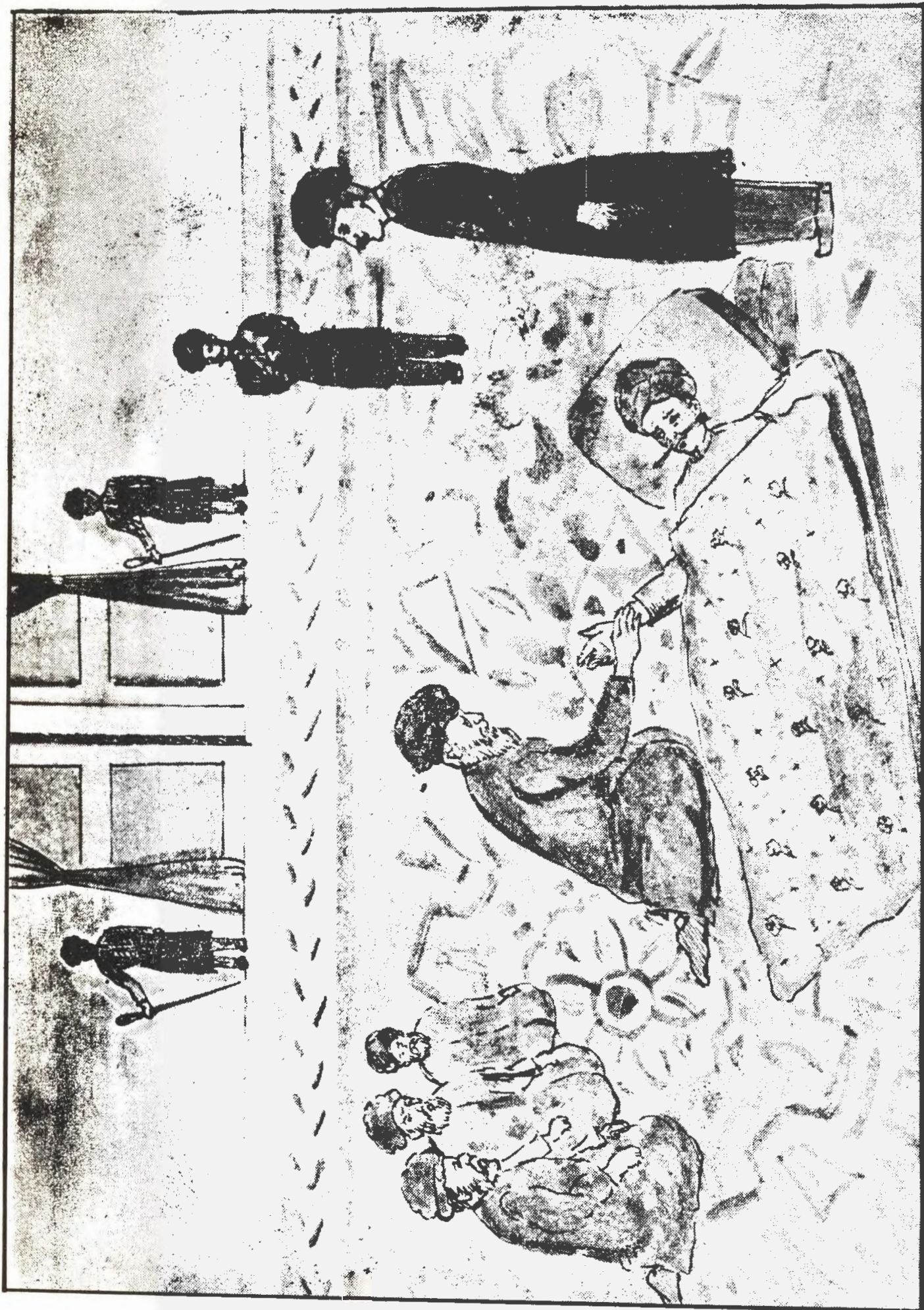
و در همین قلعه خزانه ایست که برای جواهرات و تحف بالخصوص ساختند این خزانه دارای چهار اطاق است

(۱) برای فیروزج بالخصوص و آنچه از آن صیقلی شده است در کیسه های سربسته گذاردند و غیر صیقلی آنها را بر روی زمین افشاندند (۲) مختص جواهرات تک و همتا (۳) برای آبگینه های مرصع بانواع و اقسام گوناگون جواهر (۴) برای ظروف مرصع و آلات طلائی طباحی و غیرهاست شاردن مینویسد ز جمله نفایسی که در این خزانه دیده ام صندوقی است محتوی ششصد دانه گوهر بزرگ و صندوقی است شامل چهارصد خنجر مرصع بوده است چنانکه در خزانه صفویه جواهرات بسیاری مشاهده کرده ام که در خزانه های شهریاران همعصر ایشان یافت نمیشوند - از جمله نفایسی که در آن ملاحظه کرده ام پوست ماری است به بلندی ۲۰ قدم و پهنائی چهار قدم و در آن لباس امیر تیمور و فرزندش شاهرخ بوده است باز هم شاردن مینگارد که در این خزینه چیزی بسیار جلیل القدر بوده است که ایرانیان آن را بعلم امام عسکری مینامیدند - متصدی از نشان دادن آن امتناع نمود و گفت باید آئین اسلام را قبول کنید تا ارائه دهم (۱) - خزانه صفویه فهرست منظمی داشته که در آن آغاز تاریخ تأسیس کتابخانه را از زمان شیخ صفی الدین اردبیلی نگاشته شده است چنانکه نام تحف و نفایسی که بغنیمت گرفته شده یا اینکه بطور ارمغان تقدیم گردیده جداگانه نوشته شده است -

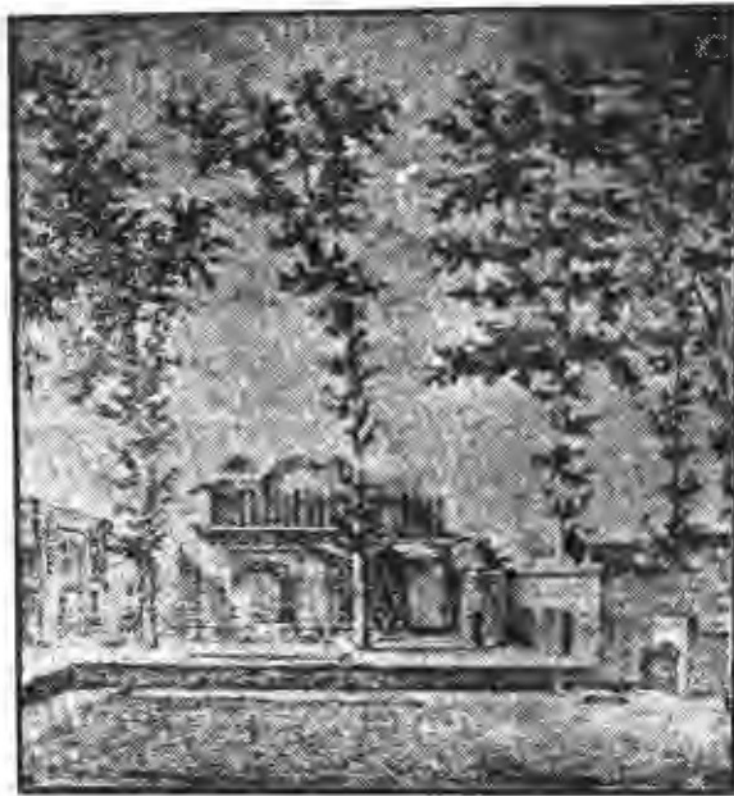
خزانه نادرشاه افشار

نادرشاه پس از نابود کردن دولت صفویه بر خزانه آنها در قلعه طبرک استیلاء یافت و خود نیز تحف و نفایسی که از خزینه محمدشاه هندی بغنیمت برده بود بر آنها افزوده ولی خزینه نادرشاه پس از فوت او و استیلاء زندیه و تسلط قاجاریه بر زندیه^۱ بیشتر ذخایر خزانه صفویه و نادرشاه دست خوش غارت گران شد و متلاشی گردید - خزانه موجود در دربار قاجاریه در حقیقت همان باقیمانده خزانه نادرشاه است که شهریاران قاجاریه نیز بر آن افزوده اند -

(۱) مقصود از علم امام عسکری تفسیر قرآن منسوب بامام حسن عسکری (ع) میباشد که در ایران چاپ شده است و در صحت نسبت آن بامام سخنهاى بسیاری است (به فهرست کتب خطبه کتابخانه معارف تألیف نگارنده این کتاب و رساله تاریخ کتابخانه های ایران رجوع شود)



بستر بیماری شاه عباس کبیر و پزشک خاص او در طهران صفحه (۷۸)



چهار باغ طهران در زمان صفویه صفحه (۸۱)



مسجد ورامین صفحه (۵۷)



شاه عباس کبیر در حالت بهبودی
در طهران صفحه (۷۸)

از نوادر و تحف خزانه نادرشاه که در دربار قاجاریه بوده است -
 (۱) گوهر گرانبهای موسوم بدریای نور - و آن تکه الماسی است در شکل
 مربع مستطیل ساخته شده است که هیچ گونه عیب قیمتی ندارد وزن آن
 ۱۷ مثقال و ده دانه است این گوهر گرانبها در درج طلایی مکمل به سیصد و
 هفتاد و چهار تکه از الماس قیمتی و چهار دانه از یاقوت -

(۲) تخت محمد شاه هندی - و آن بر دو پله طلا استوار شده است و از
 دوازده تکه مرصع بانواع جواهرات ترکیب یافته است و بر آن تکه
 زمردی آویخته شده است که وزنش سی قیراط تا ۲۵ قیراط میرسد -

(۳) انقیه دان زمرد - این انقیه دان در هند نیز از طلای خالص بکار آورده اند
 که تماماً بتکه های الماس گرانبها و زمرد پر قیمت مرصع است و وزنش ۲۸
 مثقال و چهار دانه است این تحفه محمد شاه هندی به نادرشاه تقدیم کرده است
 نادرشاه چند کتاب خطی نفیس هم از هندوستان با خود آورده که در کتابخانه
 سلطنتی قاجاریه بوده بتاریخچه کتابخانه سلطنتی در این کتاب رجوع شود)

خزانه دوات قاجاریه و تحف گرانبهای آن

این خزانه شامل باقی مانده خزانه صفویه و خزانه نادرشاه با افزودگی محدودی
 که در زمان ناصرالدین شاه قاجار بر آن اضافه شده میباشد مقدار کمی از نفایس
 آن در ایام سلطنت مظفرالدین شاه از میان رفته و باقی را در اطاق محکم مخصوصی
 در دربار و در جعبه های بسیار مصنوعی گذاشتند و بجز شاه آن هم با
 شرائط خاصی احدی نمیتواند آنها را به بیندیا نگاه بدارد البته این برنامه
 تا پیش از اندک زمانی صورت قانونی و پارلمانی بخود گرفته بود و
 اجراء میکردید ولی از آن تاریخ تا کنون از اوضاع و چگونگی آنها آگاهی
 درستی نداریم - در هر صورت بر طبق احصائیه رئیس دربار و بیوتات سلطنتی
 قاجاریه که نگارنده ملاحظه کرده کلیه جواهرات و تحف موجوده در
 خزانه از این قرار است

مجموع شماره ها جواهرات بزرگ و کوچک

۵۴۱۸ پنج هزار و چهار صد و هیجده تکه است که بیشتر تکه های بزرگ آنها

شامل چندین تکه از جواهرات متنوعه گرانبها میباشد مانند گوهر نامی معروف (سردار قزاقی) يك تکه است ولی محتوی شصت و هشت تکه از جواهرات پر قیمت و نفیس میباشد.

از معروفترین این نقایس (۱) دریای نور (۲) تخت محمد شاه هندی (۳) انفیة دان زمرد که ذکر شده است

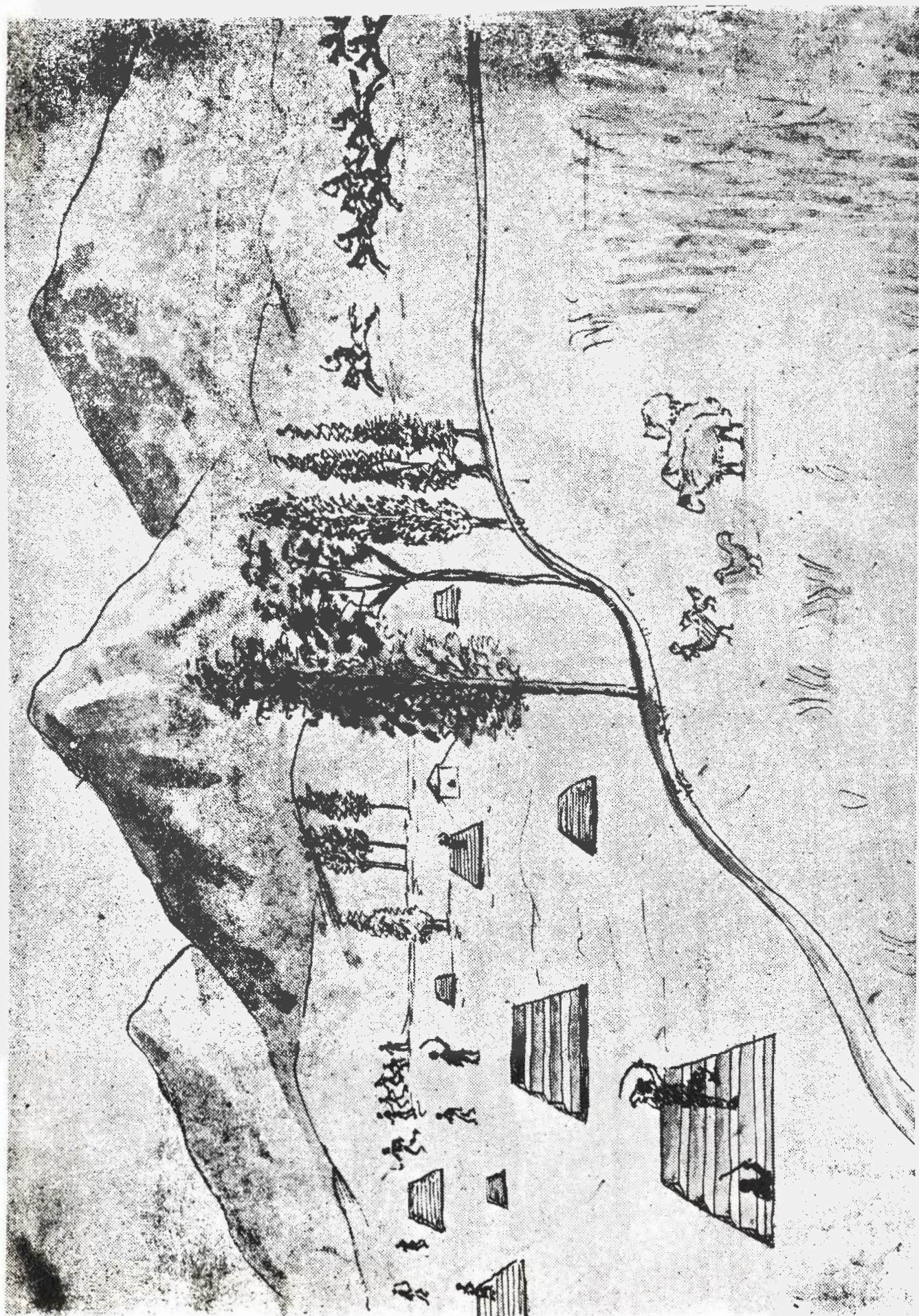
(۴) تاج کیانی است که بانواع جواهرات آرایش شده است و آن را با گوهر دریای نور در موقع تاجگذاری شاه وقت می آورند

واز آنجمله - (۱) دو کره جواهرات - و آن عبارت است از دو کره جواهر بزرگ و کوچک است که ناصرالدین شاه بساختن آنها بر طبق کره زمینی و نقشه های آن دستور داده بود و کره بزرگ از آنها بسا جذاب و زیباست که از بهترین نقایس و ذخیره های شاهانی بشمار رفته است ساخت خود کره از طلای خالص هیجده عیاری است و در آن نقشه های قاره های پنجگانه زمینی باضانه نقشه های دریائی و رعایت ممیزات بانواع جواهر با بهترین تصویرات و نگارشها تصویر شده است کره مزبور بوسیله خطهای فلکی نصف النهاری به بیست و چهار قسم و در هر قسمتی ۲۵ تقسیم شده است که تماماً بالماس و لعل و زمرد و یاقوت مرصع گردیده است - کلیه انواع جواهرات که در این کره بکار برده اند از این قرار است - الماس ۱۵۴۷۹ تکه در وزن ۲۸۱۲ قیراط بجز ۹ اند - یاقوت ۲۷۹۳۳ تکه در وزن ۳۷۵۳ قیراط - زمرد ۵۰۲۴ تکه در وزن ۱۲۶۹۰ قیراط لعل ۳۹۵ تکه در وزن ۲۳۸۹ بجز ۱۲ اند - زر خالص ۶۲۹۴ مثقال بجز ۶ دانه -

(ب) سردار قزاقی - و آن سرداری است از قماش ماهوت سیاه رنگ که بر آن ۶۸ تکه الماس نفیس ترصیع کرده اند -

(ج) سردوش الماس یا تاجماه این سردوش محتوی چند تکه از الماس که در وزن ۱۱۲ قیراط و ۴ - اند در آمده است - شاه آن را در مجالس رسمی سلام و غیرها در بر میکند

(د) پیش کلاه سه خواهران - و در آن سه تکه الماس نفیس که در گوهر دان طلایی خالص گذارده اند و زیر این سه تکه الماس صورت دو عدد شیر و



در دمان وحشی و غار طهر آن در قرن هشتم هجری که از دادن باج و خراج بدولت و امتناع میداشتند و نیروی دولتی آنها را آتشیاب مینموده و بخانه‌های سرداب مانند خود که زیر زمین میساختند پناه میدادند و بجای باج زر و قتره مسکوک مرغ و خروس میدادند صفحه (۳۳)



کریمخان زند در طهران صفحه (۸۴)



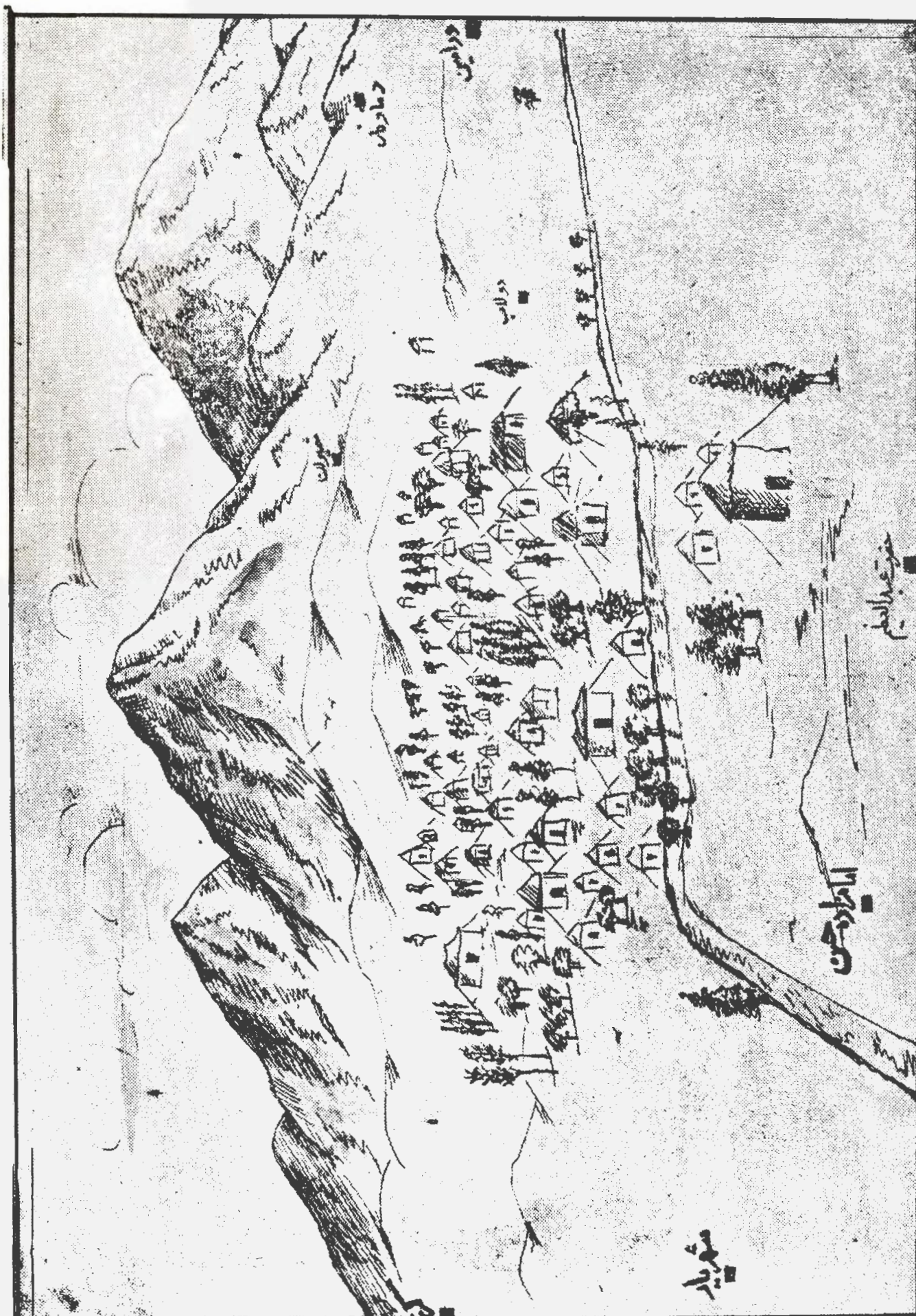
نادرشاه صفحه (۸۴)



محمد شاه قاجار
فاتح طهران
صفحه (۸۵)



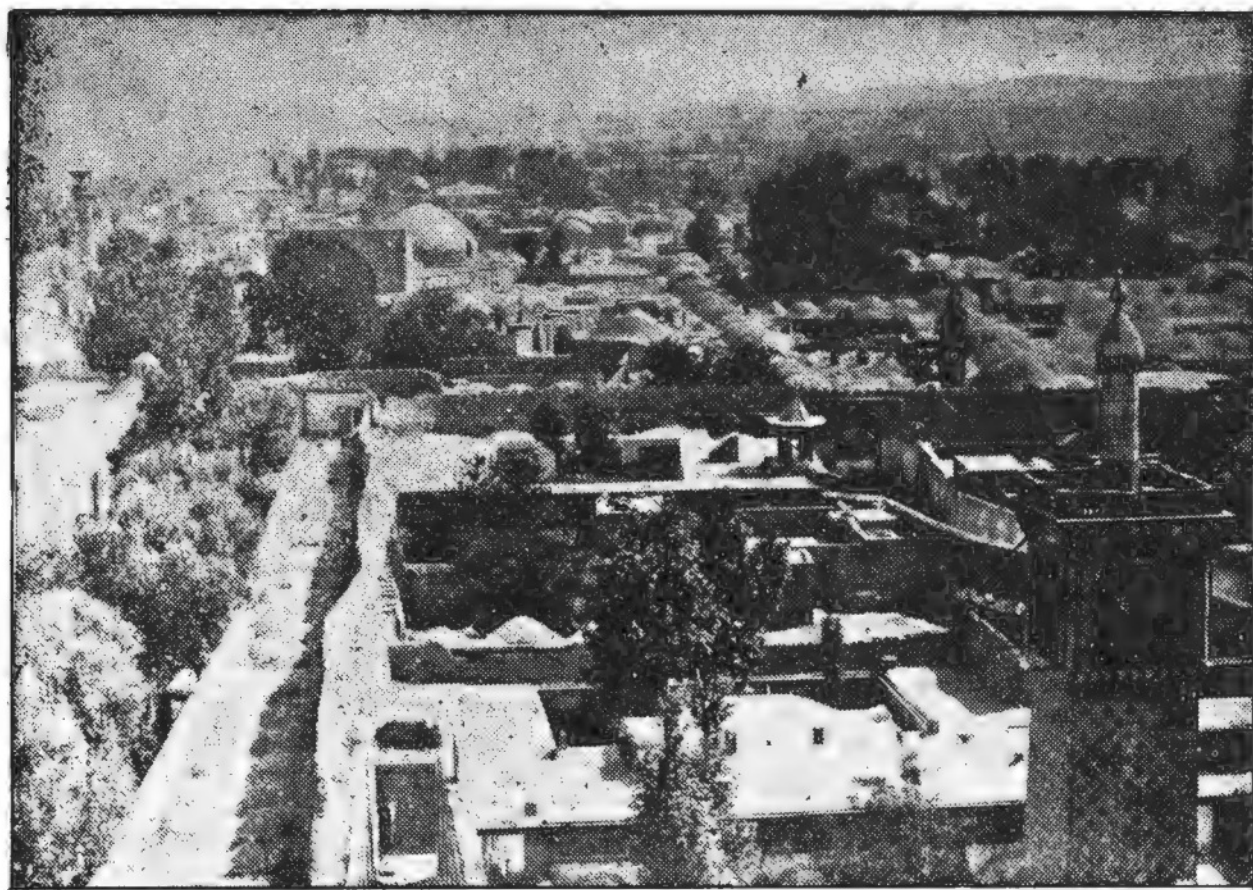
محمدخسرخان قاجار حوالی طهران صفحه (۸۴)



باروی طهران که بدستور شاه طهماسب صفوی اول معماران برای آن یکصد و چهارده برج میسازند صفحه (۷۳ و ۷۴)



شبهه رسم شیخ عبدالله بن جعفر طرشتی محدث قرن ۶ هجری در طرشت که
خواجه نظام الملک برای زیارت او بطرشت می آمد (۳۶)



منظره طهران هنگام پایبختی صفحه (۸۵)

دو عدد از صورت خورشید که با تکه های نفیس الماس مرصع شده است مجموع وزن این سه تکه الماس ۱۲۰ قیراط و ۱۲ - اند است -

(ه) پیش کلاه - از زر خالص مرصع به تکه های نفیس از الماس نباتی رنگ و در میان آن الماسی است بوزن ۱۱۱ قیراط و ۸ اند و بالای آن تاجی است که در آن صورت شیر و خورشید مرصع بانواع جواهرات است شاه در موارد رسمی آن را بکار میبرد

(و) شماره کلیه تسبیح های مروارید و زمرد - یکصد تسبیح است که در میان آنها تکه های نفیس از مروارید بوزن يك مثقال یافت میشود چنانکه نیز در بین آنها يك تکه بزرگ زمرد یافت میشود که در وزن ۳۸۹ قیراط و نیم قیراط میباشد

(ز) تکه های الماس و زمرد - که بشماره هزاران میرسد و برخی از آنها نگین انگشتر یادگمه جامه است یا اینکه در زنجیر ساعت یا غلاف شمشیری آویخته شده است چنانکه برخی از این تکه های الماس بوزن ۱۵۰ قیراط تا ۳۰۰ قیراط هم میرسد

(ح) دسته های شمشیر های مرصع - که در حدود یکصد دسته شمشیر مرصع بانواع جواهرات است

(ط) زر خالص مرصع - و آن بسیار است که از آن آب خوریهای معروف بصراحی و سرهای قلیان گوناگون بشمار ساختند -

(ی) مجموع وزن مروارید آویخته و افشاندۀ شده خزانه که در تسبیح ها و جامه ها و شمشیرها و غیره است ۲۲ من ایرانی امروز است چنانکه مروارید افشاندۀ شده در کیسه های سر بسته و صندوقهای خاص در این خزانه گذاشتند -

موزه سلطنتی - قاجاریه

در دربار قاجاریه که بارک مینامیدند عمارت بسیار مجلل و باشکوهی است معروف بکاخ گلستان که در آن اطاقهای موسوم بطالار عاج و طالار بلور و طالار نارنجستان و اطاق موزه است در طول ۴۳ ذرع و پهناوری ۱۸ ذرع است شاعر نامی ابونصر فتح الله خان آن را بایات زیر وصف نموده و در شماره ۶ روزنامه شرف درج گردیده آغازش -

ای قصه ها شنیده ز روم و چین خیز و موزه شاه جهان بین
 کاندلر بنا و نقش صورها خیره اند صنعتگران رومی و صورت گران چین
 اطلاق موزه در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده است و در زمان احمد شاه
 قاجار داخل آن شدم و بسیاری از سکه های باستانی و مجسمه های نفیس و
 تصویرات زیبا و جذاب در آن دیدم از جمله نفایسی که در آن بوده مجسمه
 کرگدن بزرگی است از مس و ساعت بزرگ که رقص آن فیل خود متحرک
 با حرکات شگفت آور بوده است و نیز در آن یازده عدد صندلی قدیمی
 ساخت اروپا و چین و ایران و مقدار زیادی از ظروف و آلات و قالیچه
 های پر قیمت یافت میشود که از تحف و نوادر جهان بشمار میرود و از
 بهترین نفایس آن-

(۱) تخت طاوس

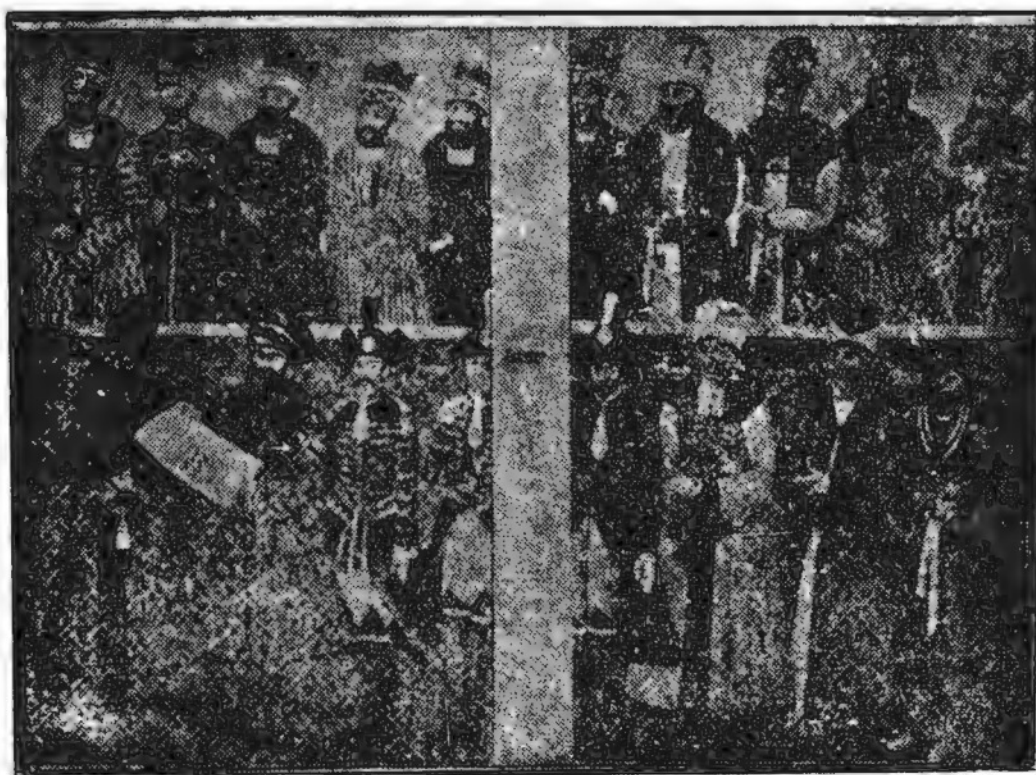
این تخت بشکل مربع مستطیلی است که بر هشت پایه استوار است و دارای
 دو پله است و بر آن ۱۴ گنبد بطول ۲۷۵ سانتیمتر و عرض ۱۷۷ سانتیمتر
 و همگی تخت مزبور از يك قطعه طلای خالص ساخته شده است و بر آن
 رسم و نگارهای زیبائی گل و لاله و حیوانات متنوعه و در آن اشعار مطبوع
 نگاشته شده است شماره جواهرات آن از این قرار است
 الماس ۱۴۴۴ تکه - زمرد ۱۴۳۱ تکه - لعل ۸۵۶ تکه - یاقوت ۱۵۸ تکه
 است - و بر سمت فوقانی این تخت تاجی است از فلز و جلو آن از زر خالص
 که بامینا منبت کاری شده است این تاج نخستین تاجی است که برای آقا
 محمدشاه قاجار پس از وفات کریمخان زند احضار کرده اند -

تاریخچه تخت طاوس نگارش مؤلف مآثر الامراء هندی راجع بتخت طاوس (۱)
 فصلی که ذیلا نقل میشود عیناً از کتاب مآثر الامراء است باستثنای آنچه در
 بین الهالین نوشته شده که خارج از متن کتاب مزبور است و بطور یاد
 داشت ذکر گردید مؤلف مآثر الامراء نواب صمصام الدوله شاهنواز خان

(۱) از مجله مهر سال ۱۳۲۵ شماره ۴ زیر عنوان (مکتوب از کلمکته) بامضای
 محمد حسن کاشانی عیناً نقل شده است



حاج ابراهیم خان وزیر آغا محمد شاه صفحه (۸۵)



سرتیپ گاردان مامور رسمی و رئیس افسران اعزامی ناپلیون
در دربار فتحعلیشاه صفحه (۸۶)



نقشه طهران در قرن دهم هجری صفحه (۲۴)

است که در سال ۱۱۵۰ هجری در دکن میزیسته و شرح حال امرا و مردان کار آگاه که در دوره شاهان مغل در هندوستان مصدر کار گردیده شده جمع آوری نموده ولی موفق باتمام آن نگردیده در سال ۱۱۸۲ هجری میر غلامعلی آزاد کتاب مزبور را باتمام رسانیده است اینک متن کتاب -

بی بدل خان سعیدای گیلانی - شعر را خوب میگفت در عهد جنت مکانی (جهانگیر) شاه مدت سلطنت از سال ۱۶۰۵ تا سال ۱۶۲۷ م بهندوستان آمد و در سلك ملازمان پادشاهی انتظام یافت و در زمره شعراء منسلک گردید و در عهد فردوس آشیان (شاه جهان از سال ۱۶۲۷ تا ۱۶۵۹ م) بوسیله معامله فهمی و کاردانی بخطاب بی بدل خان امتیاز گرفتند مدتها بداروغگی زرگر خانه سرکار والا اختصاص داشت و سریر مرصعی که موسوم بتخت طاوس بود باتمام رسانید و در مدت هفت سال بمبلغ يك كرور روپيه كه سی صد و سی و سه هزار تومان عراق و چهار كرور خانی رائج ماوراء النهر است صورت اتمام یافته الحق تختی بدان قیمت و زیبایی در هیچ زمان و عصر جلا افروز دیده و تماشائی نشده و امروزه در هیچ اقلیمی نظیر و مثالش بافته نمیشود - بیت

ثانیس بچشم در نیامد هر چند نظاره کرد احوال

چون بمرور ایام خواهر ثمینہ در جواهرخانه پادشاهی فراهم آمده در آغاز جلوس پرضمیر اعلیحضرت (شاه جهان) مطلع گردیده که از تحصیل چنین نفائس مطمح نظر جز دولت اریائی نیست پس در جائی بکار باید برود که تماشائیان از حسن آن بنتایج بحر و کان بهره بگیرند و کار سلطنت را فروغی تازه پدید آید سوای جواهر خاصی کاندرون محل میباشد و دو کرور روپيه قیمت آن است از جواهری که در خانه بود قریب سه کرور روپيه از آنجمله مبلغ هشتاد و شش لك روپيه (يك لك و یکصد و هزار است) انتخاب نموده به بیدل خان حواله فرمود تا به يك لك توله طلائی ناب که دو صد و پنجاه هزار مثقال است و مبلغ چهارده لك روپيه قیمت آن تختی بطول سه گز و ربع و عرض دو و نیم گز و ارتفاع پنج گز بسر کاری خود مرتب

نمایند سقف از درون بیشتر میناکاری و مرصع و از بیرون بترصیع
لعل و یاقوت مغروق و بران رایه زمردین سلاطین دوازده گانه برافراشته و
بالای آن دو پیکر طاوس مکرر بجواهر زواهر و میان هر دو طاوس درختی
مرصع بلعل و الماس و زمرد و مروارید تعبیه شده و برای عروج سه پایه نردبان
مرصع بجواهر آبدار ترتیب یافته و از جمله یازده تخته مرصع که بر دور
آن برای تکیه نصب گشته تخته میانگی که پادشاه دست گذاشته تکیه زده
می نشیند ده لك رویه قیمه دارد از آن میان لعلی است بارزش لك رویه
که شاه عباس صفوی برسم ارمغان به جنت مکان (جهانگیر) ارسال
داشته و ایشان در مقابل فتح دکن بعلی حضرت (شاه جهان) فرستاده نخست
اسم امیر تیمور و میرزا شاه رخ و میرزا الغ بیك بر آن نقش بود بعد از
انقلاب ایام بدست شاه افتاد نام خود بر آن مرسم ساخت جنت مکانی (جهانگیر)
نام خود را بانام عرش اشیانی (اکبر شاه) نقش فرمود و پس از آن اعلیحضرت
(شاه جهان) نیز نام خود را بر آن نگاشت و در جشن نوروز سال هشتم
سوم شوال سنه ۱۰۴۴ یکهزار و چهل و چهار بر آن سریر عدیم النظیر
جلوس فرمود حاجی محمد خان قدسی اورنگ شاهنشاه عادل تاریخ یافته و
مثنوی در تعریف آن گفته از آنجاست این بیت -

رساند گر فلک خود را بیایش دهد خورشید و مه را رو نمایش
و بی بدل خان نیز یکصد و سی چهار بیت گفته که هر مصراع دوازده بیت
تاریخ ولادت پادشاه است و از هر مصراع سی و دو بیت ما بعد آن تاریخ
جلوس بر میآید و هر مصراع باقی نود بیت تاریخ نهضت کشمیر از اکبر
آباد که در سنه یکهزار و چهل و سه واقع شده و معاودت به اکره و جلوس
بر تخت طاوس است و این رباعی مشهور نیز از نتایج طبع بی بدل اوست
آنی که سریرت آسمان پایه بود بر ملک جهان عدل تو پیرایه بود
رباعی - تاهست خدا تو نیز خواهی بودن زیرا که همیشه ذات با سایه بود

در اوایل عهد خلد مکان (اورنگ زیب از سال ۱۶۵۹ تا ۱۷۰۷ م) باتمام
آمینا بموجب حکم خلیفه زمان دیگر باز بر ترتیب و ترصیع تخت طاوس
افزوده و قیمت از کرور رویه هم بر گذشت و در سال ۱۷۵۲ که شاهنشاه
والا جا نادر شاه شاحت دار الخلافه شاه جهان آباد را بفروغ جبروت خود

مشکوه آموذگردانید آنرا از پادشاه وقت برگرفته ضمیمه غنائم هندوستان ساخت
 نسخه ماثرا الامراء که فعلا نزد نگارنده میباشد در سال ۱۸۸۸ میلادی از طرف انجمن
 آسیائی بنکاله در چهار جلد در کلمکته بچاپ رسیده است
 و اما راجع بقیمت تخت طاوس و آنچه ذکر شده است که بمبلغ يك كرور و نیم
 است و برخی دیگر که بتحقیق در این موزه نموده از ده ملیون الی بیست ملیون روپیه
 ذکر نموده مورخین هندی بعضی عقیده دارند که اورنگ زیب هم مبالغی بر آرایش
 آن افزوده و قیمت آن بدو کرور روپیه رسیده است مورخین اروپائی هر چه نوشته اند
 از قیمت تخت طاوس اقتباس از نویسندگان هندیست چنانچه اسمیت در تاریخ هندوستان
 خودش مینویسد تخت طاوس اقلا یکصد لك روپیه یا ده ملیون روپیه از کار در آمده
 و بعد از آنهم مبالغی بر آن افزودند ولی حقیقت آنست که قیمت تخت را امروز
 نمیتوان سنجید زیرا قیمت جواهر را اوضاع اقتصادی و سیاسی میتواند تعیین کند

پایان

فهرست شماره اول از تاریخ طهران

مقدمه	اوب
طهران ری و طهران اصفهان	۱
طهران اصفهان و منسوبین بآن	۱
طهران ری	۲
تهران یا طهران	۳
تلفظ درست طهران با طاء مولف نه با	
تاء منقوطه است	۴-۶
تحقیقات لازمه	۶
چگونگی اجمالی اوضاع سیاسی ری و طهران از سال ۲۰ و فتح ری تا سال ۲۶۱	
و پیدایش نام قریه طهران	۶
اوضاع اجمالی سیاسی ری و طهران از سال ۱۳۰ تا سال ۲۶۱ و پیدایش نام طهران	۷
الهدی باله خلیفه عباسی در ری	۸
مدت توقف الهدی و بنای شهر محمدیه	۸
هارون الرشید و دو فرزندش قاسم و مامون در ری	۹
طاهر بن حسین در ری	۹
امین و مامون در ری	۹
پیدایش نام قریه طهران در سال ۲۶۱ و آغاز	
عمر تاریخی آن بطور تخمین	۱۰
ابن حماد طهرانی محدث	۱۱
(بخش اول از دهات ری که پیش از پیدایش نام قریه طهران در سال ۲۶۱ آبادان بوده است)	۱۵-۱۲
قریه بیست - خوار - دسبختی - دماوند -	
دولاب - رنبویه - زویق - غار - کلین - محمدیه -	
مشکاوین - مهرقان - ورامین - وهین	
(بخش دوم از دهات ری که هنگام پیدایش نام طهران آبادان بوده است)	۱۷-۱۵
اذون - اسفندون - اشتان - هزان - جراذین	
خرم آباد - خومین - دزاه - دهک - درشت	
سن - طبرک - قصران - کرج - نرمق - حسنجان - زود آباد	
طهران در نگارشات مورخین از سال ۲۶۱ تا سال ۶۱۷ از پیدایش نام آن تا	
آغاز حمله مغل ۶۱۷	۱۷ و ۱۸
چگونگی اجمالی اوضاع سیاسی ری و طهران از سال ۲۶۱ تا سال ۶۱۶ از	
آغاز پیدایش نام طهران تا آغاز حمله مغل ۱۸ و ۱۹	
سلطنت شی بویه در ری	۱۹
پایتختی در زمان بنی بویه	۱۹
تمه فهرست اجمالی اوضاع سیاسی دولت بنی بویه	

۲۰	وسلجوقیان و خوارزمشاهیان در ری
	مختصر دورنمایی قریه طهران میان دو
	بخش مذکور از دهات ری هنگام حمله
۲۱	مغل بسال ۶۱۸
	طرز ساختن خانه های طهران در قرن هفتم هجری ۲۳
۲۵	بهزان و تهران
	(بخش سوم دهات نامی ری از بعد از حمله
	مغل تا آغاز شهریت طهران از سال ۶۱۷
۶۱-۲۶	تا سال ۹۰۰)
	مقدم - جائج و امامزاده عبدالله - حصارک
	چشمه علی ری - جیلورد - خضر بن شمس الدین
۳۱ و ۳۰	جیلوردی فقیه و متکلم
	خوار - ابویحیی زکریای خوار - ابواسماعیل
	ابراهیم خواد - ابومحمد عبدالله خوار
۳۴-۳۱	آب محمد آدم خوار - خوار امروز
۳۴	خومین - ابوالطیب خومینی
۳۰ تا ۳۴	دماوند
۳۷	از علمای نامی دماوند - امیر غیاث الدین محمد
	سید ابراهیم - عبدالرحیم - آقاتقی
۳۷	دماوند امروز
	دور بست - باطراشت - عبدالله بن جعفر دورستی
۳۹	برادر عبدالله خواجه حسین
	نور بخشیه دور بست - سید محمد شاه قاسم بن
	شاه قوام الدین - شاه صفی الدین - شاه قاسم بن
	شاه قوام الدین - سید محمد بن شاه قاسم ۴۰-۴۱
۴۱	سلیم طهرانی درشتی
۴۱	دولاب - قاسم رازی دولابی
۴۳-۴۱	ابوبشر - ابوبکر - دولاب امروز
۴۴-۴۳	بلوک ساوجبلاغ - ساوجبلاغ امروز
۴۴	شکراست
۴۶-۴۴	شمیران - شمیران امروز
۴۸-۴۷	شهریار - عمادی شهریار امروز
۴۸	طالقان - طالقان امروز
	طبرک
۵۰-۴۹	غار یا قار و بشابویه - غار امروز
۵۱	فیروز کوه - فیروز کوه امروز
۵۱	کرج - اختر کرجی - کرج امروز
۵۲-۵۱	کن - سولقان - ارنگه
۵۲	میرزا احمد کندی طهرانی
۵۳	ملاعلی کنی
۵۴ و ۵۳	لار - لور او شهرستانک - رودبار
	لواسان - محمد جعفر لواسانی - صفای طهرانی

فهرست

- لواسانی محمود - سید ابراهیم - اسدالله ۵۴-۵۵
 ورامین - ورامین پس از سلام مسجد ورامین ۵۶-۵۷
 ورامین طهران - گفتار سه ما فی راجع بورامین
 از علمای ورامین عقاب بن محمد - احمد بن يوسف
 حسن بن ابی الحسن - حسن بن حسین علویه
 محمد ورامینی - قطب الدین محمد رازی
 ورامینی - ورامین امروز ۵۸-۶۰
 ونک - قاضی صابرونگی امامزاده ۶۰-۶۱
 تنمه و ملحقات بتحقیقات پیش ۶۱-۶۲
 فهرست اجمالی تحقیقات و مطالب مذکوره
 پیش ۶۲-۶۳
 انقراض نام ری ۶۳
 محمد سلیم رازی - امین احمد رازی
 قاضی احمد غناری - نظام الدین سارچی ساکن
 مشهد عبدالمضیم ۶۳-۶۴
 (شهریت طهران در قرن نهم هجری) ۶۵
 اوضاع طبیعی طهران ۶۵
 حدود شهرستان طهران ۶۶
 حدود دهستان طهران ۶۸
 هوای طهران در نظر سیاحان
 و نویسندگان از قرن هفتم هجری تا امروز ۶۷
 کشاورزی طهران در قرن دهم و یازدهم و
 دوازدهم هجری ۶۷-۷۰
 طهران در ۲۳۳ سال از سلطنت صفویه ۷۰-۷۱
 ساختن باروی طهران در سال ۹۶۱ ۹۶۱
 بدستور شاه طهماسب ۷۱-۷۲
 ساختن باروی طهران ۷۳-۷۴
 روند آن دور باروی و روش ساختن خندق و
 دروازه های و محله های پنجگانه که از آنها خاک
 بر میداشتند ۷۴-۷۵
 چال میدان - ملا محمد جعفر چال میدان
 مشهد امامزاده اسماعیل ۷۵ و ۷۶
 علی بن محمد جعفر چال میدان ۷۶
 چالحصار اولین بنایی که پس از تکمیل بنای باروی
 طهران ایجاد شده است ۷۸
 بازگشت بتاریخ طهران در ۲۳۳ از سلطنت
 صفویه ۷۸
 شاه عباس کبیر با پدر خود در طهران ۷۷
 بیماری شاه عباس کبیر در طهران -
 آثار مادی و صفوی شاه عباس کبیر در طهران ۷۸-۷۹
 طرز حکومت و فرماندای در طهران ۷۹
 امامقلیخان پادشاه ماوراءالنهر در طهران
- شاه عباس ثانی در طهران ۸۰
 توقف شاه سلطان حسین صفوی در طهران و محاکمه
 صدراعظم فتحعلیخان ۸۰
 عمارت چهارباغ سلطنتی در طهران و پذیرفتن
 شاه سلطان حسین - سفیر عثمانی رادر آن ۸۱-۸۲
 شاه طهماسب ثانی در طهران ۸۲
 محاصره اشرف افغان طهران و رزم فتحعلیخان
 قاجار با اشرف ۸۲
 مدت استیلای افغان بر طهران و آثار مادی
 ایشان ۸۲
 طهران در زمان نادرشاه افشار از سال
 ۱۱۴۸ - ۱۱۶۰ ۸۳
 تاریخچه طهران در ۳۰ سال سلطنت زندیه
 از ۱۱۷۱ - ۱۲۰۰ ۸۳
 کریمخان زند در طهران از سال ۱۱۷۰-۱۱۷۶
 ۸۳ و ۸۴
 جلوس آغا محمد شاه در طهران ۸۴
 رزم علیرادراد خان زند با آغا محمد شاه
 حوالی طهران ۸۴
 محاصره دوم آغا محمد شاه طهران ۸۴
 جواهرات و تحف گرانبهای سلطنتی در ارك ۸۹
 فتح آغا محمد شاه طهران ۸۵
 جلوس آغا محمد شاه و پایتخت طهران ۸۵
 طهران در زمان فتحعلیشاه ۸۵ و ۸۶
 جنگ عباس میرزا با روسیه بدستور
 فتحعلیشاه ۸۶ و ۸۷
 کشتن سفیر روسیه گریباندوف در طهران ۸۷
 وفات عباس میرزا و ولایت عهدی فرزند او محمد
 میرزا ۸۷
 طهران در زمان محمد شاه و جلوس ظل السلطان ۸۷
 کاخهای سلطنتی و ذخایر نفیسه در آن از سال
 ۱۱۹۹ و فتح طهران تا سال ۱۲۶۴ و وفات محمد
 شاه - ارك ۸۸
 خزانه صفویه در قلعه طبرك اصفهان ۹۸-۹۰
 خزانه نادر شاه ۹۰ و ۹۱
 خزانه دوست قاجاریه و تحف گرانبهای
 آن تخت محمد شاه هندی ۹۱-۹۳
 حوزه سلطنتی قاجاریه ۹۳
 تخت طاوس و تاریخچه آن نگارش مؤلف
 ماترالا مرآه هندی ۹۴

فهرست جداگانه گراورها

صفحه	صفحه
۱۵	۱ ابن حماد طهرانی محدث
۱۵	— جنگ مردمان ری بامغل
۱۶	۲ سرخه حصار
۱۶	— منظره قله دماوند از لار
۱۷	۳ گلندوک
۱۸	— چادر فوریه طبیب شاه در گلندوک
۱۹	۴ دورنمایی طهران در قرن دهم
۲۰	— قلعه طبرک
۲۰	— شهرستانک
۲۱	۵ بازار افچه
—	۶ اواسان و جاده لار
۲۲	دوتن از درویش نور بخشید طرشت
۱۱	شاه طهماسب اول باملازمین رکابش در طهران ۶
۲۳	پذیرائی شاه طهماسب اول از مردم
—	۷ در مشهد عبدالعظیم
۲۳	پذیرفتن شاه حسین صفوی سفیر عثمانی
۲۴	۷ در چهار باغ طهران
—	۸ شاه حسین صفوی در طهران
۲۴	— نیروی کریمخان زند حوالی طهران
۲۴	۹ مشهد حضرت عبدالعظیم
۲۴	ناصرالدین شاه زیر چادر شکار در
۲۴	کنار جاجرود
۲۵	۹ بازدار سواره شاه در کنار جاجرود
۲۶	— ناصرالدین شاه در کنار جاجرود
۲۶	۱۱ مادر ارسلان سلجوقی در دولا ب طهران
۲۶	مقداری از توخانه نیروی آغا محمد
—	خان برای جلوگیری از قشون جعفرخان زند —
۱۲	تخت مرمر
۱۲	تخت طلاوس
۱۳	خانم خواهر شاه طهماسب بانیه حمام
۱۳	وتکیه خانم در طهران
۱۳	میدان اوك در روز نوروز
۱۴	دروازه قزوین قدیم طهران
۱۴	۱۴ دو نفر دربان دربار عهد فتحعلیشاه
۲۸	مأمورین کشیک در طهران
—	ظل السلطان شاه نود روزه
—	بهمن میرزا فرزند فتحعلیشاه
—	مهدعلیا و دخترش عزةالدوله
—	گریبادوف سفیر روس مقتول در طهران ۱۷
—	فتحعلیشاه از کلکسیون ایمری ۱۸
—	شاه عباس کبیر در طهران از کلکسیون ایمری ۱۹
—	چادر سلطانی در کنار جاجرود ۲۰
—	بل کرج ۲۰
—	ناصرالدین شاه و شکارش ۲۱
—	دامنه کوه البرز —
—	کره جغرافیائی جواهرات
—	ناصرالدین شاه ۲۲
—	شبیه رسم عمر بن زید فاتح ری ۱۱
—	شاه طهماسب اول بانی باروی طهران ۲۳
—	آغا محمد خان قاجار فاتح و بانی
—	پایتختی طهران ۲۳
—	شاه عباس ثانی در طهران ۲۴
—	غفورخان طهرانی فرمانده طهران در
—	زمان زندیه ۲۴
—	عباس میرزا نایب السلطنه و فرزند فتحعلیشاه ۲۴
—	بستر بیماری شاه عباس کبیر و پزشک
—	خاص او در طهران ۲۵
—	چهار باغ طهران در زمان صفویه ۲۶
—	شاه عباس کبیر در حالت بهبودی در طهران ۲۶
—	مسجد ورامین ۲۶
—	مردمان وحشی و غارت گر طهران در
—	قرن هشتم هجری که از دادن باج و
—	خراج بدولت وقت امتناع میداشتند و
—	نیروی دولت آنها را تعقیب می نموده
—	و بخانه های سرداب مانند خود که زیر
—	زمین می ساختند پناه می برده اند و بجای
—	باج زر و تفره مسکوک مرغ و
—	خروس می دادند ۲۸

صفحه	صفحه	
	۲۸	نادر شاه افشار
	۲۸	محمد حسنخان قاجار
۳۱	۲۸	کریمخان زند در طهران
	۲۸	محمد شاه قاجار
۳۱		باروی طهران که بدستور شاه طهماسب
		اول معماران برای آن یکصد و چهارده
	۲۹	برج میسازند
		شبه رسم شیخ جعفر دوربستی فقیه
		و حدث قرن ۶ و ۵ هجری در طرشت طهران ۳۰
		حاج ابراهیم قوام وزیر زندیه و آغا
		محمد شاه
		منظره طهران موقع پایتختی برای
		محمد شاه قاجار
		سرتیپ گاردان مامور رسمی و رئیس
		افسران اعزامی ناپلئون در دربار فتحعلیشاه ۳۱
		نقشه قریه طهران در قرن هشتم و هفتم هجری ۳۲

رفع اشتباه

دو عدد گراور در صفحه ۸ و ۱۱ که نیروی کریمخان زند و آغا محمدخان قاجار حوالی طهران نمایان میکند تقریبی است و از رسوم مجلد سوم این کتاب بشمار میرود ضمناً باید دانست که کلبه تصاویر موجوده پیش از دوره ناصرالدین شاه و اختراع فن عکس برداری قلمی خیالی است و در تاریخ واقعی ایران و جهان سندیت ندارد گراورهای قدیمی تاریخ ری و تاریخ طهران هم زعماً چنان است و از روی عکسهای کتابی با قلمی مصنوعی که بوسیله مصور نامی آقای جهانگیرخان رحمانی با آگهی معروف خورشید و دیگران گردآوری شده است و برای نگارنده این دو کتاب بهیچ وجه مسئولیت تاریخی واقعی ندارد.

تصحیح غلط در صفحات گراورها
(صفحه ۲۹) باروی طهران که بدستور
شاه طهماسب صفوی اول معماران برای
آن یکصد و چهارده برج میسازند
بجای صفحه (۳۲) نقشه طهران در قرن
هشتم هجری آمده است و بالعکس.

ضمیمہ

پیشگفتار

این طهران که اکنون بیش از یکصد و پنجاه سال از تاریخ آن میگذرد و پایتخت امروز ایران است قاعدتا "بایستی اطلاعات تاریخی و کاملی از این شهر در دست باشد اما کتبی که اغلب در این زمینه چاپ و نشر شده آنطور که باید اطلاعات کاملی در اختیار مردم نمی‌گذارد و بیشتر اقتباس و نقل قول از آثار نویسندگان قدیم است. نگارنده این ضمیمه که علاقه مخصوصی به طهران و تاریخ آن دارم این کتاب تاریخ تهران را که برای نخستین بار در سال ۱۳۲۵ شمسی بوسیله خود مولف طبع و نشر شده بود و بعد از مدت زمانی نایاب شد بدست آورده و با کسب اجازه از آقای جواهر کلام مولف محترم به تجدید چاپ آن اقدام کردم و نیز از روی علاقه شخصی یک مقدار مطالب را در اندک زمانی از روی چند کتاب مختلف جمع آوری کرده و ضمیمه و پاورقی آن کردم که البته کامل و مفصل نیست بلکه تاریخچه بسیار مختصری از زیر بنای تهران و وضع میدانها و خیابانها و وسیله حمل و نقل در زمان قاجاریه میباشد. امید است مورد توجه خوانندگان عزیز قرار گیرد.

اگر توفیق فرصتی حاصل شد در چاپ های آینده آنرا تکمیل و در اختیار خوانندگان عزیز قرار خواهم داد. در خاتمه از دانشمندان و اهل تحقیق مستدعی است که نگارنده را به نقایص و اشتباهات آن آگاه ساخته تا بلکه بتوانیم در چاپ های آینده کتابی جامع و کاملتر تقدیم هموطنان عزیز بگردانم.

طهران
"شهر دروازه ها"

این تهران بزرگ که اکنون دارای چهار میلیون و نیم نفر جمعیت و یک میلیون و پانصد هزار اتومبیل در خیابانهایش عرصه را بر مردم تنگ کرده و با وجود صدها خیابان و هزاران کوچه و پس کوچه باریک و تو در تو که در حال حاضر دامنه و وسعت آن از شمال به دربند و دامنه کوههای توجال و از جنوب به اراضی جنوبی نازی آباد و قلعه مرغی و از مشرق به تهران نو و از مغرب به اراضی یوسف آباد و ونک وکن و فرودگاه مهر آباد کشیده شده است در روزگاران پیش بصورت دهی کوچک از شهرستان قصران ری بوده است که مساحت تخمینی آن به ۳۰۰ هزار متر مربع میرسیده و دارای جمعیتی نامعلوم بوده است. و تا دوره صفویان اهمیت چندانی نداشته است تا اینکه در سال ۹۶۸ شاه طهماسب اول در سفرهای کوتاهی که برای زیارت مقبره حضرت امام زاده عبدالعظیم و سید حمزه بشهر ری میکرد این قصبه یا روستا را که درختان بسیار و آب و هوای خوش داشت مورد توجه شاهانه خود قرار داده و فرمان می دهد تا حصار و برج و بارویی گلین با یکصد و چهار ده ستون که تعداد آن مطابق سوره های قرآن بود بگرد آن بکشند طول این برج و بارو بقولی یک فرسخ بوده و چهار دروازه برای رفت و آمد کاروانها و مردم داشته که از چهار جهت بشرح زیر بوده است:

- ۱- دروازه قزوین (در مدخل بازاچه قوام الدوله در میدان شاهپور)
- ۲- دروازه شمیران (در مدخل پامنار فعلی)
- ۳- دروازه دولاب (در مدخل بازارچه نایب السلطنه در خیابان ری فعلی)
- ۴- دروازه ری یا حضرت عبدالعظیم (خیابان مولوی فعلی - ابتدای بازار دروازه) .

این برج و بارو اولین بنای رسمی و تاریخی تهران بود که در حدود ۴۲۷ سال پیش به دستور شاه طهماسب اول در تهران ساخته شد. هنگام بنای این برج و بارو چون خاک خندق اطراف آن کفاف نکرد از دو ناحیه داخل شهر خاک برداشته و بمصرف رسانند و دو چاله عمیق و وسیع بنامهای چاله حصار و چاله میدان بوجود آمد که اکنون هر کدام از آنها قسمتی از شهر تهران است.

آغا محمد خان قاجار سر سلسله دودمان قاجاریه بعثت افکار دوردرازی که داشت و طالب مقام خلافت اسلامی بود طهران را از چند جهت پایتخت نمود اول آنکه شهر کوچک به ایل و تبار او گرگان و استرآباد نزدیک بود دوم آنکه ایل عرب درورامین و ایل افشار در ساوجبلاغ شهریار از هواخواهان او بودند سوم اینکه این دو ناحیه محصول فراوان داشت و ارزاق شهر و لشکریان او را خوب تامین می نمود. طبعاً "تهران از هنگامیکه پایتخت گردید ترقی و توسعه بسیار نمود و رفته رفته اعیان و رجال کشور و اتباع آنان از نقاط مختلف کشور رو به تهران آوردند و در پای تخت ساکن گردیدند و بر توسعه شهر و جمعیت آن افزوده شد. ایجاد ترقی و توسعه شهر در دوره فتحعلیشاه و محمد شاه همچنان ادامه می یافت و روز به روز بر رونق شهر افزوده می شد. ولی برای توسعه شهر اقدامات اساسی بعمل نمی آمد تا آنکه تغییر قیافه اساسی شهر در اواسط سلطنت پنجاه ساله ناصرالدینشاه چهارمین پادشاه قاجار روی نیازمندیها و وسعت زیاد و برآثر افزایش تدریجی جمعیت (در آن زمان حدود ۱۳۰۰۰۰ نفر بود) و همچنین احداث باغها و ساختمانها و موسسات دولتی جایی برای توسعه بیشتر در داخل شهر باقی نماند. از این رو ناصرالدینشاه در سال ۱۲۸۴ هـ. ق تصمیم گرفت که قلعه و حصار قدیم را برانداخته و خندقهای آنرا پر ساخته و حصار و خندق جدیدی برای تهران پدید آورد و قرار بر آن شد که برای توسعه شهر از سوی دروازه شمیران یک هزار و هشتصد ذرع و از هر یک از سایر جهات دیگر شهر یک هزار ذرع شهر را توسعه دهند این امر مهم را شاه به عهده میرزا یوسف مستوفی الملک (صدر اعظم) و میرزا عیسی وزیر طهران موکول کرد و آنان با فرا خواندن مهندسان و معماران خارجی برای تعیین حدود و اندازه و جاهای دروازه ها و حفر عمق خندق طرح جدیدی برای شهر تحت نظر بهلر مهندس فرانسوی از روی قلعه و حصار قدیم شهر پاریس ریختند که بشکل یک هشت ضلعی ناقص بود. چون مقدمات کار آماده گردید در تاریخ یکشنبه یازدهم شعبان سال ۱۲۸۴ هـ. ق که قرار به ساختن دیوار شهر و حفر خندق جدید بود در این روز عده ای از رجال و وزراء و بزرگان شهر و نمایندگان کشورهای خارجی در بیرون شهر زیر چادر شاهی گرد آمدند و شاه با کلنگ نقره ای که برای همین منظور تهیه شده بود بدست گرفت و با گفتن بسم اله آنرا به زمین زد و مشتی خاک به اطراف پاشید و کار از این لحظه آغاز گردید. برج و بارو و استحکامات دفاعی سابق را خراب کردند و خندق را

پیر ساختند و محیط شهر را از سه کیلومتر به حدود ۱۹ کیلومتر ۱۸/۶۴۰ ذرع رساندند بدین ترتیب مساحت جدید شهر به ۱۸/۲۵۰/۰۰۰ ذرع مربع رسید و ۱۴/۱۹۰/۰۰۰ ذرع مربع به مساحت شهر قدیم اضافه گردید . بنا بر این شهر تهران بر مبنای علمی توسعه تازه ای یافت . ساختن حصار و حفر خندق جدید در حدود ده - دوازده سال طول کشید و با حفر آن تهران از خارج شهر تفکیک شد و محدوده آن مشخص گردید عرض این خندق از ۶ تا ۱۰ ذرع و عمق آن ۴ ذرع بود . ظاهراً " این خندق را برای آن حفر کرده بودند تا هنگام حمله دشمن به داخل شهر در آن آب بیندازند مانع حمله دشمن به داخل شهر بشوند . این خندق در فواصل دروازه هایی داشت که تنه راه ورود و خروج مردم شهر از آن صورت می گرفت . این دروازه ها بابر داشتی از معماری زمان صفویه احداث شده بود و زیر بنای بمساحت صد تا صد و بیست ذرع مربع داشت . (بطول پانزده و بعرض هشت ذرع) و بدین ترتیب بود که یک دهانه بزرگ در وسط و دو گوشواره در دو طرف آن قرار داشت و محفظه های دو گوشواره داخل آن بصورت دوتا اتاق ۶×۴ ذرع برای ماموران و دروازه بانان در آمده بود این دروازه ها هنگام شب بسته می شد و عبور از آن جز با سم شب (اسم رمز) مجاز نبود .

این دروازه ها با کاشی های زیبا و منقوش تزیین شده بود و بیشتر آنها تعدادی مناره کوتاه و ظریف داشت که با تصاویری از نبرد پهلوانان باستانی ایران مانند رستم و افراسیاب رستم و دیو سفید و اشکبوس و دیو سفید و غیره زینت یافته بود این دروازه ها نمونه ای از معماری ایرانی بود که تا سال ۱۳۰۹ پا بر جا بود و در دوره کفالت شهرداری مرحوم سرتیپ آقا خان بوذرجمهری تمامی آنها را خراب کردند و از بین بردند و امروز فقط اسم و تصویری از آنها دروازه به یادگار مانده است و تنها اثری که اکنون از آنها وجود دارد کاشی های نقاشی شده نقش رستم و سهراب است که متعلق به دروازه دولت بود . وهم اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می شود و دیگری نقش رستم و دیو سفید بود که آنها متعلق به دروازه نو یا دروازه غار قدیم است . و دارای رقم استاد محمد کاشی پز شیرازی می باشد که در سنه ۱۲۶۳ بوجود آمده و هم اکنون در موزه ایران باستان نگهداری میشود . نمونه زنده این دروازه ها را در دو شهرستان قزوین و سمنان میتوان دید که در دو شهر مذکور آنها را حفظ کرده اند و در حال حاضر باعث زیبایی این دو شهر میباشد

ای کاشخاطر . زیبایی شهر طهران هم این بناهای تاریخی را که یک اثر معماری قدیمی ایرانی بوده باقی می گذاشتند . البته بغیر از این دروازه ها که در اطراف تهران قرار داشت و مانند کمربندی طهران را در احاطه خود گرفته بود چندین دروازه دیگر هم در داخل شهر قرار داشت که راجع به آنها صحبت خواهیم کرد .

" محل دروازه های اطراف تهران "

در هر طرف از جهات چهارگانه شهر سه دروازه ، وجود داشت که عبارت بودند از
شمال شهر

- | | |
|----------------------|---|
| ۱ - دروازه شمیران | (حدود شرق سهراب شمیران فعلی مقابل زایشگاه زنان) |
| ۲ - دروازه دولت | (در تلاقی خیابان های سعدی و شاهرضا و روزولت) |
| ۳ - دروازه یوسف آباد | (چهارراه کالج فعلی) |

در مغرب شهر

- | | |
|-------------------|---|
| ۴ - دروازه باغشاه | (انتهای خیابان سپه فعلی) |
| ۵ - دروازه قزوین | (میدان قزوین) |
| ۶ - دروازه گمرک | (انتهای خیابان امیریه رو به میدان گمرک) |

جنوب شهر

- | | |
|---------------------------|---|
| ۷ - دروازه خانی آباد | (میدان خانی آباد و تلاقی خیابان خانی آباد خیابان شوش) |
| ۸ - دروازه غار | (بین میدان خانی آباد و میدان شوش) |
| ۹ - دروازه حضرت عبدالعظیم | (میدان شوش ابتدای جاده شهرری) |

مشرق شهر

- | | |
|-----------------------|--|
| ۱۰ - دروازه خراسان | (میدان خراسان ابتدای جاده خراسان) |
| ۱۱ - دروازه دولاب | (سهراب شکوفه) |
| ۱۲ - دروازه دوشان تپه | (انتهای خیابان ژاله غربی مشرف بمیدان ژاله) |
- و بالاخره دروازه آجری مخصوص ماشین دودی که قطار حضرت عبدالعظیم از زیر آن رفت و آمد میکرد این دروازه با بقیه از لحاظ ساختمان تفاوت داشت .



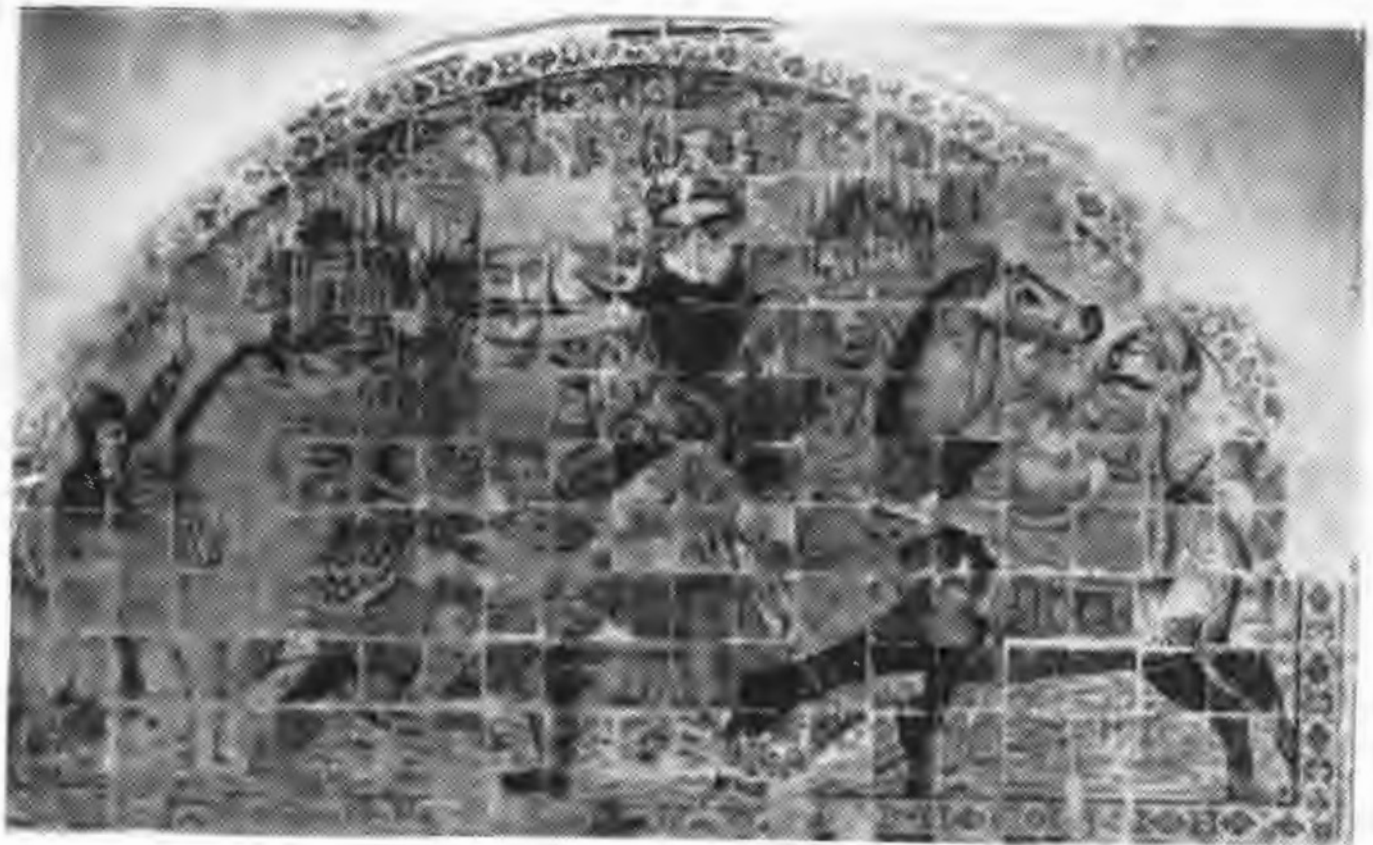
دروازه شمیران از خارج شهر



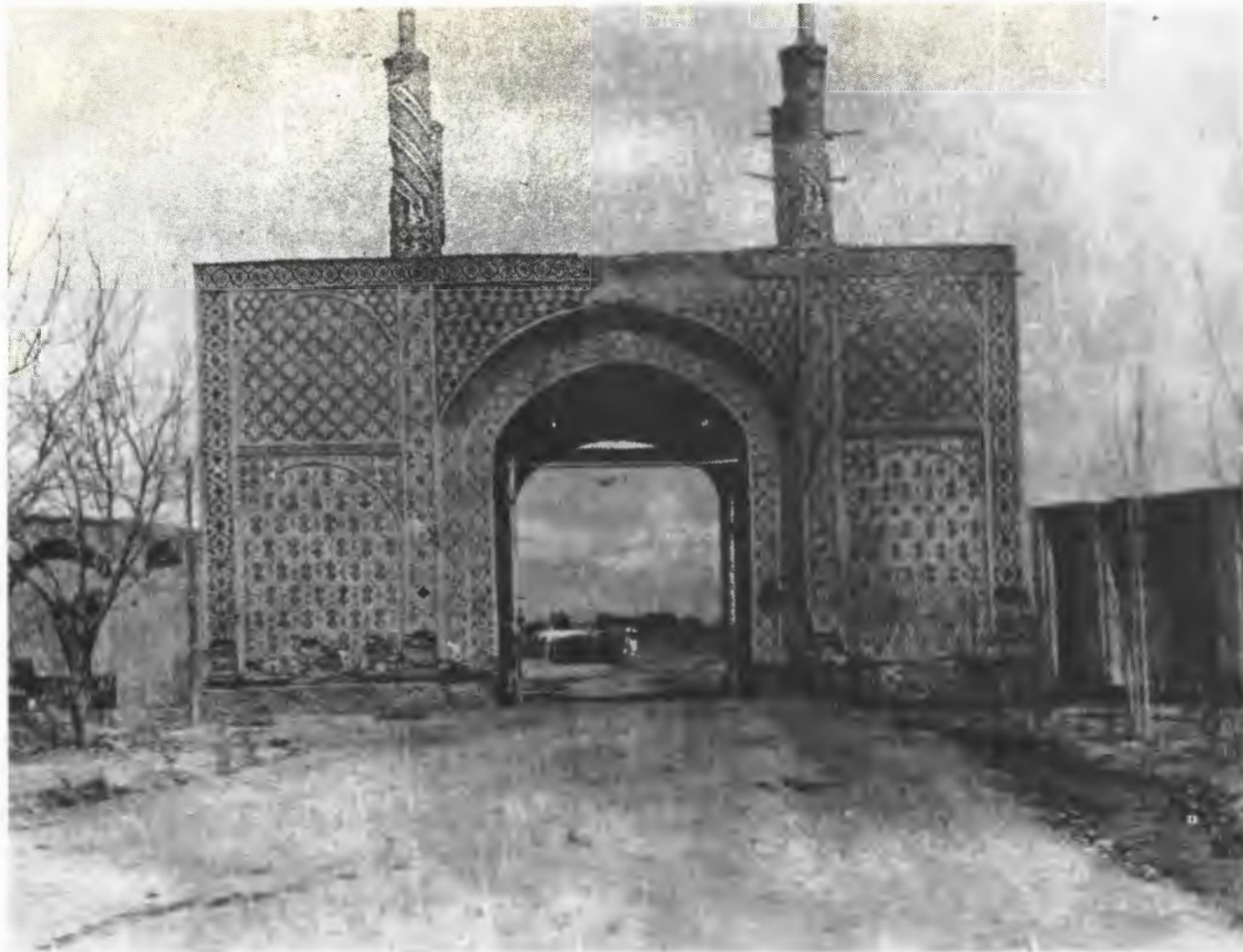
دروازه دولت از خارج شهر



دورنمای دروازه دولت و کوه البرز از داخل شهر



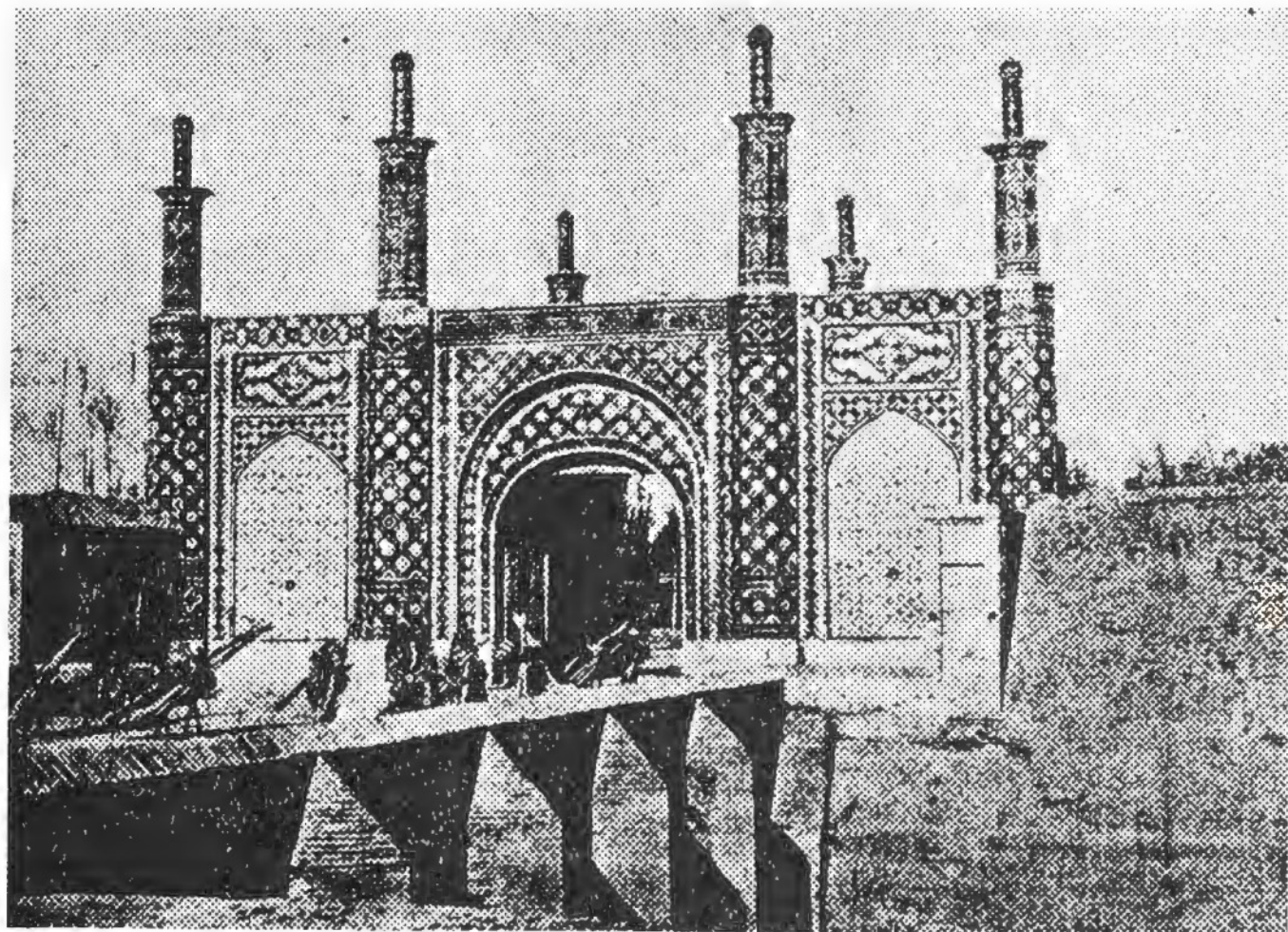
کاشیهای نقاشی شده نبرد رستم و سهراب متعلق به دروازه دولت که در موزه نگهداری میشود .



دروازه یوسف آباد از داخل شهر



دروازه باغشاه از داخل شهر



دروازه قزوین از خارج شهر



دروازه گرمی از خارج شهر



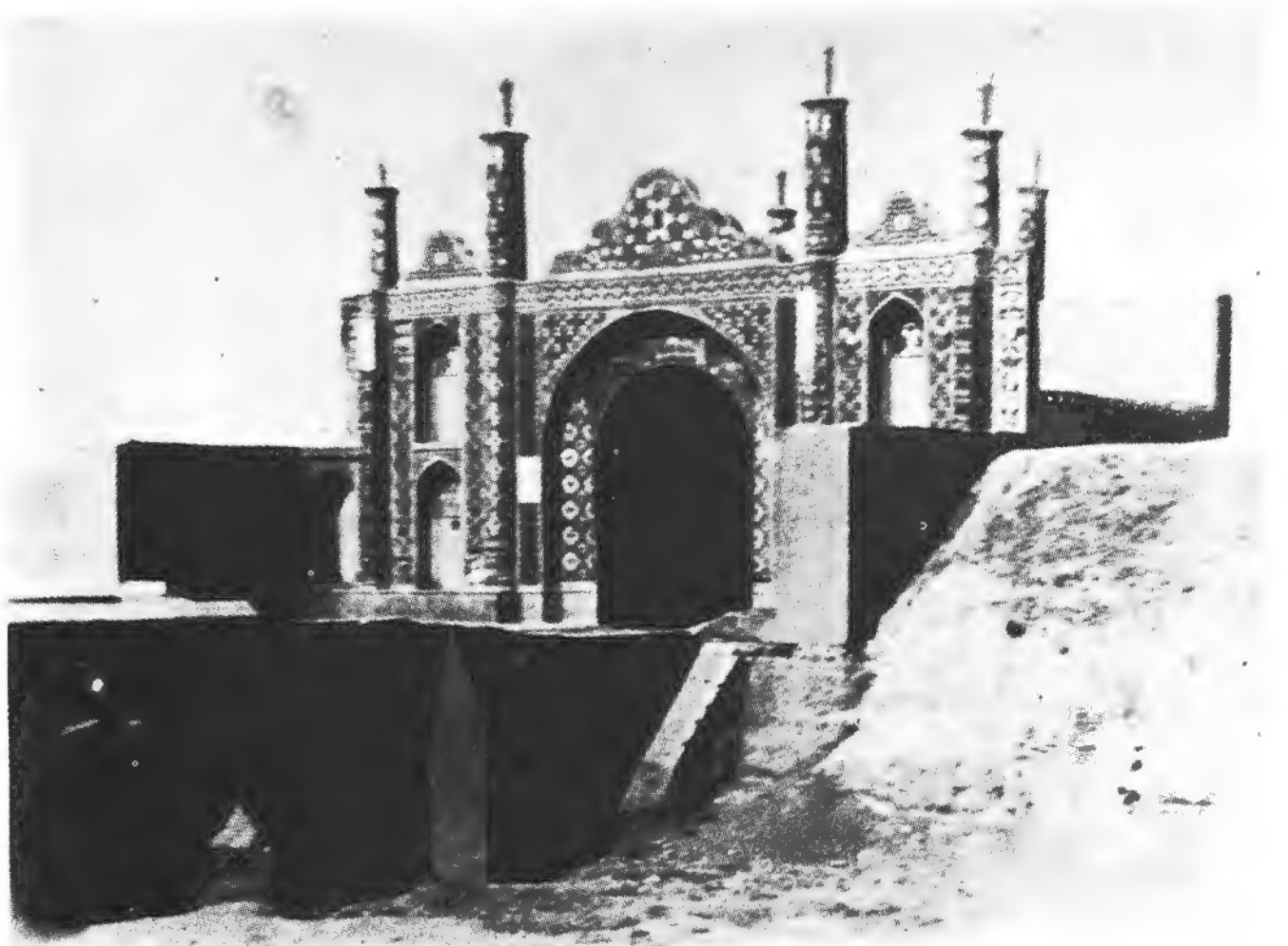
دروازه خانی آباد از داخل شهر



دروازه غار



دروازه حضرت عبدالعظیم از داخل شهر



دروازه خراسان از خارج شهر



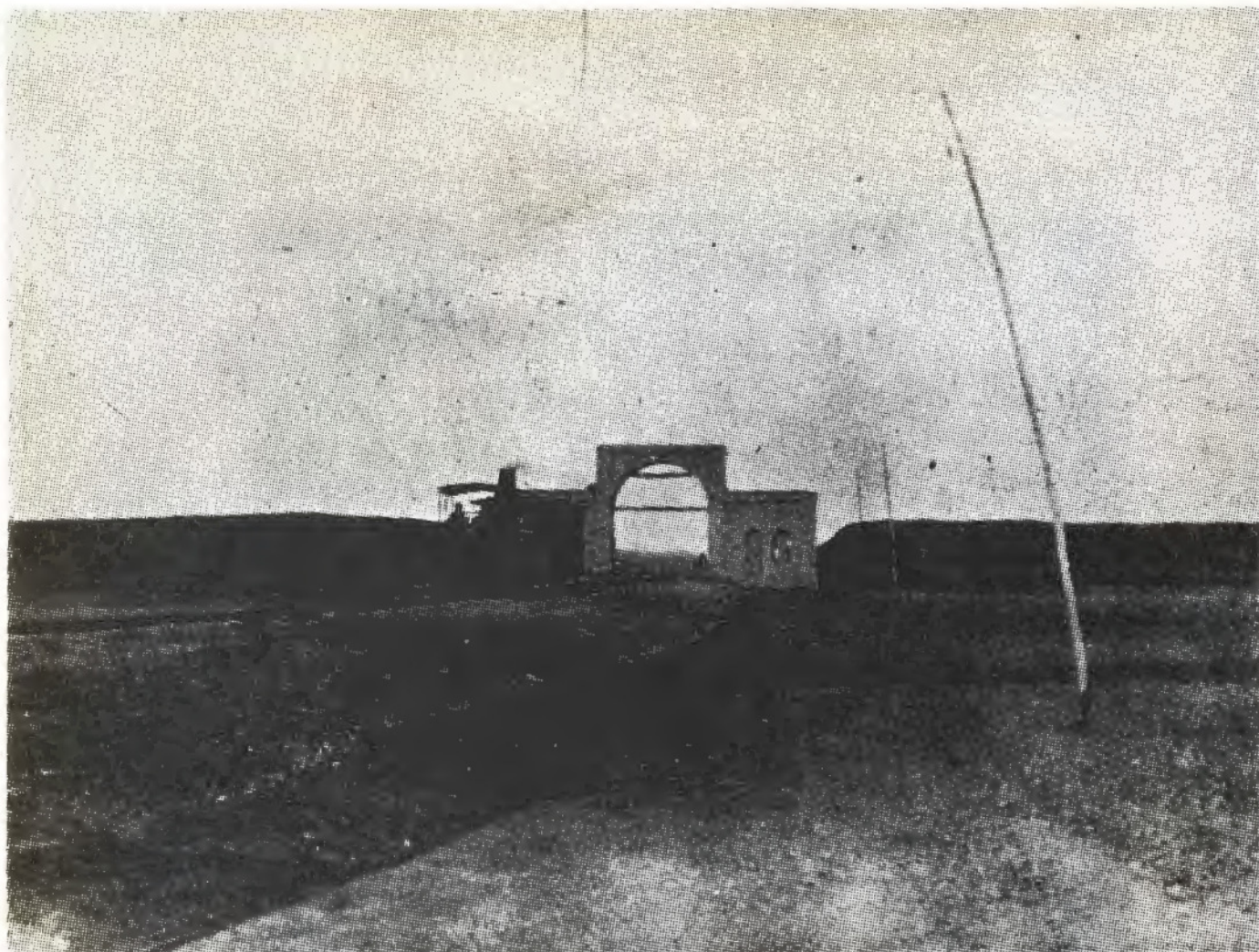
دورنمای دروازه خراسان و خندق اطراف تهران از خارج شهر



دروازه دولاب



دروازه دوشان تپه از خارج شهر



دروازه ماشین دودی



دروازه شهر سمنان



دروازه شهر قزوین که اکنون پا برجاست

خیابانهای

مهم طهران قدیم

" خیابان باب همایون "

این خیابان از شمال به جنوب نیمه شمالی ارگ را به دو قسمت تقسیم میکرد و میدان توپخانه (سپه) را به خیابان درب اندرون مربوط میساخت و چون درب شمالی عمارت سلطنتی (ارگ) موسوم به باب همایون و نیز باب الماس بود و سردری مزین به آینه کاری داشت و در روز مانند الماس می درخشید و به این خیابان هم چون مربوط میشد بآن خیابان الماسیه هم میگفتند .

خیابان باب همایون یا الماسیه از ابتدای دروازه دولت (محل فعلی اداره راهنمایی و رانندگی) شروع و تا جلو سر درب شمالی اندرون شاهی یعنی (محل فعلی وزارت دارایی) کشیده میشد . و با سامی مختلف دالان بهشت ، دولت ، ارگ و نقاره خانه معروف بود .

باب همایون در سابق کوچه ای کثیف و باریک بود که در سال ۱۲۸۸ ه . ق بدستور ناصرالدین شاه ، محمد رحیم خان علاء الدوله (امیر نظام) . آنرا بصورت خیابان عریضی درآورد و در دو طرف آن درخت کاشت و کف آنرا سنگ فرش کرد و همزمان با ایجاد این خیابان دروازه های بسیار بزرگ با سردری عظیم و با شکوه برای این خیابان احداث کرد . که بنام قدیمی خود یعنی دروازه دولت معروف گردید . (دروازه دولت پیش از ساخته شدن این خیابان مقابل خیابان علاء الدوله سابق فردوسی کنونی بوده است که هنگام توسعه شهر طهران در زمان ناصرالدین شاه جای آن تغییر کرد .

این دروازه به میدان توپخانه (سپه) باز می شد و سه دهانه بزرگ داشت که دهانه وسطی از دو دهانه پهلوهایش بزرگتر بود و آمد و رفت اهالی دارالخلافه از میدان توپخانه (سپه) به ارگ و بعکس از دهانه وسطی انجام میگرفت این دروازه بصورت بناهای سه طبقه و ستونهای کاشی کاری شده و بطرز بسیار زیبایی ساخته شده بود که همزمان با پر کردن خندق دروازه های قدیم شهر طهران آنرا نیز تخریب کردند .

باب همایون از خیابانهای باصفای شهر طهران بود که در دوسوی آن درخت های تنومند و نهرهای پر از آب جریان داشت و در تابستانها منظره زیبایی را بوجود می آورد که گردشگاه مردم تهران قدیم بود و از آنجائیکه این خیابان معبر شاه و درباریان

بود به نظافت و نگهداری آن رسیدگی کامل می شد . چراغانیها و آتش بازیهای شبهای عید در این خیابان انجام میگرفت از بناها و عمارت های دولتی مهمی که در این خیابان قرار داشت قورخانه - مدرسه نظام - مجمع الصنائع و مسجد مهد علیا را میتوان نام برد .



عمارت سر در الماسیه یا " باب همایون "



خیابان الماسیه بطرف دروازه دولت در تابستان



خیابان الماسیه بطرف دروازه دولت در زمستان



میدان توپخانه و دروازه دولت در زمان ناصرالدینشاه

" خیابان ناصریه "

این خیابان را از پر ساختن خندق شرقی ارگ در سال ۱۲۸۲ هـ . ق بوجود آوردند و آنرا خیابان ناصریه که از اسم ناصرالدینشاه گرفته شده بود نامیدند . شمال این خیابان ابتدا باز نبود تا آنکه در سال ۱۲۸۴ آنرا به میدان توپخانه باز کردند و دروازه‌ای بنام دروازه ناصریه برای آن ساختند (محل این دروازه پهلوی عمارت تلگرافخانه فعلی بوده است) . توسعه و آبادی آن در سال ۱۲۸۹ توسط امین‌حضور انجام پذیرفت و آنرا بصورت یکی از خیابانهای خوب آن زمان درآورد . بطوریکه مانند باب همایون پر درخت و نه‌رهای آب از دو طرف آن می‌گذشت . ناصریه از ابتدای میدان توپخانه و پس از گذشتن از میدان شمس‌العماره با یک انحنای سه راه مسجد شاه و خیابان جبه‌خانه (بودرجمهری فعلی) متصل میشد .

اکنون که رشته‌سختن درباره خیابان ناصریه است بی‌مناسبت نیست که شمه‌ای هم درباره بازار معروف کنار خندق که امروز فقط اسمی از آن باقیست یاد آور شویم . بازار کنار خندق پیش از ساخته شدن خیابان ناصریه در سمت شرقی خندق مزبور قرار داشت و تقریباً " از برابر شمس‌العماره تا جلو خان مسجد شاه امتداد داشته است .

از بناهای معروفی که به این خیابان مربوط می‌شد و اکنون هم بعضی از آنها با مختصر تغییر وجود دارد میتوان - دبیرستان دارالفنون - عمارت شمس‌العماره و عمارت کامران میرزا نایب‌السلطنه را نام برد که سپس به وزارت دارایی اختصاص داده شده است .

نام این خیابان در زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر به خیابان ناصر خسرو تبدیل شد .

دبیرستان دارالفنون (دکتر فوریه در کتاب سه سال در دربار ایران می‌نویسد : ناصرالدینشاه دارالفنون را در سال ۱۲۶۸ یعنی دو سال بعد از جلوس خود تاسیس کرده و در ابتدا نظر او این بوده است) که در آنجا صاحب‌منصب و مهندسان نظامی و غیر نظامی و طبیب و مترجم تربیت کند اما بعد کلاسهای هم در آنجا برای

تعلیم معدن شناسی و موزیک جهت تربیت معلم موزیک نظامی باز کرد . ص ۱۲۸ سه سال در دربار ایران .

ولی آنچه مسلم است احداث دبیرستان دارالفنون از اقدامات مفید و موثر میرزا تقی خان امیر کبیر رجال برجسته نامی ایران است .

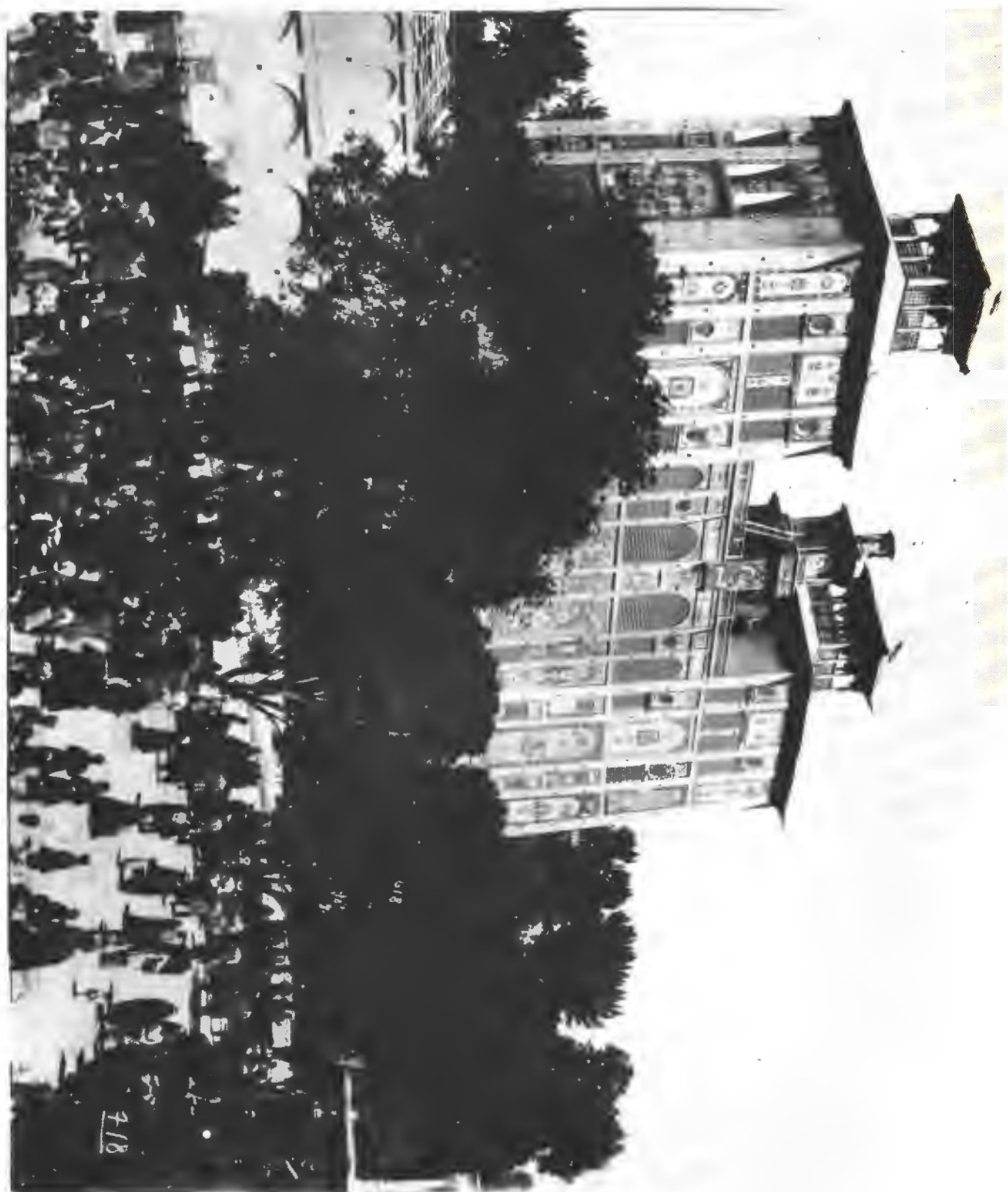
شمس‌المعاره : یکی از بناهای مرتفع و مشخص و جالب تهران قدیم است گویا ناصر الدین‌شاه قبل از سفر اروپا بر اثر دیدن تصاویر بناها و آسمان خراشهای کشورهای غربی تمایلی پیدا میکند بنای مرتفعی نظیر بناهای فرنگستان در پایتخت ممالک محروسه خود ایجاد نماید تا از بالای آن خود و زنانش بتوانند منظره شهر تهران و دور نمای اطراف را تماشا کنند . شاه در حدود سال ۱۲۸۲ هـ . ق .

این قصد خود را با دوستعلی خان نظام الدوله معیر الممالک در میان می‌نهد و او را برای ساختن چنین بنایی در سمت شرقی ارگ سلطنتی مامور میکند معیر الممالک بزودی بوسیله استادان و معماران ماهر آن زمان طرح عمارت را ریخته و پی‌کنی آنرا شروع میکند . ساختمان آن پس از دو سال یعنی ۱۲۸۴ هـ . ق بپایان

میرسد و آنرا شمس‌العماره نامیده تاریخ بنایش را بحساب جمل " کاخ شاهانشاه می‌یابند . مخارج این بنا با کلیه اثاثه از قبیل فرش و غیره به چهل هزار تومان بالغ گردید ص ۲۷۰ و ۲۷۷ ارگ .

میدان توپخانه (سپه) و دروازه خیابان ناصریه (ناصرخسرو)





گسستی از خیابان ناصریه (ناصرخسرو) و عمارت شمسالعماره

"خیابان جباخانه"

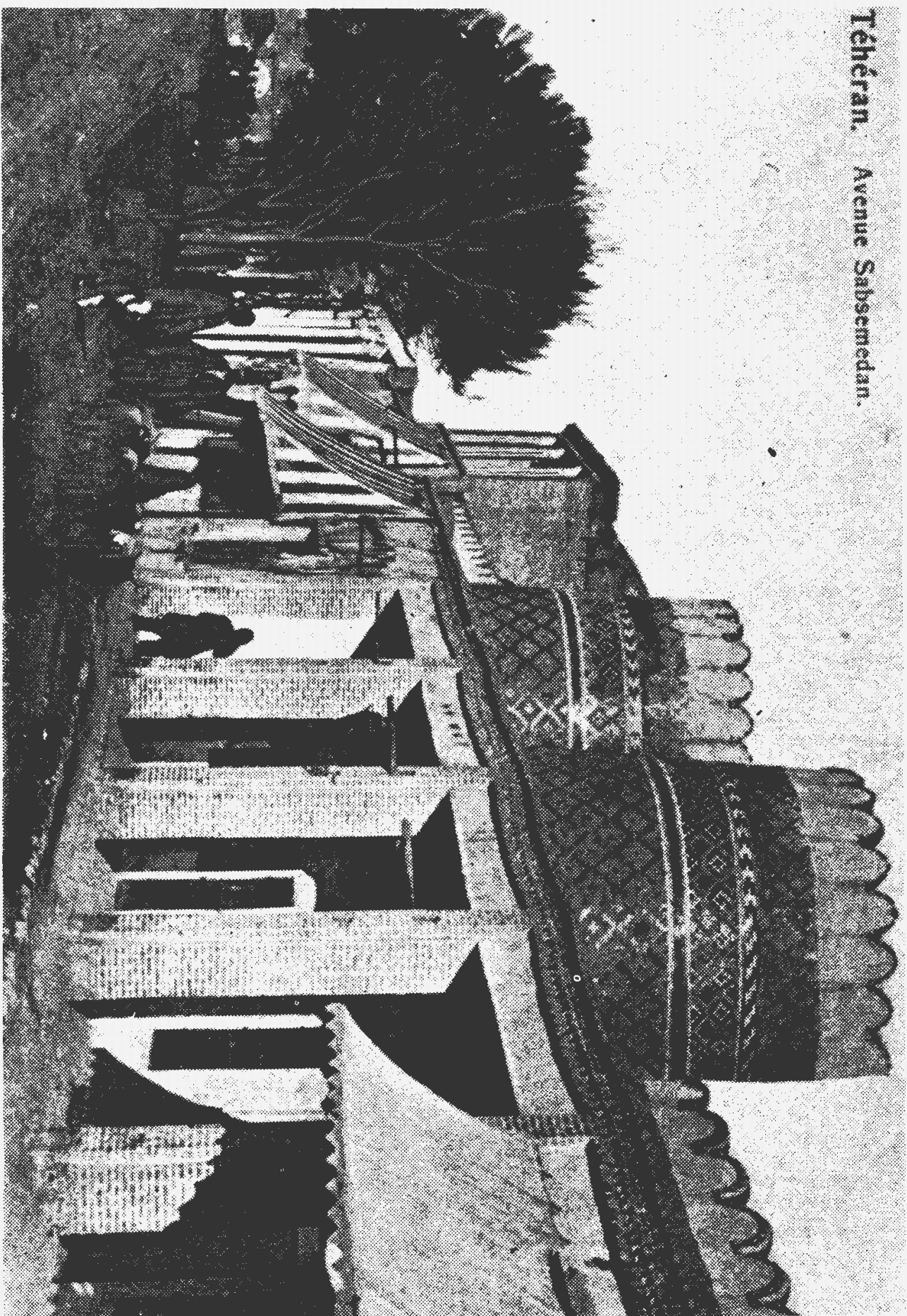
این خیابان که اکنون جزیی از خیابان بوذرجمهری فعلی است در سال ۱۲۷۸ هـ. ق از پر ساختن خندق جنوبی ارگ و افزودن کوچه لب خندق بر آن بوجود آمد. باین خیابان قبلا "تخته پل میگفتند زیرا بوسیله چوبی بنام تخته پل که روی خندق بسته شده بود بخش جنوبی ارگ سلطنتی و دروازه نقاره خانه را به این خیابان و میدان جنب آن مربوط میساخت.

وجه تسمیه این خیابان به جباخانه باین دلیل بوده است که قبلا "کارخانه اسلحه سازی مانند شمشیر و قداره و سر نیزه و سایر ادوات جنگی در این کارخانه ساخته و انبار می شده است مسیر این خیابان از تقاطع خیابان ناصریه شروع و پس از گذشتن از دیوار ارگ و دروازه نقاره خانه و میدان ارگ به چهار راه گلوبندک انتهای خط واگن اسی ختم می شد.

در شمال این خیابان بترتیب قهوه خانه قنبر (محل قهوه خانه قنبر فعلا "پارچه و لباس فروشی است و تا ۱۲ سال پیش وجود داشت) در جنوبی تکیه دولت و دروازه توپ مروارید دروازه نقاره خانه و در قسمت جنوبی آن دهانه بازار بزرگ. بازار کفش دوزها و سبزه میدان و بازار مسگرها و بازار گلوبندک و دوستان خانه (زندان) و جباخانه دولتی قرار داشت. همه این بازارها بعدا "خراب شد و ضمیمه خیابان جدید التاسیس خیابان بوذرجمهری فعلی گردید.

جباخانه از خیابانهای کثیف و پر گرد و خاک در تابستان و پر گل و لای در زمستان بود و اغلب محل تجمع طبقی ها، گاری چی ها و درشکه چی ها بود و محل مناسبی را برای نظافت کردن درشکه ها و آب علف دادن اسبها را بوجود آورده بود.

Téhéran. Avenue Sabsemedan.



خیابان جباخانه و قسمتی از برجها و باروی اری

"خیابان جلیل آباد"

خیابان جلیل آباد (خیام فعلی) از خیابانهای با سابقه تهران قدیم است در سابق دو طرف آن جوی بوده و درختان بسیار کهن و تنومند داشته است. وجه تسمیه نام این خیابان به جلیل آباد و علت معروفیت آن به این اسم هنوز کاملاً روشن نیست ولی آنرا منسوب می دهند به جلیل خان که فرزندانش در قزاقخانه کار میکردند.

مسیر این خیابان از گلوندک شروع می شد و به خیابان مریض خانه (سپه فعلی) ختم میگردد (این خیابان از سمت جنوب ادامه نداشته است). در طرف شرق این خیابان برج و باروی ارگ و دیوار قورخانه و موسسه لوطی قنبر (لوطی قنبر یکی از چند نفری بود که برای رفتن مردم به گردش گاههای اطراف تهران اسب والاغ و قاطر اجاره می داد.) و رختشوی خانه تهران که برای اولین بار توسط مختار السلطنه حاکم تهران ساخته شده بود قرار داشت.

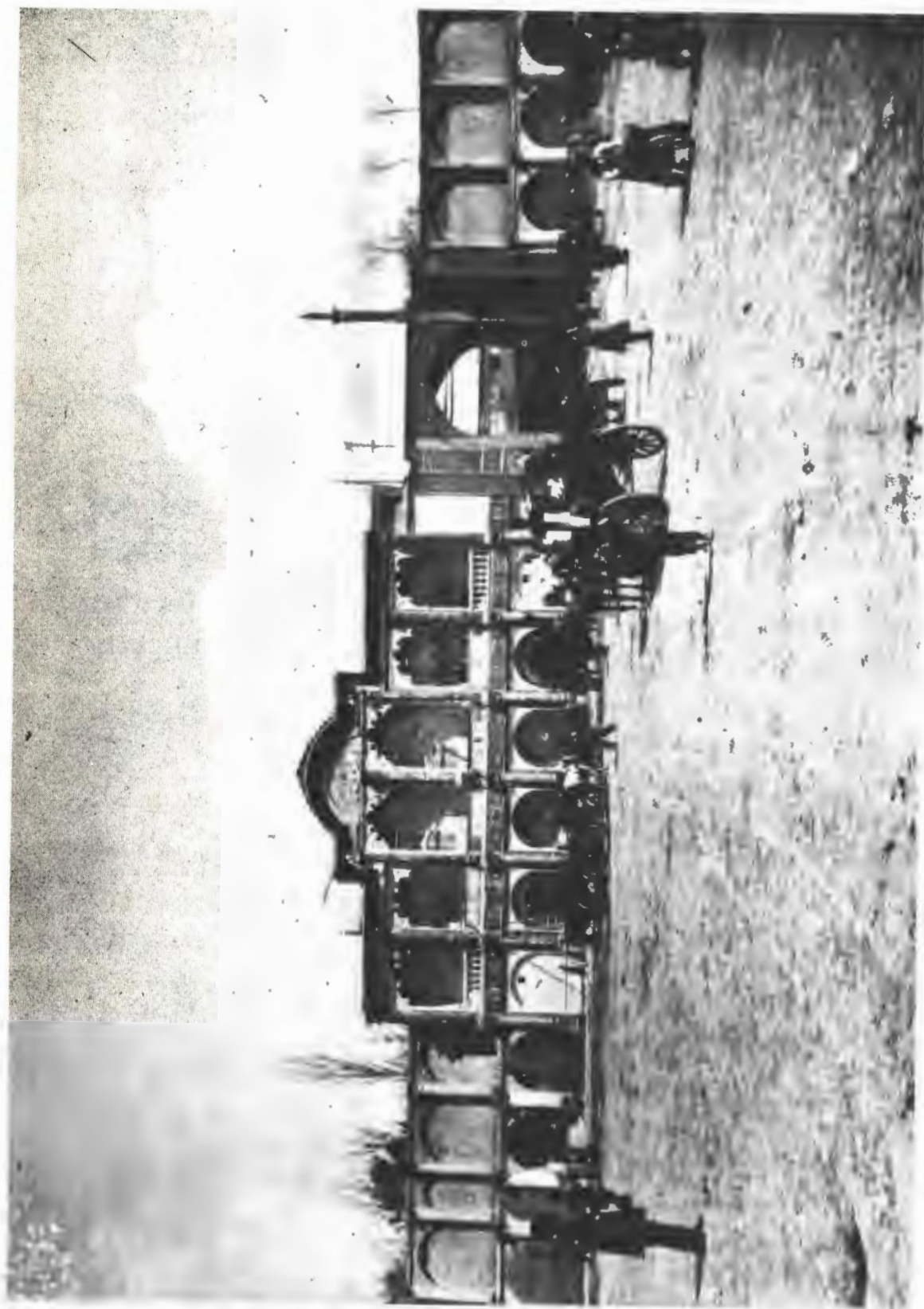
در طرف غرب این خیابان محله با جمله لوها (باجماندلو) و محله سنگلج و خانه های اعیان و رجال تهران قدیم قرار داشت.

در این خیابان ابنیه و موسسات مهمی که قابل ذکر باشد وجود نداشت زیرا که همه ابنیه سلطنتی این خیابان بداخل ارگ مربوط میشد و از این سمت دری به خیابان نداشت.

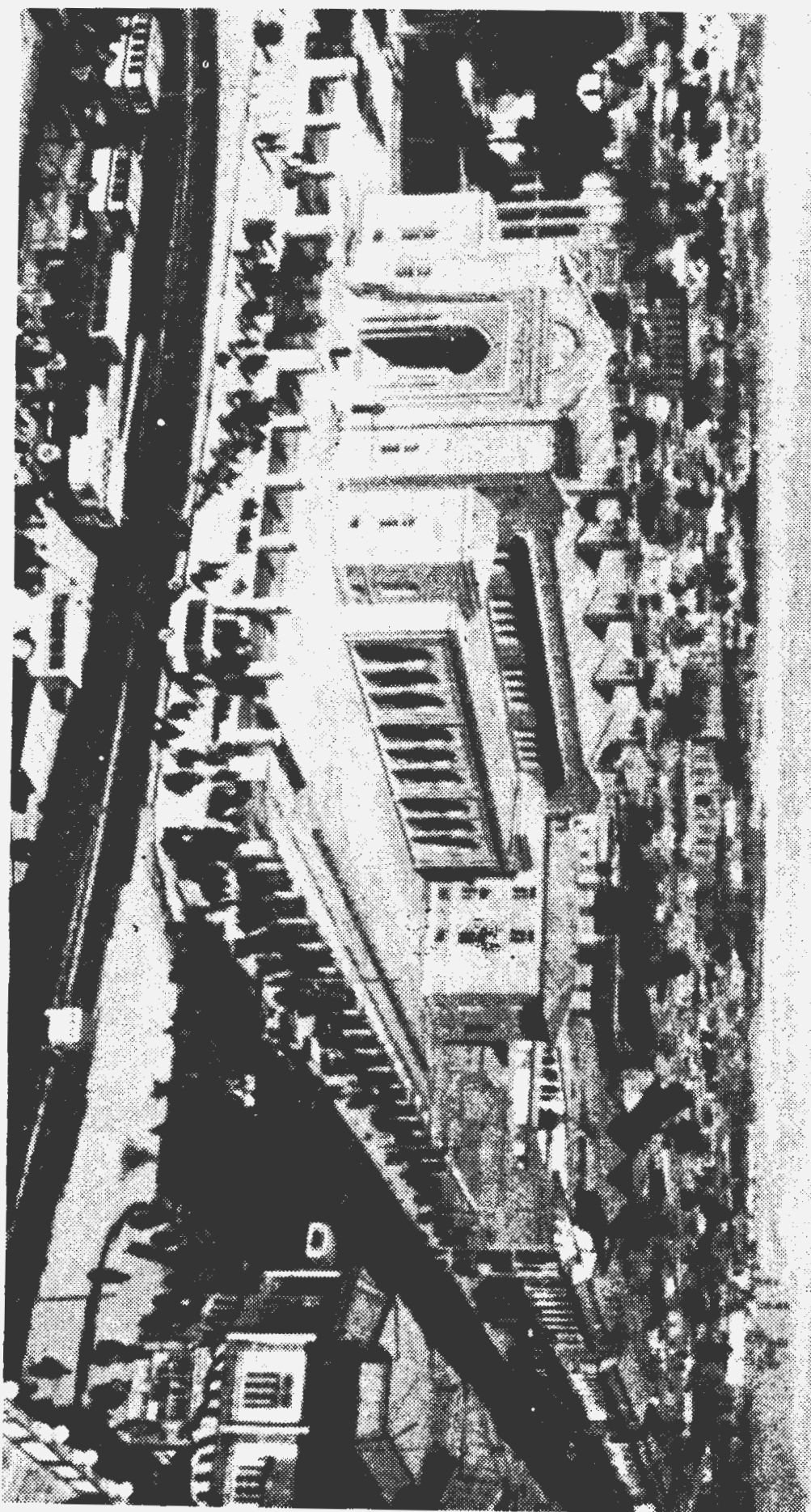
"خیابان چراغ گاز - چراغ برق"

خیابان چراغ گاز و بعدها چراغ برق نام خیابان امیر کبیر فعلی بوده است . این خیابان که در ضلع شرقی میدان توپخانه (سپه) قرار گرفته است از ابتدای میدان توپخانه با دروازه‌ای کاشی کاری شده و زیبا و دری بزرگ شروع میشد و تا سه راه امین حضور ادامه می‌یافت . این خیابان باین جهت به چراغ گاز و بعد به چراغ برق شهرت یافت زیرا که برای اولین بار کارخانه چراغ گاز را حاج میرزا حسن خان سپهسالار قزوینی از فرنگستان وارد کرد و در سال ۱۲۹۶ توسط مسیو فابیوس در اواسط این خیابان شروع بکار کرد و به کاخهای سلطنتی و خیابانهای اطراف ارگ روشنائی می‌داد . طرز کارش بدین صورت بود که دیگهای بخار گاز کاربیت تولید میکرد . و بخار گاز را بوسیله لوله‌های زیر زمینی به فانوس های مخصوصی می‌رساندند و هنگام غروب عده‌ای چراغ چلی با میله‌های مشعل مانند چراغ‌ها را یک‌بیک روشن میکردند و تا پاسی از شب گذشته روشنائی می‌داد . و بسیار بد بو بود . این کارخانه چندان دوامی نیافت تا آنکه سرانجام در سال ۱۳۰۸ حاج امین الضرب که همراه مظفرالدین‌شاه به سفر روسیه رفته بود کارخانه چراغ برق را خریداری میکند و آنرا جانشین چراغ گاز می‌نماید و بالطبع نام خیابان چراغ گاز به چراغ برق تبدیل میگردد .

در سال ۱۳۲۷ بمناسبت صدمین سال قتل میرزا تقی خان امیر کبیر پاس خدمات ارزنده او به ایران این خیابان بنام او گردید .



دروازه خیابان چراغ گاز و عمارت بانک شاهنشاهی



قسمتی از خیابان چراغ گاز و ساختمان جدید بانک شاهنشاهی در اوایل سلطنت
اعلیحضرت رضاشاه کبیر

"خیابان لاله زار"

این خیابان در زمان فتح علیشاه باغ مصفایی بود که در خارج طهران قرار داشت و آن باغ لاله زار میگفتند و از میدان مخبر الدوله (۱۲۸۰مرداد) امروزی شروع میشد و تا میدان توپخانه پیش می آمد و قسمتی هایی از لاله زار فعلی و خیابان لختی (سعدی) و استانبول را در بر میگرفته . مرحوم سید حجت بلاغی در تاریخ تهران می نویسد :

فتح علیشاه و محمد میرزا (ولیعهد - محمد شاه بود) سواره با اسب از ارگ برای گردش باغ لاله زار می آمدند . و هر وقت سفیر یا نماینده بی از طرف دولت های خارجی به تهران وارد میشد در عمارت باغ لاله زار از او پذیرایی میکردند . در سال ۱۲۸۴ ه . ق بدستور ناصرالدینشاه که شهر تهران را از چهار طرف گسترش می دادند این باغ در داخل شهر افتاد و از اهمیت آن کاسته شد و کم کم زمین این باغ تبدیل بخانه و دکان و خیابان گردید و بالاخره دو خیابان از این باغ بوجود آمد که یکی همین خیابان لاله زار فعلی است و دیگری خیابان لختی (سعدی) است .

این خیابان هم مانند شش خیابانی که از میدان توپخانه (سپه) منشعب میشد دروازه ای کاشی کاری شده و دری بزرگ داشت و مسیر آن از ابتدای میدان توپخانه شروع میشد و تا خیابان استانبول امتداد می یافت . برای آمد و رفت مردم یک خط واگن اسبی از میدان توپخانه تا انتهای این خیابان کشیده بودند . لاله زار در اوایل مشروطیت رو به ترقی و توسعه گذاشت و نخستین مهمانخانه ایرانی بنام گراند هتل در این خیابان ساخته شد .



دروازه خیابان لاله‌زار والاغیایی که برای بانگ شاهشاهی نقره حمل کرده‌اند



خیابان لاله‌زار حدود نیم قرن پیش.

"خیابان ماشینخانه"

نام خیابان اکباتان فعلی بوده است این خیابان از تقاطع چراغ برق (امیر کبیر) شروع و به خیابان سیف الدوله (شاه آباد کنونی) متصل می شد. باین خیابان از آنجهت ماشین خانه میگفتند چونکه کمپانی بلژیکی اداره و محل ماشین های اسبی با تراموای اسبی و همچنین طویله اسبان را در مجاور این خیابان بر پا ساخته بود. نام دیگر این خیابان باغ وحش بوده است زیرا پیش از اینکه باغ وحش دوشان تپه ساخته شود باغ وحش تهران در مجاور این خیابان قرار داشت. عمارت شاهزاده ظل السلطان پسر ناصر الدین شاه در این خیابان قرار دارد و در زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر در اختیار وزارت آموزش و پرورش گذاشته شد.

"خیابان سیف الدوله"

نام خیابان شاه آباد فعلی است این خیابان از اول میدان بهارستان شروع و به میدان مخبر الدوله (۲۸ مرداد امروزی) خاتمه می یافت باین خیابان در قدیم الایام خیابان شغال آباد هم میگفتند زیرا که این خیابان جز بیابان بوده و شبها شغال ها در خاکریز اطراف خندق اجتماع کرده و زوزه می کشیدند. بعد از اینکه عمارت مسعودیه و عمارت سپهسالار در حدود این خیابان ساخته شد آنرا خیابان شاه آباد نامیدند.

"خیابان لختی"

نام خیابان سعدی فعلی می باشد. این خیابان از اول چراغ گاز تا میدان مخبر الدوله (۲۸ مرداد) امروزی فاصله داشته است. باین خیابان از آنجهت لختی میگفتند زیرا بعلت عاری بودن از سکنه رهگذران را هنگام شب لخت میکردند و شاید هم بیاد زمانیکه باغ لاله زار در این سامان بوده و درخت های آن خشک و لخت شده باین نام شهرت یافته بود.

" خیابان علاء الدوله "

این خیابان در ضلع غربی میدان توپخانه (سپه) قرار دارد و در سابق بنام وزیر دربار ناصرالدینشاه (علاء الدوله) بوده است . علاء الدوله از ابتدای میدان توپخانه (سپه) با دروازه‌ایی کاشی کاری شده بعرض پانزده‌الی بیست ذرع و بطول نزدیک به دو هزار پانصد ذرع امتداد داشته است و از قسمت‌های تازه ساز شهر میگذشت . در دو طرف این خیابان نهرهای پر از آب و در خیابان نسبتاً بلند قرار داشت و کف آن سنگ فرش بود . و شبها چراغهای فانوس در آن روشن میکردند . در این خیابان اغلب عمارت و باغها و خانه‌های رجال و مستوفیان زمان ناصری مانند ظهیرالدوله و فخرالدوله و امین السلطان قرار داشت . و گاهی اوقات بآن خیابان امین السلطان هم میگفتند . همچنین بیشتر سفارت‌های خارجی و خانه‌های اتباع خارجی و آرامنه و باغ ایلخانی که از باغهای خوب دولتی بود در این خیابان قرار داشت .

نام این خیابان در زمان سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر بنام شاعر شهیر ایرانی فردوسی نام گذاری شد .



خیابان علاءالدوله (فردوسی فعلی)



خیابان علاءالدوله (فردوسی) و دروازه آن

"خیابان مریض خانه"

این خیابان در ضلع غربی میدان توپخانه (سپه) قرار دارد و از ابتدای میدان توپخانه و پس از گذشتن از جلو میدان مشق تا میدان اسب دوانی جدید که بعدها باغ شاه نامیده شد ادامه داشته است . باین خیابان از آن جهت مریض خانه میگفتند زیرا اولین بیمارستان دولتی عهد قاجاریه که اکنون محل آن بیمارستان سینا است در این خیابان قرار داشت . (نام دیگر این خیابان فرمانفرما) بوده است .

ولی نام رسمی آن خیابان امیریه بود زیرا که این خیابان از جلو باغ و عمارت کامران میرزا که ملقب به امیر کبیر بود میگذشت . این عمارت اکنون محل دانشکده افسری می باشد . نام این خیابان در حال حاضر خیابان سپه می باشد .



خیابان مریضخانه (سپه) و مناره‌های مسجد مجد پیش از تعریض خیابان

میدانهای
مهم طهران قدیم

" میدان ارگ "

ارگ از میدانهای قدیمی و مهم دارالخلافه تهران است که سابقه آن به دوره شاه طهماسب صفوی می‌رسد این میدان سابقاً " محصور و در اطراف آن خندق بوده و بیشتر بناهای سلطنتی را در احاطه خود میگرفت نام این میدان از زمان فتحعلیشاه بیادگار مانده و در زمان ناصرالدینشاه آنرا با سامی مختلف میدان شاه میدان توپخانه و باغ گلشن میگفتند و اینک به همان نام قدیمی خود باقی است .

ارگ تهران بطور کلی در زمان ناصرالدینشاه در مقایسه با وضع خیابانهای جدید تهران شامل محوطه بین ضلع جنوبی میدان سپه و قسمتی از خیابان سپه (خیابان مریض خانه) از طرف شمال و قسمتی از خیابان بوذرجمهری تا چهار راه گلوبندک (خیابان جبه خانه) ، (از طرف جنوب) خیابان ناصر خسرو (ناصریه) ، (از طرف مشرق) و خیابان خیام (جلیل آباد) از گلوبندک تا خیابان سپه (از طرف مغرب) بوده است .

در سال ۱۲۸۱ برای نوسازی و باز سازی این میدان اقدامات وسیعی بعمل آمد در وسط آن یک حوض بسیار بزرگ ساختند و دو جاده سنگ فرش برای عبور کالسکه و درشکه ایجاد کرده و بقیه فضای آنرا درخت کاشتند . ارگ سلطنتی را با حصار و باروهای بلند محدود و محصور کرده بودند که بوسیله چهار دروازه و یا سردر حدود ارگ شاهی و عمارات شاهی و کاخهای سلطنتی را از شهر مجزا می نمود . محل این دروازه ها یکی در مدخل باب عالی همایون و دیگری در انتهای میدانی که اکنون ساختمان وزارت اطلاعات قرار دارد ساخته شده بود و بآن دروازه نقاره خانه میگفتند . در زیر این دروازه انبار زیر زمینی و زندان سیاسی قاجاریه قرار داشت که معروف به دوستاق خانه بود . دو دروازه دیگر هم یکی در جهت شرق ارگ قرار داشت که بآن دروازه درب اندرون میگفتند و چهارمی هم در ضلع غربی میدان قرار گرفته بود و بنام دروازه جلیل آباد بود ، اما در مورد کیفیت استفاده از این دروازه ها باید گفته شود که در تمامی مدت سال بر فراز آنها سه نوبت طبل می زدند . یک ساعت از شب گذشته طبل خبر دار میزدند و دو ساعت از شب گذشته در ارگ دولتی طبلی می زدند که آنرا ورچین ورچین میگفتند یعنی کسبه بساط



میدان ارگ در زمان ناصرالدینشاه



قسمتی از باغ گلستان در میدان ارگ

خود را زود برچینند و بمنزل بروند . سه ساعت از شب گذشته در میدان ارگ طبل بگریوبند رازده و شیپوری میکشیدند که علامت آن بسته شدن دروازه های ارگ بود . و هیچکس بعد از آن ساعت نمی توانست در این منطقه رفت و آمد کند . از آن ساعت به بعد نگهبانان و قراولان کاخهای سلطنتی رفت و آمد مردم را زیر نظر میگرفتند و تنها به کسانی که اسم رمز را می دانستند اجازه عبور به داخل ارگ را می دادند . در اطراف میدان ارگ چندین سر در و عمارت وجود داشت که مهم ترین آنها عبارت بودند از سر در نقاره خانه . عمارت تلگرافخانه - عمارت دفتر خانه . عمارت استیفا و گرم خانه .

سر در نقاره خانه :

در ایران قدیم رسم بر آن بود که طلوع و غروب آفتاب را در محل های مخصوصی که بیشتر ایوان یا عمارت های ارگ بود بشادی تمام اعلام میکردند و ظاهراً "به استقبال روشنایی و به بدرقه تاریکی می رفتند (شاید این یکی از آداب پرستندگان آفتاب باشد که از بین زردتشتیان باقی مانده باشد) در دارالخلافه تهران هم بدستور پادشاهان قاجاریه در محاذات سر در بزرگ حیاط تخت مرمر متصل به حصار جنوبی ارگ نقاره خانه تاسیس کردند که هنگام طلوع و غروب آفتاب نقاره میکوبیدند . نقاره . چیان معمولاً "کلاهی از پوست سیاه با طاق سرخ که یراق دوزی شده بود و نیم تنه های ماهوت سرخ با مغریهای مشکی و شلوارهایی بهمین رنگ می پوشیدند که سر دست و یقه نیم تنه ها از پوست سیاه بود و دگمه های برنجی شیر و خورشید داشت و کریم شیرهای دلچک مشهور ناصرالدین شاه سرپرست آنان بود : این سنت بسیار قدیمی در دوره مشروطه مدتی تعطیل شد ولی در زمان رضا شاه کبیر بدستور اعلیحضرت نقاره خانه از سر در بزرگ به سر در تازه ساز میدان مشق منتقل گردید و سالیان دراز این رسم و آئین در این محل در سر در نقاره خانه برقرار بود .

آلات موسیقی آنان عبارت بود از :

کرنا - سرنا - طبل و شیپور و تنبور .

عمارت تلگرافخانه :

این عمارت در سال ۱۳۰۴ قمری بمباشرت علی قلیخان ، مخبرالدوله در ضلع شرقی میدان مشتمل بر منازل فوقانی و تحتانی بطرز بناهای فرنگستان احداث شد ، و تلگرافچیان دولتی شب و روز در آنجا مشغول کار بودند .

عمارت دفترخانه :

این عمارت در شمال میدان و روبروی سر در نقاره خانه قرار داشت و دارای سر دری با شکوه و زیبا بوده که در سال ۱۳۰۱ بمباشرت علی آقا امین حضور آشتیانی ساخته شد و با سامی مختلف درب سعادت و عمارت سر در و عالی قاپو معروف بود . در قسمت اطاقهای بالای این عمارت اعضای دفترخانه دولتی و در قسمت پائین آن دربانان و قراولان سلطنتی ساکن بودند . دیوارهای عمارت فوق با کاشیهای زیبا و گچ بری بسیار عالی تزیین شده بود که آنرا متأسفانه در سال ۱۳۰۹ خراب کردند و تنها اثری که از بنای عالی قاپو طهران باقی است کاشیهای صحنه جنگ رستم و دیو سفید است که هم اکنون در دیوار داخلی جایگاه مخصوص ورزشگاه امجدیه نصب است .



تصویر عمارت سر در بزرگ و دفترخانه در میدان اری

تمامی این عمارت‌ها و سر درها را هنگامیکه دروازه‌های دوازده گانه تهران را خراب میکردند آنها را هم نیز از بین بردند ولی تنها اثری که از ارگ قدیم بیادگار مانده یکی کاخ گلستان و دیگری توپ مروارید است. این توپ را در وسط میدان بین حوض بزرگ و دروازه نقاره خانه روی سکویی قرار داده بودند (جایی که اکنون باغچه و مجسمه است) بر طبق نوشته‌های حک شده روی آن در سال ۱۲۳۳ بامر فتح علی شاه توسط اسماعیل اصفهانی ریخته و سوارگر دیده است و به عبارت دیگر نقل شده است که این توپ را هنگامیکه شاه عباس جزیره هرمز را که متعلق به ایران بود از پرتغالیها گرفت و به علامت پیروزی آنها بشیراز آورد و بعد آغا محمد خان قاجار آنها را از شیراز به تهران حمل کرد و در این میدان قرار داد شاید جهت اینکه (این توپ را به فتح علی شاه نسبت می دهند بخاطر اشعاری است که بر توپ نقش شده ولیکن ممکن است این عمل بعداً انجام شده باشد. در زمانیکه این توپ در میدان ارگ قرار داشت عده ایی از دوشیزگان و بانوان جوان شبهای جمعه و شبهای چهارشنبه سوری جهت گشوده شدن طالع و یادارا شدن فرزند از زیر لوله آن عبور میکردند و بر چرخ آن دخیل می بستند و مراد می طلبیدند و انتظار کشف و کرامتی از آن داشتند این توپ را در زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر پس از اتمام ساختمان باشگاه افسران آنها در مدخل اصلی محوطه باشگاه بالای سکویی قرار دادند.



استخر میدان ارگ و توپ مروارید و سر در نقاره خانه

" میدان توپخانه "

میدان توپخانه جدید در زمان ناصرالدینشاه بسال ۱۳۵۱ قمری بمباشرت محمد ابراهیم خان وزیر نظام معماری با وسعت زیاد و قابل ملاحظه‌ای در شمال میدان ارگ احداث گردید . این میدان قبل از توسعه آن بسال ۱۲۸۴ قمری همان میدان ارگ فعلی بوده است . در چهار جهت این میدان شش خیابان بزرگ و ممتد قرار داشت که در دو طرف آن‌ها درخت کاشته بودند و بیشتر اوقات سال بخصوص در فصل بهار و پاییز نهادهای آبی از کنار آن میگذشت . این خیابانها عبارت بودند از : علاء الدوله (فردوسی فعلی) و لاله زار در ضلع شمالی الماسیه (باب همایون) و ناصریه (ناصر خسرو فعلی) در ضلع جنوبی - چراغ گاز (امیرکبیر فعلی) در ضلع شرقی و خیابان مریض‌خانه (سپه) در ضلع غربی این میدان قرار داشتند . هر کدام از این خیابانها از ابتدای میدان دارای دروازه و در بزرگی بود که با کاشیهای رنگین و زیبا تزئین شده بود . البته دو تای آنها که بطرف ارگ قرار داشت بنام‌های دروازه دولت و ناصریه از همه مهم‌تر و با شکوه‌تر بود و راجع به آنها در باب خیابانها مفصلاً صحبت خواهیم کرد .

در وسط این میدان یک حوض بسیار بزرگ و چندین توپ که دهانه آنها پریده بود قرار داشت و در اطراف آن ساختمان دو طبقه‌ای بنا شده بود که منزل سربازان توپچی و انبار اسلحه و مهمات آنها بود و هنوز هم قسمت کوچکی از آن باقی است که موزه و عکاس‌خانه در آن قرار دارد و در قسمت خاوری آن بانک شاهنشاهی که زمانی عمارت مجلل امیر لشکر وزیر گمرکات ناصرالدینشاه بود قرار داشت . میدان توپخانه در اوایل شهریاری اعلیحضرت رضا شاه کبیر دستخوش تغییراتی شد در شمال آن ساختمان بلدیّه (شهرداری) را با همان سبک بناهای توپخانه قدیم با مختصر تغییراتی بوجود آوردند و بانک شاهنشاهی را خراب کردند و بجای آن ساختمان کنونی بانک بازرگانی را ساختند نام این میدان با آغاز سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر به میدان سپه موسوم گردید .



میدان توپخانه (سپه) و دروازه دولت در زمان ناصرالدینشاه

شتر قربانی :

مراسم شتر قربانی در روز عید قربان که تا سال ۱۳۱۱ شمسی معمول بود در این میدان مقابل اداره نظمیه انجام میشد . این مراسم بدین ترتیب بود که ابتدا شتری را از شترخانه سلطنتی در اختیار رؤسای صنف کله پز آشپز ، قصاب پالاندوز و غیره میگذاشتند و چند روز پیش از عید آن شتر را بزرگ کرده و شالهای رنگارنگ بسر و گردن آن میآویختند روسای صف هم هر یک طاق شالی بگردن و براسترهای بزرگ کرده سوار شده چند نفر سورناچی نیز در معیت آنها اطراف ارگ میگشتند و مردم را برای تماشای روز عید دعوت مینمودند در روز عید یکی از وابستگان سلطنتی که نیم تنه اطلس سه رنگ بر تن داشت نیزه بدست جلوی این قافله بمیدان وارد میشد نزدیک ظهر نیزه را بشتر حواله میکرد . بلافاصله آن حیوان فلک زده قطعه قطعه میشد که گوشت گردن او را باندرون سلطنتی برده و برای اعیان و رجال قطعه‌ای از آن گوشت فرستاده میشد . که از آن بخورند تا موجب طول عمرشان بشود

جغرافیای تاریخی ری - تهران صفحه ۲۹

" وقایع میدان توپخانه "

شهادت حاج شیخ فضل‌اله

در سال ۱۳۲۷ هجری قمری حاج شیخ فضل‌اله نوری مجتهد را به اتهام ضدیت با مشروطه در میدان توپخانه به دار آویختند .



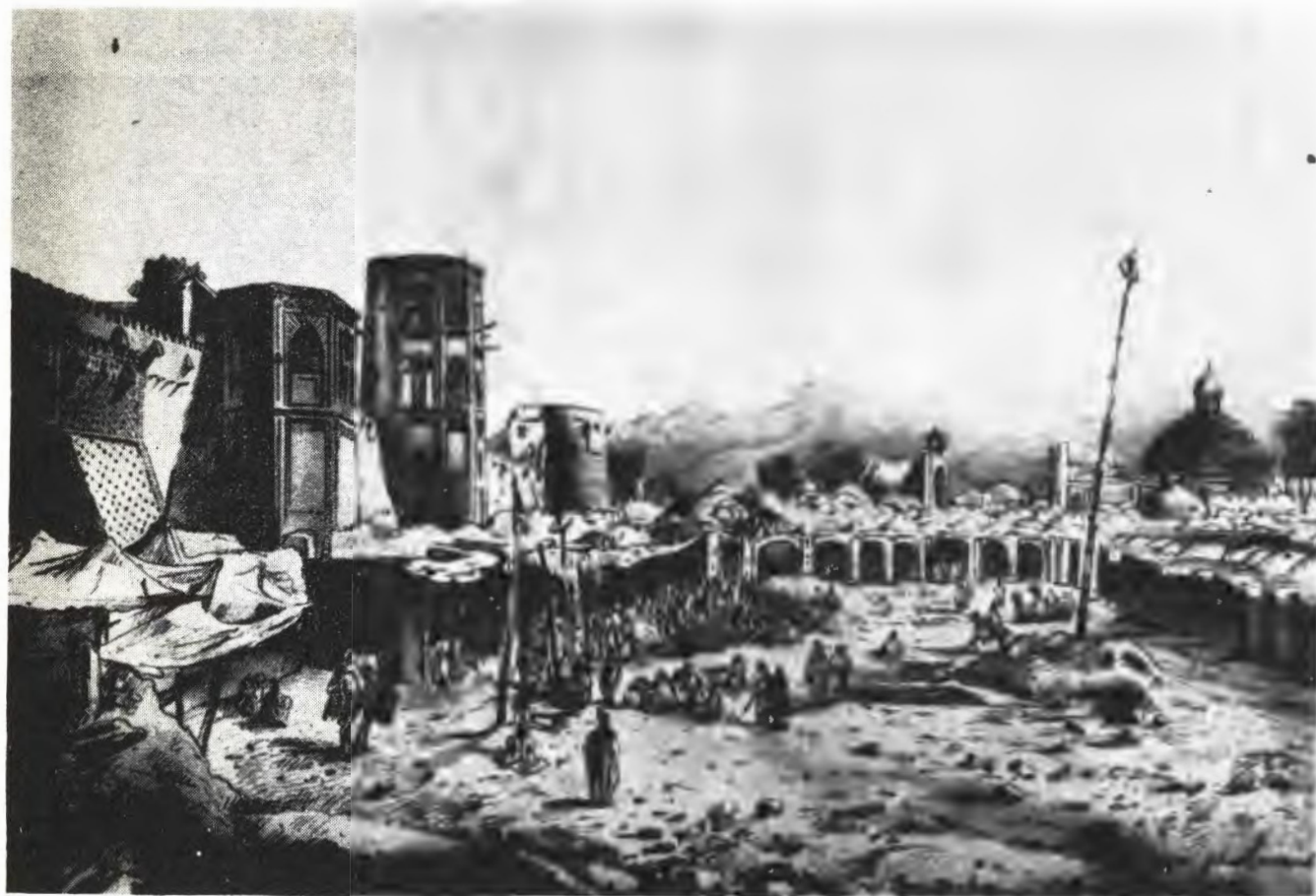
میدان توپخانه (سپه) و بانک شاهنشاهی و دروازه خیابان چراغ گاز



منظره کوه البرز از میدان توپخانه (سپه) و دروازه خیابان علاءالدوله

" سبزه میدان "

سبزه میدان در زمان صفویه تخته پل نام داشت که بعدها سبزه میدان نامیده شد و هنوز هم به همان نام باقی است . این میدان در جنوب خیابان جبه خانه عهد قاجاریه و بوذرجمهری فعلی واقع است . این میدان را از آنجهت سبزه میدان میگویند چون در زمان سلطنت زندیه و قاجاریه در حوالی پهنه آن ترجات و سبزیجات خوردنی اهالی دارالخلافه کشت می شد . در سال ۱۲۱۶ حاجب الدوله بدستور امیر کبیر تغییرات عمده‌یی در وضع این میدان ایجاد کرد و آنجا را بکلی از آن وضع کثیف و آلوده قبلی بیرون آورد و در اطراف آن حجره‌هایی که تا آن زمان کسبه کم بضاعت از قبیل جگرک پز و گاه فروش و نعلبند و مرغ فروش و امثال اینها که با برافراشتن کرباس بکسب مشغول بودند ایجاد کرد . بعدها این میدان مرکز عمده داد و ستد طهران شد بطوریکه عده‌ای از بازرگانان خارجی امتعه گوناگون ایرانی و فرنگی شبیه نمایشگاه عرضه میکردند . تیمچه حاجب الدوله که در قسمت جنوبی سبزه میدان است از آن زمان به یادگار مانده است . سبزه میدان علاوه بر مرکز تجارتی که یافته بود محل تجمع اهالی تهران در مراسم مختلف از جمله ماههای محرم بخصوص روزها تا سوعا و عاشورا بود که دسته های سینه زنی در کوچه و بازارها بحرکت در میآمد همگی در سبزه میدان اجتماع میکردند و به عزاداری و سینه زنی و روضه خانی مشغول می شدند . در زمان محمد شاه قاجار محکومین به اعدام را در این محل به دار محازات می آویختند و همچنین کسانی را که باید شلاق بخورند یا دست و گوش و بینی ببرند گاهی در این میدان انجام میشد که این مراسم همیشه با حضور عده‌ای تماشاچی انجام میگرفت . مرحوم عباس اقبال در مجله یادگار سال چهارم شماره ۹ می نویسد میدان تخته پل یا سبزه میدان در تاریخ بابیه ذکر بخصوصی پیدا کرده زیرا قبل از انتقال قاپوق یعنی دار اعدام از آنجا به قاپوق (میدان اعدام فعلی) به امر میرزا تقی خان امیر کبیر در سال دوم از صدارت او هفت تن از بابیه را که به بتوطئه برضد وی و ناصرالدین شاه متهم بودند و بابیه بعداً ایشان را شهدا سبعة خوانده اند در آن محل بدار آویختند .



تصویر نقاشی شده میدان تخته پل (سبزه میدان) و قاپوق وسط آن



سبزه میدان و چادر روضه خوانی و سربازان در مقابل دهانه بازار در عهد ناصرالدینشاه

" میدان مشق "

میدان مشق فضای وسیعی بود که در زمان فتح علیشاه تاسیس شد و ناصرالدینشاه آنجا را برای مشق نظامیان محصور کرد .

اعتماد السلطنه در کتاب الماثر و الاثار می نویسد توسعه و تجدید میدان مشق دارالخلافه تهران و ساختن دیواری مشتمل بر طاقنماهای آجری در دور تمام میدان مشق بشکل مربع باهتمام میرزا محمد خان قاجار سپهسالار در سنه ۱۲۷۸ هجرت بسال پانزدهم از جلوس همایون ناصرالدینشاه بوده است . منظور از ایجاد این میدان مشق دادن نظامیان شاه تحت نظارت استادان نظامی روسی و اروپائی بر طبق شیوه غربی بود و گاهی اوقات ناصرالدینشاه هم در بالا خانهای که هنوز هم قسمتی از آن باقی است جلوس میکرد و رژه قزاقان و مشق آنها را تماشا می نمود .

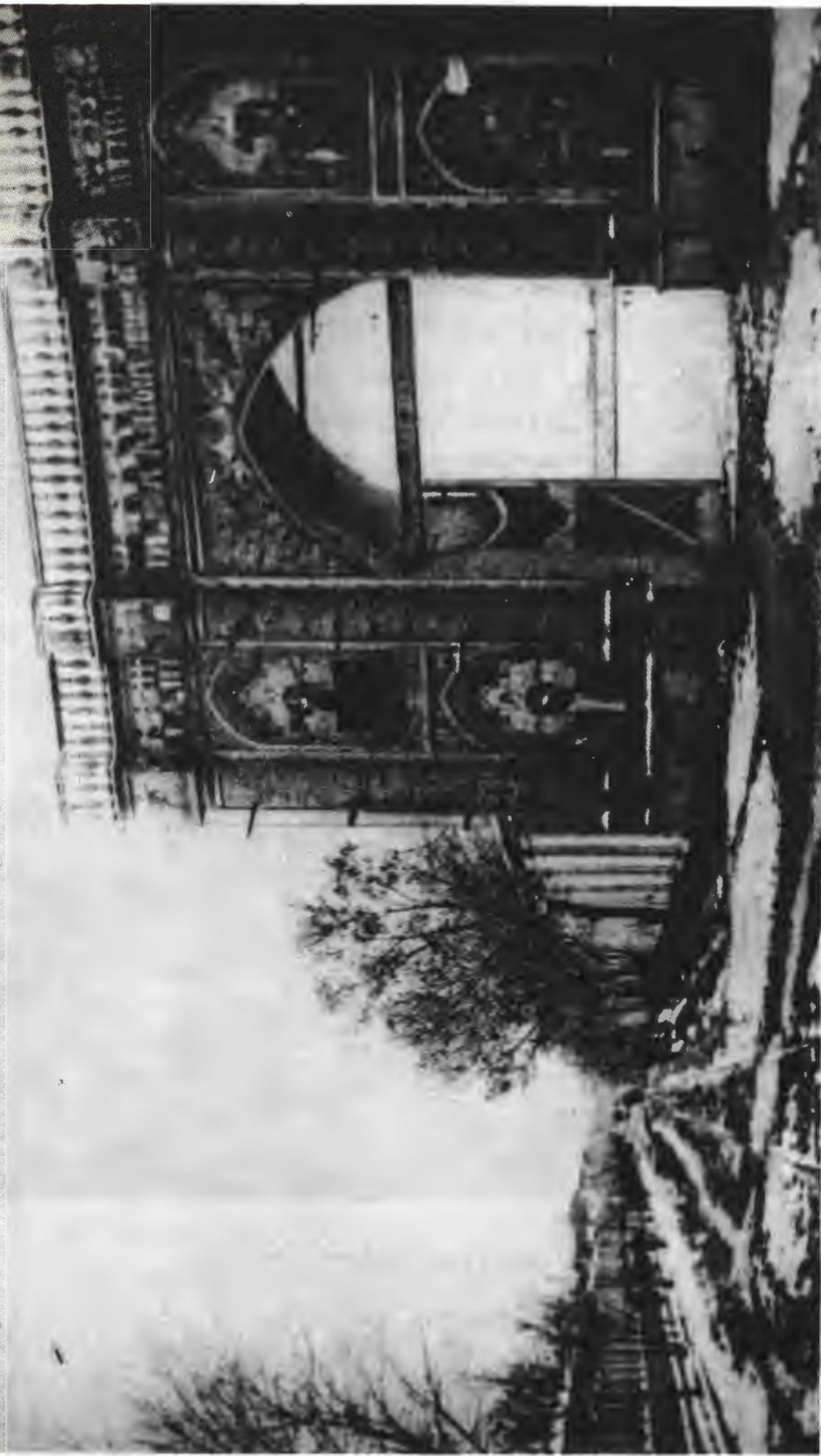
در دوران سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر این میدان باغ ملی تبدیل شد و برای آن مابین شرکت نفت و پستخانه فعلی سر در یا دروازه ای عظیم با کاشی های زیبا که با تصاویری از شیر و خورشید و تاج و پرچم نقاشی شده بود بنا نهادند و در بزرگ سر در الماسیه را که در قورخانه ساخته شده بود برای آن نصب کردند و همچنین مجسمه نیم تنه فلزی اعلیحضرت رضا شاه کبیر را که در آن زمان سردار سپه وزیر جنگ و فرمانده قشون کل ایران بود و بدستور و مراقبت آقای سردار اعتماد رئیس کل قورخانه ساخته شده بود زینت بخش این بنای تاریخی کردند این آخرین دروازه ای بود که در دارالخلافه تهران ساخته شد و مدتی هم در زمان شاه فقید بر فراز آن نقاره میزدند . این دروازه عظیم اکنون هم پا برجاست و باعث زیبایی شهر تهران و جلب توریستهای خارجی می باشد .

وضع فعلی میدان مشق

این میدان بزرگ بعدها به باغ ملی تبدیل شد و سپس به قطعاتی تقسیم گردید و اکنون اداره شهربانی - وزارت امور خارجه - اداره گمرک - باشگاه افسران و موزه ایران باستان و کتابخانه ملی و چندین ساختمان دیگر در آن محل ساخته شد .

در میدان مشق

Porte du Méidan Machke:
(Place d'exercices milit. à Téhéran).



سر در میدان مشق و خیابان مریضخانه

وقایع میدان مشق

در سال ۱۳۱۴ قمری قاتل ناصر الدینشاه میرزا محمد رضا عقدانی مشهور به کرمانی را در همین میدان بدارآویختند و لاشه‌اش دو روز بالای دار بود. نخستین هواپیمائی که در ایران به زمین نشست در زمان جنگ بین‌الملل اول بود که در همین میدان مشق فرود آمد و مردم تهران سه روز تمام به دیدن آن می‌رفتند.



سر در میدان مشق (باغ ملی) و واگون اسبی

" میدان بهارستان "

این میدان را از آنجهت بهارستان میگویند چونکه در سابق باغ و عمارت بهارستان که متعلق به میرزا حسین خان سپهسالار بود در قسمت غربی این میدان قرار داشت و در زمان مشروطیت این باغ و عمارت در اختیار مجلس شورای ملی گذاشته شد . اسم بهارستان را هم به همین جهت روی آن گذاشته اند . (مرحوم حجت بلاغی در مورد باغ بهارستان مینویسد) :

باغ بهارستان که امروز محل مجلس شورای ملی است عمارت و باغی بود که حاج میرزا حسین خان سپهسالار برای مسکن خود ساخته بود بعد از فوت او چون اولاد نداشت ناصرالدینشاه این عمارت را بدون هیچ تشریفات ضبط کرد و نگاهداری آنرا به یحیی خان معتمد الملک برادر سپهسالار با لقب مشیرالملکی وا گذاشت ، یحیی خان چند سالی که زنده بود تصرفاتی نیمه مالکانه و نیمه مباشرانه در آن میکرد . او که مرد این عمارت هم بالمره بلا مانع شد ولی در هر حال بهارستان چه در زمان حیات یحیی خان و چه بعد از فوتش یکی از عمارت دولتی بشمار میآید اسم بهارستان را هم به همین جهت روی آن گذاشتند که اسم و سابقه مالکیت سپهسالار فراموش نشود .

در قسمت شمالی این میدان باغ نگارستان فتح علیشاه قاجار قرار داشت مدخل این باغ در جلو میدان بهارستان و خود باغ در شمال میدان مزبور قرار داشت در سال ۱۲۸۴ هجری قمری شهر تهران را که توسعه می دادند این باغ جزء شهر شد و بعدها زمین این باغ را قطعه قطعه کردند و ساختمانهای مختلف در آنجا ساختند و هنوز هم قسمتی از عمارت و حوض خانه فتح علیشاه باقی است که در اختیار وزارت فرهنگ و هنر می باشد . سرسره معروف فتح علیشاه قاجار هم که با زنان لخت خود مشغول عیش و خوشی میشد در این باغ قرار داشت . این سرسره از سنگ مرمر و مورب ساخته شده بود . طول آن سه متر و عرضش تقریباً یک متر بود و آنرا مانند ناودانی که کج بگذارند و از داخل آن پائین بیایند قرارداده بود . زنان لخت فتح علیشاه روی آن سنگ می نشستند و می لغزیدند و تا پائین می آمدند و شاه در پائین آن مشغول تعیش میشد .



قسمتی از میدان بهارستان و عمارت مجلس شورای ملی



حیاط و عمارت مجلس شورای ملی

لقانطه

در ضلع جنوبی این میدان باغ مصفائی قرار داشت که آنرا میرزا غلام حسینخان لقانطه بصورت کافه‌ای دایر کرده بود. در تابستانها کنار استخر بزرگ باغ و در زمستانها در سالن این باغ که مشرف به میدان بود از مشتریان خودپذیرائی می‌کرد.

وقایع میدان بهارستان :

در مورد چگونگی وقایع این میدان بطور خلاصه گفته میشود این میدان همواره محل زد و خورد و کشت و کشتار و بلواها و آشوب‌های سیاسی تهران بوده است که ما به ذکر چند نمونه از آن اکتفا میکنیم.

۱- در سال اول مشروطیت در همین میدان بهارستان میرزا علی اصغر خان اتابک رئیس‌الوزرا وقت را با گلوله عباس آقا مجاهد از پا درآمد و خود قاتل هم انتحار کرد

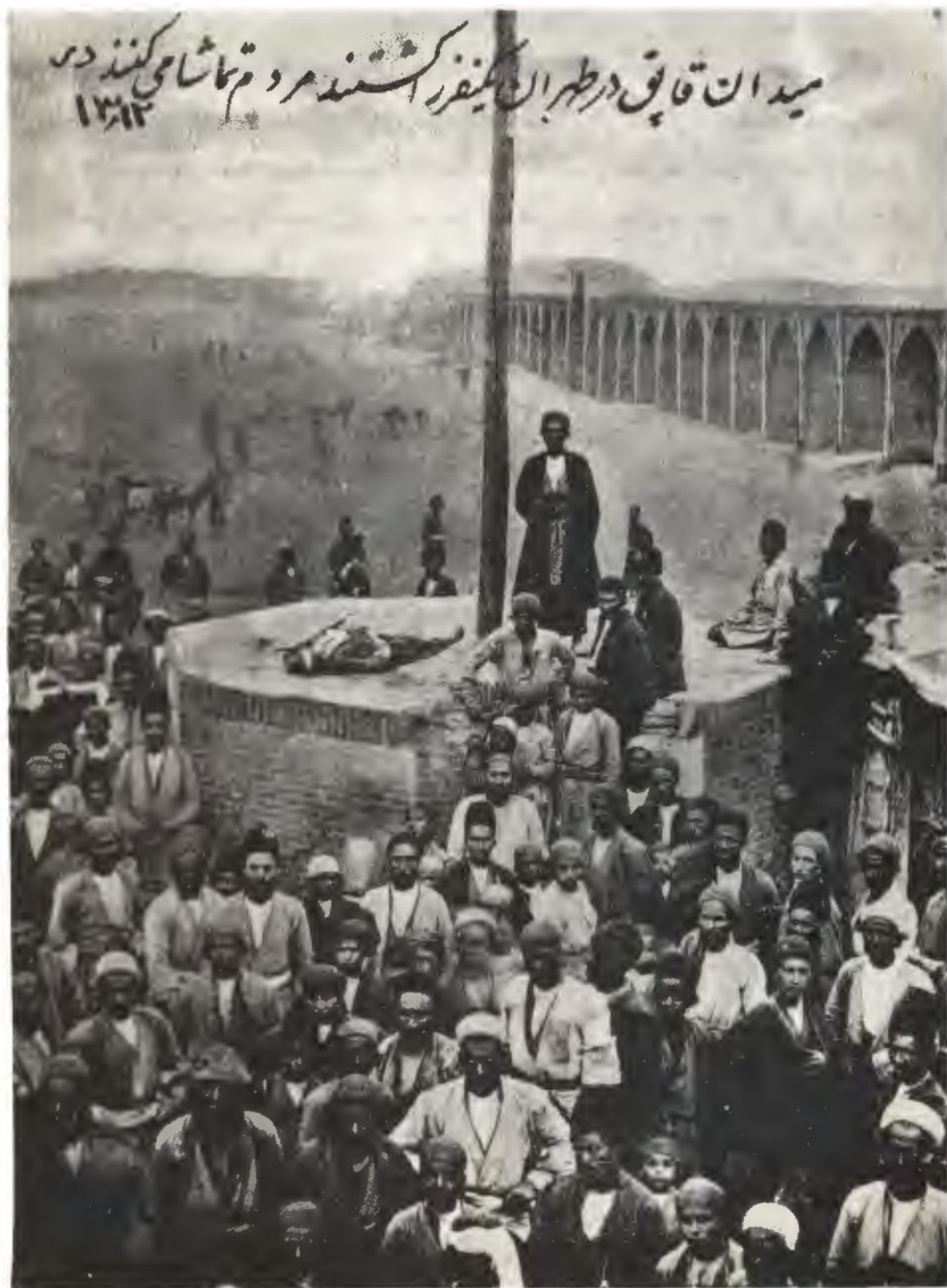
۲- در ظرف نیم قرن مشروطیت ایران چهار پادشاه برای اداء قسم در مجلس شورای ملی از این میدان گذشته و در طول همین مدت نه مرتبه در این میدان تیراندازی و خونریزی شد.

۳- به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۶ از وقایع مهمی بود که در این میدان اتفاق افتاد. علت به توپ بستن مجلس توسط محمد علیشاه پرتاب نارنجک بسوی او و بدگوییهای مشروطه خواهان نسبت باو بود.

۴- در سال ۱۳۴۷ شمسی حسنعلی منصور نخست وزیر را هنگام پیاده شدن از اتومبیل مقابل در ورودی مجلس شورای ملی بقتل رسانند. ضارب که بعنوان تقدیم عریضه به نخست وزیر پیش رفت جوانی بود بنام محمد بخارایی که چند تیر بطرف وی شلیک کرد. پس از دستگیری محمد بخارائی دو تن از دستیاران وی باسامی مرتضی نیک نژاد و رضا صفار هرنیدی نیز بازداشت شدند که ضمن تحقیقات که از ایشان بعمل آمد معلوم شد وابسته بیک دسته متعصب مذهبی میباشند که اعضای آن دسته نیز دستگیر شدند.

" میدان اعدام "

میدان اعدام یا پاقاپوق امروزی که در جنوب غربی طهران قرار دارد از میدانهای قدیمی طهران است که در سابق خارج از شهر بوده و برای رسیدن بآن می بایستی از کوچه و پس کوچه های کج و معوجی می گذشتند تا بآن برسند زیرا مانند امروز از طریق خیابان خیام مستقیماً " باین میدان راه نداشت " . در اطراف این میدان باغهای میوه بزرگی چون باغچه چالی و باغچه انگوری وجود داشت و در میان این باغها گورستانی بود که مربوط به تهران می شد و عباس آقا قاتل اتابک را در همان گورستان بخاک سپردند و سید جمال واعظ اصفهانی . پدر جمال زاده معروف در شب هفت و چله او در همان گورستان سخن رانی کرد . وجه تسمیه نام اعدام به این خاطر بود محکومین به اعدام را در وسط این میدان به دار مجازات می آویختند . البته قبل از اینکه محکومین به اعدام را وسط این میدان حلقه آویز کنند بر بالای سکویی گرد و کوتاه که از آجر ساخته شده بود و در وسط این میدان قرار داشت سربسیدند . رفته رفته سربسیدن موقوف شد و طناب دار به میان آمد و سپس طناب اندازی در این میدان تعطیل شد و این عمل در میدان توپخانه (سیه امروزی) جلوی اداره راهنمای انجام میشد . و تا سالها پیش جای تیر طناب اندازی آن مشخص بود . نام فعلی این میدان محمدیه می باشد وجه تسمیه این نام شاید بخاطر دروازه ای بوده است که در زمان محمد شاه قاجار مابین این میدان و آرامگاه سید ناصرالدین بوده است که بنام دروازه محمدیه یا دروازه غار قدیم خوانده می شد که اکنون نام آنرا روی این میدان گذاشته اند .



میدان پا قاپوق (اعدام)

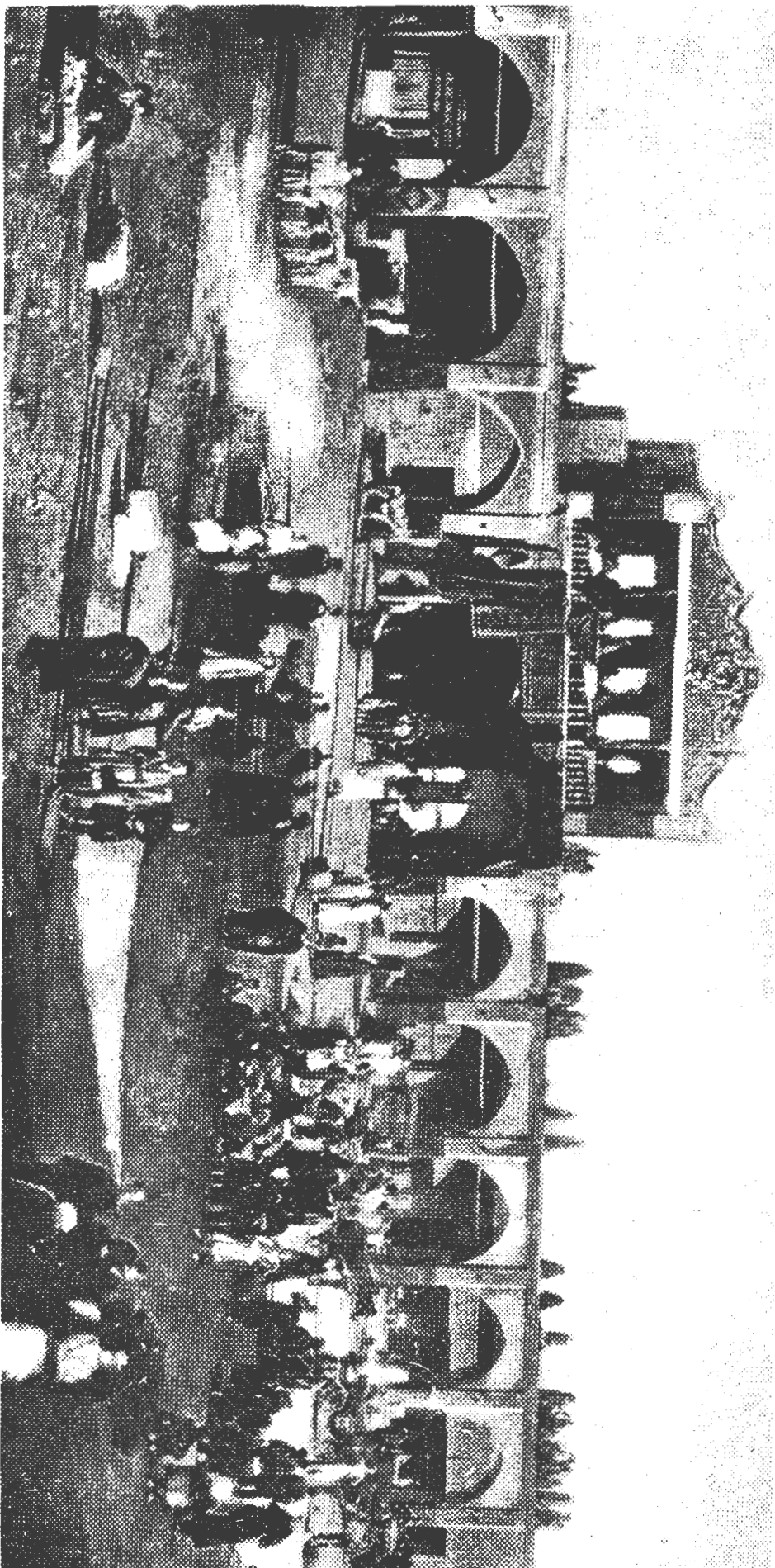
" میدان مالفروشها "

مردم تهران قدیم برای خرید وسیله نقلیه بجای رفتن به دفتر معاملات اتومبیل امروزی به میدان مالفروشها که نزدیک بازار آهنگرهای فعلی جنب بقعه سید اسماعیل بود میرفتند و در آنجا مال که عبارت بود از اسب و الاغ و شتر و قاطر خریداری میکردند. هر روز صبح عده‌ای مال دار مالهای خود را که بدون زین و پالان بود به این میدان می‌آوردند و خودشان در زیر سایه بان و یا سقفی به انتظار مشتری می‌نشستند و مشغول صحبت کردن و چپ‌کشی و نوشیدن چای می‌شدند. همیشه یک عده دلال هم در اطراف میدان در تگاپو بودند و میدان دارای میکردند و هنگامیکه مالی میخواست خریداری شود اگر خریدار سوار کار بود خودش مال را امتحان میکرد و الا این کار را دلال انجام می‌داد. و بعد از آن نوبت به تعیین سن مال می‌رسید. لذا با چیزی کلبتین مانند دهان حیوان را باز میکردند و دندان‌هایش را می‌شمردند و تیزی و صافی آنرا معاینه میکردند. همچنین معامله انجام می‌شد اول از همه مال را به بازار آهنگرها می‌بردند و نعل میکردند و بعد هم با یک تکه آهن اسم صاحب مال و یا علامت مخصوص توی آتش سرخ کرده و به کفل حیوان می‌زدند و به اصطلاح آنرا داغ میکردند. روی کفل اسبها شاهی علامت تاج داغ میکردند و دم آنها را رنگ قرمز میکردند.

بعد از تمام این کارها نوبت به خریدن زین و برگ و پالان و توشکچه و افسار و زنجیر رکاب می‌رسید که تمامی این لوازم در بازار پالان دوزها که مجاور میدان بود می‌رفتند. در بیرون میدان هم عده‌ای با طشت‌های پر از حنای خیس کرده آماده حنا بستن به دست و پای مالها بودند و گاهی با حنا گل و بوته به گردن مالها می‌انداختند.

مرحوم شیخ شیپور که از مردان نیک و خوش مشرب بود اغلب به این میدان می‌آمد و در مراسم حنا بستن شرکت میکرد و با خریداران و فروشندگان بشوخی می‌پرداخت.

مجلس شورای اسلامی ایران - به پیشنهاد و تصویب هیأت وزیران -
در تاریخ ۱۳۳۵/۱۰/۲۵ - در جلسه هیأت وزیران -
تصویب شد.



میدان امین‌السلطان در زمان ناصرالدینشاه

وسایل

حمل و نقل طهران قدیم

وسیله حمل و نقل مردم تهران قدیم در داخل شهر تا پیش از آمدن اتومبیل بایران از چندین وسیله نقلیه ابتدائی استفاده میکردند که عبارت بود از واگون اسبی - درشکه و کالسکه . از پالکی و کجاوه هم هنگام مسافرت های دور استفاده میکردند .

بعضی از طبقات مختلف مردم هم برای ایاب و ذهاب وسیله نقلیه مخصوص بخود داشتند مثلاً " علماء و تجار بیشتر از قاطر استفاده میکردند . روضه خوانان با الاغ به این طرف و آن طرف می رفتند جوانان و تجار و اعیان اسب سواری داشتند .

وسیله نقلیه عمومی مردم شهر هم فقط منحصر به درشکه و واگون اسبی و در اواخر ماشین دودی بود که توسط یک کمپانی بلژیکی در سال ۱۳۰۵ ه . ق تاسیس گردید که با زیاد شدن اتومبیل در تهران بساطش بر چیده شد .

" درشکه "

درشکه وسیله رفت و آمد مردم تهران بود و بیشتر جنبه عمومی داشت و همه ساکنین پایتخت میتوانند از آن استفاده کنند . درشکه عبارت بود از یک اطاق روباز با که بوسیله چهار چرخ و بعضی با دو چرخ حرکت در می آمد . دو چرخه ها با یک اسب و چهار چرخه ها با دو اسب کشیده میشد . بین دو اسب مالبندی چوبی بود که برابر طول اسب آنها را به طرفین می بستند در دو چرخه ها اسب بین دو مالبند قرار می گرفت . افسار اسب را درشکه چی که در صندلی جلو مسلط بر اسبان بود بدست میگرفت . و آنها را با چوب بلندی که شلاق مانند بود حرکت در می آورد . در هر درشکه سه نفر جا داشت . دو نفر روبه درشکه چی و یک نفر هم پشت به درشکه چی می نشست . سقف درشکه ها تا شوبود و در هنگام بارانی و یا آفتابی بودن هوا آنها را باز میکردند و در هنگام خوب بودن هوا آنها بسته و در پشت جمع میکردند .

"واگون اسبی یا تراموای اسبی"

واگون اسبی یا تراموای اسبی را یک کمپانی بلژیکی در اواخر سلطنت ناصر -الدینشاه برای رفت و آمد اهالی دارالخلافه تهران بکار انداخت . این وسیله ، نقلیه بر روی ریلهایی که بر سطح زمین نصب شده بود بوسیله دو تا چهار اسب کشیده میشد . و تقریباً " بیشتر خیابانهای اصلی شهر را بهم متصل میساخت . هر واگن سه کوبه مجزا از هم داشت که البته کوبه وسطی با جدار و محفوظ مخصوص خانم ها و دو کوبه طرفین سی جدارولی مسقف و مخصوص مشتریان مرد بود و بر روی نیمکت هایی که در دو طرف قرار داشت می نشستند ، این کمپانی در خیابان ماشین خانه (اکباتان فعلی) ایستگاهی جهت واگن ها و طولیله اسبان دایر کرده بود و هر روز صبح واگنها را از ماشین خارج کرده و بمیدان توپخانه (سپه) می آوردند و پس از سوار کردن مسافر از آنجا به خیابانهای لاله زار - ناصریه - چهار راه حسن آباد تادر و از قزوین و از خیابان چراغ برق تا سه راه امین حضور و از سه راه امین حضور تا گار ماشین (ری امروزی) را طی میکرد . خدمه این وسیله نقلیه عبارت بودند از یک واگن چی که ترمز واگن و حرکت در آوردن واگن در اختیار او بود و یک بلیط فروش که هنگام ورود مسافر به واگن باو بلیط میفروخت و پولش را که چند دیناری بود دریافت میکرد . علاوه بر اینها ممیزی هم بر سر دوراهی ها بود که بلیط ها را کنترل و پاره میکرد . هر واگن که به آخر خط می رسید واگنچی اسبها را از جلو باز کرده و به عقب واگن می بست و خطر رفته را دوباره باز میگشت و بمیدان توپخانه که میرسید اسبهای خسته را با اسبهای تازه نفس عوض میکرد .

واگن اسبی یا تراموای اسبی به اندازه ای کم سرعت بود که مردم در حال حرکت میتوانند سوار و یا پیاده شوند و اغلب در فصل زمستان اتفاق می افتاد بعلت یخ بندان و لغزنده بودن زمین واگونها از خط خارج میشد و برای برگرداندن واگن روی خط مسافران پیاده میشدند بکمک واگن چی واگن را دوباره روی خط بر میگرداندند . و باز به حرکت خود ادامه می داد . با این وسیله نقلیه مردم تهران مدتها آمد و شد میکردند تا اینکه سرانجام بعلت برقی نکردن آن بناچار بلدیة تهران موقع خیابان سازی قسمت به قسمت خط آهن واگن اسبی را در زیر خاک مدفون ساخت و باین ترتیب واگن اسبی از خیابانهای تهران بر چیده شد .



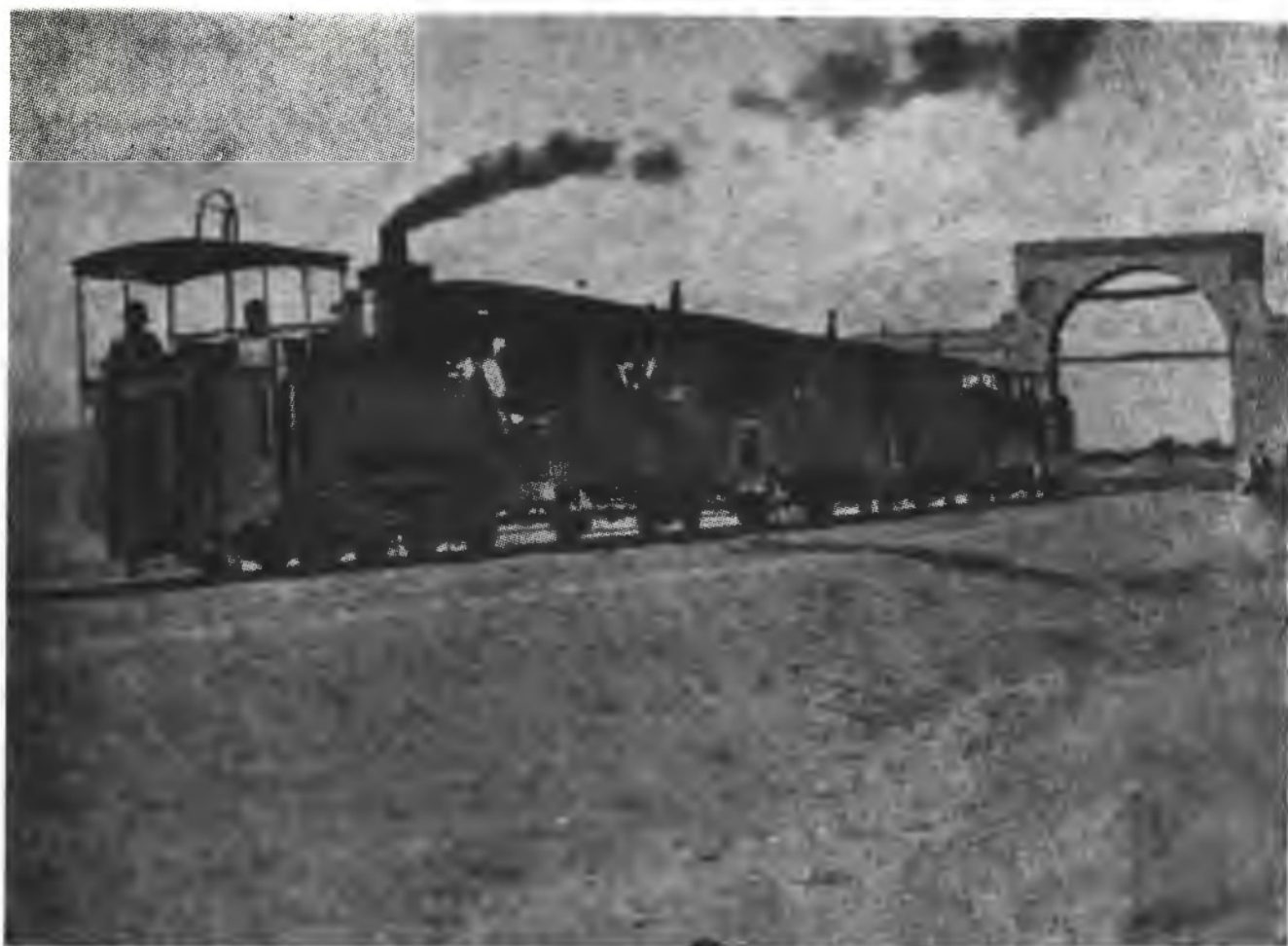
واگون اسی (ترا موای اسی)

ماشین دودی

ماشین دودی قدیمی‌ترین راه آهن تهران بود که در زمان ناصرالدین‌شاه بعد از ساخته شدن تراموای اسبی توسط یک مهندس بلژیکی موسوم به (فایرس بواتال) تاسیس گردید و مجموعاً " مدت دو سال ریل‌گذاری و کارهای دیگر آن بطول انجامید و در سال ۱۳۰۵ رسماً " افتتاح گردید .

این قطار یا ماشین دودی مسافتی را در حدود پانزده کیلومتر را بین تهران حضرت عبدالعظیم طی میکرد یک ایستگاه پای ماشین (ری امروزی) و یک ایستگاه هم در حضرت عبدالعظیم داشت . مسافرین تهران در ایستگاه پای ماشین بلیط می‌خریدند و در گار ماشین با شور و سرو صدامنظر حرکت ماشین می‌شدند و بمحض شنیدن صوت حرکت در گار باز میشد و مسافرین بطور ازدحام به محوطه گار می‌ریختند و سوار ماشین می‌شدند .

اطاقهای این ماشین در زمستان محفوظ و در تابستان با جدار نرده‌ای مسدود بود . رفتن به زیارت حضرت عبدالعظیم و سوار شدن به ماشین دودی از تفریحات مردم تهران بود . عده‌ای از جوانان هم دور از نظر بازرسی به بالای سقف واگن‌های ماشین می‌رفتند و در جهت و موافق حرکت ماشین روی سقف مسابقه دو می‌دادند . این وسیله نقلیه در زمانیکه اتومبیل در تهران زیاد شد امتیازش لغو و بساط آن برچیده شد .



دو تصویر از ماشین دودی (ترن تهران - شاه عبدالعظیم)

پالکی

پالکی جعبه‌ای بود دارای کف و جدار آن بیش از نیم گز بلند بود . شخص می‌توانست تشکچه‌ای زیر پا و پشته یا مخده‌ای به پشت نهاده و چهار زانو در آن بنشیند. برای برقراری تعادل دو پالکی در دو پهلوی استرواسب می‌بستند و دو نفری در آنها می‌نشستند . البته این دو پالکی با طنابهای محکم بهم بسته شده و بر پشت مرکوب از دو طرف آویزان می‌شد .

کجاوه

کجاوه قدری بزرگتر بود که دو نفر هم در یک کجاوه می‌نشستند و بعلاوه مسقف نیز بود و چادری جدار سه طرف آنرا تشکیل می‌داد که در موقع خوبی هوا آن چادر بکنار زده میشد .

" کالسکه "

این وسیله نقلیه تعدادش بسیار کم بود و بیشتر جنبه تشریفاتی داشت و منحصر به خانواده‌های سلطنتی اعیان و اشراف پایتخت بود . کالسکه اطاقی داشت با درهای شیشه‌ای واشو و سقف که به وسیله چهار و گاهی اوقات شش اسب که جفت به جفت پشت هم بسته می‌شد بحرکت در می‌آمد .

کاروانسرا با پالکی



ماخذ و منابعی که برای تالیف ضمیمه این کتاب
از آنها استفاده شده است

- ❖ تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی
- ❖ تهران درگذشته نزدیک از زمان
- ❖ تاریخ تهران
- ❖ عکسهای ضمیمه. از آقای کریم زاده تبریزی آقای محسن میرزائی
- فتو طهامی و ارگ سلطنتی
- ❖ گردآورنده حسن مبلی فرد
- تالیف آقای یحیی ذکاء
- " " حسین جودت
- " " مرحوم سیدحجت بلاغی



کتابخانه ملی و اسناد ایران